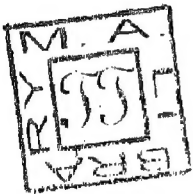


RESERVED.



M.A.LIBRARY, A.M.U.



PE3205

وقضى بك أن لا تعبد إلا آية بالو الدين احسانا

بفضل الشهاب الميم وكرمهم ايمهم قد اطبع هذا الكتاب الفخيم عني

اللاتيم في بيان ابيابى الكريم

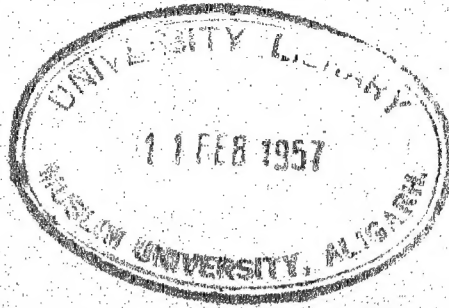
من خلفه الذكى اللبيب اخرى الدارين في الجدا لا شيل وفضل تحليل خلف سلف الشر
المولوى محمد تقى جيب رلازالت لواع علومه مشرق كاشق الا زهر
تحت ادارة صاحب الصدق واليقين المولوى محمد وسيم الدين زرقه الله قسط اجزا من فوضه

والمطبعة الممه ننه برياست لا مفعول المحمدي



نشریات دانشگاه تهران

۲۸۳



احادیث مشهور

مشمول از مواردیکه مولانا در مثنوی از احادیث استفاده کرده است
با ذکر وجوه روایت و مآخذ آنها

بجمع و تدوین

بدیع الزمان فروزانفر

استاد دانشگاه طهران

بهمن ماه ۱۳۳۴



انتشارات دانشگاه تهران

۲۸۳



احادیث مثنوی

مشمول بر مواردیکه مولانا در مثنوی از احادیث استفاده کرده است
با ذکر وجوه روایت و مأخذ آنها

بجمع و تدوین

بدیع الزمان فروزانفر

استاد دانشگاه تهران

بهمن ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب

صفحة ۱ - یب	مقدمه مؤلف
« ۱ - ۲۲۶	متن کتاب
« ۱	فهرست آیات
« ۲ - ۳۰	فهرست احادیث
« ۳۰	فهرست اشعار عربی
« ۳۲ - ۳۹	فهرست اسماء رجال و نساء
« ۴۰	فهرست اماکن
« ۴۱ - ۴۸	فهرست اسامی کتب

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة. گذشته از قرآن کریم که نبشته خدای و کلام حضرت عزت است هیچ سخن را آن ارج و قدر و عظمت و نبالت نبوده و نیست و مسلمین جهان آنمایه بدان اهتمام نورزیده اند که بحديث رسول (ﷺ) و اخبار معصومین سلام الله علیهم. حفظ و ضبط اقوال حضرت رسول اکرم (ﷺ) هم در زمان حیات مورد اهتمام و توجه صحابه بود و بعضی چون عبدالله بن عمرو بن العاص آنها را بقید کتابت نیز در می آوردند و چون جمال کریم وی روی در تنق غیرت کشید و بصورت در حجاب مکرمت حق مختفی گردید عنایت اصحاب بجمع و تدوین گفتار و آداب و سنن نبوی فزونی گرفت و وسعت مملکت اسلام و احتیاج روزافزون مسلمانان بوضع قوانین و احکام، این عنایت را مضاعف ساخت و شدت ایمان و اخلاص که موجب تأدب و تخلق بآداب و اخلاق نبوی بود و بضرورت مسلمانان را باستقصای بلیغ در جمع سنن و اقوال آن سرچشمه فیاض اخلاق و اوصاف ملکوتی وادار میکرد، بدین اسباب ضمیمه گشت تا مسلمانان جمع و حفظ حدیث را از اهم وظایف علمی و دینی خود قرار دادند و باشور و شوقی شگفت و عشق و طلبی راستین بجمع و نقل و حفظ و تقیید آن پرداختند چندانکه برای سماع خبر و روایتی تکلف سفرهای دور و دراز را امری سهل گرفتند و مال و عمر عزیز را درین راه مردوار و عاشق آسا در باختند و هنوز قرن اول سپری نشده جمع کثیری از تابعین و ائمه اسلام بوخور روایت و کثرت نقل حدیث شهره و انگشت نما شدند و چون نوبت بتدوین و کتابت علوم رسید نخستین فنی که مطمح نظر و عنایت شد همین فن شریف بود و علمای بزرگ از روی کمال صدق و یکدلی احادیث نبوی را در بطون صحائف و اوراق

ثبت نمودند و بحث در حدیث از جهت مراتب رواة در صدق و امانت و قرب و علو اسناد و صحت نقل و ضعف روايت آغاز گردید و چون اخبار نبوی مستند جمیع فرق اسلامی بود و احتمال بلکه قطع بوضع و جعل روايت در بعضی موارد و از طرف پاره‌یی از فرق و طوائف انکار ناپذیر می نمود دقت و بحث در احوال رواة واجب و لازم آمد و درایه و معرفت رجال فنی جدا گانه و مستقل گردید و چنانکه پوشیده نیست فقها و متکلمین و مفسرین و دیگر طبقات علمای اسلام در اثبات و تقریر مطالب و عقاید خود تا جایکه دسترس داشته‌اند با حدیث استناد جسته‌اند و درین روش کار بدانجا کشیده‌است که بعض اطبا و منجمین و جغرافی نویسان نیز از طریقۀ علمای دین پیروی نموده‌اند و همچنین اصولی که محدثین در تشخیص مراتب روايت از صحیح و سقیم و قوی و ضعیف و درجات رواة از عدل و ثقة و ضعیف الاسناد و ثبت و کنوب و نظائر آنها اتخاذ کرده‌اند در حقیقت مبنای نقد ادبی و لغوی و تاریخی قرار گرفت و بزرگان ادبا و لغویین و مورخین نکات ادبی و نوادر لغت و اخبار و حوادث تاریخی را با ذکر سلسلۀ رواة نقل می نمودند و نظر بآنکه احادیث از جهت فصاحت و بلاغت و حسن ایجاز و اشتمال بر اصول معارف الهی و بشری پس از قرآن کریم بحکم انا افصح من نطق بالاضاد و او تیت جوامع الکلم در زبان عرب بی همتا و نظیر بود ادبا و مترسلین و شعرا برای تحصیل ملکہ بلاغت و نیز آرایش گفتار و توشیح و تدبیج مکاتیب و رسائل و قصائد و مقطعات خود در حفظ و ایراد احادیث می کوشیدند و اندیشه و رویت کار می بستند و بسیاری از امرا و وزرا که مشوق شعرا و حامی کتاب و نویسندگان بودند خود از رواة حدیث بشمار میرفتند چنانکه از امرا و شهریاران سامانی امیر احمد بن اسد بن سامان (متوفی ۲۵۰) و فرزندان وی ابو ابراهیم اسمعیل بن احمد (متوفی در ماه صفر ۲۹۵) و ابو الحسین نصر بن احمد (متوفی در جمادی الآخرۀ ۲۷۹) و ابو یعقوب اسحق بن احمد (متوفی ۲۱ صفر ۳۰۱) در طبقات رواة ذکر شده‌اند و ابو الفضل محمد بن عیبدالله بلعمی وزیر مشهور سامانیان (متوفی دهم صفر ۳۲۹) روايت حدیث میکرده است و امیر ابراهیم بن ابی عمران سیمجور

ج

و پسر او ابو الحسن (ناصر الدوله) محمد بن ابراهیم از اکابر امرای سامانی و سالار خراسان در عداد رواة حدیث بشمارند و ابوعلی مظفر (یا محمد) بن ابو الحسن (مقتول رجب ۳۸۸) که امیر خراسان بود و دعوی استقلال میکرد راوی حدیث بود و مجلس املاء داشت و ابو عبد الله حاکم بن الیبع (متوفی ۴۰۵) از وی سماع داشته است (انساب سمعانی در ذیل کلمه: سامانی و بلعمی و سیمجوری) و همچنین یمین الدوله محمود غزنوی (۳۸۹ - ۴۲۱) در معرفت فقه و حدیث دست داشته و از علوم دینی مطلع بوده است و عتبی در این باره میگوید: فقرأ الكتب وسمع التأویل و تتبع القیاس و الدلیل و عرف الناسخ و المنسوخ و الخبر الصحیح و الموضوع و تلقن من اصول الدین ما لم یستجزمه بدعة (تاریخ عتبی در حاشیه منینی طبع مصر صفحه ۲۳۹) و در فقه بر وفق مذهب ابو حنیفه نعمان بن ثابت (متوفی ۱۵۰) کتابی بنام تفرید بدو نسبت میدهند (الجواهر المضية، طبع حیدرآباد، ج ۲، ص ۱۵۷ کشف الظنون طبع آستانه، ج ۱، ص ۲۹۷) و مؤلف الجواهر المضية نام وی را در شمار فقهاء حنفیه آورده و بنقل از شیخ الاسلام مسعود بن شیبه گوید که وی از اعیان فقها و در فقه و حدیث صاحب تصنیف بوده است (الجواهر المضية، ج ۲، ص ۱۵۷) و همچنین خوارزمشاه تکش بن ایل ارسلان (متوفی ۵۹۶) فقه را بمذهب ابو حنیفه یاد گرفته بود و در مجلس وی مسائل فقه و اصول مذهب طرح میشد و اهل فن بیعت و گفتگو می پرداختند (الجامع المختصر طبع بغداد، ص ۳۵) و غیاث الدین محمد بن سام غوری (متوفی ۵۹۹) از فقه شافعی بی اطلاع نبوده است (همان کتاب، ص ۱۰۵) و هیچ شك نیست که شعراء پارسی گوی نیز غالباً در ضمن تعلم لغت و ادب کتب حدیث را که بهترین نمونه کلام فصیح عربی است خوانده و در حفظ داشته اند و از قدیم ترین عهد تأثیر مضامین احادیث در شعر پارسی محسوس است چنانکه این قطعه رودکی:

زمانه پندی آزاد وار داد مرا	زمانه را چونکو بنگری همه پند است
بروز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری	بساکسا که بروز تو آرزومند است

تعبیرست شاعرانه و لطف آمیز از این حدیث :

أَنْظَرُوا إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكُمْ
فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزِدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.

(احیاء العلوم، طبع مصر، ج ۲، ص ۱۵۹ جامع صغیر، طبع مصر، ج ۱، ص ۱۰۸)

همچنین بیت ذیل :

این جهان پاک خواب کردار است آن شناسد که دلش بیدار است
بی گمان ترجمه گونه‌یی است از این حدیث :

أَلَدُنْیَا حُلُمٌ . که مأخذ آن در کتاب حاضر صفحه ۸۱ ذکر شده است .
و ظاهراً استاد سمرقند خود نیز از رواة حدیث بشمار میرفته هر چند که
سمعی در باره وی گفته است : لَمْ أَر لَهُ حَدِيثًا مُسْنَدًا . (انساب، در ذیل: ورود کی)
و تأثیر احادیث در سائر آثار منظوم و منثور قرن چهارم نیز کم و بیش مشهود
میگردد .

از اواخر قرن چهارم که فرهنگ اسلامی انتشار تمام یافت و مدارس در
نقاط مختلف تأسیس شد و دیانات اسلام بر سائر ادیان غالب آمد و مقاومت زردشتیان
در همه بلاد ایران با شکست قطعی و نهایی مواجه گردید و فرهنگ ایرانی بصبغة
اسلامی جلوه‌گری آغاز نهاد و پایه تعلیمات بر اساس ادبیات عربی و مبنای دین
اسلام قرار گرفت بالطبع توجه شعرا و نویسندگان بنقل الفاظ و مضامین حدیث
فزونتی گرفت و کلمات و امثال و حکم پیشینیان در نظم و نثر کمتر می آمد چنانکه
بحسب مقایسه در سخن دقیقی و فردوسی و دیگر شعراء عهد سامانی و اوائل عهد
غزنوی نام زردشت و اوستا و بزرجمهر و حکم وی بیشتر دیده میشود تا در اشعار
عنصری و فرخی و منوچهری که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم میزیسته‌اند .
و چون حکومت سلجوقی در بلاد ایران مستقر آمد رجال و وزراء آن
دولت در انشاء مدارس اسلامی مسابقت جستند و بهم چشمی یکدیگر برای ترویج

مذهبی که پیرو آن بودند مدارس بنا نهادند و برای رفاه طلاب و مدرسین آن مدارس، املاک و مزارع حاصل خیز وقف کردند تا در نتیجه تحصیل علوم دینی رواج تمام یافت و عده طلاب روی در ازدیاد نهاد و مجالس درس و بحث و نظر گذشته از شهرها دردهات و قصبات رونقی بسزا گرفت و شعرا و نویسندگان که بالضروره در همین مدارس تربیت میشدند سرمایه کافی از علوم دینی و فنون مذهبی بدست می آوردند و از آنجا که گفتار هر گوینده خواه نظم باشد یا شر ظهور و جلوه مراتب تربیت و تفکر اوست خواه و ناخواه از مبانی دینی متأثر بودند و گفته‌های خود را باحادیث و اقوال ائمه دین (سلام الله علیهم) آرایش می دادند.

بسط و توسعه و عطف و تذکیر و ظهور و عطف بزرگ از قبیل محمد و احمد غزالی (متوفی ۵۰۵ و ۵۲۱) و قطب الدین مظفر بن اردشیر عبادی (متوفی ۵۴۷) و ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی (متوفی ۵۹۷) که در عطف قدرت بی نهایت داشتند و تأثیر کلامشان در مستمعین بیرون از حد وصف بود و اقبال عامه ناس بمجالس و عطف که قطعاً پایه و مایه اصلی آن بحث در آیات و روایات و ذکر نکات و دقائق و حل مشکلات و تأویل آنها بشمار میرفت راه را برای شعرا و گویندگان در اقتباس از قرآن و حدیث هموار ساخت زیرا غالب آن موارد را مردم یا در مدرسه خوانده و یا در مجالس و عطف شنیده بودند و برای آنان حکم مثل داشت و هرگز بگوشها عجب نمی آمد و با اصطلاح قرع سمع نمیکرد و این واعظان و مذکران که اغلب از علماء مبرز و مشهور و سخنران و نکته سنج و نادره پرداز بودند اشعار فصیح و گزین بتازی و پارسی از برداشتند و منابر و مجالس خویش را بایات شیوا می آراستند و خود نیز از قریحه شعر و طبع موزون بی نصیب نبودند چنانکه مطالعه احوال آنان بر این معنی دلیل است و محمد عوفی در لباب الالباب (جزو اول) اشعار این طبقه را آورده است و بی هیچ شک و عطف و مذکران از محفوظات و معلومات دینی خود در نظم و نثر متأثر میشدند و معانی و الفاظ حدیث در شعرشان نمودار میگردد و از طریق دیگر راه را برای نفوذ اخبار

در نظم و شر باز می نمود و با تأمل مختصر در مواعظ سنایی و خاقانی و بعضی قصائد جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی و شیخ سعدی که بر اسلوب و عظم اسلامی در عبرت از گذشته و بی اعتباری دنیا و خوف از عقاب الیم اخروی پایه گذاری شده است و مقایسه آن با نصایح ابوشکور و شهید و رودکی و فردوسی و ناصر خسرو که بیشتر بر روش حکما در بیان حسن و قبح اخلاق و تحلیل فلسفی آنها مبتنی می باشد میتوان تأثیر و عظم اسلامی و روش و عظم را در ادبیات فارسی بدست آورد.

گذشته از اینها تصوف که از قرن دوم هجری از زهد جدا شده و مسلکی بود مبتنی بر عشق و شور و وجد و شوق و بیان اسرار قرآن و حدیث نبوی همواره مورد توجه متفکرین و اصحاب ذوق و روشن بینان و ژرف اندیشگان ایران و دیگر ممالک اسلامی واقع میشد و شعراء باطن بین حکمت اندیش از دیرباز بدین روش گراییده و گرویده بودند و اشعار آتشین جان بخش دل افروز گویندگان صوفی مسلک از قبیل ابوالحسن نوری و شبلی شعله شوق و نایره عشق در دل و جان این طایفه می افکند و چنانکه میدانیم صوفیان بعلل بسیار که اکنون جای بحث در آن نیست سخنان خود را همواره با حدیث و آثار می آراستند و تأیید می نمودند و در شرح رموز و نکات آنها لطف ذوق کار می بستند و باریک اندیشی های عجب میکردند و نکته های لطیف ذوق انگیز شاعرانه در تأویل و بیان آنها می آوردند و از این راه حدیث و خبر را بمذاق هوشمندان ظاهر شکاف حقیقت جوی و نکته یاب نزدیک می ساختند.

شیوع روش صوفیان از قرن سوم و تأسیس خانقاه و بسط و توسعه آن از قرن چهارم و تطبیق اصول معرفت با مبانی حکمت بوسیله ابوعلی سینا و توجیه آن با موازین شرعی و روایات دینی بسعی ابوطالب مکی در « قوت القلوب » و ابوالفضل محمد بن طاهر مقدسی در « صفوة التصوف » و ابو حامد غزالی در « احیاء العلوم » یکباره این مسلک را نفوذ و تأثیری بیش از حد تصور بخشید و هر مستعد صاحب ذوقی را بدان متوجه و منجذب

ساخت و خاصه شعرا را از دربار امرا و سلاطین بحلقه اهل خانقاه در آورد و از مدح و قدح اشخاص و وصف خط و خال و جمال ناپایدار رهایی بخشید و بوصف حقیقت و احوال دل و اسرار نهان و عشق بجمال معشوق بساقی سرگرم و مشغول داشت چنانکه از اواسط قرن پنجم سبکی نو آیین که بزودی پایه شعر فارسی قرار گرفت در وجود آمد و آن روش همانست که آنرا شعر عرفانی و سبک صوفیانه می توان گفت .

با آشنایی شعرا بتصوف راه دیگر از برای نفوذ حدیث و خبر در ادبیات فارسی باز شد و شعراء صوفی مسلک و صوفیان قافیه اندیش که روایات را با تأویلات صوفیانه آموخته و برای هر یک از سنن و رسوم و آداب خانقاهیان خبری صحیح یا ضعیف شنیده و بخاطر سپرده بودند از الفاظ و مضامین خبر پیرایه یی نو و زیوری دلفریب برپیکر شعر پارسی بستند و عروسان سخن را بدان حلی و حلال آرایش دادند و از این طبقه شاید قدیم ترین کس سنایی غزنوی است که قدرت او در تعبیر و تلفیق مضامین و کلمات و ترکیب آنها با آیات و روایات کم نظیر است و عظمت مقام وی در شاعری و ابداع و حسن سلیقه او در این طریقه (تلفیق حدیث و شعر) راه را برای شعرای واپسین هموار ساخت و خاقانی و نظامی و جمال الدین اصفهانی بتقلید وی بر این اسلوب سخن گفتند و کم و بیش الفاظ و معانی اخبار را در شعر خود آوردند. و از میانه سخنوران ایران کسانی که از این هر سه عامل متأثر شده و محدث و مذکر و صوفی بوده اند خبر و روایت در شعر و سخن خویش بیشتر آورده اند از قبیل خواجه عبدالله انصاری و عین القضاة میانجی و شیخ بزرگوار سعدی شیرازی و خداوند گار اهل معرفت مولانا جلال الدین که کتاب حاضر مشتمل است بر مواردیکه او در مثنوی از احادیث استفاده نموده است .

و سبب تألیف این کتاب آن بود که نگارنده از آنگاه که مثنوی شریف را در مطالعه داشت بهر وقت که در تضاعیف آن بتعبیری از قبیل « در حدیث آمد »

و «گفت پیغمبر» یا «مصطفی فرمود» برمیخورد مایل بود که اصل حدیث را بیرون از تصرفات شاعرانه و دستکاریهای صنعت بدست آورد و ناچار بحواشی و شروح که بر آنها اعتمادی داشت مراجعه میکرد و جوشش درون و طلب باطن را تسکین و آرامشی میداد تا اینکه بتدریج بر عده بی از شروح مثنوی و حاشیه عبداللطیف عباسی موسوم به «لطائف معنوی» دست یافت و از مطالعه و مقایسه آنها متوجه شد که در بعضی موارد هر يك متن خبر را بصورتی نقل کرده و یا آنکه جمله نقل شده را بعضی خبر و دسته بی مثل یا از کلمات بزرگان شمرده اند و درین میان عزم کرد و همت بست که فهرستی از مطالب مثنوی که متفرقا در دفاتر ششگانه آمده است ترتیب دهد و فراهم آورد تا بحث در عقاید و افکار مولانا بر اساسی درست و پایه بی استوار میسر گردد و حل مشکلات مثنوی بطرزی بدیع (یعنی بوسیله خود آن و از راه مقایسه مطالب که مکرر شده است) صورت پذیرد و این کار دشوار را که مستلزم دقت و حوصله بسیار است در فروردین ماه ۱۳۲۱ آغاز نهاد و با مطالعه شروح مثنوی و لطائف معنوی و نسخه مثنوی بجمع و مقابله عبداللطیف عباسی (نسخه کتابخانه ملی) فهرستی جامع کلیه مطالب مثنوی مرتب ساخت و این خدمت را بتوفیق خداوند بزرگ و تأیید جانهای پاک در مدت هیجده ماه که آغاز آن فروردین ۱۳۲۱ و انجام آن شهریور ۱۳۲۲ بود و غالب اوقات بدان اشتغال می ورزید و وقتی خوش و عیشی روحانی داشت پایان آورد و در نتیجه از احادیث مذکور در مثنوی نیز فهرستی فراهم و مهیا گردانید و زان پس هرگاه در ضمن مطالعه کتب اخبار و حدیث روایتی مناسب آنچه در مثنوی ذکر شده میخواند و می یافت آنرا در ذیل شعر و گفته مولانا با ذکر مأخذ مندرج میگردانید تا پس از چندین سال ممارست و مراجعه کتب حدیث، متن و مدارك احادیث مثنوی را بطور اغلب بدست آورد و چون بتصحیح کتساب «فیه ما فیه» مشغول شد بار دیگر از آنجهت که بسیاری از احادیث مذکور در آن با مثنوی مشترك است بتتبع و تحقیق پرداخت و بسیاری از کتب حدیث را و از آن جمله صحیح بخاری و مسلم و نوادر الاصول

محمد بن علی حکیم ترمذی و نیز حلیۃ الاولیا و فوت القلوب و احیاء العلوم و فتوحات مکیه (از کتب متصوفه) از ابتدا تا انتها خواند و برای بعض آنها از قبیل حلیۃ الاولیا و احیاء العلوم و فتوحات فهرست جدا گانه آماده نمود و در نتیجه متوجه گردید که مولانا در بسیاری از موارد بمضمون یا لفظ خبری نظر داشته و شارحان و حاشیه نویسان از این معنی غفلت ورزیده اند و از اینرو بخوبی از عهده تفسیر و توجیه گفته آن استاد مطلع و متبحر که روایت حدیث یکی از شعب اطلاعات وی بشمار میرفت بر نیامده اند بدین جهت محصول استنباط و تفحص خود را بر آن فهرست که از احادیث مثنوی گرد آورده بود اضافه کرد که نمره آن تدوین کتابی شد مشتمل بر مواردیکه مولانا در مثنوی از لفظ و معنی احادیث استفاده کرده یا بدانها اشارت گونه یی نموده است .

در بهار سال ۱۳۳۳ بموجب تقاضا و درخواست مؤلف، انجمن تألیف و ترجمه و شورای محترم دانشگاه طهران موافقت نمود که کتاب حاضر در جزو سلسله انتشارات دانشگاه بطبع رسد و بی درنگ وسائل چاپ کتاب فراهم گردید و دو فرم از آن بحلیه طبع در آمد و امید میرفت که با علاقه تمام و کامل اداره انتشارات دانشگاه این تألیف در مدت اندک و تا پایان سال ۱۳۳۳ بزور طبع در آید و بمطالعه طالبان و عاشقان آثار مولانا زیادت شرفی حاصل کند لیکن در ۲۷ شهریور ماه آن سال نگارنده بسبب تصادفی که اگر حفظ حق و عنایت اولیاء وی نبود تا نیستی و عدم سرمویی بیش فاصله نداشت رنجور و شکسته بال بر بستر ناتوانی افتاد و شرح آن چنانست :

روز شنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۳۳ که مؤلف بجهت مراجعه بکتاب و یادداشت های خود از شمیران بشهر آمده بود در سرپیچ خیابان بهار و تخت جمشید تا کسبی که در آن نشسته بود، با یکی ازین اتوبوسهای گزافه سیر گستاخ رو (مرسدس بنز) باز خورد و از آسیب و کوب آن، استخوان کتف و پهلوی چپ سخت کوفته شد و ترقوه از سه جا شکست و از زیر پیراهن شکستگیها نمودار گردید و بنده بر فور

بوسیلهٔ مسّ ظاهر جلد حادثه را دریافت و بادست شکسته و تن رنجور بعنایت حق تعالی خویش را بدبیرخانهٔ دانشگاه رسانید و از حسن اتفاق و لطف نظر خدای بزرگ که کسی هر کس و بار هر ضعیف است دانشمند محترم آقای حسین گل گلاب استاد فاضل دانشگاه طهران آنجا حضور داشت و بی فوت وقت بنده را بیمارستان پهلوی رسانید و جناب آقای دکتر جهانگیر وثوقی استاد محترم و وظیفه شناس دانشکدهٔ پزشکی با دقت و محبت و مراقبتی که شایستهٔ طبیعی عالم و واقف بشرف طبابت است معاینه کرد و شکستگی را تشخیص نمود و متصدیان دستگاه عکاسی آن بیمارستان نیز با سرعت و با کمال دلسوزی از کتف و پهلوی و بازوی آسیب رسیده وی عکس گرفتند و تشخیص بتحقیق پیوست و آن طیب مهربان کاردان بلطف و چربدستی خاص استخوان پاره‌های شکسته را بجای خویش باز برد و دست و کتف را بست و در این عمل دقیق چنان سرعت کار بست و کارکنان بخش دلسوزی بخرج دادند که از وقت تصادف تا خروج بنده از بیمارستان یک ساعت و نیم پیش نکشید و در ایام رنجوری نیز مهربانی و شفقت از حد گذرانید و تا باز کردن دست و بهبود استخوان مراقبت باز نگرفت و غمخواری بی اندازه نمود و اگر اهتمام وی (مقرون بعنایت پروردگار) وجود نداشت هیچ پدید نبود که بنده باسر این تألیف کی و چگونه تواند رسید و از این جهت شکر و حق شناسی این جراح والا قدر بر بنده فرض عین است و بحکم این فرض لازم شناخت که در این مقدمه بشرح این حادثه پردازد و وظیفهٔ سپاس و حق شناسی را بآباد رساند. **فلیسعدا لفظ** ان لم یسعدا لحوال.

و چون روزی سه یا چهار بر آمد و آرامشی در حال پدید گشت و سورت درد فروگاست اندیشه در تکمیل این تألیف بکار برد و مصلحت در آن دید که بار دیگر ایام را بخواندن و تفحص کتب حدیث مشغول دارد و از شفاخانهٔ کلام رسول و عترت پاکش تسکین آلام خویش را درمان طلبد و بدین نیت اصول کافی و مسند احمد و مستدرک حاکم را (من اولها عن آخرها) مطالعه نمود و آنچه بامضامین

ابیات مثنوی مناسب یافت بر پنج بسیار بر کاغذ پاره‌ها تعلیق کرد و بر موارد کثیر مطلع شد که در فهرست احادیث مثنوی درج نکرده بود و زان پس که روزگار رنجوری و نالانی سپری گردید برای آنکه شاید بکمال مطلوب و استقصای تمامتر نائل آید (از اواسط دفتر اول) مطالعه مثنوی را با مراجعه شرح یوسف بن احمد مولوی و خواجه ایوب و بحر العلوم از سر گرفت و در این نوبت که بتأمل پیش میرفت بارتباط مثنوی با حدیث واقف‌تر شد و مواضع بسیار بر فهرست سابق افزود و برای تکمیل کار و از آن نظر که هیچ اشاره بی فروگذار نشود آنچه شارحان مثنوی آورده بودند در کتاب درج کرد هر چند در صحت منقولات ایشان خاصه آنچه در شرح بحر العلوم بالا فراد آمده است تردیدی قوی داشت و لی همه کس دانند که حدیث دریای بی ساحل و عالم بی منتهی است و با مآخذ اندک و تتبع ناچیزی که ما داریم حکم کردن که این جمله حدیث است و آن دیگر حدیث نیست بگستاخی شبیه‌تر می‌نماید تا بتحقیق درست و عالمانه و چه بسیار مواضع که گمان نمیرفت در کتب حدیث بدست آید و پس از فحص و مراجعه نگارنده بر اسناد و مآخذ آنها اطلاع یافت و دانست که از احادیث صحیحیه بشمار است.

اما ترتیب کتاب چنانست که مؤلف هر یک از ابیات مثنوی را که با حدیثی مرتبط یافته درین تألیف آورده و در کناره صفحه آنرا با شماره و عدد خاص ممتاز گردانیده و در ذیل هر بیت آن حدیث را که بگفته مولانا مرتبط تواند بود مندرج ساخته و هر جا که استفاده و اقتباس از حدیث تکرار شده پس از ذکر بیت، مرجع و مآخذ آن را در اعداد و شماره‌های سابق نشان داده است.

ترتیب ابیات بموجب محل ذکر آنها است در دفترهای ششگانه مثنوی و ابتداء از دفتر نخستین کرده و بدفتر ششم پایان داده‌ایم.

اعداد صفحات و سطور که در ذیل هر شعر آمده مطابق است با مثنوی

چاپ علاء الدوله.

در خاتمه لازم می‌شمارد که مراتب امتنان بی‌شائبه و بی‌نهایت خود را نخست :

بدانشمند سخندان سخنور جناب آقای حسنعلی راشد و آقای سید محمد باقر
سبزواری استادان محترم دانشکده علوم معقول و منقول که در پیدا کردن مآخذ
بعضی از روایات مساعدت بی دریغ مبذول داشته اند .
و ثانیاً :

بدوست عزیز ارجمند آقای محمد جعفر محبوب دانشجوی دوره دکتری
ادبیات فارسی و عضو تندنویسی مجلس شورای ملی که تصحیح این کتاب را در مطبعه
بعهد گرفته اند .
و ثالثاً :

بدوست شفیق گرانمایه و دبیر فاضل آقای امیرحسن یزدگردی فارغ التحصیل
دوره دکتری ادبیات فارسی که فهارس این تألیف را تهیه نموده اند با کمال شرمساری
و از روی صدق و اخلاص تمام تقدیم دارد .
پایان رسید مقدمه کتاب «احادیث مشنوی» بخاتم این بنده ضعیف بدیع الزمان
فروزانفر عفاالله عنه بتاريخ ۲۵ آذرماه ۱۳۳۴ شمسی مطابق دوم جمادی الاولی ۱۳۷۵
هجری قمری در منزل شخصی واقع در خیابان بهار از محلات شمالی طهران .



احادیث مثنوی

۱- ابر بر ناید پی منع زکات وز زنا افتد وبا اندر جهات
(صفحه ۳، سطر ۲۲)
اشاره است بحديث ذیل :

۵ مَا حَبَسَ قَوْمٌ الزَّكَاةَ إِلَّا حَبَسَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْقَطْرَ .
وحديث ذیل که مضمون هر دو مصراع در آن مندرج است :
خَمْسٌ بِخَمْسٍ مَا نَقَضَ قَوْمَ الْعَهْدِ إِلَّا سَلَّطَ عَلَيْهِمُ عَدُوَّهُمْ وَمَا حَكَمُوا
بغير ما انزل الله الا فشا فيهم الفقر ولا ظهرت فيهم الفاحشة الا فشا فيهم
الموت و لا طففوا المكيال الا منعوا النبات واخذوا بالسنين ولا منعوا
۱۰ الزكاة الا حبس عنهم القطر .

جامع صغیر طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۵
و بدین عبارت نیز آمده است :

ما منع قوم الزكاة الا ابتلاهم بالسنين .

کنوز الحقائق ، طبع هند ص ۱۱۸ ۱۵

۳- آفتاب آمد دلیل آفتاب گردلیات باید از وی رومتاب
(ص ۴، س ۱۶)

ظاهرا مقتبس است از مضمون روایات ذیل :

۵ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ وَالرُّسُولَ بِالرَّسَالَةِ
وَأَوَّلِي الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ .

و سئل امیر المؤمنین علیه السلام بم عرفت ربك فقال بما عرفني نفسه .

اصول کافی ، طبع طهران . ص ۴۱

و همین معنی را شیخ عطار از ابوالحسین نوری (احمد بن محمد متوفی ۲۹۵)

نقل میکند :

۱۰ ابوالحسین نوری را گفتند دلیل چیست بخدای، گفت خدای، گفتند پس حال
عقل چیست گفت عقل عاجزی است و عاجز دلالت نتواند کرد جز بر عاجزی که
مثل او بود .

تذکرة الاولیاء چاپ لیدن ، ج ۲ ، ص ۵۴

۳- لَا تُكَلِّفْنِي قَائِلِي فِي الْفَنَاءِ كَلَّتْ أَفْهَامِي فَلَا أَحْصِي ثَنَاءَ

(ص ۴ س ۲۳)

۱۵

ماخوذ است از حدیث ذیل :

عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى كَانَ يَقُولُ فِي آخِرِ وَتَرِهِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأَعُوذُ بِمُعَاقَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ
بِكَ مِنْكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ .

۲۰ مسند احمد بن حنبل ، طبع مصر ۱۳۱۳ ، ج ۱ ، ص ۹۶ ، ۱۱۸ ، ۱۵۰ و صحیح مسلم
طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۵۱ و احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ و ج ۴ ، ص ۶۳ و جامع صغیر ،
ج ۱ ، ص ۵۹

۴- گفت پیغمبر هر آنکو سر نهفت زود گردد با مراد خویش جنت
(ص ۵ ، س ۲۵)

اشاره است بحديث ذیل :

اسْتَعِينُوا عَلَىٰ اِنْجَاحِ الْحَوَائِجِ بِالْكِتْمَانِ فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَّخْسُودٌ

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۳۹

و با تبديل « على انتجاح » به « على قضاء الحوائج » احياء العلوم (ج ۳، ص ۱۲۹)
و بصورت ذیل نیز نقل شده است :

۵

استعينوا على اموركم بالكتمان .
و عبداللطيف عباسی آنرا اشاره میداند بجملة ذیل :

من كتم امره حصل امره حاشيه عبداللطيف عباسی بر مشنوی، نسخه كتابخانه ملی

نیز رجوع كنید به الالهی المصنوعة ، تألیف سیوطی ، طبع مصر ج ۲، ص ۸۱

- ۱۰-اسب تازی بر نشست و شاد تاخت
خواجهای خویش را خلعت شناخت
ای شده اندر سفر با صد رضا
خود پیای خویش تا سوء القضا
(ص ۶ ، س ۱۲)

مقتبس است از مضمون جملة ذیل :

وَرُبَّ سَاعٍ فِي مَا يَضُرُّهُ .
از نصایح امیرا لمؤمنین علی علیه السلام ،

- ۱۵-كتاب المبين تألیف حاج محمد خان کرمانی ، طبع ایران ج ۲ ص ۴۸۱- نقل از نهج البلاغه
و مناسب آن جملة ذیل است :

يَقْدَرُ الْمُقَدَّرُونَ وَالْقَضَاءُ يَضْحَكُ .

ربيع الابرار ، باب الطمع والرجاء

و این قطعه که در (البیان والتبيين) طبع مصر ، ج ۳، ص ۱۱۹ دیده میشود هم
اشاره بدین مضمون است :

۲۰

و کم من آکلة منعت اخاها
بلدة ساعة اکلات دهر
و کم من طالب یسعی لشیئ
و فيه هلاکة لو کان یدری

دفتر اول

۶- عشقهایی کز پی رنگی بود / عشق نبود عاقبت رنگی بود
(ص ۶، س ۲۰)

موافق است با مضمون حدیث ذیل :

مَنْ أَحَبَّكَ لِشَيْءٍ مَلَكَ عِنْدَ أَنْقِضَايِهِ .

□ که بعضی آنرا از موضوعات شمرده اند - اللؤلؤ المصروع ، طبع مصر ، ص ۷۵

۷- می بلرزد عرش از مدح شقی / بدگمان گردد ز مدحش متقی
(ص ۷، س ۱۰)

ماخوذ است از مضمون این حدیث :

إِذَا مَدِحَ الْفَاسِقُ غَضِبَ الرَّبُّ وَاهْتَزَّ لِذَلِكَ الْعَرْشُ .

۱۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۳۴ و با حذف « لذلك » کنوز الحقائق، ص ۱۰
و نزدیک است بدان روایت ذیل :

إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ إِذَا مَدِحَ الْفَاسِقُ .

احیاء العلوم، ج ۲ ص ۵۸

۸- چون بسی ابلیس آدم روی هست / پس بهر دستی نشاید داد دست
(ص ۸، س ۲۶)

۱۵

اشاره است بمضمون این روایت :

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يُوشِكُ أَنْ يَظْهَرَ فِيكُمْ شَيَاطِينُ
كَانَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ أَوْثَقَهَا فِي الْبَحْرِ يُصَلُّونَ مَعَكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ وَيَقْرَأُونَ
مَعَكُمْ الْقُرْآنَ وَيُجَادِلُونَكُمْ فِي الدِّينِ وَإِنَّهُمْ لَشَيَاطِينُ فِي صُورِ الْإِنْسَانِ .

(الآلئ المصنوعة، ج ۱، ص ۲۵۰)

۲۰

۹- بهر این بعضی صحابه از رسول / ملتمس بودند مگر نفس غول
کوچه آمیزد ز اغراض نهان / در عبادتها و در اخلاص جان
(ص ۱۰، س ۱۱)

ظاهراً اشاره باشد بروایت ذیل :

احادیث منثوی

قَالَ خَذِيفَةُ كَانَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْأَلُونَهُ
عَنِ الْخَيْرِ وَكَانَتْ أَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ قِيلَ لَمْ فَعَلْتَ ذَلِكَ قَالَ مَنْ اتَّقَى الشَّرَّ
وَقَعَ فِي الْخَيْرِ .

مسند احمد، ج ۵، ص ۳۹۹ و ۳۸۶، ۴۰۳

- ۱۰ - بشنو از اخبار آن صدر صدور لا صلوة تسم الا بالحضور
(ص ۱۰، ۱۹)

اشاره است بعبارت ذیل :

لَا صَلَاةَ إِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ .

و مضمون آن مطابقت با حدیثی که در احیاء العلوم، ج ۱ ص ۱۱۰ روایت

- ۱۰ شده بدینگونه :

لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى صَلَاةٍ لَا يُخْضِرُ الرَّجُلُ فِيهَا قَلْبَهُ مَعَ بَدَنِهِ .

- ۱۱ - اسب جانهارا کند عاری ز زین سر النوم اخو الموت است این
(ص ۱۱، ۱۰)

اشاره است بحديث ذیل :

- ۱۵ النَّوْمُ أَخْوَالُ الْمَوْتِ وَلَا يَمُوتُ أَهْلُ الْجَنَّةِ .

جامع صغير، ج ۲، ص ۱۸۸

و بدینصورت در کنوز الحقائق، ص ۱۴۱ دیده میشود :

النَّوْمُ أَخْوَالُ الْمَوْتِ وَ أَهْلُ الْجَنَّةِ لَا يَنَامُونَ وَ لَا يَمُوتُونَ .

- ۱۴ - هر که او بنهاد ناخوش سنتی سوی او نفرین رود هر ساعتی
(ص ۲۰، ۷) ۲۰

مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَعَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ
عَمِلَ بِهَا وَلَا يُنْقَصُ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ وَ مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَمِلَ

دفتر اول

بِهَا بَعْدَهُ كُتِبَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا وَلَا يَنْقُصُ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ .

صحیح مسلم، ج ۸، ص ۶۱ نیز ج ۳، ص ۸۷

و بدینصورت نیز در جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۶ آمده است :

اعلم یا بلال انه من احیا سنّة من سنّتی قد امیتت بعدی کان له
من الاجر مثل من عمل بها من غیر ان ینقص من اجورهم شیئا و من
ابتدع بدعة ضلالة لا یرضاها الله و رسوله کان علیه مثل اثم من عمل بها
لا ینقص ذلك من اوزار الناس شیئا .

نیز رجوع کنید بفتوحات مکیه، ج ۱، ص ۷۲۰

۱۳ - نور غالب ایمن از کسف و غسق در میان اصبعین نور حق
۱۰ (ص ۲۰، س ۱۵)
اشاره است بحديث ذیل :

إِنْ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ كَلَّهَا بَيْنَ أَصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ كَقَلْبِ
وَاحِدٍ يُصْرِفُهُ حَيْثُ يَشَاءُ .

صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۱

۱۵ و بدین صورت دیده میشود در احیاء العلوم، ج ۱، ص ۷۶

قلب المؤمن بین اصبعین من اصابع الرحمن ان شاء لا یتبته و
ان شاء لا زاغہ .

و بصورت مختلف در کنوز الحقائق ص ۹۱ و جامع صغیر، ج ۱، ص ۸۳، و ج ۲،
ص ۱۵۱ نقل شده است .

۲۰ ۱۴ - حق فشانند آن نور را بر جانها هقبیلان بر داشته دامانها
(ص ۲۰، س ۱۶)

مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ خَلْقَهُ فِي ظُلْمَةٍ فَأَلْقَى عَلَيْهِمْ مِنْ نُورِهِ فَمَنْ أَصَابَهُ (مِنْ

احادیث مشنوی

ذَلِكَ النَّوْیُ اهْتَدَى وَمَنْ أَخْطَاهُ ضَلَّ .

(جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۶ و فتوحات مکیة، ج ۲، ص ۸۱)

۱۵ - اشك خواهی رحم كن براشك بار رحم خواهی بر ضعیفان رحم آر
(ص ۲۲، س ۱۱)

مأخوذ است از مضمون حدیث ذیل:

لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ .

صحيح بخاری، ج ۴، ص ۱۷۵

و بصور ذیل نیز روایت شده است :

عن ابي هريرة انّ الاقرع بن حابس ابصر النبی ص یقبل الحسن
ع فقال انّ لی عشرة من الولد ما قبّلت واحدا منهم فقال رسول الله ص
انّهُ من لا یرحم لا یرحم .

مسلم، ج ۷، ص ۷۷

أنا یرحم الله من عباده الرّحماء .

مسلم، ج ۳، ص ۳۹، جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۳ و کنوز الحقائق، ص ۳۶

أنا یدخل الجنة من یرجوها و أنا یحسب النار من یخافها
و أنا یرحم الله من یرحم .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۳

ارحم من فی الارض یرحمك من فی السماء .

(جامع صغیر، ج ۱، ص ۳۷ و کنوز الحقائق، ص ۱۱)

۲۰ ارحموا ترحموا و اغفروا یغفر لکم و یل لا قباع القول و یل

للمصرّین الذین یصرون علی ما فعلوا و هم یعملون .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۳۷ و با حذف جملة « و یل لا قباع القول » یبعد در

کنوز الحقائق، ص ۱۱

۱۶- هست تسبیحت بخار آب و گل مرغ جنت شد ز نفح صدق دل
(ص ۲۳ ، س ۱۱)

اشاره است بمضمون این حدیث :

رُويَ أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ تَوَلَّتْ عَنِّي الدُّنْيَا وَ قُلْتُ
ذَاتُ يَدَيَّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَأَيْنَ أَنْتَ مِنْ صَلَاةِ الْمَلَائِكَةِ وَ تَسْبِيحِ
الْمَخْلُوقِ وَ بِهَا يُرْزَقُونَ قَالَ فَعُلْتُ وَ مَاذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ
وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ
إِلَى أَنْ تُصَلِّيَ الصُّبْحَ تَأْتِيكَ الدُّنْيَا رَاغِمَةً صَاغِرَةً وَ يَخْلُقُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
مِنْ كُلِّ كَلِمَةٍ مَلَكًا يُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَكَ ثَوَابُهُ .

احیاء العلوم ، ج ۱ ص ۱۱۲

۱۰

و این حدیث را بشکل ذیل سیوطی در جزو موضوعات آورده است :

قل یا ابن عمر من طلوع الفجر الى صلاة الصبح سبحان الله
وبحمده سبحان الله العظيم و تستغفر الله مائة مرة تأتیک الدنيا راغمة داخرة
و یخلق الله من كل كلمة ملكا یسبح لك ثوابه الى يوم القيامة .

اللائلی المصنوعة ، ج ۲ ، ص ۳۴۱

۱۵

و حدیث ذیل هم در آن کتاب ، ج ۲ ، ص ۳۴۶ بنظر میرسد که با گفته مولانا

مناسبت است :

من قال لا اله الا الله خلق الله من كل كلمة منها طيرا متقاره من ذهب
وريشه من مرجان .

۲۰ و در کتاب اللؤلؤ المرصوع آمده :

من صلی علی صلاة تعظیما لحق خلق الله من ذلك القول ملكا له جناح بالمشرق

احادیث مشنوی

والآخر بالمغرب ورجلاه مقرونتان (كذا) في الارض السابقة السفلي وعنقه
ماتوية تحت العرش يقول الله له صل علي عبيدي كما صلي علي نبيي فهو يصلي
عليه الي يوم القيامة لم يوجد بل قال العراقي ما يحكي من ان الله يخلق بسبب الاعمال
الحسنة ملكا يسبح ويكون تسبيحه للعامل - باطل موضوع لا اصل له .

اللوؤلؤ المصروع ، ص ٧٠ و ٨٣ و ٨٩

١٧ - نفس هردم از درونم در كمين از هممه مردم بتر در مكر و كين
(ص ٢٤ ، س ١٣)

اشاره بحديث ذيل است :

أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ .

١٠ كنوز الحقائق ، ص ١٤

و موافق مضمون آن از امير مؤمنان علي ع روايت شده است :

لا عدو اعدى علي المرء من نفسه .

الله الله في الجهاد للانفس فهي اعدى العدو لكم .

مستدرک الوسائل ، طبع طهران ، ج ٢ ، ص ٢٧٠

١٨ - گوش من لا يلدغ المؤمن شنيذ قول پيغمبر بجان و دل عزيز
(ص ٢٤ ، س ١٣)

اشاره است بحديث ذيل :

لا يلدغ المؤمن من من جحر واحد مرتين .

مسلم ، ج ٨ ، ص ٢٢٧ و بحذف « واحد » جامع صغير ، ج ٢ ، ص ٢٠٤ و

٢٠ كنوز الحقائق و با لفظ « لا يلدغ » كنوز الحقائق ، ص ١٦٦ .

١٩ - جمله گفتند اي حكيم با خير الحذر دع ليس يغني عن قدر
(ص ٣٤ ، س ١٧)

اشاره است بدین روایت :

لَنْ يَنْفَعَ حَذْرٌ مَنْ قَدَرٍ وَلَكِنَّ الدُّعَاءَ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ يَنْزَلْ

فَعَلَيْكُمْ بِالذَّعَاءِ عِبَادَ اللَّهِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۲۷

و بدینگونه در کنوز الحقائق، ص ۱۶۵ وارد است (لایغنی حذر من قدر .)
و از کلمات امیرالمؤمنین علی ع است :

تذکر قبل الورد الصدر والحذر لایغنی من القدر والصبر من
اسباب الظفر .

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۵۷۰

۳۰ - گفت پیغمبر بآواز بلند با توکل زانوی اشتر بیند
(ص ۲۴، ص ۲۲)

۱۰ مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

إِعْقِلْهَا وَتَوَكَّلْ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۶ و احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۹۹ و رساله قشیریّه، ص ۷۶
و تلبیس ابلیس، ص ۲۷۹ .

و با عبارت « قیّد و توکل » جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۷ و کنوز الحقائق، ص ۹۲ .

۱۵ و از سخنان جعفر بن محمد علیه السلام است :

لا تدع طلب الرزق من حله واعقل راحلتك وتوكل .

مستدرک، ج ۲، ص ۴۱۵

۴۱ - ما عیال حضرتیم و شیر خواه گفت الخلق عیال لاله
(ص ۲۵، ص ۵)

۲۰ اشاره است بحدیث ذیل :

الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحْبِبْهُمْ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعَهُمْ لِعِيَالِهِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۱ و با تفاوت مختصر کنوز الحقائق، ص ۶۲

۴۲ - گفت همین اکنون چه میخواهی بخواه گفت فرما باد را ای جان پناه

که مرا ز اینجا بهندستان برد بو که بنده کانطرف شد جان برد

(ص ۲۶، ص ۵)

احادیث مشنوی

مناسب است با مضمون این روایت :

إِذَا قَضَى اللَّهُ لِعَبْدٍ أَنْ يَمُوتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهُ إِلَيْهَا حَاجَةً .

کنوزالحقائق ، ص ۹ و با تفاوتی در صورت - جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۷

اذا اراد الله قبض عبد بارض جعل له فيها حاجة .

و از امیرالمؤمنین علی ع نقل شده است :

ربّ مرّاح اليّ بلد وهو لا يدري انّ حيامه في ذلك البلد .

۳۳ - این جهان زندان و ما زندانیان حفره کن زندان و خود را و ارهان
(ص ۲۶ ، س ۲۲)

مأخوذ است از مضمون حدیث ذیل :

الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۶ و کنوزالحقائق ، ص ۶۴

و با عبارت

الدنيا لا تصفولئ من كيف وهي سجنه و بلاؤه

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۶

۳۴ - مال را کز بهر دین باشی حمول نعم مال صالح گفت آن رسول
(ص ۲۶ ، س ۲۳)

اشاره است بحديث ذیل :

نِعْمَ الْمَالُ الصَّالِحُ لِلرَّجُلِ الصَّالِحِ .

احیاءالعلوم ، ج ۲ ، ص ۱۶۲ و حلیة الاولیاء ، ج ۱۰ ص ۵ و فتوحات مکیه ، ج

۲ ص ۲۷۸ و تلبیس ابلیس ، ص ۱۷۸ و کنوزالحقائق ، ص ۱۳۹ و با مختصر تفاوت
ص ۱۷۱

و شبیه بدان روایت ذیل است :

نعم العون على تقوى الله الغني .

مستدرک ، ج ۲ ، ص ۴۱۵ و فصل الخطاب ص ۱۱۰۱

دفتر اول

۲۵- گفت پیغمبر بکن ای رای زن مشورت که المستشار مؤتمن (ص ۲۸، س ۲۰)

اشاره بحديث ذیل است :

اَلْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمِّنٌ .

جامع صغير، ج ۲، ص ۱۸۵ و کنوز الحقائق ص ۱۳۷ و در جامع صغير بدینگونه هم نقل شده است :

المستشار مؤتمن ان شاء الله و ان شاء الله لم يشر .

المستشار مؤتمن فادا استشير فليشربا هو صانع لنفسه .

۲۶- عقل چون جبریل گوید احمدا گریکی گامی زانم سوزد مرا
تو مرا بگذار ز این پس پیش ران حدمن این بود ای سلطان جان ۱۰

(ص ۲۹، س ۱۲)

مستند آن در ذیل این بیت :

چون گذشت احمد ز سدره و مرصده

و از مقام جبرئیل و از حدش

۱۵ مذکور خواهد گردید .

۲۷- گفت پیغمبر که رنجوری بلاغ رنج آرد تا بمیرد چون چراغ (ص ۲۹، س ۱۴)

اشاره است بدین روایت :

لَا تَمَارِضُوا فْتَمْرِضُوا وَلَا تَحْفَرُوا قُبُورَكُمْ فْتَمُوتُوا .

کنوز الحقائق، ص ۱۵۶ و در کتاب اللؤلؤ المرصوع، ص ۱۰۰ آمده است که :

لَا تَمَارِضُوا فْتَمْرِضُوا وَلَا تَحْفَرُوا قُبُورَكُمْ فْتَمُوتُوا فَتَدْخُلُوا النَّارَ قَالَ

ابن الربيع لا اصل له .

۲۸- پس ترا هر لحظه مرگ و رجعتی است مصطفی فرمود دنیا ساعتی است (ص ۳۱، س ۶)

۲۵ اشاره بحديث ذیل است :

الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَلْجَعَلَهَا طَاعَةً .

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع آنرا از احادیث موضوعه شمرده است .

اللؤلؤ المرصوع ، ص ۳۶

- ۴۹ - چون قضا آید نبینی غیر پوست دشمنان را باز نشناسی ز دوست
(ص ۳۲ ، س ۱۴)

مستفاد است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْفَازَ أَمْرٍ سَلَبَ كُلَّ ذِي لُبٍّ لُبَّهُ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۶

و این حدیث بدینصورت هم روایت شده است :

- ۱۰ - إذا أراد الله أن ينفذ قضاؤه وقدره سلب ذوى العقول عقولهم حتى ينفذ فيهم قضاؤه وقدره فإذا مضى أمره رد إليهم عقولهم ووقعت الندامة .
جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۷
ان الله اذا اراد امضاء امر نزع عقول الرجال حتى يمضى امره فاذا امضاء رد اليهم عقولهم ووقعت الندامة .

- ۱۵ (جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۶)

- ۳۰ - چون قضا آید شود دانش بخواب
مه سیه گردد بگیرد آفتاب
(ص ۳۳ ، س ۶)

ماخذ آن در ذیل شماره (۲۹) گذشت .

- ۳۱ - چاه مظلّم گشت ظالم ظالمان
این چنین گفتند جمله عالمان
(ص ۳۵ ، س ۱۸)

ظاهراً مستفاد است از مضمون حدیث ذیل :

اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظَلَمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاتَّقُوا الشُّحَّ فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَحَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ يَفْكُوا دِيَارَهُمْ وَاسْتَحْلُوا مَحَارِمَهُمْ .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۱۸ و جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۸ و با تفاوت مختصر - احیاء العلوم ،

دفتر اول

۳۲ - ای که تو از ظلم چاهی می کنی از برای خویش داهی می تنی
(ص ۳۵ ، س ۱۹)

مأخوذ است از روایت ذیل :

مَنْ حَفَرَ لَاحِيَةً حَفَرَةً وَقَعَ فِيهَا .

که مؤلف المولود المصروع در باره آن (ص ۷۹) گوید :

لیس بحديث و معناه صحيح ولا يحق المكر السيئ الاباهله .

۳۳ - مؤمن را بنظر بنور الله نبود عیب مؤمن را به مؤمن چون نمود
(ص ۳۶ ، س ۱)

اشاره است بدین حدیث :

اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۸

و از مولای متقیان علی علیه السلام روایت کرده اند :

اتَّقُوا ظُنُونِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْحَقَّ عَلَى السِّنْتِهِمْ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۳۸۷

۱۵ کان ابو الدرداء يقول المؤمن من ينظر بنور الله من وراء ستر رقيق .

احياء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۸

۳۴ - ای شهان کشتیم ما خصم برون ماند زان خصمی بتر در اندرون
(ص ۳۷ ، س ۱۵)

مستفاد است از مضمون این حدیث :

قَدِمْتُ مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ مُجَاهِدَةَ الْعَبْدِ هَوَاهُ .

کنوز الحقائق ، ص ۹۰

قدمتم خیر مقدم و قدمتم من الجهاد الا صغر الى الجهاد الا کبر مجاهدة العبد هو اه

هو اه .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۸۵

احادیث مشنوی

و غزالی آنرا جزو اقوال صحابه شمرده است (احیاء العلوم ج ۲ ، ص ۱۶۵) و باز در مورد دیگر جزو احادیث میآورد (همان کتاب ، ج ۳ ، ص ۶) و در مستدرک این روایت بصورت ذیل نقل شده است :

عن علی ع ان رسول الله صلی الله علیه وآله بعث سرّیة فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضوا الجهاد الا صغر وبقی علیهم الجهاد الا کبر فقیل یا رسول الله وما الجهاد الا کبر قال جهاد النفس .

نروی ان سیدنا رسول الله ص رأی بعض اصحابه منصرفا من بعث کان بعثه وقد انصرف بثمته وغبار سفره وسلاحه یرید منزله فقال ص انصرفت من الجهاد الا صغر الی الجهاد الا کبر فقال له اوجهاد فوق الجهاد بالسيف قال جهاد المرء نفسه .

مستدرک ، ج ۲ ، ص ۲۷۰
و مضمون آن موافقت با حدیث ذیل که در همان کتاب (ص ۲۷۰) ملاحظه می شود .

قال رسول الله ص افضل الجهاد من جاهد نفسه التي بین جنیه .
۳۵ - قد رجعنا من جهاد الا صغیریم با نبی اندر جهاد اکبریم
(ص ۳۲ ، ص ۲۲)
رجوع کنید بشماره (۳۳) در همین کتاب .

۳۶ - عالمی را لقمه کرد و در کشید معده اش زهره زنان هل من مزید
حق قدم بروی نهد از لامکان آنگاه او ساکن شود در کن فکان
(ص ۳۲ ، ص ۱۸) ۲۰

مأخوذ است از این حدیث :

يُقَالُ لِحَبْنَمَ هَلْ امْتَلَأْتَ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ فَيَضَعُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدَمَهُ عَلَيْهَا فَيَقُولُ قَطُّ قَطُّ .

بخاری ، ج ۳ ، ص ۱۲۴

فَأَمَّا النَّارُ فَلَا تَمْتَلِيْ فَيَضَعُ قَدَمَهُ عَلَيْهَا فَتَقُولُ قُطْ قُطْ فَهَذَا لَكَ تَمْتَلِيْ وَ
تُرَوَّى بِعُضْوِهَا إِلَى بَعْضٍ .

مسلم، ج ۸، ص ۱۵۱

عن انس لا تزال جهنم تقول هل من مزيد فيدلي فيها رب العالمين
قدمه فينزوي بعضها الى بعض فتقول قط بعزتك . ۵

ردالدارمی علی بشر المریسی، طبع مصر، ص ۶۹

۳۷ - سهل شیری دان که صفها بشکند شیر آنست آن که خود را بشکند
(ص ۳۷، ص ۲۳)

اشاره است بمضمون حدیث ذیل :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ آتَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ وَأَنَا الشَّدِيدُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ
عِنْدَ الْغَضَبِ . ۱۰

(بخاری، ج ۴، ص ۴۴ مسلم، ج ۸، ص ۳۰ فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۷۱۹ جامع
صغیر، ج ۲، ص ۱۳۴)

أَنَا الصُّرْعَةُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ .

بخاری، ج ۴، ص ۵۱ ۱۵

الْأَدْلَكُمْ عَلَى أَشَدِّكُمْ أَمْلَكُكُمْ لِنَفْسِهِ عِنْدَ الْغَضَبِ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۱۳

و نزدیک بدان از جهت معنی روایت ذیل است :

الْمُجَاهِدُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ فِي اللَّهِ .

جامع صغیر، ج ۲ ص ۱۸۴ با تفاوت مختصر - کنوز الحقائق، ص ۱۳۶ ۲۰

الْمُجَاهِدُ مَنْ جَاهَدَ هَوَاهُ .

کنوز الحقائق، ص ۱۳۶

و از سلیمان نقل کرده اند که :

احادیث مشنوی

ان الغالب لهواه اشد من الذي يفتح المدينة .

ربيع الابرار ، باب العقاف والورع

۳۸ - کرد خدمت مرعمر را وسلام گفت پیغمبر سلام آنگاه کلام

(ص ۳۸ ، س ۲۱)

اشاره است بدین حدیث که بصور ذیل نقل میشود :

السَّلامُ قَبْلَ الْكَلَامِ .

السَّلامُ قَبْلَ الْكَلَامِ وَلَا تَدْعُوا أَحَدًا إِلَى الطَّعَامِ حَتَّى يَسْلِمَ .

السلام قبل السؤال فمن بدأكم بالسؤال قبل السلام فلا تجيبوه .

جامع صغیر ، ج ۲ ، س ۲۷ و روایت اول در کنوز الحقائق ، ص ۷۲

من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۶۶

۳۹ - چون تو در قرآن حق بگریختی با روان انبیا آمیخته‌ای

(ص ۴۱ ، س ۱۵)

مضمون آن مناسبت دارد با این حدیث :

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّمَا شَاقَّهْنِي وَشَاقَّهْتُهُ .

کنوز الحقائق ، ص ۱۳۲

۴۰ - صورتی کان بر وجودت غالبست هم بر آن تصویر حشرت واجبست

(ص ۴۵ ، س ۳)

اشاره است بمضمون حدیث ذیل :

يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَى مَأْمَاتٍ عَلَيْهِ .

مسلم ، ج ۸ ص ۱۰۳

و نظیر آن روایت ذیل است :

أَمَّا يَبْعَثُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۰۳ کنوز الحقائق ص ۲۶

کما تیدشون تموتون وکما تموتون تبعثون وکما تبعثون تحشرون . مغارف بهاء ولد
 ۴۱ - جمله عالم زان غیور آمد که حق برد در غیرت بر این عالم سبقت
 (ص ۴۶ ، سن ۲۸)

مقتبس است از مفاد این حدیث :

۵ أَلْتَجِبُونَ مِنْ غَيْرَةٍ سَعِدَ فَوَاللَّهِ لَا نَأْغِيرُ مِنْهُ وَاللَّهُ أَغْيَرُ مِنِّي مِنْ أَجْلِ
 غَيْرَةِ اللَّهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ .

مسلم ، ج ۴ ، ص ۲۱۱ و احیاء العلوم ج ۲ ، ص ۳۰ و ج ۴ ، ص ۱۱۷ و با تفاوت
 مختصر بخاری ، ج ۳ ، ص ۱۷۰
 نیز رجوع کنید به :

۱۰ مسلم ج ۸ ، ص ۱۰۰ - ۱۰۱ و ج ۳ ، ص ۲۷ و حلیه الاولیاء ، ج ۵ ، ص ۴۴ و
 رساله قشبریه ، ص ۱۱۵ و فتوحات مکیه ، ج ۲ ، ص ۱۲ و ص ۳۲۳ و ج ۴ ، ص ۶۴۲ .
 و این حدیث بصورت ذیل هم روایت میشود :

لا احدا غیر من الله عز و جل فلذلك حرم الفواحش ما ظهر منها
 و ما بطن .

۱۵ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۸۱ و با تفاوت اندک - اللآلی المصنوعة ، ج ۲ ، ص ۳۶۲
 إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ الْغَيُورَ وَ أَنْ عَمْرٍُ غَيُورٌ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۰

اِنَّ الله غیور لا یحب ان یكون فی قلب العبد احد الا الله .

ربیع الابرار ، باب الحیاء والسکون

۲۰ ۴۲ - روکه بی یسمع و بی یبصر توئی سر توئی چه جای صاحب سر توئی
 (ص ۵۱ ، سن ۸)

اشاره است بحدیث ذیل :

اِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ وَ مَا تَقَرَّبَ
 إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ وَ مَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ

اخادېث مننوى

بِأَنَّهُ أَفْلَحَ حَتَّىٰ أَحْبَبَهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي
يَبْصُرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا وَإِنْ سَأَلَنِي لِأَعْطِيَنَّهُ
وَإِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيذَنَّهُ وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدَّدِي عَنْ قَبْضِ
نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ .

جامع صغير، ج ١، ص ٧٠

٤٣- چون شدي من كان لله از وله حق ترا باشد كه كان الله له
(ص ٥١، س ٨)

اشاره است باين حديث :

مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ .

كشف الاسرار (انتشارات دانشگاه طهران) ص ٥٦٢ و ٣٧١

٤٤- مقتبس شو زود چون ياي نجوم گفت پيغمبر كه اصحابي نجوم
(ص ٥١، س ١٢)

مراد حديث ذيل است :

أَصْحَابِي كَالنُّجُومِ فَبِأَيِّهِمْ أَقْتَدَيْتُمْ أَهْتَدَيْتُمْ .
سألت ربي فيما تختلف فيه اصحابي من بعدى فأوحى اليّ يا محمد ان
اصحابك عندي بمنزلة النجوم في السماء بعضها اضاء من بعض فمن اخذ بشي
مما هم عليه من اختلافهم فهو عندي على هدى .

جامع صغير، ج ٢، ص ٢٨

٤٥- گفت طويلی من رآنى مصطفى والذى يبصر لمن وجهى رأى
(ص ٥١، س ١٤) ٢٠

مقصود اين حديث است :

طُوبَى لِمَنْ رَأَى لِمَنْ رَأَى مِنْ رَأَى .

جامع صغير، ج ٢، ص ٥٤ و با حذف جمله سوم كنوز الحقائق ص ٧٩

طوبی لمن رآنی و آمن بی و طوبی لمن رأی من رآنی و لمن رأی من رأی من رآنی و آمن بی طوبی لهم و حسن مآب .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۵۴

۴۶ - گفت پیغمبر که نفجتهای حق اندر این ایام می آرد سبق (ص ۵۱، س ۲۰)

حدیث ذیل مراد است :

إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ لَا تَعْرِضُوا لَهَا .

حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۲۲۱ و ج ۳، ص ۱۶۲ و احیاء العلوم، ج ۱، ص ۱۳۴ و ج ۳، ص ۷ فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۲۴

۱۰ ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات فتعرضوا له لعلّه ان یصیبکم نفحة منها فلا تشقون بعدها ابداً .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۵

اطلبوا الخیر دهرکم کلّه و تعرضوا للنفحات رحمة الله فان لله نفحات من رحمته یصیب بها من یشاء من عباده وسلوا الله تعالی ان یستر عوراتکم ۱۵ و یؤمن روعاتکم .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۳

۴۷ - مصطفی آمد که سازد همدمی کلّینی یا حمیرا کلّمی (ص ۵۲، س ۲)

اشاره است بحدیث معروف :

۲۰ کلّینی یا حمیرا

که در احیاء العلوم، ج ۳، ص ۷۴ بلفظ : کلّینی یا عایشه - نقل شده و در شرح احیاء العلوم موسوم با تحاف السادة المتقین طبع مصر، ج ۷، ص ۴۳۲ و نیز در طبقات

احادیث مشنوی

الشافعية طبع مصر، ج ۴، ص ۱۶۳ ذکر شده است که سند این روایت بدست نیامده و در کتاب اللؤلؤ المرصوع (ص ۱۰۳) جزو موضوعات شمرده شده است.

۴۸ - جان کمالست و ندای او کمال مصطفی گویان ارحنا یا بلال
(ص ۵۲، س ۹)

اشاره است بدین حدیث :

يَا بَلَالُ اَرْحِنَا بِالصَّلَاةِ .

مسند احمد، ج ۵، ص ۳۶۴ و ۳۷۱

و با لفظ :

قُم يَا بَلَالُ فَارْحِنَا بِالصَّلَاةِ . و نیز :

كَانَ يَقُولُ يَا بَلَالُ رَوْحَنَا . و همچنین :

يَا بَلَالُ اَقِمِ الصَّلَاةَ اَرْحَانِيهَا .

در کنوز الحقائق، ص ۹۱ و ۱۰۶ و ۱۶۹ مذکور است .

۴۹ - آن نمک کزوی محمد املح است زان حدیث با نمک او افصح است
(ص ۵۲، س ۱۸)

۱۵ اشاره است بروایت ذیل :

كَانَ يُوسِفُ حَسَنًا وَ اَلْكِنِّي اَمْلَحُ .

بحار الانوار طبع کمپانی، ج ۷، ص ۱۹۰

و چند روایت در مقایسه حسن حضرت رسول (ص) با یوسف در الآلی المصنوعة،

ج ۱، ص ۲۷۳ بنظر میرسد .

۵۰ - گفت پیغمبر ز سرمای بهار تن مپوشانید یاران زینهار
(ص ۵۴، س ۷)

اشاره است بروایت ذیل :

علی (ع) تَوَقَّوْا الْبَرْدَ فِي اَوَّلِهِ وَ تَلَقَّوْهُ فِي آخِرِهِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْاَبْدَانِ

دفتر اول

كَفَعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ أَوْ لَهُ يُحْرَقُ وَآخِرُهُ يُورِقُ.

شرح نهج البلاغه طبع مصر، ج ۴، ص ۳۰۴ ربیع الابرار، باب الهواء والريج .
۵۱ - گفت پیغمبر که دائم بهر پند دو فرشته خوش منادی میکنند
کای خدایا منافقان را سیردار هر دریشان را عوض ده صد هزار
ای خدایا مومنان را در جهان تو مده الا زیان اندر زیان
(ص ۵۹ ، س ۱)

مقصود حدیث ذیل است :

مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا اللَّهُمَّ
أَعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا وَ يَقُولُ الْآخَرُ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُتْسِكًا تَلْفًا .

۱۰ بخاری، ج ۱، ص ۱۶۴ مسلم، ج ۳، ص ۸۳ - ۸۵ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۰۶
و ۳۴۷ و ج ۵، ص ۱۹۷ با اختلاف در صدر روایت و احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۷۶
و حلیه الاولیاء طبع مصر، ج ۲، ص ۲۳۳، ۲۶۱ .

۵۲ - همچنان از پشه گیری تا بفیل شد عیال الله و حق نعم الممیل
(ص ۶۱ ، س ۱۰)

۱۵ اشاره است بحديث :

الخلق كلهم عيال الله .

که در ذیل شماره (۲۱) از همین کتاب سند آنرا میتوان دید .

۵۳ - گفت پیغمبر قناعت چیست گنج گنج را تو و امیدانی ز رنج
(ص ۶۲ ، س ۲)

۲. اشاره است بحديث ذیل :

الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ وَ كَنْزٌ لَا يَفْنَى .

کنوز الحقائق، ص ۹۳

القناعة مال لا ينفد . جامع صغير، ج ۲، ص ۸۸

القناعة كنز لا يفنى . کنوز الحقائق، ص ۹۳

احادیث مشنوی

و این جمله بروفق نقل سیوطی در جامع صغیر بامیر مؤمنان علی علیه السلام نیز نسبت داده شده است .

شرح نهج البلاغة طبع مصر ، ج ۴ ، ص ۳۹۹ و ۵۲۸

۵۴ - گفت ای زن تو زنی یا بوالحزن فقر فخر آمد مرا طعنه مزین

۵ (ص ۶۲ ، س ۱۷)

اشاره بدین حدیث است :

الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أَفْتَحِرُ :

که صوفیه بدان در کتب خود استناد کرده اند و در سفینه البحار طبع نجف ، ج ۲ ۳۷۸ جزو احادیث نبوی ذکر شده و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۵۵) بنقل از ابن تیمیه آنرا از موضوعات می شمارد .

۱۰

۵۵ - فقر فخری نرگز افست و مجاز صد هزاران عز پنهانست و ناز

(ص ۶۲ ، س ۲۵)

اشاره بحدیث :

الفقر فخری — است که هم اکنون مستند آن مذکور افتاد .

۵۶ - آنکه دنیا مست گفتش آمدی کلمینی یا حمیرا می زدی

۱۵

(ص ۶۴ ، س ۱۸)

اشاره است بحدیث :

کلمینی یا حمیرا .

که مستند آن در ذیل شماره (۴۷) از این کتاب مذکور است .

۵۷ - گفت پیغمبر که زن بر عاقلان غالب آید سخت و بر صاحب بدلان

۲۰

باز بر زن جاهلان غالب شوند ز آنکه ایشان تند و بس خیره روند

(ص ۶۴ ، س ۲۴)

نزدیک بدان مضمون حدیث ذیل است :

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ
وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَتِيمٌ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۰

و عبارتی که در عنوان ذکر شده و بیت مذکور ترجمه آنست در جزو ۵
احادیث بدست نیامد و شیخ بهایی در مغلاة، طبع مصر، ص ۹۰ این جمله را منسوب
به معاویه نقل کرده که با گفته مولانا مناسبت بیشتر دارد .

هنّ یغابن الکرام و یغلبهنّ اللئام .

۵۸- چون قضا آید فرو پوشد بصر تا نداند عقل ما پارا ز سر

(ص ۶۵، س ۷)

مستند آن در ذیل شماره (۱۹) گذشت .

۵۹- ای بسا شیرین که چون شکر بود لیک زهر اندر شکر مضمهر بود

آنک زیم رکتیر بیی بشناسدش و آن دگر چون براب و دندان زدش

(ص ۶۸، س ۱۶)

۱۵- ظاهرا مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ لِلَّهِ خَلْقًا يَعْرِفُونَ النَّاسَ بِالتَّوَسُّمِ .

کنوز الحقائق، ص ۳۴

و خواجه ایوب در شرح مثنوی این حدیث را مستند آن شمرده است :

انّ لله عبادا يعرفون الناس بالتّوسّم وله عبادا يعرفون الناس

۲۰- بالفراصة وله عبادا لهم نور يمشون في الناس كما يمشي الارواح في الاجساد

وله عبادا يمشون في الناس كمشي المرض في الاعصاب .

۶۰- باز در خم او شود تلخ و حرام در زمان سرکشی نعم الادم

(ص ۶۹، س ۲)

احادیث مشنوی

اشاره بدین حدیث است :

نَعَمْ الْإِدَامُ الْخَلُّ.

مسلم ، ج ۶ ، ص ۱۲۵ مسند احمد ، ج ۳ ، ص ۳۰۱ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۷
کنوز الحقائق ، ص ۱۳۹ .
و با تعبیر :

نعم الادم الخلّ.

مسلم ، ج ۶ ، ص ۱۲۵

و این مضمون بصورت ذیل هم روایت شده است :

ما افقر من ادم بيت فيه خلّ.

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴۲ کنوز الحقائق ، ص ۱۱۶ ۱۰

۶۱ - حسّ را تمییز دانی چون شود آنکه حسّ ینظر بنور الله بود
(ص ۷۰ ، ص ۲۸)

مستند آن در ذیل شماره (۳۳) مذکور است :

۶۲ - در وجود تو شوم من منعدم چون محبّ حبّ یعمی و یصمّ
(ص ۷۰ ، ص ۲۰) ۱۵

اشاره بحدیث ذیل است :

حُبُّكَ الشَّيْءُ يُعْمِي وَيَصِمُّ.

مسند احمد ، ج ۵ ، ص ۱۹۴ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۲۵ جامع صغیر ، ج ۱ ،
ص ۱۴۵ کنوز الحقائق ، ص ۵۶ .

۶۳ - گفت پیغمبر که حق فرموده است من ننگبم هیچ در بالا و پست
در زمین و آسمان و عرش نیز من ننگبم این یقین دان ای عزیز
گر مرا جویی در آن دلها طلب
(ص ۷۰ ، ص ۲۴) ۲۰

مقصود این حدیث است :

لَمْ يَسْعِنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِيَّ وَوَسَعَنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ اللَّيْنُ الْوَادِعُ .

احیاء العلوم ، ج ۳ ص ۱۲

لا یسعنی ارضی و لا سمائی و یسعنی قلب عبدي المؤمن .

عوارف المعارف سهروردی . حاشیه احیاء العلوم ج ۲ ، ص ۲۵۰

نیز رجوع کنید به :

اتحاف السادة المتقين ، ج ۷ ، ص ۲۳۴ که اقوال محدثین را در صحت و

سقم این روایت نقل کرده است .

۶۴ - زانکه این دمها چه گر نالایق است رحمت من بر غضب هم سابق است

(ص ۷۱ س ۵)

اشاره بدین حدیث است :

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي .

کنوز الحقائق ، ص ۸۹ مستند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۴۲ ، ۲۵۸ ، ۳۹۷ مسلم ، ج ۸

ص ۹۵ .

۱۵ ان الله تعالى لما خلق الخلق كتب بيده على نفسه ان رحمتي تغلب

غضبي .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۷۲

كتب ربكم على نفسه بيده قبل ان يخلق الخلق رحمتي سبقت

غضبي .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۸۹

۶۵ - چشم احمد بر ابو بکری زده او زيك تصديق صديق آمده

(ص ۷۱ ، س ۱۷)

مستفاد است از روایت ذیل :

و چون پیغمبر علیه السلام از معراج باز آمد مکیان را خبر داد ابو جهل شادی کرد که بر دروغ زنی محمد راه یافتیم و گفت یا محمد تا اکنون ما را خبر میدادی که جبرئیل از آسمان بمن می آید و ما ترا استوار نمی داشتیم اکنون عجب تر از این آوردی که میگویی من بآسمان رفتم بشی و باز آمدم ما ترا چگونه استوار داریم و چون پیغمبر را علیه السلام تکذیب کرد بنزدیک ابوبکر صدیق رفت و گفت نه ترا گفتم که این یار تو دروغ زن است گفت چه گفت، گفت میگوید دوش بآسمان رفتم و هفت آسمان بدیدم و باز آمدم ابوبکر صدیق بوجهل را علیه اللعنة متهم داشت و مصطفی را متهم نداشت و گفت هر چه او گوید راست گوید ان کان قال هذا فقد صدق و آنروز نامش صدیق آمد .

۱۰

(باختصار) شرح تعرف طبع لکنهو ، ج ۲ ، ص ۳۵

۶۶ - ثوله ها بردار و پرده زخم گفت غَضُّوا عَنْ هَوَىٰ ابْصَارِكُمْ
(ص ۷۲ ، س ۶)

مقتبس از این حدیث است :

۱۵ اِضْمِنُوا لِي يَسْتَأْضِمَّنْ لَكُمْ الْجَنَّةَ اَصْدُقُوا اِذَا حَدَّثْتُمْ وَ اَوْفُوا
اِذَا وَعَدْتُمْ وَ اَدُّوا اِذَا اُتِمِّنْتُمْ وَ احْفَظُوا فُرُجَكُمْ وَ غَضُّوا ابْصَارَكُمْ وَ
كَفُّوا اَيْدِيَكُمْ .

مسند احمد ، ج ۵ ، ص ۳۲۲ - جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۴۳

۶۷ - ای همه بنظر بنور الله شده از بر حق بهر بخشش آمده
(ص ۷۴ ، س ۵)

دفتر اول

مستند آن در ذیل شماره (۳۳) مذکور است .

۶۸ - خوی شاهان در رعیت جا کند چرخ اخضر خاک را خضر اکند
(ص ۷۵ ، س ۱۳)

مقتبس است از مضمون این خبر :

۵ اَلنَّاسُ عَلٰی دِيْنٍ مُّلُوْكَهُمْ .
که :

علی دین ملیکهم .

نیز روایت شده ومؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۹۵) آنرا از موضوعات
می شمارد .

۱۰ ۶۹- شه چو حوضی دان چشم چون لوله ها آب از لوله رود در کوله ها
چونکه آب جمله از حوضی است پاک هر یکی آبی دهد خوش ذوقناک
ور در آن حوض آب شور است و پلید هر یکی لوله همان آرد پدید
(ص ۷۵ ، س ۱۴ بعد)

مأخوذ است از گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

۱۵ اَلْمَلِكُ كَالنَّهْرِ الْعَظِيْمِ تَسْتَمِدُّ مِنْهُ الْجَدَّ اَوَّلُ فَاِنْ كَانَ عَذْبًا عَذْبَتْ وَاِنْ
كَانَ مِلْحًا مِلْحَتْ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۴۱

مثل الامام کثل عین عظیمة صافیة طيبة الماء یجری منها الی نهر
عظیم فیخوض الناس النهر فیکدرونه و یعود علیهم صفو العین فان کان
۲۰ الکدر من قبل العین ففسد النهر .

ابومسلم خولانی - حلیة الاولیاء ، ج ۲ ، ص ۱۲۶

۷۰ - گنج مخفی بد ز پری چاک کرد خاک را تابان قرا از افلاک کرد
(ص ۷۶ ، س ۱۵)

مستند آن حدیث قدسی ذیل است :

قَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ لِمَ إِذَا خَلَقْتَ الْخَلْقَ قَالَ كُنْتُ كَثْرًا
مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرِفَ .

منارات السائرین تألیف نجم الدین ابوبکر محمد بن شاهاور اسدی رازی معروف
بدایه (متوفی ۶۵۸) نسخه کتابخانه ملی ملک .
و مؤلف اللؤلؤ المرصوع در باره آن چنین گفته است :

حدیث کنت کثرا مخفیا لا اعرف فاحببت ان اعرف فخلقت خلقا و
تعرفت اليهم في عرفون .

قال ابن تيمية ليس من كلام النبي (ص) ولا يعرف له سند صحيح ولا
ضعيف وتبعه الزركشي وابن حجر ولكن معناه صحيح ظاهر وهويين
الصوفية دائر .

اللؤلؤ المرصوع، ص ۶۱

۷۱- چون در معنی زنی بازت کنند پر فکر زن که شهبازت کنند
(ص ۷۶ ، س ۱۹)

۱۵ اشاره است بدین عبارت :

مَنْ قَرَعَ بَابًا وَ لَجَّ وَ لَجَّ .

که بعضی و از جمله مولانا (دفتر سوم ، ص ۳۱۹ ، س ۱۴) آن را حدیث
شمرده اند و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۷۳) گوید که حدیث نیست .

۷۲- احتماها بردواها سرور است ز آنکه خاریدن فزونی گراست
۲۰ احتما اصل دوا آمد یقین احتما کن قوت جانانت بین
(ص ۷۷ ، س ۱۰)

اشاره است بدین روایت :

الْحَمِيَّةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ وَالْمَعِدَةُ يَتُّ الدَّاءِ وَعَوْدُ بَدَنًا مَا تَعَوَّدَ .

سفينة البحار، ج ۱، ص ۳۴۵

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع در باره آن میگوید :

۵ قال الزر كشي لا اصل له و انبا هو من كلام بعض الاطباء .

اللؤلؤ المرصوع، ص ۷۳

۷۳- هر که او بی مرشدی در راه شد او زغولان گمره و در چاه شد

گر نباشد سایه پیرای فضول پس ترا سرگشته دارد بانگ غول

(ص ۷۸، س ۴)

۱۰ قَالَ الذَّيْئُ (ص) مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَيْخٌ فَشَيْخُهُ الشَّيْطَانُ .

لطائف معنوی تألیف عبداللطیف بن عبدالله عباسی طبع هند، ص ۶۰

۷۴- شاوروهن پس آنگه خالفوا آن من لهم يعصهنّ تالف

(ص ۷۸، س ۹)

اشاره است بدین حدیث :

۱۵ شَاوِرُوهَنَّ وَ خَالِفُوهَنَّ .

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۷۰

و در احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲۹ مصدر بلفظ : قیل۔ نقل شده که مشعر بدانست که

غزالی آنرا حدیث نمی داند .

و در شرح احیاء العلوم موسوم به : اتحاف السادة المتقين . ج ۵، ص ۳۵۶ نسبت

۲۰ آن به پیغمبر (ص) انکار شده و مؤلف اللؤلؤ المرصوع در ذیل آن روایت

میگوید :

قال السيوطي باطل لا اصل له لكن في معناه حديث اطاعة النساء

ندامة و حدیث هلكت الرجال حين اطاعت النساء .

اللؤلؤ المصروع ، ص ۴۴

- ۷۵ - گفت پیغمبر علی را کای علی شیر حقی پهلوانی بر دلش
ایک بر شیر میمکن هم اعتماد اندر آ در سایه نخل امید
تو تقرب جو بعقل و سرخویش نی چو ایشان بر کمال بر خویش
۵ (ص ۷۸ ، س ۲۴)

يَا عَلِيُّ إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ إِلَى خَالِقِهِمْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ فَتَقَرَّبَ إِلَيْهِ
بِأَنْوَاعِ الْعَمَلِ تَسْبِقُهُم بِاللَّرَجَاتِ وَالزُّنُفِ عِنْدَ النَّاسِ وَعِنْدَ اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ .
حلیة الاولیا ، طبع مصر ، ج ۱ ، ص ۱۸

- ۱۰ اذا تقرب الناس بابواب البر والاعمال الصالحة فتقرب انت بعقلك .
احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۶۴ و باختصر تفاوت ج ۳ ، ص ۱۳

نیز رجوع کنید به : اتحاف السادة المتقين ، ج ۱ ، ص ۶۲

۷۶ - این چنین شه را ز لشکر زحمتهست ایک همره شد جماعت زحمتهست
(ص ۸۰ ، س ۸)

- ۱۵ اشاره بدین حدیث است :
الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۴۴

في الجماعة رحمة وفي الفرقة عذاب .

كنوز الحقائق ، ص ۸۸

- ۷۷ - کمترین کارش بهر روز این بود کاو سه لشکر را روانه میکند
لشکری ز اصلاص سوی امهات بهر آن تا در رحم روید نبات
لشکری ز ارحام سوی خاکدان تا ز نر و ماده پر گردد جهان

دفتر اول

لشگری از خاکسدان سوی اجل تا ببیند هر کسی حسن عمل
مقتبس است از کلام مولای متقیان علی (ع) :

لِلّهِ تَعَالَى كُلُّ لَحْظَةٍ ثَلَاثَةٌ عَسَا كِرَ فَعَسَا كِرُ يَنْزِلُ مِنَ الْأَصْلَابِ إِلَى -
الْأَرْحَامِ وَعَسَا كِرُ يَنْزِلُ مِنَ الْأَرْحَامِ إِلَى الْأَرْضِ وَعَسَا كِرُ يَرْتَحِلُ
مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۵۹

۷۸ - هر نبی و هر ولی را مسلکی است لیک تا حق می برد جمله یکپست
(ص ۸۱ ، س ۲۸)

۱۰ - ظاهراً مستفاد است از مضمون حدیث ذیل :

أَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بَعَثَنِي فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ قَالُوا كَيْفَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْأَنْبِيَاءُ إِخْوَةٌ مِنْ عِلَاتٍ وَأُمَمَاتُهُمْ شَتَّى وَدِينُهُمْ وَاحِدٌ فَلَيْسَ
بَيْنَنَا نَبِيٌّ .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۱۹ و با اختلاف در ترتیب عبارت ص ۴۰۶ ، ۴۳۷ بخاری

۱۵ ج ۲ ، ص ۱۶۳ مسلم (بطرق و اشکال مختلفه) ج ۷ ، ص ۹۶ قصص الانبياء تعلیمی ،
طبع مصر ، ص ۳۴۱ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۰۷ .

۷۹ - امت هر حومه زاین روخواندمان آن رسول حق و صادق در بیان
(ص ۸۲ ، س ۲۲)

اشاره بدین حدیث است :

۲۰ إِنَّ أُمَّتِي أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ لَيْسَ عَلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ إِنَّمَا عَذَابُهَا
فِي الدُّنْيَا الْقَتْلُ وَالْبَلَابُ وَالزَّلَازِلُ .

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۴۰۸

ان هذه الامة مرحومة جعل الله عز وجل عذابها بينها فاذا كان يوم القيامة دفع الى كل امرئ منهم رجلا من اهل الاديان فقال هذا يكون فداءك من النار .

هبان مأخذ ، س ۴۱۰

۵

امتي امة مرحومة مغفور لها متاب عليها .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۶۴

۸۰ - كای محب عفو از ما عفو كن ای طیب رنج ناسور كهین
(ص ۸۶ ، س ۵)

مقتبس است از این روایت :

۱۰

اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي .

كنوز الحقائق ، س ۲۰ و ۹۲

۸۱ - گنت پیغمبر بیک صاحب ریا صلّ اَنّك لسم تصلّ یافتی
(ص ۸۹ ، س ۷)

اشاره است بخبر ذیل :

۱۵

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَردَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ فَرَجَعَ الرَّجُلُ فَصَلَّى كَمَا كَانَ صَلَّى ثُمَّ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَعَايِكَ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ حَتَّىٰ فَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ .

۲۰

بخاری ، ج ۱ ، ص ۹۱ مسلم ، ج ۲ ، ص ۱۱ ، ۹۴ و ج ۴ ، ص ۵۹ وبا تفصیل بیشتر

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۳۴۰

۸۲ - گفت پیغمبر که هست از امتهم که بود هم گوهر و هم همتهم
مرمر را زان نور بیند جا نشان که من ایشان را همی بینم بدان
(ص ۹۰، س ۲۴)

ظاهر اشاره بحديث ذیل است :

وَدِدْتُ اَنَا قَدْ رَأَيْتُ اِخْوَانَنَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ اَلَسْنَا بِاِخْوَانِكَ قَالَ بَلَى
اَنْتُمْ اَصْحَابِي وَ اِخْوَانِي الَّذِينَ لَمْ يَأْتُوا بَعْدُ وَ اَنَا فُرْطُهُمْ عَلَيِ الْخَوْضِ فَقَالُوا يَا
رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَعْرِفُ مَنْ لَمْ يَأْتِ مِنْ اَمَّتِكَ بَعْدُ قَالَ اَرَأَيْتَ لَوْ اَنَّ رَجُلًا
كَانَ لَهُ خَيْلٌ غَرُبَتْ مَحْجَلَةٌ بَيْنَ ظَهْرَانِي خَيْلٌ بَهُمْ دَهْمٌ اَلَمْ يَكُنْ يَعْرِفُهَا قَالُوا بَلَى
قَالَ فَانَّهُمْ يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ اَثَرِ الْوُضُوءِ .

مسند احمد، ج ۲، ص ۳۰۰، ۴۰۸

و ددت اني لقيت اخواني فقال اصحاب النبي ﷺ او ليس نحن
اخوانك قال انتم اصحابي و لكن اخواني الذين آمنوا بي و لم يروني .

مسند احمد، ج ۳، ص ۱۱۵ تفسیر ابوالفتوح طبع طهران (چاپ اول) ج ۱،
ص ۴۱ و با تفصیل بیشتر امالی مفید، طبع نجف، ص ۳۹ - ۴۰ و با اختلافی در تعبیر

مسند احمد، ج ۴، ص ۱۰۶، ۱۵

من اشد امتي لی حبا ناس یكونون بعدي یود احدهم لورائي باهله
و ماله .

مسلم، ج ۸، ص ۱۴۵ مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۷، ج ۵، ص ۱۵۶، ۱۷۰

۸۳ - گفت پیغمبر صباحی زید را کیف اصبحت ای رفیق با وفا

۲۰ برای مستند آن رجوع کنید به :

مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی، انتشارات دانشگاه طهران، ص ۹۱

احادیث مشنوی

۸۴ - الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ
من سمات الله يعرف حالهم
(ص ۹۲، س ۱) اشاره بدین حدیث است :

الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۴۵ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۳
السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۳۶ شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۷۷

۸۵ - او مگر بنظر بنور الله بود
کاندرون پوست او راره بود
(ص ۹۲، س ۵)

مستند آن در ذیل شماره (۳۳) مذکور است :

۸۶ - پس بغیبت نیم ذره حفظ کار
به که اندر حاضری زان صد هزار
(ص ۹۴، س ۲۵)

ظاهراً مقتبس است از مضمون خبر ذیل :

دَعْوَةٌ فِي السِّرِّ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً فِي الْعَلَانِيَةِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴ کنوز الحقائق ، ص ۶۳ ۱۵

۸۷ - گفت پیغمبر که اصحابی نجوم
رهروان را شمع و شیطان را رجوم
(ص ۹۵، س ۸) اشاره است باین حدیث :

أَصْحَابِي كَالنَّجُومِ فَيَأْتِيهِمْ اقْتِدَائُهُمْ أَهْتَدَيْتُمْ .

کنوز الحقائق ، ص ۱۳ اللبع لابی نصر السراج ، چاپ لیدن ، ص ۱۲۰ ۲۰

سألت ربِّي فيما تختلف فيه اصحابي من بعدى فأوحى اليَّ يا مُحَمَّدُ أنَّ
اصحابك عندي بمنزلة النجوم في السَّيِّءِ بعضها أضوأ من بعض فمن أخذ
بشيئي مما هم عليه من اختلافهم فهو عندي على هدى .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۲۸

دفتراول

۸۸ - نار خصم آب و فرزندان اوست همچنانکه آب خصم جان اوست
آب آتش را کشد زیرا که او خصم فرزندان آبست و عدو
(ص ۹۵، س ۲۹)

ظاهرأ مأخوذ است از مضمون این حدیث :

۵ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْأَرْضَ جَعَلَتْ تَمِيذُ فَخَلَقَ الْجِبَالَ فَقَالَ بِهَا عَلَيَّهَا (كذا)
فَاسْتَقَرَّتْ فَعَجِبَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ شِدَّةِ الْجِبَالِ فَقَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ
شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْجِبَالِ قَالَ نَعَمْ الْحَدِيدُ فَقَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ
أَشَدُّ مِنَ الْحَدِيدِ قَالَ نَعَمْ النَّارُ قَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ
مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمْ الْمَاءُ قَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ
۱۰ قَالَ نَعَمْ الرِّيحُ قَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الرِّيحِ قَالَ نَعَمْ
ابْنُ آدَمَ تَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ يَمِينِهِ يُخْفِيهَا عَنْ شِمَائِلِهِ .

فتوحات مکیه، ج ۲، ص ۵۹۳

۸۹ - چون ابیت عند ربی فاش شد
يطعمهم و یسقی پی این آتش شد
(ص ۹۷، س ۸)

اشاره بدین حدیث است :

۱۵ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْوِصَالِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّكَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ تَوَاصِلُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأَيُّكُمْ مِثْلِي إِنْ أَيْتَ يُطْعِمُنِي رَبِّي
وَيَسْتَمِينِي .

بخاری، ج ۴، ص ۱۱۸ مسلم ج ۳، ص ۱۳۳ - ۱۳۴ بوجوه متعدده مسند احمد،

۲۰ ج ۲، ص ۲۱، ۲۳، ۱۰۲، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۵۷، ۳۱۵ شرح تعرف،

ج ۱، ص ۳۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۱۵ .

احادیث مشنوی

۹۰ - چون تو بابی آن مدینه علم را
 باز باش ای باب بر جویای باب
 چون شعاعی آفتاب حلم را
 تا رسند از توقشور اندر لباب
 (ص ۹۷ ، س ۲۰)
 اشاره است بدین حدیث :

۵
 أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا ذَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ .
 جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۰۷ کنوز الحقائق ، ص ۳۸ با حذف ذیل خبر .

۹۱ - امت وحدی یکی و صد هزار
 بازگو ای بنده بازت را شکار
 (ص ۹۸ ، س ۸)
 مأخوذ است از این حدیث :

۱۰
 يُبْعَثُ زَيْدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ نَقِيلٍ أُمَّةً وَحْدَهُ .

احیاء العلوم ، ج ۱ ص ۲۰۸

۹۲ - تا احب لله آید نام من
 تا که ابغض لله آید کام من
 تا که اعطی لله آید جود من
 بخل من لله عطا لله و بس
 جمله لله ام نیم من آن کس
 (ص ۹۸ ، س ۲۱ پیوسته)
 ۱۵

مقتبس است از حدیث ذیل :

مَنْ أَعْطَى اللَّهَ وَ مَنَعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّ اللَّهَ وَ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ أَنْكَحَ اللَّهَ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ .

مستدرک حاکم چاپ حیدر آباد ، ج ۲ ، ص ۱۶۴

۲۰
 و با حذف جمله : و انکح لله .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۹ نیز رجوع کنید به : اللآلی المصنوعة ، ج ۱ ، ص ۴۳

۹۳ - پست میگوییم باندازه عقول
 عیب نبود این بود کار رسول
 (ص ۹۸ ، س ۲۵)

دفتر اول

مستفاد است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۲۶۷ احیاء العلوم ، ج ۱ ص ۷۴

نیز رجوع کنید به : فیه ما فیه انتشارات دانشگاه طهران ، ص ۳۰۶

۵ ۹۴ - اندر آرزاد کردت لطف حق زانکه رحمت داشت بر خشمش سبق

(ص ۹۹ ، س ۴)

مستند آن در ذیل شماره (۶۴) مذکور است .

۹۵ - کی بدیدندی عصا و معجزات معصیت طاعت شد ای قوم عصات

(ص ۹۹ ، س ۹)

۱۰ مصراع دوم مناسب است با مضمون این حدیث :

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَذْنِبُ ذَنْبًا يَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ قَالُوا كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

قَالَ يَكُونُ نَضْبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ يَتُوبُ مِنْهُ .

شرح خواجہ ایوب و لطائف معنوی ، ص ۶۴

۹۶ - گفت پیغمبر بگوش چاکرم که برد روزی ز گردن این سرم

(ص ۹۹ ، س ۱۸)

۱۵

مستند آن در کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی ، ص ۳۸ ذکر شده است .

نیز رجوع کنید به : مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۲۶۳

۹۷ - من همی گویم برو جفّ القلم ز این قلم بس سرنگون گردد علم

(ص ۹۹ ، س ۲۱)

۲۰ اشاره بحدیث ذیل است :

جَفَّ الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ .

مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۰۷ ، ج ۲ ، ۱۹۷۰ کنوز الحقائق ، ص ۵۵

قال ابو هريرة قال لي النبي ﷺ جفّ القلم بما انت لاق .

بخاری ، ج ۴ ، ص ۹۲ و با تفصیل بیشتر ج ۳ ، ص ۱۵۴

۹۸ - آنکه او تن را بدینسان پی کند حرص میری و خلافت کی کند
(ص ۱۰۱، س ۲۷)

مضمون این بیت و مابعد آن مناسبت با این سخن که از مولای متقیان علی ع روایت می کنند :

عَجَبًا لِسَعْدٍ وَابْنِ عُمَرَ بَزْ عَمَّا نِي أَحَارِبُ عَلِي الدُّنْيَا أَفَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُحَارِبُ عَلَى الدُّنْيَا فَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَارِبَ لِكَيْمِيرِ الْأَصْنَامِ وَعِبَادَةِ الرَّحْمَنِ فَإِنَّمَا حَارِبْتُ لِدَفْعِ الضَّلَالِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْفُسَادِ أَفِي لِي يُزَنُّ مُجِبِّ الدُّنْيَا وَاللَّهُ لَوْ تَمَثَّلَتْ لِي بَشَرًا سَوِيًّا لَضَرَبْتُهَا بِالسَّيْفِ .
شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۶۴

۹۹ - آنکه او از مخزن هفت آسمان چشم دل بر بست گاه امتحان
(ص ۱۰۲، س ۹)

مستند آن در مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (ص ۳۹) ذکر شده است .

۱۰۰ - لا یسع فینما نبیُّ مرسل و الملك و الروح ایضا فاعقلوا
(ص ۱۰۲، س ۱۲)

۱۵ اشاره است بحديث معروف :

لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْمَعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ .
که صوفیه بدان استناد می کنند و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۶۶) در باره آن گوید :

یذکره الصوفیة كثيرا و لم ار من نبّه علیه و معناه صحیح و فيه

۲۰ ایماء الى مقام الاستغراق باللقاء المعبر عنه بالحو و الفناء .

۱۰۱ - گفت اگر رانند این را بر زبان يك يهودی خود نماند در جهان
(ص ۱۰۲، س ۲۱)

اشاره است بروایت ذیل :

لَوْ تَمَنَّوْهُ يَوْمَ قَالَ لَهُمْ ذَلِكَ مَا بَقِيَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ يَهُودِيٌّ لَا دَاتَ .
تفسیر طبری ، ج ۱ ، ص ۳۲۰ (طبع مصر)

لَوْ تَمَنَّوْا الْمَوْتَ لَغَضَّ كُلُّ إِنْسَانٍ بِرِيقِهِ فَمَاتَ مَكَانَهُ وَلَا يَبْقَى
ه (ما بقی - ظ) علی الارض یهودی .

تفسیر نیشابوری طبع ایران ، ج ۱ ، ص ۱۱۷ - شرح خواجه ایوب ، لطائف
معنوی ، ص ۶۴ .

۱۰۲- تَوَنُّعًا رِيدَهُ كَفَ مَوْلِيَسْتِي آن حَقِّی كَرْدَدَه مَسْنِ نِیَسْتِی
نَقَشَ حَقِّ رَا هَم بِاَمْرِ حَقِّ شَكَن بَرَز جَا جَهْ دُوسْت سَنَگ دُوسْت زَن
(ص ۱۰۳ ، ص ۴)

مستفاد است از مضمون این روایت :

مَنْ هَدَمَ بُيُوتَانَ اللَّهِ فَهُوَ مَلْعُونٌ .

ربیع الابرار ، باب الفزو والقتل ، كنوز الحقائق ، ص ۱۲۰ با تقدیم و تأخیری
در عبارت .



دفتر دوم

۱۰۳ - خلوت از اغیار باید نی زیار پوسین بهر دی آمد نی بهار
(س ۱۰۵، س ۲۵)

ظاهرا استفاد است از مضمون حدیث ذیل :

- ۵
أَلَوْحَدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَالِسِ الشُّوءِ وَالْجَالِسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنْ الْوَحْدَةِ .
جامع صغیر ، ج ۲ ، س ۱۹۶ کنوز الحقائق س ۱۴۹ (بحدف جمله دوم) احیاء العلوم ،
ج ۲ ، س ۱۲۰ (منسوب به ابوذر) اتحاف السادة المتقين ، ج ۶ ، س ۲۰۳ که بحث
مفیدی در باره این روایت و انتساب آن بحضرت رسول ﷺ دارد .

- ۱۰۴ - چونکه مؤمن آینه مؤمن بود روی او ز آلودگی ایمن بود
یار آینه است جانرا در حزن بر رخ آینه ای جان دم مزین
(س ۱۰۵، س ۲۷)

اشاره بدین حدیث است :

- أَلْمُؤْمِنُ مِنْ مِرَاةِ الْمُؤْمِنِ .
جامع صغیر ، ج ۲ ، س ۱۸۳ ، کنوز الحقائق ، س ۱۳۶
۱۵ المؤمن من مرآة المؤمن والمؤمن اخو المؤمن يكفّ عليه ضيعته ويجوده
من ورائه .

جامع صغیر ، ج ۲ ، س ۱۸۳

المؤمن من مرآة اخيه المؤمن .

کنوز الحقائق ، س ۱۳۶

- ۲۰ انّ احدكم مرآة اخيه فاذا رأى به اذى فليمطه عنه .
جامع صغیر ، ج ۱ ، س ۸۶

۱۰۵ - خواب بیداریست چون با دانش است

وای بیداری که با نادان نشست

(ص ۱۰۶، س ۳)

مقتبس است از مضمون این حدیث :

نَوْمُ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ وَ نَفْسُهُ تَسْبِيحٌ .

کنوز الحقائق ، ص ۱۴۰

نوم علی علم خیر من صلاة علی جهل .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۷ کنوز الحقائق ، ص ۱۴۰

۱۰۶ - او جهلیست و یحب الجمال کی جوان نو گزینند پیر زال

(ص ۱۰۶، س ۲۳)

۱۰

اشاره است بدین حدیث :

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ .

مسلم ، ج ۱ ، ص ۶۵ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۸ مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۲۶

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۲۱۲ تلخیص ابلیس طبع مصر ، ص ۲۰۱ کنوز الحقائق ، ص ۲۵ .

۱۵ انّ الله تعالی جمیل یحبّ الجمال و یحبّ ان یری اثر نعمته علی عبده و

یبعض البؤس والتبؤس .

انّ الله تعالی جمیل یحبّ الجمال سخی یحبّ السخاء نظیف یحبّ النظافة .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۸

۱۰۷ - آینه جان نیست الا روی یار روی آن یساری که باشد زان دیار

(ص ۱۰۷، س ۴)

۲۰

مستند آن در شماره (۱۰۴) مذکور گردید .

۱۰۸ - بس دعاهاکان زیانست و هلاک و از کرم می نشنود یزدان پالک

(ص ۱۰۸، س ۶)

احادیث مشنوی

مناسبت با گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

وَرَبِّمَا أَخَّرْتَ عَنْكَ الْإِجَابَةَ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَعْظَمَ لِأَجْرِ السَّائِلِ وَأَجْزَلَ
لِعَطَاءِ الْآمِلِ وَرَبِّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاهُ وَأُوتِيتَ خَيْرًا مِنْهُ عَلَاجًا أَوْ آجِلًا
وَصُرِفَ مِنْكَ بِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ فَلَرُبُّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَالُكَ دِينِكَ لَوْ
أُوتِيْتَهُ .

ربیع الا برار ، باب ذکر الله والدعاء

۱۰۹ - تفرقه در روح حیوانی بود نفس واحد روح انسانی بود
(ص ۱۰۹ ، س ۱۴)

مناسبت با حدیث ذیل :

۱۰ الْمُؤْمِنُونَ كَرَجُلٍ وَاحِدٍ .
جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۴ كنوز الحقائق ، ص ۱۳۶
المؤمنون كنفس واحدة .

که بعضی آن را حدیث انگاشته اند . رجوع کنید به : فيه ما فيه انتشارات
دانشگاه طهران ، ص ۳۳۵ .

۱۱۰ - چونکه حق رش علیهم نورهُ مفترق هـ - رگز نگردد نور او
(ص ۱۰۹ ، س ۱۴)
مستند آن در ذیل شماره (۱۴) نقل شده است .

۱۱۱ - ذکر با او هم چو سبزه گلخن است بر سر مبرز گلست و سوسن است
(ص ۱۱۱ ، س ۱۳)

۲۰ مقتبس است از مضمون خبر ذیل :
إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدِّمَنِ .

كنوز الحقائق ، ص ۴۳

و شبیه بدان روایت ذیل است :

نعمۃ الجاهل کروضۃ فی مزبلة .

و این خبر در « مجموعه امثال » از شخصی بنام محمد بن محمود که از علما و ادباء عصر خویش بوده و بزبان تازی شعر نیکو میسروده است جزو احادیث نبوی مذکور است و نسخه خطی این کتاب که در روز شنبه ۲۷ رجب سال ۵۷۵ نوشته شده متعلق است بدانشمند محترم آقای جلال همایی استاد فاضل دانشگاه طهران .

۱۱۲ - پس کلام پاك در دلهاى كور مى نپايد مى رود تا اصل نور
(ص ۱۱۲ ، س ۹)

مناسبست با سخن مولای متقیان علی علیه السلام :

۱۰ خُذِ الْحِكْمَةَ اِنِّیْ كَانَتْ فَانٍ الْحِكْمَةُ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُنَافِقِ فَتَلْجَلِجُ فِي صَدْرِهِ حَتّٰی تَخْرُجَ فَتَسْكُنَ اِلٰی صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ .

ربیع الا برار ، باب العلم والحكمة، شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۲۷۸

۱۱۳ - چونکه موسی رونق دور تو دید کاندراو نور تجلی می دمید
(ص ۱۱۳ ، س ۶)

۱۵ مستند آن در کتاب ماخذ قصص و تمثیلات مثنوی (ص ۴۵) نقل شده است .

۱۱۴ - كنت كنزا رحمة مخفية فابتعثت امّة مهديّة
(ص ۱۱۳ ، س ۱۰)

مستند آن در ذیل شماره (۷۰) مذکور است .

۱۱۵ - گنت پیغمبر که در بازار هسا دو فرشته می کند دائم ندا
کای خدا تو منافقانرا ده خلف وای خدا تو ممسکانرا ده تلف
(ص ۱۱۳ ، س ۲۳)

مستند آن را در ذیل شماره (۵۱) توان دید .

۱۱۶- طعمه بنموده بما و آن بوده شست آن چنان بنما بما آنرا که هست

(ص ۱۱۵ ، ص ۱۵)

مأخوذ است از حدیث ذیل :

اللَّهُمَّ ارِنَا الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ .

۵

شرح خواجه ایوب

و این حدیث را بدین عبارت هنوز در کتب حدیث بدست نیاورده ام و نزدیک بدان روایت ذیل است :

اللَّهُمَّ ارِنِي الدُّنْيَا كَمَا تُرِيهَا صَالِحِي عِبَادِكَ .

کنوز الحقائق ، ص ۱۸

۱۰

۱۱۷- همین سبب نفس ترا زنده مخواه کاو عدو جان تست از دیر گناه

(ص ۱۱۵ ، ص ۱۸)

مستند آن در ذیل شماره (۱۷) گذشت .

۱۱۸- احتیاطش کرد از سهو و خبط چون قضا آید چه سود از احتیاط

(ص ۱۱۶ ، ص ۱۸)

۱۵

مستند آن در ذیل شماره (۲۹) ذکر شده است .

۱۱۹- صوفیان درویش بودند و فقیر کا دفعتران یکن کفر را پیر

(ص ۱۱۶ ، ص ۱۸)

اشاره است بحدیث :

كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا .

۲۰

کنوز الحقائق ، ص ۹۳

و با ذیل : و کاد الحسدان يغلب القدر - احياء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۲۹

و با تعبیر : و کاد الحسدان يكون سبق القدر - جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۸۸

نیز رجوع کنید به :

اتحاف السادة المتقين ، ج ۸ ، ص ۵۲ که اقوال محدثین را در باره این خبر بتفصیل

نقل نموده است .

۱۴۰ - گفت پیغمبر که دستت هر چه برد بایدش در عاقبت واپس سپرد
(ص ۱۱۷ ، س ۶)

مقصود این حدیث است :

۵ عَلَى الْيَدِ مَا اخَذْتَ حَتَّى تُؤَدِّيَهُ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۶۰ کنوز الحقائق ، ص ۸۱

۱۴۱ - واللّٰه ارسوراخ موشی در روی مبتلای گربه چنگالی شوی
(ص ۱۱۸ ، س ۴)

با مضمون این حدیث مناسبت دارد :

۱۰ لَوْ كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي جُحْرِ ضَبٍّ لَقَيْضَ اللَّهُ لَهُ مَنْ يُؤْذِيهِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۳۰

و نظیر آن روایت ذیل است که در همان مأخذ نقل شده است :

لو كان المؤمن على قصبه في البحر لقيض الله له من يؤذيه .
و این خبر نیز مفید همان معنی تواند بود :

۱۵ لم يكن مؤمن ولا يكون الى يوم القيامة الا وله جار يؤذيه ،

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۶

۱۴۲ - صبر از ایمان بیساید سر کلاه
گفت پیغمبر خدایش ایمان نداد
حیث لا صبر فلا ایمان له
هر کرا نبود صبوری در نهاد
(ص ۱۱۸ ، س ۷)

۲۰ این حدیث مراد است :

مَنْ لَا صَبْرَ لَهُ لَا إِيْمَانَ لَهُ .

رسالة قشیریة طبع مصر ، ص ۸۵ ، ۸۶

و از امیر مؤمنان علی علیه السلام مأثور است :

و علیکم بالصبر فان الصبر من الايمان كالرأس من الجسد ولا خیر

فی جسد لا رأس معه ولا فی ایران لا صبر معه .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۲۷۹

۱۴۴ - گفت پیغمبر که یزدان مجید از پی هر درد درمان آفرید
(ص ۱۲۰ ، س ۳)

اشاره است بدین حدیث :

مَا أُنْزِلَ إِلَهُ دَاءٌ إِلَّا أُنْزِلَ لَهُ شِفَاءٌ .

بخاری ، ج ۴ ، ص ۶ مسلم ، ج ۷ ، ص ۱۲۱ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۴۱۳، ۳۷۷،

۴۴۳ و ج ۳ ، ص ۱۵۶ با اختلاف مختصر .

و این خبر بصور ذیل هم روایت میشود :

۱۰ لکل داء دواء فاذا أصيب الداء برأ باذن الله .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۴ کنوز الحقائق ، ص ۱۰۹

ان الله تعالى انزل الداء و الدواء و جعل لكل داء دواء فتداووا و لا

تداووا بجرام .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۷

۱۵ لکل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۴ کنوز الحقائق ، ص ۱۰۹

ان الله حيث خلق الداء خلق الدواء فتداووا .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۸

تداووا عباد الله فان الله لم يضع داء الا وضع له دواء غير داء

۲۰ واحد الهرم .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۲۹

ما من داء الا وله دواء .

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۲۰۲

۱۴۴ - چشم را ای چاره جو در لامکان هین بنه چون چشم کشته سوی جان
(س ۱۲۰، س ۵)

مستفاد است از مضمون این روایت :

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّ أَيْ سَلَمَةَ وَقَدْ شَقَّ
بَصْرُهُ فَأَغْمَضَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قَبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ فَضَجَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ
فَقَالَ لَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلَيَّ مَا تَقُولُونَ .
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَمْ تَرَوْا الْإِنْسَانَ إِذَا مَاتَ شَخَصَ بَصْرُهُ قَالُوا
بَلَى قَالَ فَذَلِكَ حِينَ يَتَّبِعُ بَصْرُهُ نَفْسَهُ .

مسلم ، ج ۳ ، س ۳۸-۳۹

۱۰ اذا حضرتم موتاكم فأغمضوا البصر فان البصر يتبع الروح و قولوا
خيرا فانه يؤمن على ما قال اهل الميت .
مسند احمد ، ج ۴ ، س ۱۲۵ جامع صغير ، ج ۱ ، س ۲۳ با تفاوت اندك
ان الروح اذا قبض تبعه البصر .

ان الروح اذا عرج به يشخص البصر .
كنوز الحقائق ، س ۲۹ جامع صغير ، ج ۱ ، س ۷۹ ۱۵

۱۴۵ - النبی قدر کب معروریا والنبی قیل سافر ماشیا
(س ۱۲۰، س ۲۹)

اشاره است بروایات ذیل :

عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ أَتَى النَّبِيَّ بِفَرَسٍ مُعْرَوْرٍ فَرَكِبَهُ حِينَ أَنْصَرَفَ
مِنْ جَنَازَةِ ابْنِ السُّدَّاحِ وَنَحْنُ نَمَشِي حَوْلَهُ . ۲۰

مسلم ، ج ۳ ، س ۶۰

كَانَ يَزُورُ قُبَاءً رَاكِبًا وَمَاشِيًا .

مسند احمد، ج ۲، ص ۵ مسلم، ج ۴، ص ۱۲۷

صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ عَلَى ابْنِ الدَّحْدَاحِ ثُمَّ أَتَى بِفَرَسٍ عَرِيٍّ فَعَقَلَهُ رَجُلٌ
فَرَكَبَهُ فَجَعَلَ يَتَوَقَّصُ وَنَحْنُ نَتَّبِعُهُ نَسْعَى خَلْفَهُ .

مسند احمد، ج ۵، ص ۵۹ و با اختلاف مختصر ص ۹۹

كَانَ يَرْكَبُ الْجَمَارَ عَرِيَاذَا لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْئٌ .

جامع صغير، ج ۲، ص ۱۱۶، كنوز الحقائق، ص ۱۴۰

۱۴۶ - تا نگردي تو گرفتار اگر که اگر آن کردم یی آن دگر

کز اگر گفتن رسول با وفاق منع کرد و گفت هست آن از نفاق

۱۰ (ص ۱۲۱، ص ۵)

اشاره بحديث ذیل است :

إِيَّاكُمْ وَالْمُؤْفَانَ الْبُؤَى يَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ .

مسند احمد، ج ۲، ص ۳۶۶، كنوز الحقائق، ص ۴۳

الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي

۱۵ كُلِّ خَيْرٍ إِحْرَصُ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ وَإِنْ أَصَابَكَ

شَيْئٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَ كَذَا وَكَذَا وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا

شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ .

مسلم، ج ۸، ص ۵۶

هیچ اهلیت به از خلق نکره و

۱۴۷ - من ندیدم در جهان جستجو

۲۰ (ص ۱۲۲، ص ۲۳)

مستفاد است از مضمون این روایت :

خَيْرٌ مَا أُعْطِيَ النَّاسُ خُلُقٌ حَسَنٌ .

جامع صغير، ج ۲، ص ۹

و نظیر آن روایات ذیل است :

انَّ النَّاسَ لَمْ يَعْطُوا شَيْئًا خَيْرًا مِنْ خَلْقِ حَسَن .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۸۵

خیر الناس احسنهم خلقا .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۸

خیر ما اعطى الرجل المؤمن خلق حسن و شر ما اعطى الرجل قلب

سوء في صورة حسنة .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۰

۱۲۸ - زانکه هفصد پرده دارد نور حق

پرد های نوردان چندین طبق

(ص ۱۲۲ ، س ۲۹)

اشاره است بروایتی که در باره حجب نورانی و ظلمانی نقل شده و چون

در باره عدد حجب روایات مختلف است همه آنها را در اینجا می آوریم :

لِلَّهِ دُونَ الْعَرْشِ سَبْعُونَ حِجَابًا لَوْ دَخَلْنَا مِنْ أَحَدِهَا لَأَحْرَقَتْنا سُبْحَاتُ

وَجْهِ رَبِّنَا . ۱۵

نهایه ابن اثیر طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۱۴۱ فائق زمخشری ، طبع حیدر آباد ،

ج ۱ ، ص ۲۸۰ .

إِنَّ لِلَّهِ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنْ نُورٍ وَظُلْمَةٍ لَوْ كَشَفَهَا لَأَحْتَرَقَتْ سُبْحَاتُ

وَجْهِهِ مَا أَنْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ .

مرصاد العباد چاپ طهران ۱۳۱۲ شمسی ، ص ۵۷ اشعة اللمعات چاپ ایران ، ص

۷۷ - ۷۸ با این اختلاف :

لَأَحْرَقَتْ سُبْحَاتُ وَجْهِهِ .

إِنَّ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ .

احادیث مشنوی

فَمَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْحُجْبِ وَالْحُجْبِ خَمْسِمِائَةَ
حِجَابٍ مِنَ الْحِجَابِ إِلَى الْحِجَابِ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ .
إِنَّ لِلَّهِ سَبْعًا وَسَبْعِينَ حِجَابًا مِنْ نُورٍ لَوْ كَشَفَ عَنْ وَجْهِهِ لَأَخْرَقَتْ
سُبْحَاتُ وَجْهِهِ مَا أَدْرَكَهُ بَصَرُهُ وَفِي رِوَايَةٍ سَبْعِمِائَةَ حِجَابٍ وَفِي أُخْرَى
سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ .

وافی فیض ، طبع ایران ، ج ۱ ، ص ۸۹

۱۴۹ - آدمی مخفی است در زیر زبان این زبان پرده است بر درگاه جان
(ص ۱۲۳ ، ص ۱۶)

مستفاد است از مضمون کلام مولای متقیان علی علیه السلام :

تَكَلَّمُوا تَعْرِفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُودٌ تَحْتَ لِسَانِهِ .
شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۴۲۱ ، ۳۱۳

قال الاخنف حنف الرجل محبوء تحت لسانه .

عیون الاخبار طبع مصر ، ج ۱ ، ص ۳۳۱

۱۳۰ - گفت پنهان که هر کس از یقین داند او پاداش خود در یوم دین
که یکی را ده عوض می آیدش هر زمان جویدی دگرگون زایدش
(ص ۱۲۴ ، ص ۱۸)

مقصود روایت ذیل است :

مَنْ آيَقَنَ بِالْخَافِ جَادَ بِالْمَطِيَّةِ .

که در « مجموعه امثال » جزو احادیث نبوی و در نهج البلاغة منسوب

بمولای متقیان علی علیه السلام ذکر شده است .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۳۰۸

۱۳۱ - صد هزاران پادشاهان و مهان سر فرازانند ز آنسوی جهان
نامشان از رشك حق پنهان بماند هر گدایی نامشان را بر نخواند
(ص ۱۲۵ ، س ۱۷)

مستفاد است از مضمون حدیث قدسی :

۵ أُولَئِكَ تَحْتَ قَبَائِلٍ لَا يَعْرِفُهُمْ غَيْرِي .

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۲۵۶ ، کشف المحجوب هجویری طبع لنینگراد ، ص ۷۰
۱۳۲ - روح او با روح شه در اصل خویش
پیش از این تن بود هم پیوند و خویش
(ص ۱۲۸ ، س ۱)

۱۰ مقتبس است از مفاد این حدیث :

الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ فَإِذَا تَعَارَفَ مِنْهَا اتَّخَلَفَ وَمَا تَنَازَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۴۱ ، بخاری ، ج ۲ ، ص ۱۴۷ ، مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۹۵ ، ۵۲۷ ،
جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۲۱ ، احیاء العلوم ، ج ۲ ، ص ۱۱۱ .

۱۳۳ - هست دست راست اینجا ظن راست

۱۵ کاو بداند نیک و بد را کز کجاست

نیزه گردان نیست ای نیزه که تو

راست می گردی گه و گاهی دو تو

(ص ۱۲۹ ، س ۱۰)

با گفته مولای متقیان علی علیه السلام مناسبت دارد :

۲۰ عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعِزَائِمِ وَحَلِّ الْمُقُودِ وَنَقْضِ الْهَمَمِ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۳۵۰

۱۳۴ - مصطفی فرمود از گفت جیحیم که بمؤمن لا به گر گردد ز بیم

گویدش بگذر ز من ای شاه زود همین که نورت سوز نارم را ربود

(ص ۱۳۲ ، س ۵)

۲۵ اشاره است بحدیث ذیل :

تَقُولُ النَّارُ لِلْمُؤْمِنِ جُزْ يَا مُؤْمِنُ فَقَدْ أَطْفَأَ نَوْرُكَ لَهْمِي .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۳۲

انّ المؤمن اذا وضع قدمه على الصراط يقول النار جزيا مؤمن
فقد اطفأ نوري .

شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۱۷۷

۱۳۵- این سخا شاخیست از سرو بهشت

۵ وای او کز کف چنین شاخی بهشت
(ص ۱۳۲ ، س ۲۵)

مقتبس است از این روایت :

السَّخَاءُ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّياتٌ فِي الدُّنْيَا فَمَنْ
أَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْبُخْلُ شَجَرَةٌ مِنْ شَجَرِ النَّارِ
أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّياتٌ فِي الدُّنْيَا فَمَنْ أَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا قَادَهُ ذَلِكَ
۱۰ السُّغْصُنُ إِلَى النَّارِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۳۶ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۶۸ شرح نهج البلاغه ،
ج ۴ ، ص ۴۱۴ با اختلاف در تمیز .

۱۳۶- زانکه مخلص در خطر باشد مدام تا ز خود خالص نگردد او تمام
۱۵ (ص ۱۳۳ ، س ۱۷)

اشاره است بجملة :

وَالْمُخْلِصُونَ عَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ .

که در شرح خواجه ایوب حدیث نبوی و در اتحاف السادة المتقين ، ج ۹ ،
ص ۲۴۳ منسوب به سهل بن عبدالله تستری ذکر شده است .

۱۳۷- ز آب هر آلوده گر پنهان شود الحسیاء یمنع الایمان بود
(ص ۱۳۴ ، س ۱۹)

در حاشیه عبد اللطیف عباسی بر مننوی (نسخه خطی متعلق بکتابخانه ملی)

و حاشیه مثنوی چاپ علاء الدوله ذکر شده که : الْحَيَاءُ يَمْنَعُ مِنَ الْإِيمَانِ - حدیث است ولی مأخذ آن بدست نیامد و نزدیک بدان گفته امیر مؤمنان علی علیه السلام است : قُرْنَتِ الْهَيْبَةُ بِالْخَيْبَةِ وَالْحَيَاءُ بِالْخِرْمَانِ .
شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۲۵۲

۵ و از عایشه نقل کرده اند :

نِعْمَ النِّسَاءُ نِسَاءُ الْأَنْصَارِ لَمْ يَمْنَعْنِ الْحَيَاءُ أَنْ يَتَّقِيَنَّ فِي الدِّينِ .
بخاری ، ج ۱ ، ص ۲۴

و در حدیث آمده است :

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ .

۱۰ مسلم ، ج ۱ ، ص ۴۶ بخاری ، ج ۱ ، ص ۸ - که مضمون آن مخالف است با جمله ای که بعنوان حدیث ذکر کرده اند .

۱۳۸ - دوست همچون زر بلا چون آتش است

زر خالص در دل آتش خوش است

(ص ۱۳۶ ، س ۲۰)

۱۵ مستفاد است از حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُجَرِّبُ عَبْدَهُ بِالْبَلَاءِ كَمَا يُجَرِّبُ أَحَدَكُمْ ذَهَبَهُ بِالنَّارِ فَمِنْهُمْ مَنْ يُخْرِجُ كَالذَّهَبِ الْإِبْرِيذَ لَا يَرَبْدُ وَ مِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُخْرِجُ أَسْوَدَ مُحْتَرِقًا .

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۲۰۵ اتحاف السادة المتقين ، ج ۹ ، ص ۵۲۳ با ذکر

۲۰ اسناد و وجوه روایت .

و در حاشیه عبد اللطیف بدین صورت ذکر شده است :

البلاء للولاء كما الذهب للذهب .

۱۳۹ - بند ۴۹ ان خاص علام الغیوب در جهان جان جواسیس القلوب
(ص ۱۳۷ ، س ۳)

عبد اللطیف عباسی اشاره میداند بدین عبارت :

اِحْدَرُوهُمْ فَإِنَّهُمْ جَوَاسِيسُ الْقُلُوبِ .

۵ که بعقیده او حدیث است و در شرح تعرف ، ج ۱ ، ص ۶۸ این جمله منسوب
است بابو عبدالله انطاکی بصورت ذیل :

قال ابو عبدالله الانطاکی اذا جالستم اهل الصدق فجالسوهم
بالصدق فانهم جواسیس القلوب یدخلون فی اسرارکم و ینخرجون
من همکم .

۱۰ ۱۴۰ - چونکه ملعون خواند ناقص را رسول

هست در تاویل نقصان عقول

زانکه ناقص تن بود مرحوم رحم

نیست بر مرحوم لایق طعن وزخم

(ص ۱۳۸ ، س ۱۴)

۱۵ اشاره است بدین حدیث :

الْناقصُ ملعونٌ .

شرح خواجه ایوب ، المنهج القوی (شرح یوسف بن احمد بر مشنوی) طبع مصر ،

ج ۲ ، ص ۳۵۲ .

و بیت دوم را یوسف بن احمد اشاره بحدیث ذیل (که در جامع صغیر ، ج ۲ ،

۲۰ ص ۱۹ نیز نقل شده) گرفته است :

ذَهَابُ الْبَصَرِ مَغْفِرَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ ذَهَابُ السَّمْعِ مَغْفِرَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ مَا

نَقَصَ مِنَ الْجَسَدِ فَعَلِيَ قَدْرُ ذَلِكَ .

۱۴۱ - شیخ کاو بنظر بنورالله شد
 از نهایت و از نخست آگاه شد
 چشم او بنظر بنورالله شده
 پردهای چهل را خارق بده
 (ص ۱۳۹، س ۳ و ۱۱)

مستند آن در ذیل شماره (۳۳) گذشت.

۱۴۲ - گویم ای خورشید مقرون شو به ماه
 هر دو را سازم چو دو ابر سیاه
 (ص ۱۴۰، س ۱۲)

مقتبس است از حدیث مفصّلی که درباره پایان کار جهان و ظهور علائم قیامت
 روایت میکنند و آنچه مرتبط بدین بیت است در اینجا می آوریم:

آنکه آفتاب و ماه را بیارند نور از ایشان بسته بمانند دوجرم سیاه.

تفسیر ابو الفتوح، ج ۲، ص ۳۶۰

۱۰

۱۴۳ - آفتاب و مه چو دو گاو سیاه
 یوغ برگردن ببندد شان اله
 (ص ۱۴۰، س ۱۳)

مستفاد است از این روایت:

الشمسُ وَالْقَمَرُ يُورَانِ عَیْرَانِ فِي النَّارِ إِنْ شَاءَ أَخْرَجَهُمَا وَإِنْ

۱۵ شَاءَ تَرَكَهُمَا.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۴۱ و با حذف ذیل روایت کنوز الحقائق، ص ۷۴

و جامع صغیر، ج ۱، ص ۸۰ و تفسیر ابو الفتوح، ج ۵، ص ۴۳۴ نیز رجوع کنید به:

اللائئ المصنوعة، ج ۱، ص ۴۶، ۵۶، ۸۴ که این حدیث را جزو موضوعات

آورده است.

۱۴۴ - زانکه حکمت همچو ناقه ضاله است

۲۰

همچو دلّالان شهان را داله است

(ص ۱۴۱، س ۶)

احادیث مشنوی

اشاره است بحديث :

الحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا .

که در جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۷ و با حذف ذیل روایت در کنوز الحقائق، ص ۵۸ جزو احادیث نبوی و در نهج البلاغه بدینصورت :

الحكمة ضالة المؤمن فخذ الحكمة ولو من اهل النفاق .
بامیر مؤمنان علی علیه السلام منسوبست .

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۷۸

۱۴۵ - چون طالب کردی بجدّ آمد نظر جد خطا نکند چنین آمد خبر
(ص ۱۴۱، س ۲۱)

مستند آن را در ذیل شماره (۲۱۴) ملاحظه کنید .

۱۴۶ - آنکه گفت ای مرضت لم تعد من شدم رنجور او تنها نشد
(ص ۱۴۲، س ۲۱)

اشاره بدین حدیث است :

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَشُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا ابْنَ آدَمَ مَرِضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِي

۱۵ قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَعُودُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَبْدِي
فُلَانًا مَرِضَ فَلَمْ تَعُدَّهُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي عِنْدَهُ .

مسلم، ج ۸، ص ۱۳ مستند احمد، ج ۲، ص ۴۰۴ با اختلاف تعبیر، مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی، ص ۶۷ .

۱۴۷ - آنکه بی یسمع و بی یبصر شده است

۲۰ در حق آن بنده ایسن ههم پهمیده است
(ص ۱۴۲، س ۲۱)

مستند آن در ذیل شماره (۴۲) یاد شده است .

۱۴۸ - تا توانی پا منه اندر فراق ابغض الاشياء عندي الطلاق
(ص ۱۴۳، س ۲)

دفتر دوم.

اشاره بحديثى است كه بصور ذيل روايت كرده اند :

أَبْغَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللَّهِ الطَّلَاقُ .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۴ كنوز الحقائق ، ص ۲ و همچنين با تعبير :

ابغض الحق الى الله الطلاق .

ما احل الله شيئاً ابغض اليه من الطلاق .

مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۱۹۶ جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۱۴۱

يا معاذ ما خلق الله شيئاً على وجه الارض احب اليه من العتاق ولا

خلق شيئاً على وجه الارض ابغض اليه من الطلاق .

شرح خواجه ايوب ، حاشية عبد اللطيف و حاشية مشوى چاپ علاء الدوله با كمى

۱۰ تفاوت .

۱۴۹ - من نکردم خلق تا سودى کنم بلکه تا بر بندگان جودى کنم

(ص ۱۴۳ ، س ۵)

مقتبس است از مفاد اين روايت :

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ لِيَرْجُوا عَلَيَّ وَلَمْ أَخْلُقْهُمْ

۱۵ لِأَرْبَحَ عَلَيْهِمْ .

و بصورت ذيل جزو سخنان امير المؤمنين على عليه السلام نقل شده است :

يقول الله تعالى يا ابن آدم لم اخلقك لاربح عليك انما خلقتك لتربح

على فاتخذني بد لا من كل شيى .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۶۰

ما درونرا بنگريم و حال را

۲۰ ۱۵۰ - ما برونرا ننگريم و قال را

(ص ۱۴۳ ، س ۷)

احادیث مشنوی

مستفاد است از حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ.

مسند احمد، ج ۲، ص ۲۸۵ مسلم، ج ۸، ص ۱۱ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۹۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۷۳ با مختصر تفاوت.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَادِكُمْ وَلَا إِلَى صُورِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ.

مسلم، ج ۸، ص ۱۱

۱۵۱ - خون شهیدانرا از آب اولیتر است

این خطبا از صد صواب اولیتر است

۱۰ (ص ۱۴۳، س ۱۱)

حکم شرعی است و با مضمون روایت ذیل مناسبت دارد :

زَمِّلُوهُمْ بِدِمَائِهِمْ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ كَلَمٍ يُكَلِّمُ فِي اللَّهِ إِلَّا وَهُوَ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَذْمِي لَوْنَهُ لَوْنُ الدَّمِ وَرِيحُهُ رِيحُ الْمِسْكِ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۲۷ نیز رجوع کنید به : فيه ما فيه انتشارات دانشگاه طهران، ص ۲۶۲.

۱۵

۱۵۲ - حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِمَكْرٍ وَهَاتِنَا حُفَّتِ النَّيِّرَانُ مِنْ شَهَوَاتِنَا

(ص ۱۴۴، س ۲۵)

اشاره بحديث ذیل است :

حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَحُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ.

مسلم، ج ۸، ص ۱۴۳ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۸۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۷ و ۲۰ كنوز الحقائق، ص ۵۷ و باللفظ : حجبیت - جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۵ كنوز الحقائق، ص ۵۶.

۱۵۳ - تَخِيمَ مَائَةِ آتَشٍ شَاخٍ تَرِ اسْتِ سُوخْتِ آتَشِ قَرِينِ كَوَثَرِ اسْتِ

(ص ۱۴۴، س ۲۶)

مستفاد است از مضمون این خبر :

سَيُخْرِجُ نَاسٌ مِّنَ النَّارِ قَدْ احْتَرَقُوا وَكَانُوا مِثْلَ الْجَمِّ ثُمَّ لَا يَرَالُ أَهْلُ
الْجَنَّةِ يَرُشُونَ عَلَيْهِمُ الْمَاءَ حَتَّى يَنْبُتُونَ نَبَاتَ الْغَنَاءِ فِي السَّيْلِ .

مسند احمد، ج ۳، ص ۹۰ و با تفصیل بیشتر، ص ۳۴۵، ۳۸۴

۵ - ۱۵۴ - ز آخر و هن مرادش نفس تست کاو بآخر باید و عقالت نخست
(ص ۱۴۵، س ۶)

اشاره است بدین روایت :

أَخْرُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَخْرَهُنَّ اللَّهُ .

کنوز الحقائق، ص ۵

۱۰ - ۱۵۵ - ز آتش این ظالمات دل کباب از توجمله اهد قومی بد خطاب
(ص ۱۴۵، س ۱۳)

اشاره بروایت ذیل است :

اللَّهُمَّ اِهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ .

احیاء العلوم، ج ۳، ص ۲۰۱ شرح تعرف، ج ۳، ص ۱۲۶

۱۵ و با تعبیر : رب اغفر لقومی فانهم لا يعلمون .

مسلم، ج ۵، ص ۱۷۶ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۸۰، ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۵۶
احیاء العلوم، ج ۱ ص ۲۱۹ با مختصر اختلاف .

۱۵۶ - گفت پیغمبر عداوت از خرد بهتر از مهری که جاهل پرورد
(ص ۱۴۵، س ۱۷)

۲۰ ظاهراً اشاره است بدین سخن که بمولای متقیان علی علیه السلام نسبت
داده اند :

يَا بَنِي آيَاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْآحَقِّ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَفْعَلَكَ فَيُضْرِكَ .

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۵۹

احادیث منوئی

و در عیون الاخبار طبع مصر ج ۲، ص ۳۹ این عبارت با مختصر اختلاف
بعمربن الخطاب منسوبست .

و در اللؤلؤ المرصوع، ص ۵۰ ملاحظه میشود :

العدو العاقل و لا الصديق الجاهل رواه و کيع عن سفیان .

عداوة العاقل و لا صحبة المجنون - ليس بحديث .

۱۵۷ - مصطفی گوید اگر گویم براست شرح آن دشمن که در جان شماست
زهرهای پر دلان بر هم درد نی رود ره نی غم کاری خورد
نی دوش را تاب ماند در نیاز نی تشن را قوت صوم و نماز
(ص ۱۶۴، س ۹)

بگفته یوسف بن احمد مولوی (المنهج القوی، ج ۲، ص ۴۲۶) این آیات ۱۰
اشاره بحديث ذیل است که در جامع صغير، ج ۲، ص ۱۲۹ بوجوه مختلف نیز
می توان دید :

لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمَ لَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا وَ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا وَ لَخَرَجْتُمْ إِلَى
الصُّعُفَاتِ تَجَارُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا تَدْرُونَ تَنْجُونَ أَوْ لَا تَنْجُونَ .

۱۵۸ - مؤمنم ينظر بنور الله شده هان و هان بگریز از این آشکده ۱۵
(ص ۱۴۸، س ۲۰)

مستند آن در ذیل شماره (۳۳) مذکور است .

۱۵۹ - یاد الناس معادن هین بیار معدنی باشد فزون از صد هزار
(ص ۱۵۰، س ۱)

۲۰ اشاره بحديث ذیل است که بصور مختلف روایت کرده اند :

النَّاسُ مَعَادِنٌ تَجِدُونَ خِيَارَهُمْ فِي النَّجَاهِلِيَّةِ خِيَارَهُمْ فِي الْإِسْلَامِ
إِذَا قُمُّوْا .

مستند احمد، ج ۲، ص ۲۵۷ و با اختلاف اندك ص ۲۶۰، ۳۹۱، ۴۳۱، ۴۳۸

النَّاسُ مَعَادِنُ وَ الْعَرَقُ دَسَّاسٌ وَ ادبُ السَّوِّءِ كَعَرَقِ السَّوِّءِ .
جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۷ کنوز الحقائق ، ص ۱۴۱

النَّاسُ مَعَادِنُ فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ .

کنوز الحقائق ، ص ۱۴۱

۱۶۰ - از صحابه خواجه‌یی بیمارشد و اندران بیماری او چون تارشد
(ص ۱۵۱ ، س ۲۰)
مستند آن در مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی انتشارات دانشگاه طهران ،
ص ۶۶ ذکر شده است .

۱۶۱ - وحی آمد سوی موسی این عقیب کای طلوع ماه نو دیده ز جیب
۱۰ مشرق کردم ز نور ایزدی من حقم زنجور هشتم نامدی
(ص ۱۵۲ ، س ۱)

مستند آن در ذیل شماره (۱۴۶) و نیز در کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی
انتشارات دانشگاه طهران ، ص ۶۷ مذکور است .

۱۶۲ - کعبه هرچندی که خانه بر اوست خلقت من نیز خانه سر اوست
(ص ۱۵۴ ، س ۱۰)

۱۵

اشاره است بحديث :

اَلْاِنْسَانُ سِرِّي وَ اَنَا سِرُّهُ .

حاشیه عبد اللطیف وحاشیه مثنوی چاپ علاء الدوله

و ممکنست اشاره باشد بدین روایت :

اَلْقَلْبُ بَيْنَ الرَّبِّ .

۲۰

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۷۵) آن را از موضوعات می شمارد .

۱۶۳ - چون مرادیدی خدا را دیده‌یی گرد کعبه صدق برگزیده‌یی
(ص ۱۵۴ ، س ۱۱)

احادیث مشهوری

مستفاد است از مضمون این حدیث :

مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ .

بخاری ، ج ۴ ، ص ۱۳۵ مسلم ، ج ۷ ، ص ۵۴ کنوزالحقائق ص ۱۲۵

من رأی فقد رأی الحق فان الشیطان لا یترایابی .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۷۰

۱۶۴ - کالہ حکمت کہ گم کردہ دلست پیش اہل دل یقین آن حاصلست

(ص ۱۵۷ ، س ۴)

مستند آن را در ذیل شماره (۱۴۴) ملاحظہ کنید .

۱۶۵ - از دو پارہ پیرہ آن نور روان موج نورش میروود تا آسمان

(ص ۱۵۸ ، س ۲۰)

مستفاد است از گفتہ مولای متقیان علی علیہ السلام :

إِعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَيَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ وَيَسْمَعُ بِعَظْمٍ وَيَتَنَفَّسُ مِنْ خَرْمٍ .

شرح نہج البلاغہ ، ج ۴ ، ص ۲۴۴

و در ربیع الاربار ، باب ذکر اللہ والدعاء بدین صورت باین سَمَاكَ نسبت داده

شده است :

تَبَارَكَ مَنْ خَلَقَكَ فَجَعَلَكَ تَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَتَسْمَعُ بِعَظْمٍ وَتَنْطِقُ بِلَحْمٍ .

۱۶۶ - مؤمنان در حشر گویند ای ملک

ما ندیدیم اندراین رہ دود و نار

پس کجا بود آن گذر گاہ ایمنی

کان فلان جا دیدہ اید اندر گذر

بر شما شد باغ و بہستان و درخت

(ص ۱۶۱ ، س ۷ پیعد)

مقتبس است از مضمون این خبر :

يَا أَيُّهَا أَقْوَامُ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فَيَقُولُونَ أَلَمْ يَعِدْ تَارْتُنَا أَنْ نَرِدَ النَّارَ فَيُقَالُ
مَرَرْتُمْ عَلَيْهَا وَهِيَ خَامِدَةٌ .

شرح تعرف، ج ۲، ص ۱۷۷

۱۶۷ - عَجِّلُوا الطَّاعَاتِ قَبْلَ الْفَوْتِ گفت مصطفی چون در وحدت را بسفت

(ص ۱۶۲، س ۱۲)

اشاره است بحديث :

عَجِّلُوا الصَّلَاةَ قَبْلَ الْفَوْتِ وَ عَجِّلُوا التَّوْبَةَ قَبْلَ الْمَوْتِ .

المنهج القوي، ج ۲، ص ۵۲۶

۱۰ - ۱۶۸ - گفت یه ممبر که حق فرموده است

قصد من از خلق احسان بوده است

تا ز شهدم دست آلودی کنند

و از برهنه من قبایی برکنم

(ص ۱۶۲، س ۲۷)

آفریدم تا ز من سودی کنند

نی برای آنکه من سودی کنم

مستند آن در ذیل شماره (۱۴۹) مذکور افتاد .

۱۵ - ۱۶۹ - گفت ابلیس گشا این عقد را

من محکم قلب را و نقد را

امتحان نقد و قلبم کرد حق

(ص ۱۶۳، س ۲۴)

امتحان شیر و کلیم کرد حق

مستفاد است از مضمون این روایت :

بُعِثْتُ دَاعِيًا وَمُعَلِّمًا وَلَيْسَ إِلَيَّ مِنَ الْهُدَى شَيْءٌ وَجُعِلَ إِبْلِيسُ

۲۰ مُزَيِّنًا وَلَيْسَ لَهُ مِنَ الضَّلَالَةِ شَيْءٌ .

اللائي المصنوعة، ج ۱، ص ۲۵۴

نفسك السودا جنت لا تختصم

(ص ۱۶۵، س ۵)

۱۷۰ - حبك الاشياء يعمى ويصم

مستند آن در ذیل شماره (۶۲) گذشت .

۱۷۱- گفت پیغمبر نشانی داده است قلب و نیکو را محک بنهاده است
گفته است الکذب ریب فی القلوب باز الصدق طمانین طروب
(س ۱۶۵، س ۱۵)

اشاره است بحديث ذیل :

دَعُ مَا يَرِيْبُكَ إِلَىٰ مَا لَا يَرِيْبُكَ فَإِنَّ الصِّدْقَ طَمَٰنِيْنَةٌ وَإِنَّ الْكِذْبَ رِيْبَةٌ .

مسند احمد، ج ۱، س ۲۰۰ جامع صغیر، ج ۲، س ۱۴

۱۷۲- گفت اه چون حکم راند بیدلی در میان آن دو عالم جاهلی
(س ۱۶۵، س ۲۵) ۱۰

مقتبس است از مفاد این خبر :

الْقَاضِي جَاهِلٌ بَيْنَ عَالَمَيْنِ . شرح خواجه ایوب

۱۷۳- طاعت عامه گناه خاصمان وصلت عامه حجاب خاص دان
(س ۱۶۷، س ۲۶)

مستفاد است از مضمون روایت :

حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ .

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع (س ۳۳) آنرا جزو موضوعات آورده و در
اتحاف السادة المتقين، ج ۸، ص ۶۰۸ بابت سعید خراز نسبت داده شده است .

۱۷۴- لفظ کاید بی دل و جان بر زبان همچو سبزه قون بود ای دوستان
(س ۱۶۸، س ۱۳) ۲۰

مقتبس است از حدیث :

إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدِّمَنِ .

که مستند آن در ذیل شماره (۱۱۱) مذکور افتاد .

۱۷۵ - راست میفرمود آن بحر کرم من شما را از شما مشتق تر م
(ص ۱۶۸ ، س ۲۰)

مقصود روایت ذیل است :

أَنَا أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ تُوْفِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَتَرَكْتُ دِينًا فَعَلَيْ
قَضَائِهِ وَمَنْ تَرَكَ مَالًا فَلِوَرَثَتِهِ .

بخاری ، ج ۲ ، ص ۲۷ ج ۴ ، ص ۱۰۶ مسلم ، ج ۵ ، ص ۶۲ مسند احمد ، ج ۲ ،
ص ۳۱۸ ، ۳۳۵ ، ۴۵۳ با وجوه مختلف .

أَنَا أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ .

مسلم ، ج ۳ ، ص ۱۱ کنوز الحقائق ، ص ۳۷

۱۰ - ۱۷۶ - من نشسته در کنار آتشی با فروغ و شعله بس ناخوشی
همچو پروانه شما آنسو دوان هر دو دست من شده پروانه ران
(ص ۱۶۸ ، س ۲۰)

ناظر است بحديث ذیل :

مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ أَوْقَدَ نَارًا فَجَعَلَ الْجَنَادِبُ وَالْفَرَاشُ يُتَمَعْنَ
فِيهَا وَهُوَ يَذُبُّ عَنْهَا وَأَنَا أَخَذْتُ بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ وَأَنْتُمْ تَفْلَتُونَ
مِنْ يَدِي .

مسلم ج ۷ ، ص ۶۳ - ۶۴ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۴۲۴ و ج ۲ ، ص ۳۱۲، ۲۴۴
بصورت مختلف و ربیع الابرار ، باب الدین ، جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۴ .

ازکم تنهافتون علی النار تهافت الفراش و انا آخذ بحجزکم .

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۷۸

۲۰

۱۷۷ - حکمت قرآن چو ضالّه مؤمنست هر کسی در ضالّه خود موقنست
(ص ۱۶۱ ، س ۲۳)

مستند آن را در ذیل شماره (۱۴۴) ملاحظه نمایند .

احادیث منثوی

۱۷۸ - مؤمن کیس ممیز کو کہ تا باز داند پادشا را از خدا
(ص ۱۷۰ ، س ۱۲)

اشاره بدین حدیث است :

الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ فَطِنٌ حَذِرٌ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۴ کنوز الحقائق ، ص ۱۳۶ مجموعه امثال

۱۷۹ - لفظ در معنی همیشه نارسان زان پیمبر گفت قد کل اللسان
(ص ۱۷۱ ، س ۲۸)

مراد روایت ذیل است :

مَنْ أَتَقَى اللَّهَ كَلَّ لِسَانَهُ وَلَمْ يَشْفَعْ غِيْظُهُ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۸ کنوز الحقائق ، ص ۱۲۲

من عرف الله كل لسانه .

شرح خواجه ایوب ، المنهج القوی ، ج ۲ ، ص ۵۸۰

۱۸۰ - این نگر که مبتلا شد جان او در چهی افتاد تا شد پند تو
(ص ۱۷۲ ، س ۲۲)

مبتنی است بر مفاد روایت :

السَّعِيدُ مَنْ وَعِظَ بِنِيرِهِ .

که مستند آن در ذیل شماره (۸۴) مذکور است .

۱۸۱ - آخرین قرنهای پیش از قرون در حدیث است آخرون السابقون
(ص ۱۷۳ ، س ۲)

حدیث ذیل مقصود است :

نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيَدِ أَنْهُمْ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِنَا وَ أَوْتَيْنَاهُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَذَا يَوْمُهُمُ الَّذِي فُرِضَ عَلَيْهِمْ فَاخْتَلَفُوا فِيهِ

فَهَذَا اللَّهُ لَهُ فَهَمُّ لَنَا فِيهِ تَبِعْ فَأَلِيَهُودُ غَدَاً وَالنَّصَارَى بَعْدَ غَدٍ .

بخاری، ج ۱، ص ۳۶ و ص ۱۰۳ و ج ۴، ص ۹۵، ۱۲۱ مسلم، ج ۳، ص ۷-۸
مسند احمد، ج ۱، ص ۲۸۲، ۲۹۶، ج ۲، ص ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۷۳.

۱۸۲ - بهر این بوقت احمد در عظمت دائماً قره عینی فی الصلاة
(ص ۱۷۷، س ۱۲)

۵

حَبِّبَ إِلَيَّ النِّسَاءَ وَالطَّيِّبُ وَجُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ .

مسند احمد، ج ۳، ص ۱۲۸، ۱۹۹ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۵ با تعبیر :

حَبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ .

حَبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثَ الطَّيِّبِ وَالنِّسَاءِ وَقُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ .

احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲۱

۱۰

۱۸۳ - کای رهاننده مرا از وصف زشت ای کننده دوزخی را چون بهشت
در یکی پیهی نهی تو روشنی
استخوانی را دهی سمع ای غنی
(ص ۱۷۸، س ۱۴)

مستند آن را در ذیل شماره (۱۶۵) ملاحظه کنید .

۱۸۴ - نیست دون القلتین وحوض خرد کش تواند قطره بی از کار برد
(ص ۱۷۸، س ۲۸)

حکم شرعی و مستفاد از این روایت است :

إِذَا بَلَغَ الْمَاءُ قُلَّتَيْنِ لَمْ يَجْمَلِ الْخَبَثَ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۲۱، نهایت ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۷۵

۲. با عبارت : لم يجمل نجساً .

۱۸۵ - گر شود عالم پر از خون مال مال کسی خورد بنده خدا الا حلال
(ص ۱۸۱، س ۱۳)

احادیث مشنوی

اشاره بدین روایت است :

لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا دَمًا عَيْطًا لَا يَكُونُ قُوتُ الْمُؤْمِنِ إِلَّا حَلَالًا .

شرح خواجه ایوب

و در احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۶۶ این عبارت با مختصر تفاوت منسوبست به

سهل بن عبدالله تستری .

۵

۱۸۶ - روکه سجده گاه ما را لطف حق پاک گردانید تا هفتهم طبق
(ص ۱۸۱ ، ص ۲۱)

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ فَضَّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بَسْتِ
أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَ نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ وَ أُحِلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ وَ جُعِلَتْ
لِي الْأَرْضُ طَهُورًا وَ مَسْجِدًا وَ أُرْسِلْتُ إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً وَ خْتِمَ لِي النَّبِيُّونَ . ۱۰

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۷۵ ، مسلم ج ۲ ، ص ۶۳ - ۶۴ : بوجوه و صور مختلف
مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۰۱ .

جعلت لی الارض مسجدا و طهوراً .

بخاری ، ج ۱ ، ص ۴۶ ، جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۴۳ ، کنوز الحقائق ، ص ۵۵

۱۸۷ - در خبر خیر الامور اوساطها - مانع آمد ز اعتدال اخلاطها
(ص ۱۸۳ ، ص ۱۸)

اشاره بحديث ذیل است :

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَاطُهَا .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۴۲ کنوز الحقائق ، ص ۶۰ ، جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۴۶

و با عبارت : خیر الاعمال اوساطها . جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۶۸ ۲۰

۱۸۸ - گفت پیغمبر که عینای تنام لا ینام القلب عن ربّ الانسام
(ص ۱۸۴ ، ص ۱۲)

مقصود این روایت است :

تَنَامُ عَيْنَايَ وَلَا يَنَامُ قَلْبِي .

مسند احمد، ج ۱، ص ۲۲۰، جامع صغیر، ج ۱، ص ۳۲۱ کنوز الحقائق، ص ۵۲
و با تفاوت اندک بخاری، ج ۲، ص ۱۷۵ .

یا عائشة انَّ عَيْنِي تَنَامَانِ وَلَا يَنَامُ قَلْبِي .

مسلم، ج ۲، ص ۱۶۶ کنوز الحقائق ص ۱۷۰

انا معشر الانبياء تنام اعيننا ولا تنام قلوبنا .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۰

۱۸۹ - پس چو حکمت ضالّه مؤمن بود آن زهر که بشنوی موقن بود

(ص ۱۸۵ ، س ۸)

مسند آن در ذیل شماره (۱۴۴) مذکور است .

۱۹۰ - مشفقان گردند همچون والده مسلمان را گفت نفس واحده

(ص ۱۸۸ ، س ۱۳)

مسند آن در ذیل شماره (۱۰۹) نوشته آمد .

۱۵ ۱۹۱ - دو قبیله گاوس و خزرج نام داشت يك ز ديگر جان خون آشام داشت

(ص ۱۸۸ ، س ۲۰)

مسند آن را در کتاب مآخذ قصص و تمثيلات مثنوی انتشارات دانشگاه

طهران ، ص ۸۳ می توان دید .



دفتر سوم

۱۹۳ - ای ضیاء الحق حسام الدین بیار این سیوم دفتر که سنت شد سه بار

(ص ۱۹۳ ، ص ۱)

ظاهراً مبتنی است بر روایات ذیل :

۵ كَانَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ آعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى تُفْهَمَ عَنْهُ وَإِذَا أَتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمْ عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا .

بخاری ، ج ۱ ، ص ۱۹

كان رسول الله (ﷺ) إذا خوطب في شيء ثلاثاً لم يراجع بعد ثلاث وكان صلى الله عليه وسلم يكرر الكلام ثلاثاً .

۱۰ احیاء العلوم ، ج ۲ ، ص ۵

كان النبي يعجبه ان يدعو ثلاثاً ويستغفر ثلاثاً .

مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۹۴ ، حلیۃ الاولیاء ، ج ۴ ، ص ۳۴۸ ، کنوز الحقائق ، ص ۱۰۵
جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۱۸

كان يعيد الكلمة ثلاثاً لتعقل عنه .

۱۵ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۱۸ مستدرک حاکم ، ج ۴ ، ص ۲۷۳

كان اذا دعا دعا ثلاثاً و اذا سأل سأل ثلاثاً .

احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۲۱۶ مسلم ، ج ۵ ، ص ۱۸۰

كان يوتر بثلاث .

و این حدیث بصور مختلف در کنوز الحقائق ، ص ۱۰۷ روایت شده است .

و یوسف بن احمد مولوی بیت مذکور را اشاره میداند بدین روایت :

عن عثمان بن عفان أنه دعا بآباء فافرغ على كفيه ثلاث مرّات فغسلها ثم ادخل بيمينه في الماء فضمض واستنشق ثلاثاً ثم غسل وجهه ثلاثاً و يديه الى المرفقين ثلاثاً ثم مسح برأسه ثم غسل رجله الى الكعبين ثلاث مرّات ثم قال قال رسول الله (ﷺ) من توضأ نحو وضوئي هذا ثم صلى ركعتين غفرله ما تقدم من ذنبه .

المنهج القوى ، ج ۳ ، ص ۷

۱۹۳ - گفت اطفال مانند این اولیا در غریبی فرد از کار وکیما (ص ۱۹۵ ، ص ۷)

بنظر یوسف بن احمد مولوی و عبد اللطیف عباسی اشاره است بحديث :

الخلق کلهم عيال الله (که مستند آن را در ذیل شماره (۲۱) آورده ایم)
المنهج القوى ، ج ۳ ، ص ۲۰ لطائف معنوی ، ص ۱۱۱

و از شبلی نقل کرده اند که :

الصَّوْفِيَّةُ أَطْفَالٌ فِي حِجْرِ الْحَقِّ .

رساله قشیریّه طبع مصر ، ص ۱۲۷

۱۹۴ - مال ایشان خون ایشان دان یقین زانکه مال از زور آید در یمین (ص ۱۹۶ ، ص ۲۵)

اشاره است بحديثی که بصور ذیل دیده میشود :

حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ .

حلیه الاولیاء ، ج ۷ ، ص ۳۳۴ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۴۶ کنوز الحقائق ، ص ۵۷ .

ان الله حرّم من المسلم دمه و ماله .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۰۵

احادیث مشنوی

قتال المؤمن کفر واکل لحمه من معصية الله وحرمة ماله كحرمة دمه .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۶۳ .

چون نیابد بوی باطل را زمن

۱۹۵ - آنکه یابد بوی رحمن از یمن

چون نیابد از دهان ما بخور

مصطفی چون بوی برد از راه دور

۵ (ص ۱۹۶ ، ص ۲۷)

اشاره بخبر ذیل است :

أَلَا إِنَّ الْإِيمَانَ يَمَانٍ وَالْحِكْمَةَ يَمَانِيَّةٌ وَأَجِدُ نَفْسَ رَبِّكُمْ مِنْ

قَبْلِ الْيَمَنِ .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۵۴۱ .

إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ .

۱۰ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۵۳

تفوح روائح الجنة من قبل قرن .

سفينة البحار ، ج ۱ ، ص ۵۳

حی راهبی خواند از روی نیاز

۱۹۶ - آن بلال صدق در بانگ نماز

(ص ۱۹۷ ، ص ۷)

مأخذ و مستند آن در مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی ص ۸۸ مذکور است . ۱۵

وقت حاجت خواستن اندر دعا

۱۹۷ - بهر این فرمود با موسی خدا

(ص ۱۹۷ ، ص ۱۷)

رجوع کنید به : مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی ، ص ۸۹ .

أتق من شر من أحسنت إليه

۱۹۸ - گفت حقست این ولی ای سیبویه

۲۰ (ص ۱۹۹ ، ص ۱۲)

اشاره است بگفته مولای متقیان علی علیه السلام :

أَتَقِ شَرَّ مَنْ أَحَسَّنْتَ إِلَيْهِ .

المنهج القوی ، ج ۳ ، ص ۴۹

ولی در مجمع الامثال میدانی طبع طهران، ص ۱۳۰ و در «مجموعه امثال»
جزو امثال آمده است.

۱۹۹- حزم آن باشد که ظن بد بری تا گریزی و شوی از بد بری
حزم سوء الظن گفته است آن رسول
هر قدم را دام می دان ای فضول
(ص ۱۹۹، س ۱۴)

اشاره است بدین خبر:

الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۵۰ کنوز الحقائق، ص ۵۸

که در مجمع الامثال (ص ۱۷۵) منسوبست به اکثم بن صیفی.

۱۰- ۴۰۰- چون قضا آید شود تنگ این جهان از قضا حلوا شود رنج دهان
گفت اذا جاء القضا ضاق الفضا تحجب الابصار اذا جاء القضا
چشم بسته میشود وقت قضا تا نبینند چشم که حل چشم را
(ص ۲۰۱، س ۲۷)

مضمون این ابیات مستفاد است از حدیث:

۱۵- إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْفَاقَ أَمْرِ سَلَبَ كُلَّ ذِي لُبٍّ لُبَّهُ.

که مستند آن در ذیل شماره (۲۹) ذکر شده است.

وجمله: اذا جاء القضا ضاق الفضا - مثلست و در مجمع الامثال میدانی

(ص ۲۷) بدینگونه نقل شده است: اذا حان القضا ضاق الفضا.

۲۰- ۴۰۱- بهر مظلومان همی کنندند چاه در چه افتادند و میگفتند آه
(ص ۲۰۲، س ۶)

مستند آن را در ذیل شماره (۳۲) توان دید.

۴۰۲- آنکه گندم را از خود روزی دهد کی تو کلهات را ضایع نهد
(ص ۲۰۲، س ۲۹)

اشاره است بحديث قدسی :

فَتَوَكَّلُوا عَلَيَّ وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ مِنِّي .

لطائف معنوی ، ص ۱۱۶

۲۰۳- گر شود ذرات عالم حیلہ پیچ با قضاى آسمان هیچند هیچ
(ص ۲۰۲ ، س ۱۵)

اشاره بحديثی است که مستند آن در ذیل شماره (۱۹) مذکور گردید .

۲۰۴- چون قضا بیرون کند از چرخ سر عاقلان گردند جمله کور و کر
(ص ۲۰۲ ، س ۲۶)

مستفاد از حدیثی است که مستند آن در ذیل شماره (۲۹) ذکر شده است .

۲۰۵- ده مرو ده مرده را احمق کند عقل را بی نور و بی رونق کند
قول پیغمبر شنو ای مجتبی
گور عقل آمد و وطن در روستا
(ص ۲۰۵ ، س ۲)

مستفاد است از مضمون روایت ذیل :

لَا تَسْكُنَنَّ الْكُفُورَ فَإِنَّ سَاكِنَ الْكُفُورِ كَسَاكِنِ الْقُبُورِ .

نهایه ابن اثیر ، ج ۴ ، ص ۲۷ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۲۰۰ و با تفاوت در تعبیر
کنوز الحقائق ، ص ۱۵۳ .

لا تنزلوا الكفور فانها بمنزلة القبور .

کنوز الحقائق ، ص ۱۵۶

اهل الكفور هم اهل القبور .

فائق ، ج ۲ ، ص ۲۰۵ نهایه ابن اثیر ، ج ۴ ، ص ۲۸

و در حاشیه عبد اللطیف عباسی این حدیث یاد شده است که با تفاوتی در

تعبیر منسوبست بعلى عليه السلام (سفینه البحار ، ج ۱ ، ص ۱۴۶)

عليكم بالمدن و لو جارت و عليكم بالطرق و لو دارت عليكم بالسّواد

الاعظم .

۲۰۶- شادمانه سوی صحرا راندند سافرواکی تغنموا بر خواندند
(ص ۲۰۵، س ۱۴)

اشاره است باین حدیث :

سَافِرُوا تَصِحُّوا وَتَغْنَمُوا .

جامع صغیر ، ج ۲، ص ۲۹ کنوزالحقائق، ص ۷۰

۲۰۷- چون سفالین کوزه‌ها را میخری امتحانی میکنی ای مشتری
میزنی دستی بر آن کوزه چرا تا شناسی از طنین اشکسته را
(ص ۲۱۲، س ۲۳)

مستفاد است از مضمون کلام امیر المؤمنین علی علیه السلام :

كَمَا تَعْرِفُ أَوَانِي الْفَخَّارِ بِامْتِحَانِهَا بِأَصْوَاتِهَا فَيَعْلَمُ الصَّحِيحُ مِنْهَا
مِنَ الْمَكْسُورِ كَذَلِكَ يُمْتَحَنُ الْإِنْسَانُ بِمَنْطِقِهِ فَيَعْرِفُ مَا عِنْدَهُ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۴۸

و در کتاب ربیع الابرار ، باب المنطق و ذکر الخطب این عبارت بدین صورت

نقل شده است :

۱۵ فیلسوف : کما ان الآتية تمتحن باطنانها فيعرف صحيحها من منكسرها
فكذلك الانسان يتعرف حاله بمنطقه .

۲۰۸- آخرون السَّابِقون باش ای ظریف بر شجر سابق بود میوه لطیف
(ص ۲۲۱، س ۱)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۸۱) سند آن ذکر شده است .

۲۰ ۳۰۹- گفت پیغمبر که خسبد چشم من لیک کی خسبد دلم اندر و سن
(ص ۲۲۳، س ۲۷)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۸۸) نقل شده است .

۲۱۰- آنچنان کز نیست در هست آمدی هین بگو چون آمدی مست آمدی
(ص ۲۲۵، س ۱۳)

احادیث مشنوی

مقتبس است از مضمون گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

عَجِبْتُ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشْأَةَ الْآخِرَىٰ وَهُوَ يَرَى النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۳۰۳ ربیع الا برار ، باب التعجب و ذکر العجائب .
و نظیر آن این گفته هم از مولای متقیانست :

إِنْ لَمْ تَعْلَمْ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ لَمْ تَعْلَمْ إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۴۷

۳۱۱- گفت نكته الرضا بالكفر كفر این پیمبر گفت و گفت اوست مهر
(ص ۲۲۷ ، س ۶)

ظاهرا مقصود روایت ذیل است که در کیمیای سعادت تألیف محمد غزالی

می بینیم :

اما رضا دادن بمعصیت چگونه روا بود و از آن نهی آمده است و گفته که هر که بآن رضا دهد در آن شریک است و گفته اگر بنده بی را بشرق بکشند و کسی در مغرب بآن رضا دهد در آن شریک است .

۳۱۲- باز فرمود او که اندر هر قضا مر مسلمان را رضا باید رضا
(ص ۲۲۷ ، س ۷)

روایت ذیل مراد است :

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَيَّ بَلَائِي فَلَيْتَمَسْ رَبًّا سِوَايَ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۸۰

۲۰ اِنِّ اَنَا اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنَا مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَيَّ بَلَائِي وَ
لم يشكر انعمائي فليطلب ربًّا سِوَايَ . شرح تعرف ، ج ۱ ، ص ۷۰

قال الله تعالى من لم يرض بقضائي و قدري فليتمس رباً غيري .
جامع صغير، ج ۲، ص ۸۰ كنوز الحقائق، ص ۸۹

من لم يرض بقضاء الله و يؤمن بقدر الله فليتمس الها غير الله .
جامع صغير، ج ۲، ص ۱۸۰
۴۱۳ - ربع قرآن هر که را محفوظ بود جلّ فینا از صحابه می شنود
(ص ۲۲۸، س ۱)

مأخوذ است از روایت ذیل :

عَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَجُلًا كَانَ يَكْتُبُ لِلنَّبِيِّ (ﷺ) وَقَدْ كَانَ قَرَأَ الْبَقْرَةَ
وَأَلَّ عِمْرَانَ وَكَانَ الرَّجُلُ إِذَا قَرَأَ الْبَقْرَةَ وَآلَ عِمْرَانَ جَدِّفِنَا .
مسند احمد، ج ۳، ص ۱۲۰ نهایه ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۴۷ فيه ما فيه (انتشارات
دانشگاه طهران) ص ۲۹۶ .

۴۱۴ - هر که چیزی جست بی شك یافت او چون بجدّ اندر طلب بشتافت او
(ص ۲۲۹، س ۱۳)

اشاره است بجملة :

مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَهُ . ۱۵

که در مجمع الامثال میدانی (۶۴۰) منسوبست بعامر بن الظرب و در کشف
المحجوب هجویری (ص ۵۴۰) از اقوال ابوالقاسم جنید بغدادی عارف مشهور شمرده
شده است و بعضی آنرا حدیث پنداشته اند .

۴۱۵ - زاین قبل فرمود احمد در مقال در زبان پنهان بود حسن رجال
(ص ۲۳۲، س ۵)

مستند آن در ذیل شماره (۱۲۹) ذکر شده است .

۴۱۶ - اختلاف عقلها در اصل بود بر وفاق سنّیان باید شنود
(ص ۲۳۲، س ۵)

ظاهراً مبتنی بر روایت ذیل است :

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ) يَقُولُ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ
يَوْمًا رَبَّنَا هَلْ خَلَقْتَ خَلْقًا عَظِيمًا مِنَ الْعَرْشِ قَالَ نَعَمْ الْعَقْلُ قَالُوا وَمَا بَلَغَ
قَدْرُهُ قَالَ هَيَّاتَ لَا يُحَاطُ بِعِلْمِهِ هَلْ لَكُمْ عِلْمٌ بَعْدَ الرِّمَالِ قَالُوا لَا قَالَ
تَعَالَى فَإِنِّي خَلَقْتُ الْعَقْلَ أَصْنَفًا شَتَّى كَعَدَدِ الرِّمَالِ فَمِنَ النَّاسِ مَنْ أُعْطِيَ
حَبَّةً وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ حَبَّتَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ الثَّلَاثَ وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ
أَرْبَعًا وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ فَرْقًا وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ سَقًا وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ
أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ .

المنهج القوى ، ج ۳ ، ص ۲۲۰

۴۱۷ - قول پیغمبر قبوله یفرض
ان تمارضتم لدينا تمرضوا ۱۰
(ص ۲۳۳ ، س ۱۱)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۲۷) سند آنرا نقل کرده ایم .

۴۱۸ - همچنانکه سهل شد ما را حضر
آنچنانکه عاشقی بر سروری
سهل شد هم قوم دیگر را سفر
عاشقست آنخواجه بر آهنگری
۱۵ میل آنرا در دوش انداختند
(ص ۲۳۵ ، س ۲ پیعد)

مستفاد است از مضمون این خبر :

اعْمَلُوا فَكُلُّ مَيْسَرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۴۷ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۹۳ و با تفصیل بیشتر - بخاری ،
ج ۳ ، ص ۱۳۹ ج ۴ ، ص ۹۳ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۶ ، ۸۲ ، ۱۲۹ .

۲۰

کلّ عامل ميسر لعماله .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۴۸

۴۱۹ - در حدیث آمده که دل همچون پریست

در بیابانی اسیر صرصریست

(ص ۲۳۶ ، س ۴)

این حدیث مراد است :

إِنَّ هَذَا الْقَلْبَ كَرِيْشَةٍ بِفَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ يُقِيمُهَا الرِّيحُ ظَهْرًا لِبَطْنٍ .

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۴۱۹

مثل القلب کمثل ریشه در ارض فلاة تقليبها الرياح ظهراً لبطن .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۳۴

مثل القلب کمثل ریشه بارض فلاة في يوم ريح عاصف تقليبها الرياح

۱۰ ظهر البطن . شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۱۶۷

أَمَّا سَمِيَ الْقَلْبَ مِنْ تَقْلِبِهِ أَمَّا مِثْلُ الْقَلْبِ مِثْلُ رِيْشَةٍ بِالْفَلَاةِ تَعَلَّقَتْ

في اصل شجرة يقالبها الريح ظهرا لبطن .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۱۰۲ حلیة الاولیاء ، ج ۱ ، ص ۲۶۱ ، ۲۶۳ با تفاوت در تعبیر .

۴۲۰ - در حدیث دیگر آن دل دان چنان

کاب جوشان ز آتش اندر قازغان

۱۵

(ص ۲۳۶ ، س ۵)

مقصود این حدیث است :

لَقَلْبُ ابْنِ آدَمَ أَشَدُّ انْقِلَابًا مِنَ الْقَدْرِ إِذَا اجْتَمَعَتْ غُلْيَانًا .

مسند احمد ، ج ۶ ، ص ۴ ، و با تفاوت مختصر - حلیة الاولیاء ، ج ۱ ، ص ۱۶۵ ،

۲۰ جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۱۲۴ .

لقلب المؤمن اشد تقليباً من القدر في غليانها .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۵

۴۲۱ - مخلصان هستند دایم در خطر امتحانها هست در راه ای پسر

(ص ۲۳۷ ، س ۲)

احادیث مشنوی

رجوع کنید به : ذیل شماره (۱۳۶) و احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۴۶ و ج ۳ ، ص ۲۹۲ و ج ۴ ، ص ۳۳ که صریحاً آنرا بسهل بن عبدالله تستری نسبت داده است .

۴۴۲ - این جهان وهم است اندر ظنّ مایست

گر رود در خواب دستی باک نیست

۵ (ص ۲۳۸ ، س ۱۴)

مناسبت با مضمون این روایت :

الْإِنْسُ نِیَّامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا .

که در زهر الاداب طبع مصر ، ج ۱ ، ص ۶۰ منسوب بحضرت رسول (ﷺ) و در شرح تعرف ، ج ۳ ، ص ۹۸ منسوبست بمولای متقیان علی علیه السلام .

۴۴۳ - این جهان را که بصورت قائمست گفت پیغمبر که حلم نائمست ۱۰

(ص ۲۳۸ ، س ۱۶)

مقصود روایت ذیل است :

لَدُنِّيَا حُلْمٌ وَ أَهْلُهَا عَلَيَّهَا مُجَازُونَ وَ مُعَاقِبُونَ .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۴۸

و از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت کرده اند : ۱۵

الدُّنْيَا حُلْمٌ وَ الْآخِرَةُ يَقْظَةٌ وَ نَحْنُ بَيْنَهُمَا اضْغَاثُ أَحْلَامٍ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۶۳

عن جابر قال كنت مع النّبيّ (ﷺ) اذا اتاه رجل ابيض الوجه فقال

يا رسول الله ما الدُّنْيَا قال عليه السّلام حلم النّائم فقال كم ما بين الدُّنْيَا وَ

الآخرة قال عليه السّلام غمضة عين فقال كم القرار فيها قال عليه السّلام ۲۰

قدر التخلف عن القافلة ثم ذهب الرجل فقال عليه السّلام هذا جبريل

اتاكم يزهديكم عن الدنيا و يرغبكم في الآخرة .

المنهج القوى ، ج ۳ ، ص ۲۴۲

۴۴۴ - گفت پیغمبر که شیخ رفته پیش چون نبی باشد میان قوم خویش (ص ۲۳۹ ، ص ۲۳)

۵ اشاره است بحديثی که بصور ذیل روایت میشود :

الشَّيْخُ فِي بَيْتِهِ كَالنَّبِيِّ فِي قَوْمِهِ .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۴۲ کنوز الحقائق ، ص ۷۴

الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۴۲ کنوز الحقائق ، ص ۷۶

۱۰ الشيخ في قومه كالنبي في أمته .

لطائف معنوی ، ص ۱۳۰

و مؤلف اللؤلؤ المصروع (ص ۴۵) و سیوطی در اللالی المصنوعة ، ج ۱ ،

ص ۱۵۳ این حدیث را جزو موضوعات آورده اند .

۴۴۵ - گفت پیغمبر که روز رستخیز

۱۵ من شفیع عاصیان باشم بجان

عاصیان و اهل کبائر را بجهد

و ارهانم از عتاب نقض عهد

(ص ۲۳۹ ، ص ۲۸)

اشاره بدین خبر است :

شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي .

۲۰ مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۶۹ ، جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۳۹ کنوز الحقائق ، ص ۷۳

شفاعتي لأهل الذنوب من أمّتي و ان زني و ان سرق على رغم انف

ابي الدرداء .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۳۹ کنوز الحقائق ، ص ۷۳ بحذف ذیل خبر .

۴۴۶ - صالحان اُمّت خود فارغند
از شفاعت‌های من روز گزند
بلکه ایشانرا شفاعتها بود
گفتشان چون حکم نافذ میرود
(ص ۲۳۹، س ۲۹)

ظاهراً مبتنی است بر روایات ذیل :

۵
يَدْخُلَنَّ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَكْثَرُ مِنْ بَنِي مِيمٍ .
مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۷۰

مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ يَدْخُلُ وَاحِدٌ مِنْهُمْ الْجَنَّةَ إِلَّا دَخَلُوا أَجْمَعِينَ الْجَنَّةَ
قِيلَ وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يَشْفَعُ فِيهِمْ فَيُشَفَّعُ .
سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۰۶

۴۴۷ - هم‌چو قرآن که بمعنی هفت توست
خاص را و عام را مطعم در اوست ۱۰
(ص ۲۴۳، س ۵)

اشاره بدین حدیث است که در مقدمه هشتم از مقدمات تفسیر صافی دیده میشود :

إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَبَطْنُهُ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ .

و ممکنست که اشاره باشد بروایت ذیل :

۱۵
كَانَ الْكِتَابُ الْأَوَّلُ نَزَلَ مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ وَنَزَلَ الْقُرْآنُ
مِنْ سَبْعَةِ أَبْوَابٍ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ زَجْرٍ وَ أَمْرٍ وَ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ مُحْكَمٍ وَ
مُتَشَابِهٍ وَ امْتَالٍ فَاحِلُوا حَلَالَهُ وَ حَرَّموْا حَرَامَهُ وَ أَفْعَلُوا مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ أَنْتَهُوْا
عَمَّا نَهَيْتُمْ عَنْهُ وَ اعْتَبِرُوا بِأَمْثَالِهِ وَ انْعَمَلُوا بِمُحْكَمِهِ وَ آمَنُوا بِمُتَشَابِهِهِ وَ قُولُوا
آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا .

تفسیر طبری طبع مصر، ج ۱، ص ۲۲ ۲۰

و نزدیک بدان این روایت است :

أَنْزَلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ أَمْرٍ وَ زَجْرٍ وَ تَرْغِيبٍ وَ تَرْهِيْبٍ وَ جَدَلٍ
وَ قَصَصٍ وَ مَثَلٍ .

همان کتاب ، ص ۲۳

و معنی مصراع دوم مناسبت دارد با مضمون این خبر :

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدِبَةٌ اللَّهِ فَاقْبَلُوا مِنْ مَأْدِبَتِهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ .

مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۵۵۵

۴۲۸ - گفت پیغمبر شما را ای مهان چون پدر هشتم شفیق و مهربان
(ص ۲۴۳ ، س ۲۷)

۱۰. این روایت مراد است :

إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ مِثْلُ الْوَالِدِ .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۴۷

۴۲۹ - جزو از کل قطع شد بیکار شد
عضو از تن قطع شد مردار شد
(ص ۲۴۳ ، س ۲۸)

۱۵. مقتبس است از حدیث ذیل :

مَا قُطِعَ مِنَ الْبَهِيمَةِ وَ هِيَ حَيَّةٌ فَهِيَ مَيِّتَةٌ .

مسند احمد ، ج ۵ ، ص ۲۱۸ کنوز الحقائق ، ص ۱۱۸ و با تفاوت مختصر ص ۱۱۶

كُلُّ شَيْءٍ قُطِعَ مِنَ الْحَيِّ فَهُوَ مَيِّتٌ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۹۲

مَا أُبَيِّنَ مِنَ الْحَيِّ فَهُوَ مَيِّتٌ .

۲

کنوز الحقائق ، ص ۱۱۵

۴۳۰ - و آنکه شناسد توای یزدان جان بر من محبوبشان کن مهربان
(ص ۲۴۴ ، س ۹)

ناظر است بمضمون حدیث :

أُولَئِكَ تَحْتَ قَبَائِي لَا يَعْرِفُهُمْ غَيْرِي .
که مستند آن در ذیل شماره (۱۳۱) گذشت .

۲۴۱ - چونکه پایانی ندارد روایك ز انكه لا احصى ثناء ما عليك
(ص ۲۴۵ ، س ۱۸)

اشاره بحديثي است که در ذیل شماره (۳) یاد کردیم .

۲۴۲ - در تحیات و سلام الصالحین مدح جمله انبیاء آمد عجین
(ص ۲۴۸ ، س ۱۹)

اشاره بروایتی است که در باره تشهد نقل میکنند و هی هده :

۱۰ التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَإِنَّكُمْ إِذَا قُلْتُمُوهَا أَصَابَتْ
كُلَّ عَبْدٍ لِلَّهِ صَالِحٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ .
بخاری ، ج ۱ ، ص ۹۹ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۲۹۲ ، ۳۷۶ ، ۳۸۲ ، ۴۰۸ ،
۴۱۳ ، ۴۲۲ با تفاوت اندك .

۲۴۳ - حق همیگوید چه آوردی مرا اندر این مهلت که دادم مرترا
عمر خود را در چه پایان برده‌ی قوت و قوت در چه فانی کرده‌ی
گوهر دیده کجا فرسوده‌ی پنج حس را در کجا پالوده‌ی
(ص ۲۴۹ ، س ۷ بیعد)

مقتبس است از کلام مولای متقیان علی علیه السلام که جزو احادیث نبوی

۲۰ نیز آمده :

لَا يَزُولُ قَدَمُ ابْنِ آدَمَ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمرِهِ فِيمَ أَفْنَاهُ وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَ
أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَ أَنْفَقَهُ وَ عَمَّا عَمِلَ فِيمَا عَمِلَ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۳۲

۴۴۴ - بچه بیرون آر از بیضه نماز سر مزن چون مرغ بی تعظیم و ساز
(ص ۲۴۹ ، س ۲۹)

مستفاد است از این روایت :

نَهَانِي (رَسُولُ اللَّهِ) عَنْ نَقْرَةِ كَنْفَرَةِ الدِّيكِ وَإِقْعَاءِ كِقْعَاءِ الْكَلْبِ وَالْتِفَاتِ
كَالْتِفَاتِ الشَّعَلَبِ .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۱۱ و با تفاوت مختصر ص ۲۶۵

نهی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) عن نقرة الغراب وافتراش
السبع و ان یوطن الرجل المكان كما یوطنه البعیر .
مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۲۲۹ ، جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۹۲

۱۰ نیز رجوع کنید به : اللآلی المصنوعة ، ج ۲ ، ص ۳۷۹ ، ۳۸۱

۴۳۵ - راست فرموده است بامام مصطفی قطب و شاهنشاه و دریای صفا
کآنچه جاهل دیدخواهد عاقبت عاقلان بینند اول مرتبت
(ص ۲۵۰ ، س ۱۱)

مناسب است با گفته امیر مؤمنان علی علیه السلام :

أَوَّلُ رَأْيٍ الْعَاقِلِ آخِرُ رَأْيِ الْجَاهِلِ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۴۸

و یوسف بن احمد مولوی آنرا اشاره بدین حدیث می پندارد که در جامع
صغیر ، ج ۲ ، ص ۹۷ می توان دید :

الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَاجِزُ مَنْ اتَّبَعَ نَفْسَهُ
۲۰ هَوَاهَا وَ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْإِمَانِي .

۴۳۶ - حزم چپود بدگمانی در جهان دم بدم دیدن بالای ناگاهان
(ص ۲۵۰ ، س ۱۷)

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۱۹۹) مذکور افتاد .

- ۲۳۶ - حق همیگوید نظرمان برداست نیست بر صورت که آن آب و گلست
(ص ۲۵۱ ، س ۱۴)
اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۵۰) ذکر کردیم .
- ۲۳۷ - دل نباشد غیر آن دریای نور دل نظرگاه خدا و آنگاه کور
(ص ۲۵۱ ، س ۲۷)
رجوع کنید بذیل شماره (۱۵۰)
- ۲۳۸ - در قباب حق شدند آن دم همه در گدایمین روضه رفتند آن رمه
(ص ۲۵۲ ، س ۱۷)
مستفاد است از لفظ و مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۱۳۱) نوشته شده است .
- ۲۳۹ - کوری عشقت این کوری من حبّ یهمی و یضمّ است ای حسن
(ص ۲۵۴ ، س ۵)
مقتبس است از حدیثی که در ذیل شماره (۶۲) مذکور گردید .
- ۲۴۰ - خوی دارم در نماز آن التفات معنی قرّة عینی فی الصلاة
(ص ۲۵۵ ، س ۴)
اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۸۲) متن و سند آن مذکور است .
- ۲۴۱ - کز نهم تا راست گردد این جهان حرب خدعه این بود ای پهلوان
(ص ۲۵۵ ، س ۹)
اشاره بحديث ذیل است :
- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَرْبُ خُدْعَةٌ .
مسلم ، ج ۵ ، س ۱۴۳
- کلّ الکذب یکتب علی ابن آدم الا ثلاث الرجل یکذب فی الحرب
فانّ الحرب خدعة و الرجل یکذب المرأة فیرضیها و الرجل یکذب بین

الرجلين ليصلح بينهما.

جامع صغير، ج ۲، ص ۹۱ و با تفاوت در عبارت - احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۳۸
و ج ۳، ص ۹۷.

۴۴۳ - ظالم مستور است در اسرار جان می نهد ظالم پیش مردمان
(ص ۲۵۶، ص ۲۲)

مناسب است با مضمون این خبر :

كُلُّ أُمَّتِي مُعَاپِيَّ إِلَّا الْمَجَاهِرَ الَّذِي يَعْمَلُ الْعَمَلَ بِاللَّيْلِ فَيَسْتُرُهُ رَبُّهُ ثُمَّ
يُصْبِحُ يَقُولُ يَا فَلَانُ إِنِّي عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذِبًا وَكَذِبًا فَيَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.
جامع صغير، ج ۲، ص ۹۱

۱۰ - ۴۴۳ نیست حاجت شهره گشتن در گزند بر ضمیر آتشین واقعه - بد
نفس تو هر دم بر آرد صد شرار که ببینیدم منم ز اصحاب نار
(ص ۲۵۷، ص ۲)

بگفته یوسف بن احمد مولوی مرتبط است بمضمون این خبر که در جامع صغير،
ج ۱، ص ۸۲ می توان دید :

۱۵ - إِنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ مِنَ النَّارِ وَإِنَّمَا تُطْفَأُ
النَّارُ بِالْمَاءِ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ.

المنهج القوى، ج ۳، ص ۳۳۲

۴۴۴ - بلکه رزقی از خداوند بهشت بی صداع باغبان بی رنج کشت
(ص ۲۵۹، ص ۲)

۲۰ مبتنی است بر مضمون روایت :

أَبَيْتُ عِنْدَ رَبِّي يُطْعِمُنِي وَيَسْقِيَنِي.

که در ذیل شماره (۸۹) سند و وجوه روایت آنرا ذکر نمودیم.

۴۴۵ - محتشم چون عاریت را ملک دید پس بر آن مال دروغین می طپید
خواب می بیند که او راهست مال ترسد از دزدی که بر باید جوال

چون ز خوا بش بر کشاند گوش کش پس ز ترس خویش تسخر آیدش
(ص ۲۶۱، س ۱۳)

مقتبس است از مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۲۳) نقل کرده ایم.

۴۴۶ - اصلشان بد بود آن اهل سبا می رمیدندی ز اصحاب لقبا
(ص ۲۶۱، س ۲۵) ۵

مأخذ و مستند آن را در کتاب مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران) ص ۱۱۳ ملاحظه کنید.

۴۴۷ - این غلطده دیده را حرمان ماست و این مقلب قلب را سوء القضاست
(ص ۲۶۴، س ۲۶)

۱۰ تعبیر: سوء القضا - مأخوذ است از این حدیث:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) يَسْتَعِذُّ مِنْ هَوْلَاءِ الثَّلَاثِ ذَرَكِ الشَّقَاءِ وَشِمَاتَةِ
الْأَعْدَاءِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ.

مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۶

۴۴۸ - دیده و دل هست بین الاصبغین چون قلم در دست کاتب ای حسین
(ص ۲۶۵، س ۴) ۱۵

رجوع کنید به ذیل شماره (۱۳) که مأخذ این بیت در آنجا نقل شده است.

۴۴۹ - این حروف حالهات از نسخ اوست عزم و فسخت هم ز عزم و فسخت اوست
(ص ۲۶۵، س ۶)

مقتبس است از گفته مولای متقیان علی علیه السلام که در ذیل شماره (۱۳۳)

۲۰ یاد کردیم.

۴۵۰ - نوح اندر بادیه کشتی بساخت صد مثل گو از پی تسخر بتاخت
(ص ۲۶۵، س ۲۳)

رجوع کنید به: مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۱۵.

۴۵۱ - دیده را نادیده می آرید لیک چشمه‌انرا و آغشاید مرگ نیک
(ص ۲۶۶ ، س ۲۳)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۲۲) .

۴۵۲ - ساخت موسی قدس در باب صغیر تا فرود آرند سر قوم زحیر
(ص ۲۷۱ ، س ۲۲)

مأخذ آنرا در مأخذ قصص و تمثیلات مشوی (انتشارات دانشگاه طهران)
بنگرید .

۴۵۳ - روی ناشسته نبیند روی حور
لاصلاة غففت الا بالطهور
(ص ۲۷۲ ، س ۲۵)

۱۰ اشاره بروایت ذیل است :

لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا طَهْرَ لَهُ .

کنوزالحقائق ، ص ۱۵۸

و خبر ذیل نیز همین معنی را افاده میکند :

لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا وُضوءَ لَهُ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۲۰۲

۴۵۴ - تاجر ترسنده طبع شیشه جان در طلب نی سود دارد نی زیان
(ص ۲۷۴ ، س ۱۱)

مستفاد است از مضمون این حدیث :

التَّاجِرُ الْجَبَانُ مُحْرَمٌ وَ التَّاجِرُ الْجَسُورُ مَرْزُوقٌ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۳۳ کنوزالحقائق ، ص ۵۳

۴۵۵ - قوم دیگر سخت پنهان میروند
این همه دارند و چشم هیچکس
شهره خلقان ظاهر کی شوند
بر نیفتد بر کیاشان یک نفس
نامشان را نشنوند ابدال هم
هم گرامتشان هم ایشان در حرم
(ص ۲۷۴ ، س ۲۶)

احادیث مشنوی

این ابیات در وصف اولیاء مستورین و روی پوشیدگان حضرتست و مبتنی است بر خبر ذیل که در عنوان ابیات هم نقل شده است :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَبْرَارَ الْأَتْقِيَاءَ الْأَخْفِيَاءَ الَّذِينَ إِنْ نَابُوا لَمْ يَفْتَقِدُوا وَإِنْ حَضَرُوا لَمْ يُعْرِفُوا قُلُوبُهُمْ مَصَابِيحُ الْهُدَى يَخْرُجُونَ مِنْ كُلِّ غَبْرَاءٍ مُظْلَمَةٍ .
مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۴ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۹۱ انحف السادة المتقين ، ج ۸ ، ص ۲۳۶ .

۴۵۶ - یا نمیدانی کرمهای خدا
کو ترا میخوانند این سوکه بیا
(ص ۲۷۴ ، ص ۲۸)

مناسب است با مضمون این روایت :

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا مَعَ عَبْدِي حِينَ يَذْكُرُنِي فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ
ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَالٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَالٍ هُمْ خَيْرٌ مِنْهُمْ وَإِنْ اقْتَرَبَ
إِلَيَّ شَبْرًا اقْتَرَبْتُ إِلَيْهِ ذَرَاعًا وَإِنْ اقْتَرَبَ إِلَيَّ ذَرَاعًا اقْتَرَبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا فَإِنْ
اتَّانِيَ يَحْشِي أَتَيْتُهُ هَرَوَلَةً .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۵۱ ، ۳۱۶ ، ۴۱۳ ، ۴۳۵ بوجه مختلف

و توان گفت که بیت مذکور ترجمه این آیه است :

وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ . (سوره یونس، آیه ۲۵)

۴۵۷ - اندر آن وادی گروهی از عرب
خشک شد از قحط باران نشان قرب
(ص ۲۷۵ ، ص ۲۲)

رجوع کنید بآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۱۷ .

۴۵۸ - هم از آن ده يك زن از کافران
سوی پیغمبر دوان شد ز امتحان
(ص ۲۷۸ ، ص ۱۴)

مأخوذ است از روایت ذیل :

عَنْ خَيْثَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَبْرَةَ أَنَّ أَبَاهُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ ذَهَبَ مَعَ جَدِّهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) مَا اسْمُ ابْنِكَ قَالَ عَزِيزُ فَقَالَ النَّبِيُّ (ﷺ) لَا تُسَمِّهِ عَزِيزًا وَلَكِنْ سَمِّهِ عَبْدَ الرَّحْمَنِ .

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۱۷۸

و این موضع را بر مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی می توان افزود .

۴۵۹ - هر دو پاشست و بموزه کرد رای موزه را بر بود يك موزه ربای (ص ۲۷۹ ، س ۱)

رجوع کنید بمآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۱۰ ص ۱۱۸ .

۴۶۰ - گرم تر شد مردزان منعش که کرد گرم تر گردد همی از منع مرد (ص ۲۷۹ ، س ۲۶)

مستفاد است از این خبر :

إِنَّ ابْنَ آدَمَ لَحَرِيصٌ عَلَى مَا مُنِعَ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۸۵ کنوز الحقائق ، ص ۳۱

۱۵

۴۶۱ - نیست قدرت هر کسی را سازوار عجز بهتر مایه پرهیزگار (ص ۲۸۰ ، س ۱)

مأخوذ است از گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

مِنَ الْعِصْمَةِ تَعَذُّرُ الْمُعَاصِي .

۲ . و ابن ابی الحدید بعد از نقل این جمله چنین گفته است :

قد وردت هذه الكلمة على صيغ مختلفة : من العصمة ان لا تقدر - وايضا :

من العصمة ان لا تجد - و قد رویت مرفوعة ايضاً .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۳۹۸

احادیث مشنوی

که از جمله اخیر معلوم میشود که آنرا بحضرت رسول (ﷺ) نیز نسبت داده‌اند.

و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۵۰) درباره آن گوید :

العصمة ان لا تجرد ونحوه الفقر قيد المجرمين - لم يرد بهذا اللفظ .

و در احیاء العلوم ج ۳ ، ص ۷۷ و ص ۱۶۴ این عبارت نقل شده و بقائل آن ۵ اشارتی نرفته است .

۳۶۱ - فقر از اینرو و فخر آمد جاودان که بتقوی ماند دست نارسان
(ص ۲۸۰ ، س ۱)

اشاره بروایتی است که در ذیل شماره (۵۴) ذکر نمودیم .

۱۰ و یوسف بن احمد مولوی مصراع دوم را مربوط بدین خبر می‌پندارد :

مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الْفَقْرَ وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمُ الْغِنَى .

المنهج القوى ، ج ۳ ، ص ۴۳۲

۳۶۲ - اصل ما را حق پی بانگ نماز داد هدیه آدمی را در جهاز
(ص ۲۸۱ ، س ۲۰)

اشاره است بدین خبر :

لَا تَسُبُّوا الدِّينَ فَإِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلَاةِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۹۹ کنوز الحقائق ، ص ۱۵۳ با تفاوت مختصر

۳۶۳ - عاقل اول آیند آخر را بدل اندر آخر آیند از دانش مقل

(ص ۲۸۲ ، س ۱۷)

۲۰ رجوع کنید بذیل شماره (۲۳۵) .

۳۶۴ - ور نه لاین رأت چه جای باغ گفت نور غیب را یزدان چراغ

(ص ۲۸۳ ، س ۱۶)

اشاره بحديث ذیل است :

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَعَدَّتْ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ

و لا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ .

بخاری، ج ۲، ص ۱۳۹ مسلم، ج ۸، ص ۱۴۳ جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۰

الصَّوْمُ يَدِقُّ الْمَصِيرَ وَيَذْبُلُ اللَّحْمُ وَيُبْعَدُ مِنْ حَرِّ السَّعِيرِ إِنَّ اللَّهَ مَائِدَةٌ عَلَيْهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أذنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ لَا يَقْعَدُ عَلَيْهَا إِلَّا الصَّائِتُونَ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۴۹

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أذنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ أَحَدٍ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۱

۴۶۵- چون سجودی یار کوعی مرد کشت شد سجود او در آن عالم بهشت (ص ۲۸۴، س ۲۱)

بگفته یوسف بن احمد مولوی مرتبط است بمضمون این حدیث که در جامع صغیر، ج ۱، ص ۵۳ نقل شده است :

أَكْثَرُوا مِنْ غِرَاسِ الْجَنَّةِ فَإِنَّهُ عَذَبٌ مَاؤُهَا طَيِّبٌ تَرَابُهَا فَكَثُرُوا مِنْ غِرَاسِهَا لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ .

المنهج القوی، ج ۳، ص ۴۵۰

۴۶۶- چونکه پرید از دهانش حمد حق مرغ جنت ساختش ربّ الفلق (ص ۲۸۴، س ۲۱)

مستفاد از مضمون خبری است که در ذیل شماره (۱۶) مذکور گردید .

۴۶۷- کشتن این نار نبود جز بنور نورك اطفأ نارنا نحن الشکور (ص ۲۸۵، س ۴)

اشاره بجذبی است که در ذیل شماره (۱۳۴) می توان دید .

۴۶۸- همچنانکه وسوسه و وحی است هر دو معقولند لیکن فرق هست (ص ۲۸۵، س ۸)

مبتنی است بر حدیث ذیل :

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَمَّةٌ بِابْنِ آدَمَ وَلِلْمَلِكِ لَمَّةٌ فَأَمَّا لَمَّةُ الشَّيْطَانِ فَإِعَادُ
بِالشَّرِّ وَتَكْذِيبُ بِالْخَيْرِ وَأَمَّا لَمَّةُ الْمَلِكِ فَإِعَادُ بِالْخَيْرِ وَتَصْدِيقُ بِالْحَقِّ فَمَنْ
وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ الْآخَرَى فَلْيَتَعَوَّذْ
بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ .

۵

جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۴

۳۶۹- ورنه دانی این دو فکرت از گمان لا خلا به گوی و مشتاب و مران
(ص ۲۸۵، س ۱۰)

اشاره است بدین خبر :

۱۰

مَنْ بَايَعْتَ فَقُلْ لَا خِلَافَةَ .

مسلم، ج ۵، ص ۱۱ کنوز الحقائق، ص ۹۱ نهایه ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۰۱

۲۷۰ آن یکی یاری پیمبر را بگفت که منم در ییعهها باغبین جفت
(ص ۲۸۵، س ۱۴)

رجوع کنید به : ماخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۱۵

ص ۱۱۸ .

۲۷۱- که تآنی هست از یزدان یقین هست تعجیلات ز شیطان لعین
(ص ۲۸۵، س ۱۶)

مقتبس است از این روایت :

أَلْتَأْتِي مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ .

۲۰ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۲۷، ۲۵ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۳

الْإِذَاةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ .

جامع صغیر، ج ۱ ص ۱۳۲ کنوز الحقائق، ص ۴۶

۲۷۱- چنگ لو کم چون جنین اندر رحم نه مهه گشتم شد این نقلان مهم
(ص ۲۸۶، س ۲۹)

مناسب است با مضمون این خبر :

مَا شَبَّهَتْ خُرُوجَ الْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مِثْلَ خُرُوجِ الصَّيِّ مِنْ ذَلِكَ
الْغَمْرِ وَالظُّلْمَةِ إِلَى رَوْحِ الدُّنْيَا .

جامع صغیر - ج ۲ ، ص ۱۴۵

۴۷۳ - چون دوم بار آدمی زاده بزاد پای خود بر فرق آلتها نهاد
(ص ۲۸۷ ، س ۱۴)

مستفاد است از گفته عیسی علیه السلام :

لَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ مَنْ لَمْ يُولَدْ مَرَّتَيْنِ .

لطائف معنوی ، ص ۱۵۱ شرح بحر العلوم طبع هندوستان ، دفتر سوم ، ص ۲۳۴

۴۷۴ - پس چو یعرف گفت چون جای دیگر گفت لا یعرفهم غیری فذر
انهم تحت قبایی کامنون جز که یزدانشان نداند ز آزمون
(ص ۲۹۰ ، س ۱)

مراد حدیثی است که آنرا در ذیل شماره (۱۳۱) نقل کرده ایم .

۴۷۵ - پس ز شرح سوز او کم زن نفس ربّ سلّم ربّ سلّم گو و بس
(ص ۲۹۰ ، س ۲۸)

۱۵

مقتبس است از این حدیث :

يُشَارُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ سَلِّمْ .

مستدرک حاکم ، ج ۲ ، ص ۳۷۵ تفسیر ابوالفتح ، ج ۳ ، ص ۴۸۶

۴۷۶ - خود نباشد آفتابی را دلیل غیر نور آفتاب مستطیل
(ص ۲۹۲ ، س ۱۵)

۲۰

مناسب مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۲) مذکور شده است .

۴۷۷ - کودکان خندان و دانا یان ترش غم جگر را باشد و شادی زشش
(ص ۲۹۱ ، س ۲۶)

احادیث مشنوی

مستفاد است از گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

الْعَمَلُ فِي التَّلَبِّ وَالرَّحْمَةِ فِي الْكِبَدِ وَالتَّفَنُّ فِي الرِّبَةِ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۳۱

قال وهب وجعل (الله) عقله (اي الانسان) في دماغه وشرهه في كليته

وغضبه في كبده وصرامته في قلبه ورعبه في رثته وضحكه في طحاله و
حزنه و فرحه في وجهه .

عیون الاخبار طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۶۲

۴۷۸ - بعد ضد رنج آن ضد دگر رو دهد یعنی فاشاد و کر و فر

(ص ۲۹۲ ، س ۹)

مناسب است با مفاد حدیث ذیل :

اَشْتَدِّيْ اَزْمَةً تُنْفَرِجِيْ .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۴۱ كنوز الحقائق ، ص ۱۳ نهاية ابن اثير ، ج ۱ ، ص ۳۰

۴۷۹ - ای خنك آنرا كه ذلت نفسه وای آنكس را كه یردی رفته

(ص ۲۹۳ ، س ۳)

اشاره بدین خبر است :

۱۵

طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ نَفْسُهُ وَطَابَ كَتْمُهُ وَحَسُنَتْ سِرِّيْرَتُهُ وَكَرُمَتْ عَلَانِيَتُهُ
وَعَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرُّهُ .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۵۴ نیز رجوع کنید به : اللآلئ المصنوعة ، ج ۲ ، ص ۳۵۸

که این حدیث را با مختصر تفاوت نقل کرده و از موضوعات شمرده است .

۴۸۰ - پیش عاشق این بود حب الوطن

مسکن یار است و شهر شاه من

(ص ۲۹۳ ، س ۱۰)

اشاره است بحدیث معروف :

حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيْمَانِ .

سفينة البحار ، ج ۲ ، ص ۶۶۸

دفتر سوم

و مؤلف اللؤلؤ المرصوع درباره آن گوید :

قال الزركشي كالتسخاوي لم أقف عليه.

اللؤلؤ المرصوع ، ص ۳۳

۴۸۱- ای که عقالت بر عطار دق کند عقل و عاقل را قضا احمق کند
صدره و مخلص بود از چپ و راست از قضا بسته شود گر از دهاست

(ص ۲۹۵ ، س ۱۳ ، ۱۴)

مقتبس است از روایتی که در ذیل شماره (۲۹) ذکر نمودیم .

۴۸۲- گفت الدین النصیحه آن رسول آن نصیحت در لغت ضد غول

(ص ۲۹۷ ، س ۴)

۱۰ مقصود حدیث ذیل است :

الدِّينُ النَّصِيحَةُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ .

بخاری، ج ۱ ، ص ۱۳ مسلم، ج ۱ ، ص ۵۳ ربيع الا برار ، باب النصیحه والموعظة
جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۸ با تفاوت مختصر و با حذف ذیل روایت ج ۲ ، ص ۱۷ .

راس الدین النصیحه لله ولدینه و لرسوله و لکتابه و لایمة المسلمین و

للمسلمین عامة . ۱۵

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۹

۴۸۳- گفت پیغمبر سپهدار غیوب لا شجاعه یا فتی قبل الحروب

(ص ۲۹۸ ، س ۲۰)

ظاهرا مقتبس است از این روایت که بلقمان حکیم نسبت می دهند :

۲۰ لَا تُعْرِفُ ثَلَاثَةٌ إِلَّا عِنْدَ ثَلَاثَةِ الْحَلِيمِ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالشُّجَاعِ عِنْدَ الْحَرْبِ
وَالْآخِ عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ .

رسالة قشیریه ، ص ۱۱۱ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۲۳

۴۸۴- در خبر بشنو تو این پند نکو بین جنبیکم لكم اعدی عدو

(ص ۳۰۰ ، س ۴)

احادیث منوئی

مستند آن حدیثی است که در ذیل شماره (۱۷) ملاحظه توان کرد .

۴۸۵ - گفت پیغمبر که ان فی البیان سحرا و حق گفت آن خوش بهاموان
(ص ۳۰۰، س ۱۱)

مقصود حدیث ذیل است :

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ قَدِيمَ رَجُلَانِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَخَطَبَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) ۵
إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا (أو) إِنَّ بَعْضَ الْبَيَانِ سِحْرٌ .

بخاری، ج ۳، ص ۱۶۲ ج ۴، ص ۱۵

ان طول صلاة الرجل وقصر خطبته مئنة من فقهه فاطيلوا الصلاة
و اقصروا الخطبة و ان من البیان سحرا .

مسلم، ج ۳، ص ۱۲ جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۰ ۱۰

ان من البیان سحرا و ان من الشعر حکما .

مسند احمد، ج ۱، ص ۲۶۹ و با تفاوت در نقل ص ۲۷۳، ۳۰۳، ۳۰۹، ۴۵۴
ج ۲، ص ۱۶ .

ان من البیان سحرا و ان من العلم جهلا و ان من الشعر حکما و
ان من القول عیالا . ۱۵

جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۷

۴۸۶ - گفت پیغمبر که جاد فی السلف بالعطیه من یتقن بالخلف
(ص ۳۰۱، س ۷)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۳۰)

۴۸۷ - کلکم راع نبی چون راعیست خلق مانند رمه او ساعیست ۲۰
(ص ۳۰۱، س ۲۹)

اشاره بدین روایت میکند :

أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ

وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ
وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى
مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْهُ إِلَّا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ .

مسلم، ج ۶، ص ۸ بخاری، ج ۱، ص ۱۰۵، ج ۲، ص ۳۹، ج ۴، ص ۱۴۹
مسند احمد، ج ۲، ص ۵، ۵۴، ۱۱۱، ۱۲۱ جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۴ .

۴۸۸- رحمتش سابق بده است از قهر زان تا ز رحمت گردد اهل امتحان
رحمتش بر قهر از ان سابق شده است تا که سرمایه وجود آید بدست
(ص ۳۰۲، س ۱۹)

مستفاد از مضمون خبری است که در ذیل شماره (۶۴) ذکر کردیم .

۴۸۹- حرف قرآن رامدان که ظاهر است زیر ظاهر باطنی هم قاهر است
(ص ۳۰۴، س ۲۹)

مبتنی است بر روایتی که در ذیل شماره (۲۲۷) نقل کرده ایم .

۴۹۰- در کف حق بهر داد و بهر زین قلب مؤمن هست بین الاصبغین
(ص ۳۰۵، س ۲۲)

اشاره بر روایتی است که در ذیل شماره (۱۳) مذکور است .

۴۹۱- بانگ دیوان گله بان اشقیاست بانگ سلطان پاسبان اولیاست
(ص ۳۰۷، س ۲۴)

مستفاد است از مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۶۸) یاد کردیم .

۴۹۲- بل زر مضروب ضرب ایزدی کاو نگرده کاسد آمد سرمدی
آن زری کاین زرازان زرتاب یافت گوهر و تابندگی و آب یافت
آن زری که دل از او گردد غنی غالب آمد بر قمر در روشنی
(ص ۳۰۸، س ۱۰)

مرتبط است با مضمون این خبر :

لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۳۴

احادیث مشهور

۴۹۳- ایمانرا من پترسانم بخلم خائفانرا ترس بردارم ز حلم
(ص ۳۰۸، س ۲۴)

مناسبت دارد با مفاد این روایت :

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَجْمَعُ لِعَبْدِي آمِنِينَ وَلَا خَوْفِينَ إِنَّ
هُوَ آمِنِي فِي الدُّنْيَا أَخَفُّهُ يَوْمَ أَجْمَعُ عِبَادِي وَإِنْ هُوَ خَافَنِي فِي الدُّنْيَا آمَنَتُهُ
يَوْمَ أَجْمَعُ عِبَادِي.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۳

۴۹۴- او دلت را بردو صد سودا بیست بیمرا دلت کرد و پس دل را شکست
چون شکست او بال آن رای نخست چون نشد هستی بال اشکن درست
(ص ۳۱۰، س ۱۳) ۱۰
مستفاد از گفته مولای متقیان علی علیه السلام است که آنرا در ذیل شماره
(۱۳۳) آورده ایم.

۴۹۵- بیمرادی شد قلاوُز بهشت حَفَّتِ الْجَنَّةُ شُئْوَايَ خُوشِ سُرُشْت
(ص ۳۱۰، س ۲۷)
اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۵۲) ذکر کردیم. ۱۵

۴۹۶- چون مرا دانت همه اشکسته پاست پس کسی باشد که کام او رواست
(ص ۳۱۰، س ۲۷)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۳۳).

۴۹۷- چون نشان مؤمنان مغلوبیست لیک در اشکست مؤمن خویبست
(ص ۳۱۲، س ۲) ۲۰

اشاره است بدین روایت :

الْمُؤْمِنُ يَهْرَبُ مِنَ الدِّالِخِصَامِ كَمَا يَهْرَبُ الْغَنَمُ مِنَ الذِّئْبِ .
شرح خواجه ایوب

۴۹۸- گفت پیغمبر که مهرآج مرا نیست از مهرآج یونس اجتبا
(ص ۳۱۲، س ۲۱) ۲۵

مقصود حدیث ذیل است :

لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ أَنَا خَيْرُ مَنْ يُؤْنِسُ بَنِي مَتَّى .

حلیة الاولیاء، ج ۵، ص ۵۷ و با اختلاف در تعبیر - مسند احمد، ج ۱، ص ۲۰۵، ۲۴۲، ۲۵۴، ۴۴۰، کنوز الحقائق، ص ۱۶۷ .

۵ - ۴۹۹ - برگابی برگابی همۀ اقطاع اوست فقر و خواری افتخار است و علوست

(ص ۳۱۲، س ۲۴)

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۵۴) آورده ایم .

۳۰۰ - آن محمد خفته و تکیه زده آمده سیرگرد او گردان شده
(ص ۳۱۳، س ۴)

۱۰ - ظاهراً اشاره باشد بحديث : تنام عینای و لا ینام قلبی - که در ذیل شماره (۱۸۸) ذکر شده است .

۳۰۱ - بنگرم سیر عالمی بینم نهان آدم و حوا نرسته از جهان
(ص ۳۱۳، س ۱۳)

مستفاد است از مضمون این خبر :

۱۵ - عَنْ رَجُلٍ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى جُعِلْتَ نَبِيًّا قَالَ وَ أَدَمَ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ .

مسند احمد، ج ۴، ص ۶۶

كنت نبياً و آدم بين الروح والجسد .

جامع صغير، ج ۲، ص ۹۶ کنوز الحقائق، ص ۹۶

۲۰ - أَنِّي عَبْدُ اللَّهِ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ إِنَّ أَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمُنْجَدِلٌ فِي طِينَتِهِ .

مسند احمد، ج ۴، ص ۱۲۶

۳۰۲ - که شما پروانه وار از جهل خویش پیش آتش می کنید این حمله کیش
من همی رانم شما را همچو مست از در افتادن در آتش با دو دست
(ص ۳۱۳، س ۲۰)

احادیث مشنوی

مطابقت با مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۱۷۶) مذکور افتاد .

۳۰۳ - گفت پیغمبر که هستند از فنون اهل جنت در خصوصتها زبون
(ص ۳۱۴ ، س ۲)

ظاهراً اشاره باشد بدین حدیث :

۵ - **أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ كُلُّ ضَعِيفٍ مُتَضَعِّفٍ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَا بَرَّهْ .**
جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۱۳ نهایت ابن اثیر ، ج ۲ ، ص ۲۰

و ممکنست که این روایت مراد باشد :

أَكْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبُلَهْ .

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۱۲۶ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۵۲ کنوز الحقائق ، ص ۱۷

۱۰ - **دَخَلَتِ الْجَنَّةَ فَإِذَا أَكْثَرُ أَهْلِهَا الْبُلَهْ .**

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴

۳۰۴ - از کمال حزم و سوء الظن خویش نی ز نقص و بد دلی و ضعف کیش
(ص ۳۱۴ ، س ۲)

اشاره است بحدیث : الحزم سوء الظن ... که در ذیل شماره (۱۹۹) یاد

۱۵ - شده است .

۳۰۵ - زان همی خندم که از زنجیر و غل می کشمتان سوی سروستان و گل
ای عجب کز آتش بی زینهار بسته می آریمتان تا سبزه زار
از سوی دوزخ بزنجیر گران می کشمتان تا بهشت جاودان
(ص ۳۱۴ ، س ۶)

۲۰ - مقتبس است از مفاد خبر ذیل :

عَجِبَ رَبُّنَا مِنْ قَوْمٍ يُقَادُّونَ إِلَى الْجَنَّةِ فِي السَّلَاسِلِ .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۰۲ ، ۴۰۶ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۵۷

۳۰۶ - چون کراهِت رفت خود آن مرگ نیست

صورت مرگست نفلان کرد نیست

۲۵ (ص ۳۱۵ ، س ۱)

مستفاد از این روایت است :

يَا أَهْلَ الْخَاوِدِ وَيَا أَهْلَ الْبَاءِ إِنَّكُمْ لَمْ تُخْلَقُوا لِلْفَنَاءِ وَإِنَّمَا تَنْتَقِلُونَ
مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ كَمَا نُقِلْتُمْ مِنَ الْأَصْلَابِ إِلَى الْأَرْحَامِ .

اللائي المصنوعة ، ج ۲ ، ص ۳۵۹

و عبداللطيف عباسی گوید که اشاره باین خبر است :

الا ان اولياء الله لا يموتون بل ينقلون من دار الى دار .

لطائف معنوی ، ص ۱۶۹

۳۰۷- دوست حقست و کسی کش گفت او که تویی آن من و من آن تو
(ص ۳۱۵ ، س ۲)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۴۳) مذکور شد .

۱۰

۳۰۸- چون بر آمد نور ظلمت نیست شد ظلم را ظلمت بود اصل و عضد
(ص ۳۱۵ ، س ۲۳)

مستفاد از روایتی است که در ذیل شماره (۳۱) یاد شده است .

۳۰۹- تا نلرزد عرش از ناله یتیم تا نگردد از ستم جانی سقیم
(ص ۳۱۵ ، س ۲۶)

۱۵

مطابق است با مضمون این خبر :

إِذَا بَكَى الْيَتِيمُ اهْتَزَّ الْعَرْشُ لِبُكَائِهِ .

تفسیر ابوالفتوح ، ج ۵ ، ص ۵۴۸

۳۱۰- حق بمن گفته است هان ای دادور مشنو از خصمی تو بی خصم دگر

۲۰ تا نیاید هر دو خصم اندر حضور حق نیاید پیش حاکم در ظهور

هان و هان بی خصم قول او مگیر خصم تنها گر بر آرد صد تقیر

(ص ۳۱۶ ، س ۴)

احادیث مشنوی

با مضمون حدیث ذیل مناسبت دارد :

عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) إِذَا تَقَدَّمَ إِلَيْكَ خَصْمَانِ فَلَا تَسْمَعْ كَلَامَ الْأَوَّلِ حَتَّى تَسْمَعَ كَلَامَ الْآخِرِ فَسَوْفَ تَرَى كَيْفَ تَقْضِي .

مسند احمد، ج ۱، ص ۹۰ و با مختصر اختلاف ص ۹۶، ۱۱۱، ۱۴۳

- ۳۱۱ - سخت پنهانست و پیدا حیرتش جان سلطانان جان در حیرتش
(ص ۳۱۷، س ۲۳)

اشاره است بدین روایت :

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ لَكِنْ يَغِطُهُمُ النَّيُّونَ وَالشَّهَدَاءُ لِقُرْبِهِمْ وَمَكَانَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ .

- ۱۰ شرح بحر العلوم طبع هند، دفتر سوم، ص ۳۱۰

- ۳۱۲ - غیر هفتاد و دو ملت کیش او تخت شاهان تخته بندی پیش او
(ص ۳۱۷، س ۲۳)

تعبیر : هفتاد و دو ملت - مبتنی است بر روایت ذیل :

افْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً وَافْتَرَقَتِ النَّصَارَى عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً .

۱۵

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۷

- ۳۱۳ - سایه حق بر سر بنده بود عاقبت جوینده یا بنده بود
(ص ۳۱۹، س ۶)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۱۴)

- ۳۱۴ - گفت پیغمبر که چون کوبی دری عاقبت زان در برون آید سری
(ص ۳۱۹، س ۷)

این حدیث مراد است :

مَا دُمْتُ فِي صَلَاةٍ فَأَنْتَ تَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ وَمَنْ يَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ يُفْتَحْ لَهُ .
حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۱۳۰

دفتر چهارم

- ۴۱۵- کان لله بوده بی درما مضی تا که کان الله له آمد جزا
(ص ۳۲۳، س ۴)
- اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۴۳) ذکر شده است.
- ۴۱۶- انبیا با دشمنان بر می تفتند پس ملايك ربّ سلم می زنند
(ص ۳۲۳، س ۱۴)
- تعبیر: رَبِّ سَلِّمْ - مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۲۷۵) مذکور
آمد.
- ۴۱۷- بلك از او کن عاریت چشم و نظر پس بچشم او بروی او نگر
(ص ۳۲۵، س ۲)
- مناسبت با مضمون حدیث: اَعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ - که در ذیل شماره (۲)
مستند آنرا می توان دید.
- ۴۱۸- تا شوی ایمن زسیری و ملال گفت کان الله له زان ذو الجلال
(ص ۳۲۵، س ۲)
- مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۴۳) نوشته آمد.
- ۴۱۹- چشم او من باشم و دست و دلش تا زهد از مدبریها مقبلش
(ص ۳۲۵، س ۳)
- مقتبس است از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۴۲) گذشت.
- ۴۲۰- زاین سبب بر انبیا رنج و شکست از همه خلق جهان افزون تراست
(ص ۳۲۵، س ۱۷)

مستفاد است از مضمون این روایت :

أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الصَّالِحُونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مَثْلَ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۱ کنوز الحقائق، ص ۱۳

عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ أَشَدُّ بَلَاءً
قَالَ الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الصَّالِحُونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مَثْلَ مِنَ النَّاسِ يُبْتَلَى الرَّجُلُ عَلَى
حَسَبِ دِينِهِ فَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ صَلَاحَةٌ زِيدَ فِي بَلَائِهِ وَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ رِقَّةٌ خُفِّفَ
عَنْهُ وَمَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَمْشِيَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ لَيْسَ عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ .

مسند احمد، ج ۱، ص ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۵ حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۳۶۸
جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۱ با وجوه مختلف .

۱۰ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الصَّالِحُونَ لَقَدْ كَانَ أَحَدُهُمْ يُبْتَلَى بِالْفَقْرِ حَتَّى
مَا يَجِدُ إِلَّا الْعِبَادَةَ يَجُوبُهَا فَيَلْبِسُهَا وَ يُبْتَلَى بِالْقَمَلِ حَتَّى يَقْتُلَهُ وَلَا أَحَدَهُمْ كَانَ
أَشَدَّ فَرَحًا بِالْبَلَاءِ مِنْ أَحَدٍ كَمُ بِالْعَطَاءِ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۱ حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۳۷۰ با مختصر اختلاف.

عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلَ النَّبِيَّ (ﷺ) أَيُّ النَّاسِ أَشَدُّ
بَلَاءً قَالَ الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مَثْلَ فَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَلَبَ الدِّينِ يُبْتَلَى الرَّجُلُ
عَلَى قَدَرِ دِينِهِ فَمَنْ ثَخَنَ دِينَهُ ثَخُنَ بَلَاؤُهُ وَ مَنْ ضَعَفَ دِينَهُ ضَعَفَ بَلَاؤُهُ .

مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۴۱

أَشَدُّ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا بَلَاءً نَبِيٌّ أَوْ صَفِيٌّ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۱

۲۰ ۳۴۱- ۴۵ بلای دوست تطهیر شماست علم او بالای تدبیر شماست (ص ۳۲۵، ص ۲۰)

مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۱۳۸) نقل نمودیم .

و در شرح بحر العلوم این احادیث در ذیل این بیت نقل شده است :

مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا
أَذًى وَلَا غَمٍّ حَتَّى الشَّوْكَةِ يُشَاكَهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ .

۵ (که بدین صورت در جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۲ دیده میشود : ما من مصيبة تصيب المسلم الا كفر الله بها عنه حتى الشوكة يشاكها) .

إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْعَبْدِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ مَا يُكَفِّرُهَا مِنَ الْعَمَلِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحُزْنِ لِيُكَفِّرَ عَنْهُ .

(که در جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۳۳ نقل شده است)

۱۰ لَا تَسْبَهَا (الْحَمْدُ) فَإِنَّهَا تُنْقِي الذُّنُوبَ كَمَا تُنْقِي النَّارُ خَبَثَ الْحَدِيدِ .
(که در جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۲۰۰ با تفاوت مختصر آمده)

۴۴۲- گفت عیسی رایکی هشیار سر چیست در هستی زجهاله صعب تر
(ص ۳۲۵ ، س ۲۷)

مستند آن را در کتاب قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)
۱۵ ص ۱۲۹ ملاحظه کنید .

۴۴۳- کی کم از بره کم از بزغاله ام که نباشد حارس از دنباله ام
(ص ۳۲۹ ، س ۳)

با مضمون این روایت مناسب است :

۲۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُجِمِّي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ كَمَا يُجِمِّي الرَّاعِيَ الشَّفِيقُ غَنَمَهُ عَنْ
مَرَاتِعِ الْهَلَكَةِ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۵

احادیث مثنوی

۴۴۴ - چون نزد بروی شاررش نور او همه جسمست بی دل چون قشور
ور ز رش نور حق قسمیش داد همچو رسم مصر سرگین مرغ زاد
(ص ۳۳۰ ، س ۲۰)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۴) ذکر نمودیم .

۴۴۵ - من همی دانستم بی امتحان لیک کی باشد خبر همچون عیان
(ص ۳۳۰ ، س ۲۹)

ترجمه خبر ذیل است :

لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمَعَانِيَةِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۳۴ کنوز الحقائق ، ص ۱۱۳ مجمع الامثال ، ص ۵۸۹

۴۴۶ - آدما تو نیستی کور از نظر لیک اذا جاء القضاء عمی البصر
(ص ۳۳۱ ، س ۱۷)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۹) در همین کتاب .

۴۴۷ - لیک آن صدیق حق معجز نخواست

گفت این رو خرد نگوید غیر راست

(ص ۳۳۱ ، س ۲۷) ۱۵

مستند آن در ذیل شماره (۶۵) نقل شد .

۴۴۸ - ای ندانسته تو شر و خیر را امتحان خود را کن آنگه غیر را
امتحان خود چو کردی ای فلان فارغ آیی ز امتحان دیگران
(ص ۳۳۲ ، س ۱۳)

ناظر است بمضمون این روایت : ۲۰

طَوِي لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ غُيُوبِ النَّاسِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۵۴ کنوز الحقائق ، ص ۷۸

۴۴۹ - چون نمازد خانه ها را قاعده مؤمنان مانند نفس واحد
(ص ۳۳۵ ، س ۱)

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۱۰۹) ذکر شده است .

۳۳۰ - چرخ پانصدساله راه ای مستعین در اثر نزدیک آمدن با زمین
سه هزاران سال و پانصدتا زحل دم بدم خاصیتش آرد عمل
(ص ۳۳۷، س ۱۰)

۵ مبتنی است بر روایت ذیل :

عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ كُنَّا جُلُوسًا مَعَ
رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) بِالْبَطْحَاءِ فَفَرَّتْ سَحَابَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) أَتَدْرُونَ مَا
هَذَا فَقُلْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ فَقَالَ السَّحَابُ فَقُلْنَا السَّحَابُ فَقَالَ وَ الْمَرْزُ فَقُلْنَا
وَالْمَرْزُ فَقَالَ وَالْعَنَانُ ثُمَّ سَكَتَ ثُمَّ قَالَ تَدْرُونَ كَمْ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
فَقُلْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ فَقَالَ بَيْنَهُمَا مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ وَبَيْنَ كُلِّ سَّمَاءٍ إِلَى
السَّمَاءِ الَّتِي تَلِيهَا مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ وَكَثُفُ كُلِّ سَّمَاءٍ مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ.
مستدرک حاکم ، ج ۲ ، ص ۳۷۸

۳۳۱ - مصطفی زاین گفت کادم و انبیا خلف من باشند در زیر لوا
(ص ۳۳۷، س ۲۴)

۱۵ مقصود خبر ذیل است :

أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ وَبِيَدِي لَوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ
وَمَا مِنْ نَبِيٍّ آدَمَ فَمِنْ سِوَاهُ إِلَّا تَحْتَ لَوَائِي وَ أَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ
وَلَا فَخْرَ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۰۶

۲۰ قال ابو عبد الله (في حديث) ما من نبي من ولد آدم الى محمد صلوات
الله عليهم الا وهم تحت لواء محمد (ﷺ) .

سفينة البحار ، ج ۲ ، ص ۵۱۸

ولد آدم کلهم تحت لوائی يوم القيامة وانا اول من يفتح له باب الجنة .
جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۱۹۵

۳۳۳ - بهر این فرموده است آن ذوقنون رمز نحن الآخرون السابقون
(ص ۳۳۷ ، س ۲۵)

۵ اشارتست بحديثی که در ذیل شماره (۱۸۱) مذکور افتاد و نظیر آن روایتی
است منقول در دلائل النبوه از حافظ ابو نعیم اصفهانی طبع حیدرآباد ، ج ۱ ، ص ۶.
كُنْتُ أَوَّلَ النَّبِيِّينَ فِي الْخَلْقِ وَآخِرَهُمْ فِي الْبَعْثِ .

۳۳۳ - بر بصورت من ز آدم زاده ام من بمعنی جدد افتاده ام
(ص ۳۳۷ ، س ۲۵)

۱۰ ظاهراً اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۳۰۱) ذکر شده است .

۳۳۴ - بهر این فرمود پیغمبر که من همچو کشتی ام بطوفان زمن
ما و اصحابیم چون کشتی نوح هر که دست اندر زند یابد فتوح
(ص ۳۳۸ ، س ۷)

مراد روایت ذیل است :

۱۵ مَثَلُ أَهْلِ يَمِينِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَافَ عَنْهَا غَرِقَ .
مستدرک حاکم ، ج ۲ ، ص ۳۴۳ حلیة الاولیاء ، ج ۴ ، ص ۳۰۶ جامع صغير ، ج ۲ ،
ص ۱۵۴ و با تفاوت مختصر ج ۱ ، ص ۹۶ .

مثل عترتی کسفینه نوح من رکب فیها نجا .

کنوز الحقائق ، ص ۱۱۹

۲۰ مثلي کسفینه نوح من رکب فیها نجا و من تخاف عنها غرق .
حاشیة عبداللطیف عباسی

۳۳۵ - تابیبای بوی خلد از یار من چون محمد بوی رحمان از یمن
(ص ۳۳۸ ، س ۱۳)

دفتر چهارم

اشاره است بحديث: اجد نفس ربكم من قبل اليمن - كه مستند آن در ذيل شماره (۱۹۵) مذکور است .

۳۳۶ - من نميگويم مرا هديه دهيد ليک گفتم لايق هديه شويد
كه مرا از غيب نادر هديه هاست كه بشر آن را نيارد نيز خواست
(ص ۳۳۹ ، س ۳)

مستفاد از مضمون روايتي است كه در ذيل شماره (۲۶۴) ذكر كرديم .

۳۳۷ - اين نظر از دور چون تير است و سم عشق افزون مي شود صبر تو كم
(ص ۳۴۱ ، س ۱)

مقتبس است از مضمون اين خبر :

۱۰ النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنْ اللهِ
اتَّاهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ اِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ .
احياء العلوم ، ج ۱ ، ص ۱۶۸ و ج ۳ ، ص ۷۵ اتحاف السادة المتقين ، ج ۴ ص ۲۴۵ .

عن الصادق عليه السلام قال النظر سهم من سهام ابليس مسموم و
كم من نظرة اورثت حسرة طويلة .

سفينة البحار ، ج ۲ ، ص ۵۹۶

۳۳۸ - تا بدين ملكي كه او دامپست ژرف در شكار آيند مرغان شگرف
(ص ۳۴۱ ، س ۲)

مناسب است با مضمون اين خبر :

الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ .

احياء العلوم ، ج ۴ ، ص ۱۴ كنوز الحقائق ، ص ۶۴

۲۰ و سبكي در طبقات الشافعية (ج ۴ ، ص ۱۷۰) اين حديث را جزو احاديث
مذكور در احياء العلوم كه سند آنها را نيافته آورده است و مؤلف اللؤلؤ المرصوع
در باره آن گويد :

قال السخاوي لم اقف عليه (اي مسندا) مع ايراد الغزالي له في الاحياء .
اللؤلؤ المرصوع ، ص ۳۶

۳۳۹- لیک حق بهر ثبات این جهان مهرشان بنهاد بر چشم و دهان
(ص ۳۴۱، س ۲۱)

یوسف بن احمد مولوی آن را مناسب این دو روایت شمرده است :

لَوْ لَا الْحَمِيَّ لَخَرِبَتِ الدُّنْيَا .

۵ جَعَلَتْ مَعْصِيَةَ ابْنِ آدَمَ سَبَبًا لِعِمَارَةِ الْكَوْنِ .

المنهج القوی، ج ۴، ص ۹۵

۳۴۰- ای دو صد بلقیس حامت را زبون کاهد قومی انهم لا يعلمون
(ص ۳۴۴، س ۲۸)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۱۵۵) نقل نمودیم .

۱۰ نیز رجوع کنید به : مسند احمد، ج ۱، ص ۳۸۰، ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۵۶ .

۳۴۱- تا پشت آدم اسلافش همه مهتران رزم و بزم و ملحمه
این نسب خود قشرا و را بوده است کز شهنشاهان مه پالوده است
(ص ۳۵۱، س ۱۰)

ظاهراً مبتنی بر روایت ذیل است :

۱۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَى مِنْ وَلَدِ إِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَاصْطَفَى مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ
بَنِي كِنَانَةَ وَاصْطَفَى مِنْ بَنِي كِنَانَةَ قُرَيْشًا وَاصْطَفَى مِنْ قُرَيْشِ بَنِي هَاشِمٍ
وَاصْطَفَانِي مِنْ بَنِي هَاشِمٍ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۶۶

۳۴۲- مغز او خود از نسب دور است و پاک نیست جنشش از سمک کسی تا سماک
(ص ۳۵۱، س ۱۱) ۲۰

مناسب است با روایت ذیل :

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي إِبْتَدَعَهُ مِنْ نُورِهِ وَاشْتَقَّ مِنْ جَلَالِ عَظَمَتِهِ .
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ خُلِقْتُ

دفتر چهارم

مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَخُلِقَ أَهْلُ بَيْتِي مِنْ نُورِي .

بحار الانوار ، ج ۶ ، باب بدء خلقه و ماجری له

۴۴۳- مرغ مضطر مرده اندر وصل و بین

خواننده یی القلب بین الاصبغین

(ص ۳۵۲ ، س ۳)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۳) ذکر شده است .

۴۴۴- لیک ز این شیرین گیاهی زهرمند ترک کن تا چند روزی می خورند

(ص ۳۵۲ ، س ۱۳)

اشاره است بحديث ذیل :

۱۰ إِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرٌ حُلُوٌّ فَنَ أَخَذَهُ بِسَخَاوَةِ نَفْسٍ بُورِكَ لَهُ فِيهِ وَ مَنْ

أَخَذَهُ بِإِسْرَافٍ نَفْسٌ لَمْ يُبَارَكْ (أ) فِيهِ وَ كَانَ كَالَّذِي يَأْكُلُ وَ يَشْبَعُ .

شرح بحر العلوم طبع لکنهو ، دفتر چهارم ، ص ۷۵

۴۴۵- گر نبودی خصم و دشمن در جهان پس بمردی خشم اندر مردمان

دوزخ آن خشمست و خصمی بایدش تا زید ورنه رحیمی بکشدش

(ص ۳۵۲ ، س ۱۵)

مطابقت (بگفته بحر العلوم) با این روایت :

يَا عَائِشَةُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ لِلْجَنَّةِ أَهْلًا خَلَقَهُمْ وَ هُمْ فِي أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَ خَلَقَ

لِلنَّارِ أَهْلًا وَ هُمْ فِي أَصْلَابِ آبَائِهِمْ .

شرح بحر العلوم ، دفتر چهارم ، ص ۷۵

وصف ما از وصف او گیرد سبق

۴۴۶- خلق ما بر صورت خود کرد حق

(ص ۳۵۵ ، س ۱۵)

اشاره است بدین روایت :

إِذَا قَاتَلَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيَجْتَنِبِ الْوَجْهَ فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۳۲

۲۵ إذا ضرب أحدكم فليجنب الوجه فإن الله خلق آدم على صورته .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۴۴ ، ۲۵۱ ، ۲۳۴

احادیث مشنوی

خلق الله آدم علي صورته .

بخاری، ج ۴، ص ۵۶ مسلم، ج ۸، ص ۱۴۹ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۱۵
جامع صغير، ج ۲، ص ۴۰ .

لا تقبّحوا الوجه فانّ الله خلق آدم علي صورته .

لا تقبّحوا الوجه فانه خلق علي صورة الرحمن .

کنوز الحقائق، ص ۱۵۴

۳۴۷- چونکه آن خلاق شکر و حمد جوست آدمی را مدح جویی نیر خوست

این پیمبر گفت چون بشنید قدح که چرا فر به شود احمد بمدح
(ص ۳۵۵، س ۱۶ پیعد)

۱۰

اشاره است بروایت ذیل :

لَا أَحَدًا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلِذَلِكَ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ
مَا بَطَّنَ وَلَا أَحَدًا أَحَبُّ إِلَيْهِ الْمَدْحُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلِذَلِكَ مَدَحَ نَفْسَهُ .
مسند احمد، ج ۱، ص ۴۳۶ و نیز ص ۳۸۱، ۴۲۶

عن الاسود بن سريع قال قلت يا رسول الله الا انشدك محمدا حمدا بها

رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ أَمَا إِنَّ رَبَّكَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْحَمْدَ .

۱۵

مسند احمد، ج ۳، ص ۴۳۵

ليس احد احب اليه المدح من الله و لا احد اكثر معاذير من الله .

جامع صغير، ج ۲، ص ۱۳۴

۳۴۸- چون سلیمان نبی شاه انام ساخت مسجد را و فارغ شد تمام

۲۰ (ص ۳۵۸، س ۴)

رجوع کنید بآخذ قصص و تمثیلات مشنوی، انتشارات دانشگاه طهران،

ص ۱۳۸ .

۳۴۹- کندن گوری که کمتر پیشه بود کی ز فکر و حیل و اندیشه بود

(ص ۳۵۸، س ۱۵)

دفتر چهارم

مأخذ و مستند آن در مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، انتشارات دانشگاه
طهران، ص ۱۳۸ مذکور است.

۳۵۰- پس پیوشید اول آن بر جان ما تا کنیم آن کار بر وفق قضا
چون قضا آورد حکم خود پدید چشم و اگشت و پشیمانی رسید
(ص ۳۵۹، س ۵)

مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۲۹) ذکر نمودیم.

۳۵۱- ای خدای رازدان خوش سخن عیب کار بد ز ما پنهان مکن
(ص ۳۵۹، س ۱۳)

مستند آن در ذیل شماره (۱۱۶) مذکور است.

و یوسف بن احمد مولوی این روایت را نقل میکند:

✓ اللَّهُمَّ ارِنَا الْحَقَّ حَقًّا وَ ارْزُقْنَا اتِّبَاعَهُ وَ ارِنَا الْبَاطِلَ بَاطِلًا وَ ارْزُقْنَا
اجْتِنَاءَهُ.

المنهج القوی، ج ۴، ص ۱۸۳

۳۵۲- ای خنک آنرا که پیش از مرگ مرد

یعنی او از اصل این رز بوی برد

(ص ۳۶۰، س ۳)

✓ اشاره است بحديث: مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا که صوفیه آنرا نقل میکنند
و مؤلف اللؤلؤ المرصوع بنقل از ابن حجر آن را حدیث نمیشمارد.

اللؤلؤ المرصوع، ص ۹۴

حاسبوا اعمالکم قبل ان تحاسبوا و زنوا انفسکم قبل ان توزنوا و موتوا
قبل ان تموتوا.

المنهج القوی، ج ۴، ص ۳۱۳

۳۵۳- اکثر اهل الجنة البله ای پدر این چنین گفته است سلطان بشر

(ص ۳۶۱، س ۶)

احادیث مننوی

این حدیث را در ذیل شماره (۳۰۳) آورده ایم.

۳۵۴ - نی تو گفתי قائد اعمی براه صد ثواب و اجر یابد از اله
(ص ۳۶۲، س ۱۱)

اشاره است بدین خبر :

۵. مَنْ قَادَ اَعْمَى اَرْبَعِينَ خُطْوَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ .
حلیة الاولیا، ج ۳، ص ۱۵۸ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۷۶ کنوز الحقائق، ص ۱۳۱
من قادی اعمی اربعین خطوة لم تمسه النار .
ربیع الابرار، باب الامراض والعلل
وسیوطی این حدیث را جزو موضوعات آورده است .

۱۰. اللآلئ المصنوعة، ج ۲، ص ۸۸، ۳۶۸ .

۳۵۵ - هر که او چل گام کوری را کشد گشت آمرزیده و یابد رشد
(ص ۳۶۲، س ۱۲)

مقتبس است از مضمون این روایت :

۱۵. مَنْ قَادَ اَعْمَى اَرْبَعِينَ خُطْوَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ .
جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۷۶
من قادی مکفوفا اربعین خطوة غفر له من ذنبه ما تقدم و ما تأخر .
لطائف منوی، ص ۲۰۲ شرح بحر العلوم، دفتر چهارم، ص ۹۸

۳۵۶ - هر که گوید کو قیامت ای صنم خویش بنما که قیامت نک منم
در نگر ای سائل محنت زده ز این قیامت صد جهان قائم شده
(ص ۳۶۲، س ۱۷) ۲۰

مبتهنی است بردو روایت که اینک نقل میشود :

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ الْأَعْرَابُ إِذَا قَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) سَأَلُوهُ
عَنِ السَّاعَةِ مَتَى السَّاعَةُ .

مسلم ج ۸، ص ۲۰۹

بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ (واشار بالسَّابِغَةِ وَ الْوَسْطَى).

مسلم، ج ۳، ص ۱۱، ج ۸، ص ۲۰۸ مستند احمد، ج ۳، ص ۱۲۴،
۱۳۰، ۱۳۱، ۱۹۳ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۲۵ کنوز الحقائق، ص ۴۷ حلیة الاولیاء،
ج ۳، ص ۱۸۹ بخاری، ج ۳، ص ۱۳۷.

بعثت فی نَسَمِ السَّاعَةِ.

حلیة الاولیاء، ج ۴، ص ۱۸۹ نہایة ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۴۱

۴۵۷- ورنہ باشد اہل این ذکر وقنوت
بس جواب الاجہ قای سلطان سکوت
(ص ۳۶۲، س ۱۸)

جملہ: جَوَابُ الْآخِمْ سُكُوتٌ.

۱۰. مثلست کہ در کلام مولای متقیان علی علیہ السلام نیز آمدہ است بدینگونہ:

مَا أَرْضِي الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْحِلْمِ وَلَا أَسْخَطَ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ
وَلَا عَاقَبَ الْآخِمْ بِمِثْلِ السُّكُوتِ عَنْهُ.

امالی مفید، طبع نجف، ص ۶۹

۳۵۸- چون جواب احمدق آمد خامشی
این درازی در سخن چون میکشی
(ص ۳۶۲، س ۲۱)

در ذیل شمارہ (۳۵۷) ہم اکنون مستند آن مذکور شد.

۳۵۹- در حدیث آمد کہ یزدان مجید
خلق عالم را سہ گونه آفرید
(ص ۳۶۳، س ۱۶)

روایت ذیل مراد است:

۲۰. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ فَقُلْتُ
الْمَلَائِكَةُ أَفْضَلُ أَمْ بَنُو آدَمَ فَقَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ:
إِنَّ اللَّهَ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَمَلًا بِأَلَا شَهْوَةً وَرَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كُلِّهِمَا فَنَ غَلَبَ

عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَأِيكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ
مِنَ الْجِبَّانِ .

وسائل الشیعه ، چاپ طهران ، ج ۲ ، ص ۴۴۷

و این حدیث را غزالی با تفاوتی در تعبیر و بی آنکه بکسی نسبت دهد در

احیاء العلوم (ج ۱ ، ص ۱۶۹) آورده و در کلام خود مندرج ساخته است .

۵

۳۶۰ - این چنین سیر نیست مستثنی ز جنس

کن فزود از اجتهاد جن و انس

این چنین جزیست نی هر جذب عام

که نهادش فضل احمد و السلام

(ص ۳۶۵ ، س ۴)

۱۰

اشاره است بدین جمله :

جَذْبَةٌ مِنْ جَذَبَاتِ الْحَقِّ تُؤَازِي عَمَلِ الثَّقَلَيْنِ .

که خواجه ایوب آنرا مطابق متن حدیث نبوی شمرده و غزالی در احیاء العلوم

(ج ۴ ، ص ۵۶) بدون انتساب بقسائی آورده و جامی در نفحات الانس آنرا

به ابوالقاسم ابراهیم بن محمد نصرآبادی (متوفی ۳۷۲) نسبت داده است و در اسرار

۱۵

التوحید (چاپ طهران ، ص ۲۴۷) با تعبیر :

كما قال الشيخ - که مؤید گفته جامی است نقل شده است .

۳۶۱ - همچنین دنیا اگر چه خوش شکفت

عیب خود را بانگ زد با جمله گفت

اندر این کون و فساد ای اوستاد

۲۰

آن دغل کون و نصیحت آن فساد

(ص ۳۶۶ ، س ۷)

این اشعار و دنباله آن اقتباس و تفسیر گونه ییست از کلام امیر مؤمنان
علی علیه السلام :

أَيُّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا الْمُغْتَرُّ بِغُرُورِهَا الْمُخْدَعُ بِأَبْطِلِهَا أَتَغْتَرُّ بِالدُّنْيَا ثُمَّ تَذُمُّهَا
أَنْتَ الْمُتَجَرِّمُ عَلَيْهَا أَمْ هِيَ الْمُتَجَرِّمَةُ عَلَيْكَ مَتَى اسْتَهْوَتْكَ أَمْ مَتَى
غَرَّتْكَ أَيْمَاصِرِ عِ آبَائِكَ مِنَ الْبَلَى أَمْ بِمَضَاجِعِ أُمَمَاتِكَ تَحْتَ الثَّرَى .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۳۰۵

۳۶۲- از جهان دو بانگ می آید بضد

تا کدامین را تو باشی مستعد

آن یکی بانگش نشور اتقیا

و این دگر بانگش فریب اشقیا

۱۰

(ص ۳۶۶ ، س ۲۲)

مناسب است با گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

فَمَنْ ذَايَدُهَا وَقَدْ آذَنْتَ بَيْنَهَا وَنَادَتْ بِفِرَاقِهَا وَنَعَتْ نَفْسَهَا وَ
أَهْلَهَا فَمَثَلَتْ لَهُمْ بِبَلَائِهَا الْبَلَاءَ وَشَوَّقَتْهُمْ بِسُرُورِهَا إِلَى السُّرُورِ رَاحَتْ
بِعَافِيَةٍ وَابْتَكَّرَتْ بِفَجِيعَةِ تَرْغِيْبٍ وَتَرْهِيْبٍ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۳۰۳

۳۶۳- این پذیرفتی بهماندی زان دگر که محب از ضدّ محبوبست کر

(ص ۳۶۶ ، س ۲۴)

مقتبس است از مضمون این خبر :

مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَثَلِ ضَرْبَيْنِ بِقَدَرٍ مَا أَرْضَيْتَ أَحَدَهُمَا
أَسْخَطْتَ الْآخَرَ .

شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۱۱۱ و ج ۳ ، ص ۴۷

احادیث مثنوی

و این سخن را بامیرالمؤمنین علی علیه السلام نسبت داده اند بدینصورت :

انّ الدّنيا و الآخرة عدوان متفاوتان و سبیلان مختلفان فمن احبّ الدّنيا و تولّاها ابغض الآخرة و عاداها و هما بمنزلة المشرق و المغرب و ماش بينهما كلّما قرب من واحد بعد من الآخر و هما بعد ضربتان .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۲۸۶

و لذلك ضرب علی رضي الله عنه للدّنيا و الآخرة ثلاثة امثلة فقال هما ككفتي الميزان و كالمشرق و المغرب و كالضربتين اذا ارضيت احداهما اسخطت الاخرى .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۴

۳۶۴- مرگ تن هدیه است بر اصحاب راز

زر خالص را چه نقصانست فاز

(ص ۳۶۸ ، س ۱۲)

مستفاد است از مضمون این حدیث :

تُخَفُّهُ الْمَوْتُ مِنَ الْمَوْتِ .

۱۵ که بدینصورت نیز روایت میشود :

أَلَمَوْتُ رِيحَانَةُ الْمُؤْمِنِ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۲۸ کنوز الحقائق ، ص ۱۳۸ المنهج القوی ، ج ۴ ،

ص ۲۳۵ .

۳۶۵- وانگهان گفته خدا که ننگرم من بظاهر من بیاطن ناظرم^۷

۲۰ (ص ۳۶۹ ، س ۱۹)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۱۵۰) آورده ایم .

۳۶۶- گفت بوی بوالعجب آمد بمن همچنانکه هر نبی را از یمن

دفتر چهارم

که محمد گفت بر دست صبا از یمن می آیدم بوی خدا
از او یس و از قرن بوی عجب مر نبی را مست کرد و پر طرب
(ص ۳۷۲، س ۲۰۱)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۱۹۵) یاد کردیم.

۵ - ۳۶۷ - وحی دل پیرش که منزلگاه اوست

چون خطا باشد چو دل آگاه اوست

(ص ۳۷۲، س ۲۳)

مقتبس از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۶۳) مذکور است و اگر
بجای منزلگاه در بیت بالا (منظرگاه) خوانده شود چنانکه در بعضی نسخ آمده
ناظر خواهد بود بحدیثی که در ذیل شماره (۱۵۰) آورده ایم. ۱۰

۳۶۸ - مؤمنای نظر بنور الله شدی از خطا و سهو بیرون آمدی

(ص ۳۷۲، س ۲۴)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۳)

۳۶۹ - زانکه جنت از مکاره رسته است رحم قسم عاجزی اشکسته است

(ص ۳۷۲، س ۲۵)

۱۵

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۵۲) آمده است.

۳۷۰ - بعد از آنت جان احمد لب گزد

جبرئیل از بیم تو واپس خزد

گوید ار آیم بقدر يك کمان

من بسوی تو بسوزم در زمان

۲۰

(ص ۳۷۳، س ۲۰)

مستند آن را در ذیل این بیت :

چون گذشت احمد ز سدره و مرصدهش و از مقام جبرئیل و از حدش

احادیث‌شنوی

بتفصیل خواهیم نوشت .

۴۷۱ - همچنین تاج سلیمان میل کرد روز روشن را بر او چون لیل کرد

(ص ۳۷۴ ، س ۲)

مستند آن در کتاب قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۴۱ نقل شده است .

۵

۴۱۴ - تو هم از بیرون بدی با دیگران

و اندرون بنشسته با نفس گران

خود عدوّت اوست قندش می‌دهی

و از بیرون تهمت بهر کس می‌نهی

(ص ۳۷۴ ، س ۱۱) ۱۰

مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۱۷) نقل نمودیم .

۴۷۳ - گفت پیغمبر که احمق هر که هست

او عدوّ ما و غول رهن است

هر که او عاقل بود او جان ماست

روح او و ریح او ریحان ماست ۱۵

(ص ۳۷۵ ، س ۸)

اشاره است باین جمله :

الْأَحْمَقُ عَدُوِّي وَالْعَاقِلُ صَدِيقِي .

که بگفته یوسف بن احمد مولوی حدیث است (المنهج القوی، ج ۳، ص ۲۷۱)

و از حضرت رضا سلام الله علیه روایت کرده اند : ۲۰

صديق كل اصرئ عقله وعدوه جهله .

اصول کافی، کتاب العقل والجهل

دفتر چهارم

و این روایت را ماوردی در ادب الدنيا والدين با تعبیر :

وقال بعض الادباء - نقل کرده است .

منهاج اليقين في شرح ادب الدنيا و الدين چاپ اسلامبول ، ص ۹

۴۷۴ - عقل دوعقل است اول مکسبی
از کتاب و اوستاد و فکر و ذکر
که در آموزی چو در مکتب صبی
از معانی و از علوم خوب بگر
عقل دیگر بخشش یزدان بود
چشمه آن در میان جان بود
(ص ۳۷۵ ، س ۱۵ . بعد)

مناسبت با اشعار ذیل که منسوبست بمولای متقیان علی علیه السلام :

رَأَيْتُ الْعَقْلَ عَقْلَيْنِ فَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ
و لَا يَنْفَعُ مَسْمُوعٌ إِذَا لَمْ يَكْ مَطْبُوعٌ
كَمَا لَا يَنْفَعُ الشَّمْسُ وَضُوءُ الْعَيْنِ مَمْنُوعٌ

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۳ وافی فیض ، ج ۱ ، ص ۱۸

۴۷۵ - يك سریه می فرستادی رسول
بهر جنگ کافر و دفع فضول
(ص ۳۷۶ ، س ۱۳)

رجوع کنید بآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)
ص ۱۴۱ .

۴۷۶ - لاجرم اغلب بلا بر انبیاست
که ریاضت دادن خامان بلاست
(ص ۳۷۶ ، س ۲۱)
اشارتست بحدیثی که در ذیل شماره (۳۲۰) مذکور افتاد .

۴۷۷ - خود ملایك نیز نا همتا بدند
ز این سبب بر آسمان صف صف شدند
(ص ۳۷۶ ، س ۲۶)

مبتنی است بر مضمون این روایت :

أُطِّتِ السَّمَاءُ وَ حُقِّ لَهَا أَنْ تَبْطُ قَمَا فِيهَا مَوْضِعُ شَبْرِ إِلَّا وَ فِيهِ مَلَكٌ

احادیث مثنوی

قَائِمٌ أَوْ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ وَاضِعٌ جِهَتَهُ لِلَّهِ .

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۱ و با مختصر تفاوت حلیه الاولیا، ج ۶، ص ۲۶۹.

و از گفتار مولای متقیان علی علیه السلام است :

منهم سجود لایر کعون و رکوع لا ینتصبون و صافون لا یتزایلون
و مسبحون لا یسأمون ... و منهم امناء علی وحیه و السنة الی رسله و
مختلفون بقضائه و امره و منهم الحفظة لعباده و السدنة لابیواب جنانه و
منهم الثابتة فی الارضین السفلی اقدامهم و المارقة من السماء العلیا اعناقهم .
شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۹

۳۷۸ - هم تو گفתי این و گفت تو گوا
پیر باید پیر باید پیشوا
(ص ۳۷۷، س ۱۷) ۱۰

مقصود حدیث ذیل است :

کَبِرُوا الْکُبْرَ . که : اَلْکُبْرُ اَلْکُبْرُ . هم روایت شده است (ای لیبدأ
الا کبر بالکلام)

مسلم، ج ۵، ص ۹۸ - ۹۹ بخاری، ج ۴، ص ۴۷، ۱۵۵ . نهایه ابن اثیر،
ج ۴، ص ۴ .

۱۵

۳۷۹ - دست می دادش سخن او بی خبر

که خبر هرزه بود پیش نظر
(ص ۳۷۷، س ۲۵)

مقتبس است از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۳۲۵) گذشت .

۳۸۰ - ما که باطن بین جمله کشوریم دل بینیم و بظاهر ننگریم
(ص ۳۸۰، س ۱۴)

مناسب است با الفاظ و مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۱۵۰) مذکور افتاد .

دفتر چهارم

۳۸۱- قاضیانی که بظـاهر می‌تـنـد

حکم بر اشکال ظاهر میکنند

چون شهادت گفت و ایمانش نمود

حکم او مؤمن کنند این قوم زود

(ص ۳۸۰، س ۱۴، ۱۵)

حکم شرعی و موافق است با مضمون خبر :

نَحْنُ نَحْكُمُ بِالظَّاهِرِ وَاللَّهُ يَتَوَلَّى السَّرَائِرَ.

احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۵۱

و بعضی نیز آنرا حدیث نمی‌شمارند (رجوع کنید بقیه ما فیہ، انتشارات

۱۰ دانشگاه طهران، ص ۳۰۳)

و در روایت دیگر آمده است :

إِنِّي لَمْ أَوْمَرْ أَنْ أَنْقَبَ عَلَى قُلُوبِ النَّاسِ.

نهایة ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۶۸ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۴

۳۸۲- از دم حب الوطن بگذر مایست

که وطن آنسوست جان زین سوی نیست

گر وطن خواهی گذر آنسوی شط

این حدیث راست را کم خوان غلط

(ص ۳۸۱، س ۲۲)

اشاره است بحدیث : حب الوطن من الایمان - که در ذیل شماره (۲۸۰)

۲۰ راجع بدان سخن گفتیم.

۳۸۳- در وضو هر عضو را وردی جدا

آمده است اندر خبر بهر دعا

چونکه استنشاق بینی میکنی

بوی جنت خواه از رب غنی

احادیث منتهی

چونکه استنجا کنی ورد سخن

این بود که از زبانم پاک کن

(ص ۳۸۱، س ۲۳)

مقصود وردهای ذیل است :

۵. اللَّهُمَّ ارْحِنِي رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَارْزُقْنِي مِنْ نَعِيمِهَا وَلَا تُرْحِنِي رَائِحَةَ النَّارِ .
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ
الصَّالِحِينَ الرَّاشِدِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ .

المنهج القوی، ج ۴، ص ۳۰۶ - ۳۰۷

نیز رجوع کنید به : احیاء العلوم، ج ۱، ص ۹۹ که با اختلاف عبارت اوراد

۱۰ مذکوره را در آنجا می توان دید .

۴۸۴ - آن یکی در وقت استنجا بگفت که مرا با بوی جنت دار جفت

(ص ۳۸۲، س ۹)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۸۳) .

۴۸۵ - همچنین حب الوطن باشد درست تو وطن بشناس ای خواجه نخست

(ص ۳۸۲، س ۱۴) ۱۵

مراد حدیثی است که در ذیل شماره (۲۸۰) نقل کردیم .

۴۸۶ - خواب خرگوش و سگ اندر پی خطاست

خواب خود در چشم ترسوده کجاست

(ص ۳۸۲، س ۱۷)

۲۰ مستفاد است از مضمون این خبر :

مَا رَأَيْتَ مِثْلَ النَّارِ تَامَ هَارِبُهَا وَلَا مِثْلَ الْجَنَّةِ تَامَ طَائِبُهَا .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۴۴

۳۸۷- مرگ پیش از مرگ امنست ای فتی
این چنین فرمود ما را مصطفی

فَتَمُوتُوا قَبْلَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ

يَأْتِيَ الْمَوْتَ تَمُوتُوا بِالْفَتْنِ

(ص ۳۸۳، س ۱۸)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۳۵۲) نقل شد.

۳۸۸- شاهرا باید که باشد خوی رب رحمت او سبقت گیرد بر غضب
(ص ۳۸۷، س ۲۶)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۶۴) منقول گردید.

۳۸۹- ورنیاید تیرت از بخشایش است نی بی نا دیدن آرایش است
(ص ۳۸۸، س ۲۰)

مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُمْلِي لِلظَّالِمِ حَتَّى إِذَا أَخَذَهُ لَمْ يَفْلِتْهُ .

کنوز الحقائق ، ص ۲۶ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۲

۳۹۰- توبه را از جانب مغرب دری باز باشد تا قیامت بروری
(ص ۳۸۹، س ۲۹)

اشاره است بحدیث ذیل :

أَنَّ بِالْمَغْرِبِ بَابًا مَفْتُوحًا لِلتَّوْبَةِ مَسِيرَتُهُ سَبْعُونَ سَنَةً لَا يُغْلَقُ حَتَّى تَطْلُعَ
الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا .

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۲۴۰ ، حلیة الاولیاء ، ج ۵ ، ص ۹ ، ج ۶ ، ص ۲۸۵ جامع
صغیر ، ج ۲ ، ص ۷۳ با مختصر تفاوت .

للتوبة باب بالمغرب مسيرة سبعين عاما لا يزال كذلك حتى يأتي بعض
آيات ربك طالع الشمس من مغربها .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۵

لا تزال التوبة مقبولة حتي تطلع الشمس من المغرب .

مسند احمد، ج ۱، ص ۱۹۲ نیز رجوع کنید به : اللآلی المصنوعة، ج ۱، ص ۶۰
ج ۲، ص ۳۷۳ .

۴۹۱ - هشت جنت را ز رحمت هشت در

۵ يك در توبه است ز آن هشت ای پسر
(ص ۳۹۰، س ۱)

مبتنی است بر این خبر :

لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ سَبْعَةٌ مُغَلَّةَةٌ وَبَابٌ مَفْتُوحٌ لِلتَّوْبَةِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ

مِنْ نَحْوِهِ .

۱۰ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۳۶۱ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۲۵

۴۹۲ - گفت موسی کاوّلین آن چهار صحتی باشد ثنت را پایدار
(ص ۳۹۰، س ۲۵)

مناسب است با مضمون این روایت :

إِنَّ لَكُمْ أَنْ تَحْيَوْا فَلَا تَمُوتُوا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَصِحُّوا فَلَا تَسْقُمُوا

۱۵ وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَشْبُوا فَلَا تَهْرُمُوا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَنْعَمُوا فَلَا تَبْأَسُوا .

مسند احمد، ج ۲، ص ۳۱۹، ج ۳، ص ۳۸

۴۹۳ - رنگ و بو در پیش ما بس کاسد است

ليك تو پستی سخن کردیم پست

(ص ۳۹۲، س ۷)

۲۰ مقتبس است از مفاد حدیث :

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ .

که در ذیل شماره (۹۳) ذکر شد .

۳۹۴ - آنچنان بگشایدت فرّ شباب که شود آن مژده بر عکاشه باب
(ص ۳۹۲، س ۱۵)

اشاره بدین روایت است :

رَوَى عَنْ النَّبِيِّ (ﷺ) مِنْ وَجْهِ أَنْهُ قَالَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أُمِّي
سَبْعُونَ أَلْفًا لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ عُمَاةُ بْنُ مِحْصَنٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَذْعُ اللَّهُ
أَنْ يَجْعَلَنِي مِنْهُمْ فَقَالَ أَنْتَ مِنْهُمْ وَدَعَا لَهُ فَقَامَ رَجُلٌ آخَرُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
أَذْعُ اللَّهُ لِي أَنْ يَجْعَلَنِي مِنْهُمْ فَقَالَ سَبَقَكَ بِهَا عُمَاةُ.

الاستيعاب في معرفة الاصحاب چاپ حیدرآباد، ج ۲، ص ۵۰۸ مسند احمد، ج ۱،
ص ۲۷۱، ۴۰۳، ۴۲۰، ۴۵۴، ج ۲، ص ۳۰۲، ۴۰۰، ۵۰۲ رساله قشیریّه طبع مصر،
ص ۷۶. ۱۵

۳۹۵ - هر شبی تاروززاین شوق هدی او رفیق راه اعلی می زدی
(ص ۳۹۲، س ۲۱)

اشاره است بدین خبر :

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَلْحِقْنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى .

نهایه ابن اثیر، ج ۲، ص ۹۳ جامع صغیر، ج ۱، ص ۵۵ ۱۵

۳۹۶ - گفت هر کس که مرا مژده دهد

چون صفر پای از جهان بیرون نهد

که صفر بگذشت و شد ماه ربیع

مژده ور باشم مر او را و شفیع

(ص ۳۹۲، س ۲۱)

۲۰

مقصود این روایت است :

مَنْ بَشَّرَنِي بِخُرُوجِ صَفَرٍ بَشَّرْتُهُ بِالْجَنَّةِ .

احادیث مشنوی

که در کتاب اللؤلؤ المصروع (ص ۷۷) و نیز در رواشح سماویه تألیف میرداماد جزو احادیث موضوعه شمرده شده است .
و بدینصورت :

من بشرنی بخروج آزار بشرته بالجنة .
هم جزو موضوعات آمده است .

۵ اللآلی المصنوعه ، ج ۲ ، ص ۱۴۰

۴۹۷- گفت عکاشه صفر بگذشت و رفت

گفت که جنت ترا ای شیر زفت

دیگری آمد که بگذشت این صفر

گفت عکاشه ببرد از مژده بر

۱۰ (ص ۳۹۲ ، س ۲۳)

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۳۹۴) ذکر شد و بیگمان از اختلاط آن حدیث با روایت موضوع :

من بشرنی بخروج صفر- این داستان پدید آمده است و هیچیک از اصحاب رجال و محدثین چنین مطلبی نقل نکرده اند .

۴۹۸- غافلی هم حکمتست و نعمتست

۱۵

تا نبرد زود سرمایه ز دست

غافلی هم حکمتست و این عمی

تا بماند لیک تا این حد چرا

(ص ۳۹۳ ، س ۱۰)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۳۹)

۲۰

۴۹۹- کان لله دادن آن حبه است تا که کان الله آید بدست

(ص ۳۹۳ ، س ۱۲)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۴۳) ذکر شد .

۴۰۰ - يك زنی آمد پیش مرتضی^۱ گفت شد بر ناودان طفلی مرا
(ص ۳۹۴، س ۱۹)

مستند آن را در مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه تهران)
ص ۱۴۷ می توان یافت.

۵ - ۴۰۱ - زانکه دوزخ گوید ای مؤمن تو زود
بر گذر که نورت آتش را ربود
بگذر ای مؤمن که نورت می کشد
آتشم را چونکه دامن می کشد
(ص ۳۹۵، س ۲۲)

۱۰ - مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۱۳۴) مذکور گردید.

۴۰۲ - در حدیث آمد که مؤمن در دعا
چون امان خواهد زد دوزخ از خدا
دوزخ از وی هم امان جوید بجان
که خدایا دور دارم از فلان
(ص ۳۹۵، س ۲۴)

۱۵ - مقصود این روایت است :

إِذَا قَالَ الْمُؤْمِنُ اللَّهُمَّ اجْرِنِي مِنَ النَّارِ تَقُولُ النَّارُ اللَّهُمَّ اجْرِنِي مِنْهُ .
المنهج القوی ، ج ۴ ، ص ۳۸۷

۴۰۳ - ای خنک آنرا که ذلت نفسه
وای آن کز سر کشی شد چون که او
(ص ۳۹۶، س ۲۳)

۲۰ - اشاره است بحديث : طوبى لمن ذل نفسه - که در ذیل شماره ۲۷۹ نقل شد .

۴۰۴ - این فروع است و اصولش آن بود
که ترفع شرکت یسزدان بود
(ص ۳۹۷، س ۳)

مقتبس است از مفاد خبر ذیل .

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعِزَّةُ إِزَارِي فَمَنْ نَازَعَنِي
وَاحِدًا مِنْهُمَا أُلْقِيهِ فِي النَّارِ .

مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۸، ۳۷۶، ۴۱۴، ۴۲۷ جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۱
بوجوه مختلف و احیاء العلوم، ج ۱، ص ۳۴ .

قال رسول الله (ﷺ) العزّ ازاره و الکبریاء رداؤه فمن ينازعه
عذبته .

مسلم، ج ۸، ص ۳۴

۴۰۵- جز عماد الملک نامی از خواص

۱۰ در شفاعت مصطفی و اراده خاص

(ص ۴۰۲ ، س ۱۰)

اشاره است بدین خبر و نظائر آن که در باره شفاعت پیغمبر ما (ﷺ) و
تفسیر مقام محمود نقل کرده اند :

ثُمَّ يَقُومُ بَيْنَكُمْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ رَابِعًا فَلَا يَشْفَعُ أَحَدٌ بَعْدَهُ فِيمَا
يَشْفَعُ فِيهِ وَهُوَ الْمَتَامُ الْمَحْمُودُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ .

۱۵

تفسیر طبری ، چاپ مصر ، ج ۱۵ ، ص ۹۱

يَجْمَعُ اللَّهُ النَّاسَ فَيَقُومُ الْمُؤْمِنُونَ حِينَ تَرْتَفُ الْجَنَّةُ فَيَأْتُونَ آدَمَ عَلَيْهِ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فَيَقُولُونَ يَا أَبَانَا اسْتَفْتِحْ لَنَا الْجَنَّةَ فَيَقُولُ وَهَلْ أَخْرَجْتُكُمْ
مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا خَطِيئَةً أَيْبِكُمْ آدَمَ اْعْمِدُوا إِلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ فَيَأْتُونَ إِبْرَاهِيمَ
فَيَقُولُ إِبْرَاهِيمُ لَسْتُ بِصَاحِبِ ذَلِكَ إِنَّمَا كُنْتُ خَلِيلًا مِنْ وَرَاءُ وَرَاءُ اْعْمِدُوا
إِلَى النَّبِيِّ مُوسَى الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ تَكَلِيمًا فَيَأْتُونَ مُوسَى فَيَقُولُ لَسْتُ بِصَاحِبِ

۲۰

دفتر چهارم

ذَٰلِكَ اَعْمِدُوا اِلَى كَلِمَةِ اللّٰهِ وَرُوحِهِ عِيسَى يَقُولُ عِيسَى اَنْتَ بِصَاحِبِ ذَٰلِكَ
فَيَأْتُونَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ) فَيَقُومُ فَيُؤَذِّنُ لَهُ .

مستدرک حاکم ، ج ۴ ، ص ۵۸۸

۴۰۶- لی مع الله وقت بود آن مرد مرا لا یسع فیہ نبی مجتبیٰ
(ص ۴۰۲ ، س ۲۶)

اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۱۰۰) آورده ایم .

۴۰۷- گر ببرد او بقر خود سرم شاه بخشد شصت جان دیگرم
(ص ۴۰۲ ، س ۲۷)

اشاره است بحديث ذیل :

مَنْ أَحْبَبَنِي قَتَلْتُهُ وَمَنْ قَتَلْتُهُ فَأَنَا دَرِيَّتُهُ .

المنهج القوى ، ج ۴ ، ص ۳۹۸

۴۰۸- او ادب ناموخت از جبریل راد که پرسید از خلیل حق مراد
(ص ۴۰۳ ، س ۱۰)

رجوع کنید به: مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۴۹ .

۴۰۹- زانکه داند کاین جهان کاشتن هست بهر محشر و برداشتن
(ص ۴۰۳ ، س ۱۷)

مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۳۳۸) مذکور افتاد .

۴۱۰- بهر اظهار است این خلق جهان

تا نماند گنج حکمتها نهان

گفت کنزاً گفت مخفیاً شنو

جوهر خود گم مکن اظهار شو

(ص ۴۰۴ ، س ۱۴)

احادیث منتهی

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۷۰) آوردیم .

۴۱۱ - نوم ما چون شد اخو الموت ای فلان

ز این برادر آن برادر را بدان

(ص ۴۰۵ ، س ۱۴)

اشارتست بحديثی که در ذیل شماره (۱۱) مذکور گردید .

۴۱۲ - آن چنانکه گفت پیغمبر ز نور

که نشانش آن بود اندر صدور

که تجافی دارد از دار الغرور

هم انابت آرد از دار السرور

(ص ۴۰۵ ، س ۲۴) ۱۰

مقصود روایت ذیل است :

إِذَا دَخَلَ النُّورُ الْقَلْبَ انْشَرَحَ وَ انْفَسَحَ قِيلَ وَ مَا عَلَامَةُ ذَلِكَ قَالَ
التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْأَسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ
قَبْلَ نُزُولِهِ .

شرح تعرف ، ج ۱ ، ص ۶۳ ، ج ۳ ، ص ۴۶ ، احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۵۸ با
تفاوت مختصر ، اتحاف السادة المتقين ، ج ۱ ، ص ۴۲۴ - ۴۲۵ که بحث مفصلی در باره
سند این روایت نموده است .

۴۱۳ - بهر این فرمود آن شاه نبیه مصطفی که الولد سرّ اییه

(ص ۴۰۷ ، س ۱۳)

مقصود این حدیث است :

۲۰

أَلَوْلَئِمْرُأَيِيهِ . که مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۹۹) در باره آن چنین
می گوید :

قال السّخاوی کالزکشی لا اصل له .

دفتر چهارم

۴۱۴ - گفت صالح را خدا گفتن خطاست

کاو غنی القلب از داد خداست

(ص ۴۰۷، س ۲۷)

مقتبس است از مضمون این خبر :

۵ لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ . که در ذیل
شماره (۲۹۲) توان دید .

۴۱۵ - گفت رو هر کاو غم دین برآزید

باقی غمها خدا از وی برید

(ص ۴۰۸، س ۱)

ناظر است بمضمون این حدیث :

۱۰ مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّ دُنْيَاهُ وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُومُ
لَمْ يُبَالِ اللَّهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَةِ الدُّنْيَا هَلَكَ .

مستدرک حاکم ، ج ۲ ، ۴۴۳

۴۱۶ - صید دین کن تا رسد اندر تبع

حسن و مال و جاه و بخت منتفع

(ص ۴۰۸، س ۳)

۱۱ مستفاد است از حدیث ذیل :

مَنْ نَكَحَ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا وَجَمَالَهَا حُرِمَ جَمَالَهَا وَمَالُهَا وَمَنْ نَكَحَهَا
لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ مَالَهَا وَجَمَالَهَا .

احیاء العلوم ، ج ۲ ، ص ۲۶

۴۱۷ - گفت رو من یافتم دارالسرور

و ا رهیدم از چه از دارالغرور

(ص ۴۰۹، س ۵)

۲

تعبیر : دارالغرور - مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۴۱۲) گذشت .

۴۱۸ - زان نبی دنیات را سحاره خواند

کاو بافسون خلق را در چه نشانند

(ص ۴۰۹، س ۱۶)

احادیث منثوی

مقصود حدیث ذیل است :

إِحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۴۰ ، جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۱ و با تفاوت
مختصر - ص ۸

وكان مالك بن دينار يقول اتقوا السحارة فإنها تسحر قلوب العلماء
(یعنی دنیا).

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۴۳ شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۴۰۹

۴۱۹ - رحمت او سابقست از قهر او سابقی خواهی برو سابق بگو
(ص ۴۰۹ ، س ۲۲)

۱۰ اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۶۴) نقل شده است .

۴۲۰ - نبی بگفتست آن سراج امتان این جهان و آن جهان را ضرّتان
(ص ۴۰۹ ، س ۶۴)

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۳۶۳) مذکور شد .

۴۲۱ - بر مسلمانان نمی آری تو رحم

۱۵ مؤمنان خویشند و یکتا شحم و لحم
رنج يك جزوی زتن رنج همه است
گردم صلحست یا خود ملامت است
(ص ۴۱۰ ، س ۲۲)

اشاره بحدیث ذیل است که بوجه بسیار روایت میشود :

۲۰ مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى
مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَّى .

بخاری ، ج ۴ ، ص ۴۵ مسلم ، ج ۸ ، ص ۲۰ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴۵
مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۲۷۰ .

دفتر چهارم

۴۲۲ - صلح کن با این پدر عاقلی بهل
تا که فرش زر نماید آب و گل

پس قیامت نقد حال تو بود
پیش تو چرخ و زمین مبدل شود

(ص ۴۱۱ ، س ۱۳-۱۴)

ظاهرأ مستفاد است از روایاتی که مفسرین در ذیل آیه شریفه :

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ (سوره ابراهیم آیه ۴۸) نقل کرده اند
مانند حدیث مروی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام :

الْأَرْضُ مِنْ فِضَّةٍ وَالْجَنَّةُ مِنْ ذَهَبٍ .

تفسیر طبری ، ج ۱۳ ، ص ۱۵۰ بیضاوی در تفسیر سوره ابراهیم

۱۰

۴۲۳ - جمع کن خود را جماعت رحمتست

تا توانم با تو گفتن آنچه هست

(ص ۴۱۲ ، س ۸)

اشاره است بدان حدیث که در ذیل شماره (۷۶) آمده است .

۴۲۴ - پس خموشی بدهد او را ثبوت پس جواب احمقان آمد سکوت

(ص ۴۱۲ ، س ۱۰)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۵۷) .

۴۲۵ - همچو پیغمبر ز گفتن وز نثار توبه آرم روز من هفتاد بار

(ص ۴۱۲ ، س ۱۵)

۲۰ ناظر است بحدیث ذیل :

وَاللّٰهُ إِنِّي لَا أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً .

بخاری ، ج ۴ ، س ۶۴ مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۴۱ ، ۲۸۲ جامع صغیر ، ج ۲ ،
ص ۱۹۵ با اندک تفاوت .

احادیث مشنوی

إِنَّهُ لَيَغَانُ عَلَى قَلْبِي حَتَّى اسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً .

نهایه ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۸۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۳ مسلم، ج ۸، ص ۷۲
با تعبیر: مائة مرة .

۴۴۶ - راز پنهان با چنین طبل و علم آب جوشان گشته از جفّ القلم
(ص ۴۱۲، س ۱۶) ۵

مقصود آن حدیث است که در ذیل شماره (۹۷) مندرج ساختیم .

۴۴۷ - گفت آنکه هست خورشید ره او

حرف طوبی هر که ذلت نفسه

ظلّ ذلت نفسه خوش مضجعیست

۱۰ مستعدان صفا را مهجری است
(ص ۴۱۳، س ۱۱ - ۱۲)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۷۹)

۴۴۸ - این چنین فرمود آن شاه رسل که منم کشتی در این دریای کل
یا کسی کاو در بصیرتهای من شد خلیفه راستین بر جای من

۱۵ (ص ۴۱۴، س ۳)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۳۳۴) مذکور شد .

۴۴۹ - نور در چشم دلش سازد سکن بهر چه سازد پی حب الوطن
(ص ۴۱۵، س ۳)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۲۸۰) ذکر نمودیم .

۴۵۰ - نیست آن بنظر بنور الله عزاف نور ربّانی بود گردون شکاف
(ص ۴۱۵، س ۴)

ناظر است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۳۳) نیز رجوع کنید به: ادلّی

المصنوعه، ج ۲، ص ۳۲۹ .

دفتر چهارم

۴۳۱ - من شنیدم که در آمد قبطی از عطش اندر وثاق سبطی

(ص ۴۱۶، س ۱۰)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات منوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۵۲ .

۴۳۲ - زانکه در باغی و در جوی برد هر که از سر صحن بویی برد

(ص ۴۱۷ ، س ۱)

مناسب است با حدیث عبدالله بن مسعود :

إِذَا قَرَأْتَ آلَ حَمٍ وَقَعْتُ فِي رَوْضَاتِ دِمَثَاتٍ أَلَّا نَقُ فِيهَا .

دره القواص، حریری، نهایت ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۰

۴۳۳ - گورها یکسان پیش چشم ما روضه و حفره پیش انبیا

(ص ۴۱۸ ، س ۱۲)

اشاره بحدیث ذیل است :

إِنَّمَا الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۶۲

۴۳۴ - راست بینی گر بدی آسان و زب

مصطفی کی خواستی آنرا ز رب

گفت بنما جزو جزو از فوق و پست

آنچنانکه پیش تو آن چیز هست

(ص ۴۱۹ ، س ۱۰)

۲۰ . اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۱۱۶) نقل کردیم .

۴۳۵ - چونکه مقصود از وجود اظهار بود

بایدش از پسند و اغوا آزمود

(ص ۴۱۹ ، س ۲۴)

احادیث مشنوی

مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۷۰) آوردم .

۴۳۶ - می نیارد یاد کاین دنیا چو خواب

می فرو پوشد چو اختر را سحاب

(ص ۴۲۰ ، س ۲۶)

اشاره است بحديث : الدنيا كحلٍ النائم - که در ذیل شماره (۲۲۳) نقل کردیم .

۴۳۷ - همچنين دنيا که حلم نائمست خفته پندارد که اين خود قائمست

(ص ۴۲۱ ، س ۱۳)

مقتبس است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۲۲۳) و يوسف بن احمد مولوی

آن روایت را در شرح این بیت بدینگونه نقل کرده است :

۱۰ رَوِيَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ (ﷺ) إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ أَيْضُ الْوَجْهِ
وَعَلَيْهِ ثِيَابٌ بَيْضٌ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَيْكَ
السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ فَقَالَ مَا الدُّنْيَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الدُّنْيَا كَحُلْمِ النَّائِمِ فَقَالَ فَكَيْفَ
يَكُونُ الرَّجُلُ فِيهَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُتَشَمِّرًا كَطَائِبِ الْقَافِلَةِ فَقَالَ فَكَمْ الزَّوَارُ فِيهَا
فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَقَدَرِ الْمُتَخَلِّفِ عَنِ الْقَافِلَةِ فَقَالَ فَكَمْ مَا بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
۱۵ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَمَضَةُ عَيْنٍ .

المنهج القوي ، ج ۴ ، ص ۵۰۱

۴۳۸ - تا بر آید ناگهان صبح اجل و ا رهد از ظلمت ظن و دغل

(ص ۴۲۱ ، س ۱۴)

مستفاد است از مضمون روایت : الناس نيام فاذا ماتوا انتبهوا - که در ذیل شماره (۲۲۲) مذکور است .

۴۳۹- زاین وصیت کرد مارا مصطفی بحث کم جوید در ذات خدا
(ص ۴۲۲، س ۱۵)

مقصود حدیثی است که بصور ذیل روایت میشود:

تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ فَتَهْلِكُوا.
تَفَكَّرُوا فِي آلاءِ اللَّهِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۱ کنوزالحقائق، ص ۵۲

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَتَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ.

قصص الانبياء، تعلی طبع مصر، ص ۱۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۱

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ بَيْنَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ

إِلَى كُرْسِيِّهِ سَبْعَةُ آلَافٍ نُورٍ وَهُوَ فَوْقَ ذَلِكَ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۱

۴۴۰- هست آن پندار او زیرا براه

صد هزاران پرده آمد تا اله

هر یکی در پرده بی موصول جوست

وهم او آنست کان خود عین اوست

(ص ۴۲۲، س ۱۶)

مستفاد است از مضمون روایت: انَّ لِلَّهِ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنْ نُورٍ وَظُلُمَةٍ - که
در ذیل شماره (۱۲۸) نقل نمودیم و حدیث مروی از امام محمد باقر علیه السلام:

كُلُّ مَا مِزْتُمُوهُ بِأَوْهَامِكُمْ فِي أَدَقِّ مَمَانِيهِ مَخْلُوقٌ مَصْنُوعٌ مِثْلُكُمْ مَرْدُودٌ
إِلَيْكُمْ.

و حدیث مروی از حضرت رضا علیه السلام:

مَا تَوَهَّمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَيَتَوَهَّمُوا اللَّهُ غَيْرُهُ.

وافی (از فیض) ج ۱، ص ۸۸ - ۸۹

۴۴۱ - جز که لا اخصی نگوید او زجان

کز شمار و حد برونت این بیان

(ص ۴۲۲ ، س ۲۰)

اشاره است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۳)

۴۴۲ - با چنین قهری که زفت و فایقست برد لطفش بین که بروی سابقست

(ص ۴۲۴ ، س ۱۳)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۶۴) مذکور شد .

۴۴۳ - مصطفی میگفت پیمش جبرئیل که چنانکه صورت تست ای جلیل

(ص ۴۲۴ ، س ۲۶)

رجوع کنید بآخذ قصص و تمثیلات مننوی (انتشارات دانشگاه طهران) ۱۰

ص ۱۵۴ .

۴۴۴ - لاجرم گفت آن رسول ذو فنون رمز نحن الآخرون السابقون

(ص ۲۲۵ ، س ۲)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۱۸۱) آورده ایم .

۴۴۵ - چون گذشت احمد زسدره و مرصدش

۱۵

و از مقام جبرئیل و از حدش

گفت او را هین پیر اندر پیم

گفت رو رو که حریف تو نیم

(ص ۴۲۵ ، س ۲۱)

مقتبس است از حدیث معراج :

۲۰

فَلَمَّا بَلَغَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى فَأَنْتَهَى إِلَى الْحُجُبِ فَقَالَ جِبْرِيلُ تَقَدَّمَ يَا رَسُولَ
اللَّهِ لَيْسَ لِي أَنْ أَجُوزَ هَذَا الْمَكَانَ وَلَوْ دَنَوْتُ أَنْمَلَةَ لَا حَرَقْتُ .

بحار الانوار ، ج ۶ ، باب ۳۳ (فی معراج) شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۴۴

دفتر چهارم

و این حدیث بصور و تعبیرات مختلف در بحار الانوار نقل شده است (باب ۳۳ از جزو ششم)

۴۴۶ - لا تخالفهم حبیبی دارهم یا غریبا نازلا فی دارهم
(ص ۴۲۵ ، س ۲۲)

، اشارتست بمثلی که بعضی آنرا حدیث پنداشته اند :

دَارِهِمْ مَا دُمْتَ فِي دَارِهِمْ .

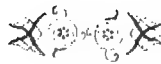
و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۳۵) بتقل از سخاوی آنرا جزو موضوعات آورده است .

۴۴۷ - سجده میگرداند کای رب بشر در عیان آرایش هر چه زودتر
(ص ۴۲۶ ، س ۱۷)

۱۰

رجوع کنید بآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۵۵ .



دفتر پنجم

۴۴۸ - کاین تانی یرتو رحمان بود و آن شتاب از هزّه شیطان بود

(ص ۴۳۰ ، س ۱۵)

مستفاد است از مضمون روایت : **اَلتَّائِي مِنَ اللّٰهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ** - که در ذیل شماره (۲۷۱) ذکر کردیم .

۴۴۹ - لا جرم کافر خورد در هفت بطن

دین و دل باریک و لاغر زفت بطن

(ص ۴۳۰ ، س ۲۱)

اشاره است بحديث ذیل :

اَلْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعِيَ وَاحِدٍ وَ الْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ اَمْعَاءَ .

بخاری ، ج ۳ ، ص ۱۸۹ مسلم ، ج ۶ ، ص ۱۳۲ - ۱۳۳ مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۴۷ ، ۲۱ ، ۴۳ ، ۷۴ ، ۱۴۵ ، ۳۱۸ ، ۴۱۵ ، ۴۵۲ ، ۴۵۵ حلیۃ الاولیاء ، ج ۶ ، ص ۳۴۷ ، ۱۰ ، ص ۳۲۴ احیاء الملوّم ، ج ۳ ، ص ۶۰ .

المؤمن يشرب في معي واحد والكافر يشرب في سبعة امعاء .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۷۵ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۳

۴۵۰ - کافران مهمان پیغمبر شدند وقت شام ایشان بمسجد آمدند

(ص ۴۳۰ ، س ۲۱)

رجوع کنید بـ ماخذ قصص وتمثيلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۶۰ .

۴۵۱ - رو یاران کرد آن سلطان راد

دستگیر جمله شاهان و عباد

دفتر پنجم

گفت ای یاران من قسمت کنید

که شما پر از من و خوی منید

(ص ۴۳۰، س ۲۳)

مبتنی است بر روایت ذیل :

۵. **إِنَّ النَّبِيَّ (ﷺ) كَانَ إِذَا اجْتَمَعَ الضَّيْفَانُ قَالَ لِيَنْقَلِبَ كُلُّ رَجُلٍ بِضَيْفِهِ .**

دلائل النبوه (چاپ حیدرآباد) ج ۲، ص ۱۵۳

۴۵۴- آب روح شاه اگر شیرین بود جمله جوها پر ز آب خوش شود

که رعیت دین شه دارند و بس این چنین فرمود سلطان عبس

(ص ۴۳۰، س ۲۶)

اشاره بروایتی است که در ذیل شماره (۶۹ و ۶۸) ذکر شده است.

۴۵۳- قرض ده کم کن ازین لقمه تنت تا نماید وجه لاین رأی

(ص ۴۳۲، س ۱۳)

اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۲۶۴)

۴۵۴- حَتَّ الْجَنَّةُ بَیْجَه مَحْفُوفٍ گشت بالماکاره که از او افزود کشت

(ص ۴۳۲، س ۲۱)

اقتباسی است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۱۵۲)

۴۵۵- سبق برده رحمتش آن غدر را داده نوری گان نباشد بدر را

(ص ۴۳۳، س ۱۸)

مستفاد است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۶۴)

۲۰- ۴۵۶- ز اختلاف خلق یابد اعتلال زان سفر جوید کارِ حنا یا بلال

ای بلال خوش نوای خوش صهیل مژنده بر رو بزَن طبل رحیل

(ص ۴۳۴، س ۱۱)

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۴۸) آورده ایم.

احادیث مشنوی

۴۵۷ - حاجتش نبود بفعل و قول خوب

احذر و هم هم جواسیس القلوب

(ص ۴۳۴ ، س ۲۲)

اشاره است بروایت مذکور در ذیل شماره (۱۳۹)

۴۵۸ - در نبی شار کهم گفته است حق

هم در اموال و در اولاد از سبق

گفت پیغمبر ز غیب این را جلی

در مقالات نوادر با علی

(ص ۴۳۵ ، س ۱۸)

مقصود از « مقالات نوادر » ظاهراً حدیث بسیار مفصلی است که مجلسی در

بحار الانوار ، ج ۲۳ و ملا محسن فیض دروافی ، ج ۱۲ ، ص ۱۰۷ - ۱۰۸ نقل

کرده اند و در آن جمله ذیل وارد شده است :

فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَقْرُبُهُ حَتَّى يَشِيبَ .

و ملا محسن فیض این روایت را ضعیف می شمارد و نیز روایات متعدد مشعر

بر شرکت شیطان در نسل و اولاد آدمیان در کتاب وافی نقل شده (ج ۱۲ ، ص ۱۵

۱۰۴ - ۱۰۵) که ممکن است بیت مذکور در مشنوی بر آنها مبتنی باشد .

و این روایت که در مستدرک الوسائل (ج ۲ ، ص ۵۴۹) مذکور است نیز با گفته

مولانا مناسبت دارد :

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) يَا عَلِيُّ إِذَا هَلَكَ فَقُلِ اللَّهُمَّ جَنِّبِي الشَّيْطَانَ

وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مِمَّا رَزَقْتَنِي فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ لَمْ يَضُرَّهُ الشَّيْطَانُ .

۴۵۹ - گر نگشتی دیو جسم آنرا اقول اسلام الشیطان نفرمودی رسول

(ص ۴۳۶ ، س ۵)

اشاره است بدین خبر :

لَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ أَحَدٌ إِلَّا وَقَدْ وَكَّلَ بِهِ قَرِينُهُ مِنَ الشَّيَاطِينِ قَالُوا وَأَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ آعَانَنِي عَلَيْهِ فَأَسْلَمَ .

مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵۷، ۳۸۵، ۳۹۷، ۴۶۰ مسلم، ج ۸، ص ۱۳۹ با

اختلاف تمیز . ۵

فضلت علی آدم بخصمتین کان شیطانی کافرا فاعانني الله عليه حتي اسلم
وکن ازواجی عونالی وکان شیطان آدم کافرا وکانت زوجته عوناً علی
خطیئته .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۷۵ احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲۱

۱۰ - ۴۶۰ - ان فی الجوع طعاما وافر افقدها و ارتج یا نافرا
(ص ۴۳۶، س ۹)

اشاره است بدین خبر :

الْجُوعُ طَعَامُ الْحَقِّ لَا يُطْعِمُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ .

شرح تعرف، ج ۱، ص ۹۴

۱۵ - ۴۶۱ - چون ملک از لوح محفوظ آن خرد

هر صباحی درس هر روزه برد

(ص ۴۳۷، س ۴)

مستفاد است ظاهراً از مضمون این روایت :

وَالْقَلَمُ يُؤَدِّي إِلَى اللّٰوْحِ وَهُوَ مَلَكٌ وَاللّٰوْحُ يُؤَدِّي إِلَى إِسْرَافِيلَ
وإِسْرَافِيلُ يُؤَدِّي إِلَى مِيكَائِيلَ وَمِيكَائِيلُ يُؤَدِّي إِلَى جِبْرِئِيلَ وَجِبْرِئِيلُ
يُؤَدِّي إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ .

فصل الخطاب، ص ۱۸۱ نیز رجوع کنید به : تفسیر امام فخر، ج ۸، ص ۵۲۸

و بیضاوی طبع ایران، ص ۴۵۹ (حاشیه) و سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۶ .

احادیث مشنوی

۴۶۲ - عسر بایسر است هین آیس میباش

راه داری ز این مهمات اندر معاش

(ص ۴۳۸ ، س ۹)

مصراع دوم مستفاد است از مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۷۸) مذکور گردید.

۴۶۳ - گفت درویشی بدرویشی که تو

چون بدیدی حضرت حق را بگو

(ص ۴۳۹ ، س ۲۶ پیوسته)

مستفاد است از مضمون این خبر :

إِنَّ مَعَ الدَّجَالِ إِذَا خَرَجَ مَاءٌ وَ نَارًا فَأَمَّا الَّذِي يَرَى النَّاسُ أَنَّهُ نَارٌ فَمَاءٌ
بَارِدٌ وَأَمَّا الَّذِي يَرَى النَّاسُ أَنَّهُ مَاءٌ فَنَارٌ تُحْرِقُ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَقْعْ
فِي الَّذِي يَرَى أَنَّهُ نَارٌ فَإِنَّهَا مَاءٌ عَذْبٌ بَارِدٌ.

مسند احمد، ج ۵ ، ص ۳۹۵ ، ۳۹۷ ، ۳۹۹ ، ۴۰۵ و با اختلاف مختصر ، ص ۴۳۵
و نیز مستدرک حاکم ، ج ۴ ، ص ۴۹۱ .

۴۶۴ - بس نکو گفت آن رسول خوش جواز

ذره یی عقلت به از صوم و نماز

(ص ۴۴۰ ، س ۱۵)

تعبیر « خوش جواز » مقتبس است از روایت ذیل :

كُنْتُ أَبَايَعُ النَّاسَ وَ كَانَ مِنْ خُلَاقِي الْجَوَازُ .

نهایه ابن اثیر ، ج ۱ ، ص ۱۸۷

لَقَدْ أَمَرْتُ أَنْ أَتَجَوَّزَ فِي الْقَوْلِ فَإِنَّ الْجَوَازَ فِي الْقَوْلِ هُوَ خَيْرٌ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۴ کنوز الحقائق ، ص ۱۰۹

و مصراع دوم اشاره است بدین خبر :

أَتَيْتُ قَوْمٌ مِنَ الصَّحَابَةِ عَلَى رَجُلٍ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ بِالصَّلَاةِ وَالْعِبَادَةِ
وَحِصَالِ الْخَيْرِ حَتَّى بَالَعُوا فَقَالَ (وَاللَّهِ) كَيْفَ عَقَلَهُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نُخْبِرُكَ
بِاجْتِهَادِهِ فِي الْعِبَادَةِ وَضُرُوبِ الْخَيْرِ وَتَسْأَلُ عَنْ عَقْلِهِ فَقَالَ إِنَّ الْأَحْمَقَ
لَيُصِيبُ بِحُجْمِهِ أَعْظَمَ مِمَّا يُصِيبُهُ الْفَاجِرُ بِفُجُورِهِ وَإِنَّمَا تَرْتَفِعُ الْعِبَادَةُ غَدَاً
فِي دَرَجَاتِهِمْ وَيَنَالُونَ مِنَ الرَّثْنِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ .

شرح نهج البلاغه ، ج ٤ ، ص ٤٦٤

اذا بلغكم عن رجل حسن حال فانظروا في حسن عقله فانما يجازي بعقله .
وافى ، ج ١ ، ص ٢٥

١٠ يجاسب الناس على قدر عقولهم .

كنوز الحقائق ، ص ١٧٢

قوام المرء عقله ولا دين لمن لا عقل له .

كنوز الحقائق ، ص ٩٢

لكل شيء دعامة و دعامة المؤمن عقله .

كنوز الحقائق ، ص ١٠٩

١٥

عن ابي جعفر عليه السلام قال انما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة
على قدر ما آتاهم من العقول في الدنيا .

وافى ، ج ١ ، ص ٢٥

روي عن عائشة انها قالت قلت يا رسول الله بم يتفاضل الناس في

٢٠ الناس (في الدنيا - ظ) قال عليه السلام بالعقل قلت و في الآخرة قال

بالعقل قلت اليس يجوزون باعمالهم قال يا عائشة وهل عملوا الا بقدر ما اعطاهم الله من العقل .

المنهج القوی، ج ۵، ص ۷۳

۴۶۵ - این تفاوت عقلاهارا نیک دان

در مراتب از زمین تا آسمان

(ص ۴۴۰، س ۲۱)

مبتنی است بر خبری که در ذیل شماره (۲۱۶) منقول افتاد .

۴۶۶ - دست اشکسته بر آور در دعا

سوی اشکسته پرد فضل خدا

(ص ۴۴۱، س ۱۶)

مناسب با مضمون این خبر است که از موسی علیه السلام می آورند که گفت :

۱۰

إِلَهِي أَيْنَ أَطْلُبُكَ قَالَ عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ .

شرح تعرف، ج ۳، ص ۱۲۷

۴۶۷ - یا رسول الله در آن وادی کسان

می زنند از چشم بد بر کر کسان

بر شتر چشم افکند همچون حمام

۱۵

و آن گهان بفرستد اندر پی غلام

که برو از پیه این اشتر بخر

ببند او اشتر سقط در راه در

(ص ۴۴۲، س ۵ بعد)

مستفاد است از مضمون این روایت :

۲۰

إِنَّ الْعَيْنَ لَتُدْخِلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَالْجَمَلَ الْقَدْرَ .

شرح تعرف، ج ۳، ص ۲۳ جامع صغیر، ج ۲، ص ۶۹ و سفینه البحار، ج ۲،

ص ۳۰۲ با مختصر اختلاف .

و موافقت با گفته مفسرین :

و كانت العين في بني اسد حتي ان كانت الناقة السمينة و البقرة

السَّيْنَةُ تَمُرُّ بِأَحَدِهِمْ فَيَعِينُهَا ثُمَّ يَقُولُ يَا جَارِيَةُ خَذِي الْمَكْتَلَ وَالْدِرْهَمَ فَاتَيْنَا
بِلَحْمٍ مِنْ لَحْمِ هَذِهِ فَمَا تَبْرَحِ حَتَّى تَقْعَ بِالْمَوْتِ فَتَنْحَرِ.

اسباب النزول (از واحدی) طبع مصر ، ص ۳۲۸

۴۶۸ - سبق رحمت راست و این از رحمتست

چشم بد محصول قهر و لعنت است

رحمتش بر نغمه‌ش غالب بود

چیره زان شد هر نبی بر خصم خود

(ص ۴۴۲ ، س ۹)

اشاره است بحديث : سبقت رحمتي غضبي - که در ذیل شماره (۶۴) ذکر
شده است . ۱۰

۴۶۹ - حرص بط یکتاست و آن پنجاه تاست

حرص و شهوت مار و منصب ازدهاست

(ص ۴۴۲ ، س ۱۰)

اشاره بدین خبر است :

أَلْمَالُ حَيَّةٌ وَ الْجَاهُ أَضْرُ مِنْهُ .

المنهج القوى ، ج ۵ ، ص ۸۳

۴۷۰ - صد خورنده گنجند اندر گرد خوان

دو ریاست جو نگنجند در جهان

(ص ۴۴۲ ، س ۱۵)

۲۰ مناسب است با مضمون خبر ذیل :

مَا ضَاقَ مَجْلِسٌ بِمُتَحَابِّينَ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴۵ کنوز الحقائق ، ص ۱۱۷

۴۷۱ - هست الوهیت ردای ذوالجلال هر که در پوشد بر او گردد و بال

(ص ۴۴۲ ، س ۱۸)

احادیث مشنوی

ناظر است بحديث مذکور در ذیل شماره (۴۰۶)

۴۷۲ - هین مکن خود را خصی رهبان مشو

زانکه عفت هست شهوت را فرو

(ص ۴۴۳، س ۲۴)

مبتنی است بر خبر ذیل :

۵ رَدَّ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) عَلَى عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ التَّبَتَّلَ وَلَوْ أَذِنَ فِيهِ
لَاخْتَصَيْنَا .

حلیة الاولیا، ج ۱، ص ۹۳، نهاییه ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۹ بحذف ذیل خبر .

۴۷۳ - عاشقان را شادمانی و غم اوست دستمزد و اجرت خدمت هم اوست

۱۰ (ص ۴۴۴، س ۲)

مناسبت با مضمون این روایت :

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۰ و با مختصر اختلاف ص ۵۰ احیاء العلوم، ج ۱، ص ۱۶۱ اتعاف السادة المتقين، ج ۴، ص ۱۸۸ وافی فیض، ج ۷، ص ۵ .

۱۵ بنا بر آنکه فعل در جمله : و انا اجزي به - مجهول خوانده شود .

۴۷۴ - غیر معشوق ار تماشایی بود عشق نبود هرزه سودایی بود

(ص ۴۴۴، س ۲)

مناسب است با مضمون روایتی که در ذیل شماره (۶) مذکور افتاد .

۴۷۵ - زان بفرموده است آن نیکو رسول

۲۰ که هر آنکو مرد و گرد از تن نزول

نیست او را حسرت نقلان و موت

لیک باشد حسرت تقصیر و فوت

(ص ۴۴۴، س ۱۹)

ظاهراً مقصود این روایت است :

مَا مِنْ أَحَدٍ يَمُوتُ إِلَّا نَدِمَ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا نَدِمَ أَنْ لَا يَكُونَ أَزْدَادَ
وَإِنْ كَانَ مُحْسِنًا نَدِمَ أَنْ لَا يَكُونَ تُرَعًا .

حلیة الاولیا ، ج ۸ ، ص ۱۷۸ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴۷

۵ و یوسف بن احمد مولوی این روایت را نقل می کند :

ما علی الارض نفس تموت و لها عند الله خیر تحب ان ترجع الیکم و لها
خیر الدنیا و ما فیها .

المنهج القوی ، ج ۵ ، ص ۹۸

۴۷۶ - این سلاح عجب من شد ای فتی عجب آرد معجبان را صد بلا
(ص ۴۴۵ ، ص ۲۶)

۱۰

ناظر است بحدیث ذیل :

ثَلَاثٌ مُهِلَكَاتٌ شَحُّ مُطَاعٌ وَ هَوًیٌّ مُتَّبَعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ ثَلَاثٌ
مُنْجِيَاتٌ خَشْيَةُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَ الْعِلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى وَ الْعَدْلُ
فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا .

حلیة الاولیا ، ج ۲ ، ص ۳۴۳ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۳۷ و با حذف ذیل روایت

حلیة الاولیا ، ج ۳ ، ص ۲۱۹ خصال صدوق طبع طهران ، ج ۱ ، ص ۷۶ - ۷۷ .

۱۵

۴۷۷ - من که خصم هم منم اندر گریز تا ابد کار من آمد خیز خیز
(ص ۴۴۶ ، ص ۱۲)

مستفاد است از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۱۷) و شماره (۳۷) ذکر

۲۰ کردیم .

۴۷۸ - فقر فخری را فنا پیرایه شد چون زبانه شمع او بی سایه شد

(ص ۴۴۶ ، ص ۱۷)

اشاره است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۵۴)

احادیث مشنوی

۴۷۹- آنچنان کاندرا صباح روشنی

قطره می بارید و بالا ابر نی

(ص ۴۴۷ ، س ۴)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۲۳ و ۱۶۲ .

۴۸۰- فقر فخری بهر آن آمد سنی

تاز طماعان گریزم در غنی

(ص ۴۴۷ ، س ۹)

اشاره است بخبری که در ذیل شماره (۵۴) مذکور شد .

۴۸۱- کاونبی وقت خویش است ای مرید

زانکه از نور نبی آمد پدید

(ص ۴۴۷ ، س ۲۶)

مبتنی است بر حدیثی که در ذیل شماره (۲۲۴) آمده است .

۱۰

۴۸۴- تا معیت راست آید زانکه مرد

با کسی جفتست کاورا دوست کرد

این جهان و آن جهان با او بود

و این حدیث احمد خوش خو بود

۱۵

گفت المرء مع محبوبه

لا یفک المرء من مطلوبه

(ص ۴۴۷ ، س ۲۸)

مقصود این حدیث است :

المرء مع من أحب .

مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۹۹ حلیه الاولیاء ، ج ۴ ، ص ۱۱۲ ، ج ۵ ، ص ۲۷ ، ۲۰

ج ۶ ، ص ۲۸۵ ، ج ۷ ، ص ۳۰۸ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۲۶ جامع صغیر ، ج ۲ ،

ص ۱۸۴ .

که بدین صورت نیز روایت میشود :

المرء مع من احب وله ما اکتسب ، المرء مع من احب و انت مع

من احببت .

کنوز الحقائق ، ص ۱۳۷ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۴

العبد مع من احب ، العبد عند ظننه بالله و هو مع من احب .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۶۷ کنوز الحقائق ، ص ۸۴

۵ - ۴۸۳ - هر که سازد زین جهان آب حیات

زوترش از دیگران آید مهلات

(ص ۴۴۹ ، س ۹)

ناظر است بدین خبر :

إِيَّاكُمْ وَمُجَالَسَةَ الْمُؤْتِي قِيلَ وَمَنْ هُمْ قَالَ الْأَغْنِيَاءُ .

۱۰ طبقات الشافعية ، طبع مصر ، ج ۴ ، ص ۱۵۶ بنقل از احياء العلوم و با تعبیر :

لَا تُجَالِسُوا الْمُؤْتِي - شرح تعرف ، ج ۱ ، ص ۶۳

۴۸۴ - گفت پیغمبر که رحم آرید بر حال من کان غنيّا فافتقر

(ص ۴۵۰ ، س ۸)

مقصود روایت ذیل است :

۱۵ إِرْحَمُوا ثَلَاثَةً غَنِيٌّ قَوْمٍ افْتَقَرَ وَ عَزِيزٌ قَوْمٍ ذَلَّ وَ فَقِيهًا يَتَلَاَعَبُ

بِهِ الْجُهَالُ .

اتحاف السادة المتقين ، ج ۲ ، ص ۳۳۵ با بحث در وجوه و طرق روایت این حدیث ، اللآلی المصنوعة ، ج ۱۰ ، ص ۲۱۱ و با تفاوت مختصر احياء العلوم ، ج ۴ ، ص ۲۱ و منسوب بفضیل بن عیاض ، ج ۱ ، ص ۴۵ .

۲۰ ثلاثة يرحمون عاقل يجرى عليه حكم جاهل و ضعيف في يد ظالم قوى

و كريم قوم احتاج الى لئيم . (علي عليه السلام)

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۴۰

احادیث‌مثنوی

۴۸۵ - تا سلیمان گفت آن هدهد اگر

هجر را عذری نگوید معتبر

بکشمش یا خود دهم او را عذاب

يك عذاب سخت بیرون از حساب

هان کدامست آن عذاب ای معتمد

در قفسی بودن بغیر از جنس خود

(ص ۴۵۰، س ۲۳)

مبتنی است بر روایت بعضی از مفسرین در تفسیر آیه: لَا عَذَابَ لَکُمْ

شَدِیداً أَوْ لَا ذُنُوبَکُمْ (سورة النمل، آیه ۲۱) بدینگونه: لَا لَکُمْ مِنْهُ صُحْبَةٌ إِلَّا ضِدَادٌ.

تفسیر امام فخر: ج ۶، ص ۵۶۰ ابوالفتوح، ج ۴، ص ۱۵۵ ۱۰

۴۸۶ - گفت لا ینظر الی تصویرکم فابتغوا ذالقلب فی تدبیرکم

(ص ۴۵۱، س ۱۹)

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۱۵۰) ذکر کردیم.

۴۸۷ - ننگرم در تو در آن دل بنگرم تحفه آن را آر ای جان در برم

(ص ۴۵۱، س ۲۶) ۱۵

رجوع کنید بذیل شماره (۱۵۰).

۴۸۸ - با تو او چونست من هستم چنان زیر پای مادران باشد چنان

(ص ۴۵۱، س ۲۷)

مقتبس است از این حدیث:

۲۰ الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَمَاتِ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۴ کنوزالحقائق، ص ۵۶

۴۸۹ - بهر آن گفت آن رسول مستجیب رمز الاسلام فی الدنیا غریب

(ص ۴۵۲، س ۲۳)

مقصود این حدیث است :

بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ .

صحیح مسلم ، ج ۱ ، ص ۹۰ احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۲۹ و با تعبیر :

انّ الاسلام بدأ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۹۸ و با تعبیر : ان الايمان : ج ۱ ،

ص ۱۸۴ و با عبارت : انّ الدّین - ج ۲ : ص ۳۸۹ حلیة الاولیاء ، ج ۲ ، ص ۱۰ و نیسن

رجوع کنید به : جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۷ و کنوز الحقائق ، ص ۲۸ .

۴۹۰ - گفت ابلیس لعین دادار را دام زفتی خواهم این اشکار را

(ص ۴۵۳ ، س ۲۲)

رجوع کنید به : مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۱۰ ص ۱۶۴ .

۴۹۱ - چونکه خوابی زنان با او نمود

که ز عقل و صبر مردان می فزود

پس زد انگشتك برقص اندر فتاد

که بده زوتر رسیدم در مراد

(ص ۴۵۴ ، س ۱)

۱۵

مناسب است با مضمون خبر ذیل :

إِنَّمُوا الدُّنْيَا وَ اتَّقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ إِبْلِيسَ طَالَعَ رَصَادُ وَ مَا هُوَ بِشَيْءٍ

لِفُخْوَخِهِ بِأَوْثَقَ لِصَيْدِهِ فِي الْأَثْقِيَاءِ مِنَ النِّسَاءِ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷

۴۹۳ - این جهان جادوست و ما آن تاجریم

که از او مهتاب پیموده خریم

(ص ۴۵۶ ، س ۳)

مقتبس است از حدیثی که در ذیل شماره (۴۱۸) ذکر شده است .

احادیث مثنوی

۴۹۳ - در زمانه مر ترا سه هم‌رهند

ز آن یکی وافی و آن دو غدرمند

آن یکی یاران و دیگر رخت و مال

و آن سیوم و افیست و آن حسن‌الفعال

۵ (ص ۴۵۶، س ۶)

مستفاد است از این خبر :

يَتَّبِعُ الْمَيِّتَ ثَلَاثَةٌ فَيَرْجِعُ اثْنَانِ وَيَبْقَى وَاحِدٌ يَتَّبِعُهُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ
وَعَمَلُهُ فَيَرْجِعُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَيَبْقَى عَمَلُهُ .

مسلم، ج ۸، ص ۲۱۱ - ۲۱۲ و با مختصر اختلاف - بخاری، ج ۴، ص ۸۵

نیز حلیه الاولیا، ج ۷، ص ۳۱۰، ج ۱۰، ص ۴ احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۴۳ - ۱۰
ربیع الاربار، باب العمل و الکد، مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۷۴ .

۴۹۴ - مال ناید با تو بیرون از قصور

یار آید لیک تا بالین صور

چون ترا روز اجل آید پیش

۱۵ یار گوید از زبان حال خویش

تا بدینجا پیش هم‌ره نیستم

بر سر گورت زمانی بیستم

فعل تو وافی است زان کن ملتحد

کاندر آید با تو در قهر لحد

۲۰ (ص ۴۵۶، س ۷ بعد)

مناسب است با مضمون حدیث ذیل :

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَمَثَلُ الْأَجَلِ مَثَلُ رَجُلٍ لَهُ ثَلَاثَةُ أَخِلَاءَ قَالَ لَهُ مَالُهُ أَنَا
مَا أَكْ خُذِمْنِي مَا شِئْتَ وَدَعْ مَا شِئْتَ وَقَالَ الْآخَرُ أَنَا مَعَكَ أَجَلُكَ وَأَضَعُكَ
قَالَ هَذَا عَشِيرَتُهُ وَقَالَ الثَّالِثُ أَنَا مَعَكَ أَدْخُلُ مَعَكَ وَأَخْرُجُ مَعَكَ مِثَّ

أَوْحَيْتَ قَالَ هَذَا عَمَلُهُ .

مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۷۴ - ۷۵ و نیز رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران) ص ۱۶۴ - ۱۶۵ .

۴۹۵ - هست پیدا آن ببیش چشم دل جهد کن پیش دل آ جهد المقل
(ص ۴۵۷ ، س ۲۸)

۵

تعبیر : جهد المقل - که در مشنوی مکرر آمده مأخوذ است از این حدیث :

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ جُهْدُ الْمُقِلِّ وَ أَوَّلُهَا بِمَنْ تَعُولُ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۹ - نهایت ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۹۰ کنوز الحقائق ص ۱۶

۴۹۶ - تو ز جایی آمدی و از موطنی آمدن را هیچ دانی راه فی
(ص ۴۵۸ ، س ۱۸)

۱۰

مناسب است با مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۱۰) ذکر شد .

۴۹۷ - تا احب الله آیی در حسیب کز درخت احمدی با اوست سیب
تا که بغض لله آیی پیش حق تا نگیرد بر تو رشک عشق دق
(ص ۴۶۲ ، س ۱-۴)

اشارتست بحدیثی که در ذیل شماره (۹۲) مذکور آمد .

۱۵

۴۹۸ - جد را باید که جان بنده بود زانکه جد جوینده یا بنده بود
(ص ۴۶۶ ، س ۲)

مقتبس است از روایتی که در ذیل شماره (۲۱۴) مذکور است .

۴۹۹ - جز مگر بنده خدا یا جذب حق با رهش آرد بگرداند ورق
(ص ۴۶۶ ، س ۱۴)

۲۰

مبتنی است بر روایتی که در ذیل شماره (۳۶۲) گذشت .

۵۰۰ - شهوت از خوردن بود کم کن ز خور

یا نکاحی کن گریز از شور و شر
(ص ۴۶۶ ، س ۱۷)

احادیث مشنوی

مستفاد است از مضمون این حدیث :

مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضَى لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ
وَمَنْ لَا فَلَْيَصُمْ فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءٌ .

احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۵ و اتحاف السادة المتقين، ج ۵، ص ۴۸۶ - ۴۸۷
که اسناد این روایت را بدست میدهد.

۵

۵۰۱ - چونکه صانع خواست ایجاد بشر از برای ابتلای خیر و شر
(ص ۴۷۱، س ۲۵)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۷۰ - ۱۷۱

۵۰۲ - هم ز عزرائیل با قهر و عطب تو بهی چون سبق رحمت بر غضب ۱۰
(ص ۴۷۲، س ۳)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۶۴) ذکر شده است .

۵۰۳ - سبق رحمت بر غضب هست ای فتی

لطف غالب بود در وصف خدا

(ص ۴۷۲، س ۲۲) ۱۵

رجوع کنید بذیل شماره (۶۴)

۵۰۴ - بندگمان دارند لابد خوی او مشکهاشان پر ز آب جوی او
(ص ۴۷۲، س ۲۳)

مبتنی است بر روایتی که در ذیل شماره (۶۹) نقل شده است .

۵۰۵ - آن رسول حق قلاوز سلوک گفت الناس علی دین الملوک ۲۰
(ص ۴۷۲، س ۲۳)

مقصود حدیث مذکور در ذیل شماره (۶۸) است.

۵۰۶ - آب دیده پیش تو با قدر بود من نتانستم که آرم ناشنود
(ص ۴۷۲، س ۲۵)

ناظر است بمضمون این خبر :

مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ قَطْرَةٍ دَمَعٍ مِنْ بَخْشَةِ اللَّهِ تَعَالَى
أَوْ قَطْرَةٍ دَمٍ أَهْرَيْتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ .
احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۱۱۸ . جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۳۵ . با تفصیل بیشتر .

۵۰۷ - قوم یونس را چوپیدا شد بلا ابر بر آتش جدا شد از سما
(ص ۴۷۳ ، س ۶)
رجوع کنید به : مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)
ص ۱۷۱ .

۵۰۸ - که برابر می نهد شاه مجید اشک را در فضل با خون شهید
(ص ۴۳۷ ، س ۱۳)

۲۰ . اشاره بخدیثی است که در ذیل شماره (۵۰۶) آوردم .

۵۰۹ - عرش معدنگاه داء و معدلت
چار جوی در زیر او پر مغفرت
جوی شیر و جوی شهد جاودان
۹۵ جوی خمر و دجله آب روان
پس ز عرش اندر بهشتستان رود
در جهان هم چیزکی ظاهر شود
(ص ۴۳۷ ، س ۲۲)

مقتبس است از حدیثی که در اخبار معراج آورده اند بدینگونه :

۴۰ . از زیر آن درخت (سدرۃ المنتهی) چهار چشمه بود دو ظاهر و دو پنهان
اما آن دو ظاهر نیل و فرات بود و اما آن دو جوی پنهان بهشت میرفت و از اصل
او چهار جوی بدر می آمد از آب و می و شیر و انگبین .
تفسیر ابوالفتح ، ج ۳ ، ص ۳۱۸ و نیز بحار الانوار ، ج ۶ ، باب اثبات المعراج .

احادیث مشهور

۵۱۰ - سبق رحمت گشت غالب بر غضب
ای بدیع افعال نیکو کار رب
(ص ۴۷۴، س ۳)
رجوع کنید بذیل شماره (۶۴)

۵۱۱ - من چو کلکم در میان اصبعین نیستم در صف طاعت بین بین
(ص ۴۷۵، س ۲۰)
اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۱۳)

۵۱۲ - ز آنک هر يك راين مرضها را دواست
چون دوا نپذیرد آن حکم قضاست
هر مرض دارد دوا میدان یقین
چون دواي درد سرما پوستین
(ص ۴۷۵، س ۲۷)
مبتنی است بر خبری که در ذیل شماره (۱۲۳) مذکور گردید.

۵۱۳ - چون قضا آید طیب الله شود و آن دوا در نفع هم گمره شود
(ص ۴۷۶، س ۱)
اشاره است بحديث منقول در ذیل شماره (۲۹)
۵۱۴ - از طعام الله و قوت خوشگوار

در چنان دریا چو کشتی شو سوار
باش در روزه شکمیا و مصر
دم بسدم قوت خدا را منتظر
(ص ۴۷۷، س ۹)

مستفاد است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۴۶۰)
۵۱۵ - ای خدا بنمای تو هر چیز را
آن چنانکه هست در خدعه سرا
(ص ۴۷۷، س ۲۲)

دفتر پنجم

رجوع کنید بذیل شماره (۱۱۶)

۵۱۶- هیچ مرده نیست بر حسرت زهر گ
حسرتش آنست کش کم بوده برگ
(ص ۴۷۷ ، س ۲۳)

رجوع کنید بذیل شماره (۴۷۵)

۵۱۷ - در حدیث آمد که روز رستخیز

امر آید هر یکی تن را که خیز

(ص ۴۷۸ ، س ۶)

مستند آنرا در مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)
ص ۱۷۲ - می توان دید .

۱۰ ۵۱۸ - باز آید جان هر يك در بدن همچو وقت صبح هوش آید بتن
(ص ۴۷۸ ، س ۷)

مبتنی است بر خبر مذکور در شماره (۱۱) و مناسب است مضمون این بیت
و ایات بعد با مقاد این روایت :

إِنَّكُمْ تَمُوتُونَ كَمَا تَنَامُونَ وَ تُبْعَثُونَ كَمَا تَسْتَيْقِظُونَ .

تلخیص البیان طبع طهران ، ص ۱۵۷

۵۱۹ - لا ابالی وار آزادش کنیم و آن خطاها را همه خط برز نیم
(ص ۴۷۹ ، س ۱۴)

اشاره است بحديث نبوی در حکایت از حق تعالی :

هُوَ لَآ فِي الْجَنَّةِ وَ لَآ ابَالِي وَ هُوَ لَآ فِي النَّارِ وَ لَآ ابَالِي .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۳۶ نهایت ابن اثیر ، ج ۱ ، ص ۹۵

و ممکن است که اشاره بدین روایات باشد :

قال الله تعالى يا ابن آدم مهبا عبدتي و رجوتي و لم تشرك بي شيئا
غفرت لك على ما كان منك و ان استقبلتني بلى السماء و الارض خطايا

و ذنوبا استقبلتک بملئهن من المغفرة و اغفر لک و لا ابالی .

قال الله تعالی من علم انی ذو قدرة علی مغفرة الذنوب غفرت له و لا ابالی ما لم یشرک بی شیئا .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۲

۵ - ۵۲۰ - گوشت پاره آلت گویای او

پیه پاره منظر بینای او

مسمع او از دو پاره استخوان

مدرکش دو قطره خون یعنی جنان

(ص ۴۷۹، س ۱۷)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۶۵)

۱۰

۵۲۱ - شعله میزد آتش جان سفیه کآتش بد الولد سرّ ایبه

(ص ۴۸۱، س ۲۱)

این خبر را در ذیل شماره (۴۱۳) می توان یافت .

۵۲۲ - مال چون مار است و این جاه اژدها

۱۵ سایه مردان زمرد این دو را

(ص ۴۸۲، س ۵)

مستفاد است از روایتی که در ذیل شماره (۴۶۹) نوشتیم .

۵۲۳ - هر که بنهد سنت بد ای فتی

تا در افتد بعد او خلق از عمی

۲۰ جمع گردد بر وی آن جمله بزه

کاو سری بوده است و ایشان دم غزه

(ص ۴۸۲، س ۸)

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۱۲)

۵۴۴ - او خروس آسمان بوده زپیش نعره‌های او همه در وقت خویش

(ص ۴۸۶، س ۱۶)

رجوع کنید به: مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۷۴.

۵۴۵ - گر رسد جذبه خدا ماء معین چاه ناکنده بروید از زمین

(ص ۴۸۴، س ۲۰)

مناسب با مفاد خبریست که در ذیل شماره (۳۶۰) مذکور شد.

۵۴۶ - هر که رنجی برد گنجی شد پدید

هر که جدی کرد در جدی رسید

(ص ۴۸۲، س ۲۱)

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۲۱۴)

۵۴۷ - گفت پیغمبر رکوع است و سجود

بر در حق کوفتن حلقه وجود

حلقه آن در هر آنکو می زند

بهر او دولت سری بیرون کند

(ص ۴۸۲، س ۲۱)

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۳۱۴) آورده‌ایم.

۵۴۸ - گرچه نفس واحدیم از روی جان

ظاهرا دوریم از این سود و زیان

(ص ۴۸۶، س ۸)

مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۱۰۹) ذکر نمودیم.

۵۴۹ - بهر این پیغمبر آنرا شرح ساخت

کانکه خود بشناخت یزدان را شناخت

(ص ۴۸۶، س ۲۸)

مراد روایت ذیل است :

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ .

که در شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۴۷ منسوبست بامیر مؤمنان علی علیه السلام و با تعبیر: اذا عرف نفسه - جزو احادیث نبوی آمده است (کنوز الحقائق، ص ۹) و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۸۶) بنقل از ابن تیمیه آنرا از موضوعات می شمارد .

۵۳۰ - تا در آمد حکم و تقدیر اله عقل حارس خیره سر گشت و تپاه

(ص ۴۸۸ ، س ۱۸)

مناسب است با مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۲۹) ذکر شده است .

۵۳۱ - هر چه کردم جمله نا کرده گرفت

طاعت نسا کرده آورده گرفت

نام من در نامه پاکان نوشت

دوزخی بودم ببخشیدم بهشت

(ص ۴۹۲ ، س ۱۱ بیعد)

۱۵ ناظر است بمضمون روایات ذیل :

اَلْثَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ .

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۴ حلیۃ الاولیاء ، ج ۴ ، ص ۲۱۰ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۳۳ کنوز الحقائق ، ص ۵۳ .

إِذَا تَابَ الْعَبْدُ أَنْسَى اللَّهُ الْحَفَظَةَ ذُنُوبَهُ وَأَنْسَى ذَلِكَ جَوَارِحَهُ

وَمَعَالِمَهُ مِنَ الْأَرْضِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَاهِدٌ مِنَ اللَّهِ بِذَنْبِهِ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۲۱

۵۳۲ - چون بر نجد یمنوا مانند خلق کز کف عقل است چندین رزق خلق

(ص ۴۹۳ ، س ۲۳)

ظاهراً اشاره است بجزو اخیر از حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ وَقَالَ لَهُ أَذِيزْ فَأَذِيزَ فَقَالَ
وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ شَيْئاً أَحْسَنَ إِلَيَّ مِنْكَ أَوْ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ بِكَ أَخَذُ
وَبِكَ أُعْطِي .

وافی فیض، ج ۱، ص ۲۴، ۱۹.

۵ - ۵۳۳ - گفت رو به چستین رزقِ حلال فرض باشد از برای امتثال
(ص ۴۹۵، س ۴)

مستفاد است از روایتی که بصور ذیل نقل شده است :

طَلَبُ الْحَلَالِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ،
طَلَبُ الْحَلَالِ جِهَادٌ، طَلَبُ الرَّجُلِ مَعِيشَتَهُ مِنَ الْحَلَالِ صَدَقَةٌ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۵۳ کنوزالحقائق، ص ۷۸

۱۰

۵۳۴ - گفت پیغمبر که بر رزق ای فتی

در فرو بسته است و بر در قفلها

جنبش و آمد شد ما و اکتساب

هست مفتاحی بر این قفل و حجاب

(ص ۴۹۵، س ۵)

ظاهراً مستفاد است از این خبر :

إِنَّ مَفَاتِيحَ الرِّزْقِ مُتَوَجِّهَةٌ نَحْوَ الْعَرْشِ فَيُنْزِلُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى النَّاسِ
أَرْزَاقَهُمْ عَلَى قَدْرِ نَفَقَاتِهِمْ فَمَنْ كَثَرَ كَثُرَ لَهُ وَمَنْ قَلَّلَ قَلَّلَ لَهُ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۷

۲ - و یوسف بن احمد مولوی این خبر را که در جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۳

و کنوزالحقائق، ص ۱۴ آمده در ذیل آیات فوق آورده است :

أَطْلُبُوا الرِّزْقَ فِي خَبَايَا الْأَرْضِ .

المنهج القوى، ج ۵، ص ۳۴۳

احادیث منثوی

۵۳۵ - رزق آید پیش هر که صبر جست

رنج و کوششها ز بی صبری تست

(ص ۴۹۵ ، س ۱۳)

اشاره است بخبر ذیل :

لَوْ أَنَّكُمْ تَوَكَّلْتُمْ عَلَى اللَّهِ حَقَّ التَّوَكُّلِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ تَغْدُو خِفَاصًا وَتَرُوحُ بِطَانًا .

حلیه الاولیاء ، ج ۱۰ ، ص ۶۹ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۸ با مختصر تفاوت .

۵۳۶ - چون قناعت را پیمبر گنج گفت هر کسی را کی رسد گنج نهفت

(ص ۴۹۵ ، س ۱۸)

۱۰ مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۵۳) راجع بدان سخن گفتیم .

۵۳۷ - گنت خر معکوس میگوی بدان

شور و شر از طمع آید سوی جان

(ص ۴۹۵ ، س ۲۳)

اشاره است بدین حدیث :

۱۵ إِيَّاكُمْ وَالطَّمَعَ فَإِنَّهُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۱۶ کنوز الحقائق ، ص ۴۳

۵۳۸ - آن چنانکه عاشقی بر رزق زار

هست عاشق رزق هم بر رزق خوار

(ص ۴۹۵ ، س ۲۴)

اشاره به حدیثی است که بصور ذیل روایت میشود :

۲۰

الرِّزْقُ يُطْلَبُ الْعَبْدَ كَمَا يُطْلَبُ ، الرِّزْقُ يُطْلَبُ الْعَبْدَ كَمَا يُطْلَبُ أَجَلُهُ ،
الرِّزْقُ أَشَدُّ طَلَبًا لِلْعَبْدِ مِنْ أَجَلِهِ .

نثر الدر (از ابوسعید آبی) کنوز الحقائق ، ص ۶۸ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۲۵

دفتر پنجم

۵۳۹ - آن یکی زاهد شنید از مصطفیٰ

که یقین آید بجان رزق خدا

گر تو خواهی ورنخواهی رزق تو

پیش تو آید دوان از عشق تو

(ص ۴۹۶ ، س ۴)

۵

مناسب است با روایت ذیل :

لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ هَرَبَ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَهْرَبُ مِنَ الْمَوْتِ لَأَذْرَكَهُ رِزْقُهُ
كَمَا يُذْرِكُهُ الْمَوْتُ .

حلیۃ الاولیاء ، ج ۷ ، ص ۹۰ ، ج ۸ ، ص ۲۴۶ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۷ .

۱۰ - ۵۴۰ - که علاماتست زان دیدار نور التجافی منك عن دار الغرور

(ص ۴۹۷ ، س ۱۷)

اقتباس است از روایتی که در ذیل شماره (۴۱۲) بدان اشارت رفت .

۵۴۱ - ای خنک آنکس که عقلش نر بود

نفس زشتش ماده و مضطر بود

(ص ۴۹۷ ، س ۲۶)

۱۵

یوسف بن احمد مولوی گوید اشاره بدین روایت است :

طوبی لِمَنْ كَانَ عَقْلُهُ ذَكَرًا وَ نَفْسُهُ أَنْثَى وَ وِیْلٌ لِمَنْ اِنْعَكَسَ .

طوبی لِمَنْ كَانَ عَقْلُهُ أَمِيراً وَ نَفْسُهُ أُسِيراً وَ وِیْلٌ لِمَنْ اِنْعَكَسَ .

المنهج القوی ، ج ۵ ، ص ۳۵۵

۲۰ - ۵۴۳ - لطف رحمانست صبر و احتساب

مکر شیطانست تعجیل و شتاب

(ص ۵۰۱ ، س ۱۳)

احادیث منثوی

ناظر است بحديثی که در ذیل شماره (۲۷۱) یاد کردیم .

۵۴۳ - کوههاراهست زاین طوفان فصوص

کوامانی جز که در کشتی نوح

(ص ۵۰۳ ، س ۲۳)

مقتبس است از مضمون خبری که در ذیل شماره (۳۳۴) نقل شده است .

۵۴۴ - ز این خیال رهزن راه یقین گشت هفتاد و دو ملت زاهل دین

(ص ۵۰۳ ، س ۲۳)

مبتنی است بر روایت مذکور در ذیل شماره (۳۱۲)

۵۴۵ - هشت جنت گردد آرم در نظر

۱۰ و رکنم خدمت من از خوف سقر

مؤمنی باشم سلامت جوی من

زانکه این هر دو بود حظ بدن

(ص ۵۰۵ ، س ۹)

موافق است با مضمون گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

۱۵ مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ اَكِنَّ وَجَدْتُكَ اَهْلًا
لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ .

وافی فیض ، ج ۳ ، ص ۷۰ حقائق فیض ، طبع ایران ، ص ۱۰۳

و یوسف بن احمد مولوی این جمله را برابره عدویه نسبت میدهد .

المنهج القوى ، ج ۵ ، ص ۳۹۵

و نظیر آن روایت ذیل است :

۲۰ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْعِبَادُ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

دفتر پنجم

خَوْفًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبًا لِلثَّوَابِ
فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَعَالَى حُبًّا لَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ
وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ .

وافی فیض، ج ۳، ص ۷۱

۵ - ۵۴۶ - با محمد بود عشق پاک جفت بهر عشق او را خدا لولاک گفت
(ص ۵۰۵، س ۲۴)

مقصود حدیث معروف است :

لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ - که در شرح تعرف، ج ۲، ص ۴۶ بدینصورت
دیدم میشود :

۱۰ لَوْلَا مُحَمَّدٌ (وَاللَّهُ يَعْلَمُ) مَا خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَلَا السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ وَلَا الْعَرْشَ وَلَا الْكُرْسِيَّ وَلَا اللَّوْحَ وَلَا الْقَلَمَ وَلَا الْجَنَّةَ
وَلَا النَّارَ وَلَا لَوْلَا مُحَمَّدٌ مَا خَلَقْتُكَ يَا آدَمُ .

و مؤلف اللؤلؤ المرصوع در باره آن چنین گفته است :

لم یرد بهذا اللفظ بل ورد : لولاک ما خلقت الجنة و لولاک ما خلقت
النار . و عند ابن عساکر : لولاک ما خلقت الدنيا .

اللؤلؤ المرصوع ، ص ۶۶

۵۴۷ - صدق احمد بر جمال ماه زد بلکه بر خورشید رخشان راه زد
(ص ۵۰۶، س ۲۵)

مصراع دوم اشاره است بحدیث ردّ شمس که مشهور است و بطرق مختلف

۲۰ روایت شده و اینک یکی از آنها را در اینجا نقل میکنیم :

إِنَّ عَلِيًّا بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ (وَاللَّهُ يَعْلَمُ) فِي حَاجَةٍ فِي غَزْوَةِ حُنَيْنٍ وَقَدْ صَلَّى

احادیث مشنوی

النَّبِيُّ الْعَصْرَ وَلَمْ يُصَلِّهَا عَلَيَّ فَلَمَّا رَجَعَ وَضَعَ رَأْسَهُ فِي حِجْرِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَقَدْ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ فَجَلَّلَهُ بِثَوْبِهِ فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى كَادَتْ الشَّمْسُ تَغِيبُ
ثُمَّ إِنَّهُ سَرَى عَنِ النَّبِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) فَقَالَ أَصَلَّيْتُ يَا عَلِيُّ فَقَالَ لَا فَقَالَ النَّبِيُّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)
اللَّهُمَّ رُدِّ عَلِيَّ عَلَيَّ الشَّمْسَ فَرَجَعَتْ حَتَّى بَلَغَتْ نِصْفَ الْمَسْجِدِ .

بحار الانوار، ج ۶، باب ما ظهر له شاهدا علی حقیته من المعجزات السماویة ۵

۵۴۸ - ز آن رسولی کش حقایق داد دست

کاد فقران یكون کفر آمده است

(ص ۵۰۸ ، س ۲۴)

اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۱۱۹) ذکر نمودیم .

۵۴۹ - جوع خود سلطان داروهاست هین

جوع بر جان نه چنین خوارش مبین

(ص ۵۰۹ ، س ۵)

مستفاد است از روایتی که در ذیل شماره (۷۲) مذکور گردید .

۵۵۰ - جوع رزق جان خاصان خداست

۱۵ کی زبون همچو تو هیچ گداست

(ص ۵۰۹ ، س ۲۰)

مأخوذ است از خبری که در ذیل شماره (۴۶۰) می توان دید .

۵۵۱ - هین توکل کن ملرزان پا و دست

رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است

۲۰ (ص ۵۰۹ ، س ۲۳)

مناسب است با حدیث مذکور در ذیل شماره (۵۳۸ و ۵۳۹)

۵۵۲ - چرخ گردان را قضا گمره کند صد عطار را قضا ابله کند
(ص ۵۱۱، س ۴)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۹)

۵۵۳ - آنکه کف را دید سرگویان بود و آنکه دریا دید او حیران بود
(ص ۵۱۱، س ۱۰)

اشاره است بحديث : مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانُهُ - که در ذیل شماره (۱۷۹) مذکور است.

۵۵۴ - چونکه خواه نفس آمد مستعان تسخر آمد ایش شاء الله کان
(ص ۵۱۱، س ۱۶)

۱۰ ظاهراً مأخوذ است از حدیث ذیل :

عَنْ زَيْدِ بْنِ يَابِتٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ) عَلَّمَهُ دُعَاءَ وَأَمَرَهُ أَنْ يَتَعَاهَدَ بِهِ أَهْلَهُ كُلَّ يَوْمٍ قَالَ قُلْ كُلَّ يَوْمٍ حِينَ تُصْبِحُ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَمِنْكَ وَبِكَ وَإِلَيْكَ اللَّهُمَّ مَا قُلْتُ مِنْ قَوْلٍ أَوْ نَذَرْتُ مِنْ نَذْرٍ أَوْ حَافْتُ مِنْ حَلْفٍ فَمَشِيَّتِكَ بَيْنَ يَدَيْهِ مَا شِئْتُ كَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ لَمْ يَكُنْ.

مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۱۶ مسند احمد، ج ۵، ص ۱۹۱

۱۵

و بدینصورت : مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ - نیز در عناوین مشوی و شرح تعرف، ج ۱، ص ۳ آمده است.

۵۵۵ - حاش الله ایش شاء الله کان حاکم آمد در مکان و لامکان
(ص ۵۱۲، س ۱)

۲۰ رجوع کنید بذیل شماره (۵۵۴)

۵۵۶ - پس فرشته و دیو گشته عرضه دار
بهر تحریک عروق اختیار

احادیث مشنوی

می شود ز الهامها و وسوسه

اختیار خیر و شرّ ده کسه

(س ۵۱۳، س ۱۹)

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۲۶۸) ذکر شد و نیز رجوع کنید به :
احیاء العلوم، ج ۳، ص ۲۱.

۵

۵۵۷ - پس تسفط آمد این دعوی جبر

لا جرم بدتر بود زین رو ز گبر

(ص ۵۱۴، س ۵)

اشاره است بحديث ذیل :

۱۰

الْقَدْرِیَّةُ مَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ.

که : القدریّة مجوس امّتی و نیز : القدریّة مجوس العرب - هم روایت
شده است .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۸ کنوز الحقائق، ص ۹۲

بنا بر این که مقصود از « قدریّه » مثبتین قدر باشد نه نافیان تأثیر قدر .

۵۵۸ - قول بنده ایش شاء الله کان

بهر آن نبود که منیل کن روان

حکم حکم اوست مطلق جاودان

چون بگویند ایش شاء الله کان

(ص ۵۱۷، س ۸-۶)

اشاره بخبری است که در ذیل شماره (۵۵۴) مذکور افتاد .

۵۵۹ - همچنین تأویل قد جفّ القلم

۲۰

بهر تحریر است است بر شغل اهمّ

کثر روی جفّ القلم کثر آیدت

راستی آری سعادت زایدت

چون بدردی دست شد جفّ القلم

باده نوشی مست شد جفّ القلم

(ص ۵۱۷، س ۲۶ بعد) ۲۵

دفتر پنجم

مقتبس است از روایت مذکور در ذیل شماره (۹۷)

۵۶۰ - ذره‌یی گر در تو افزونی ادب
باشد از یارت بداند فضل ربّ

قدر آن ذره ترا افزون دهد
ذره چون کوهی قدم بیرون نهد

(ص ۵۱۸، س ۱)

ظاهرّاً اشاره بدین خبر است :

مَنْ تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا الطَّيِّبَ فَإِنَّ
اللَّهَ يَقْبَلُهَا يَمِينِهِ ثُمَّ يُرِيهَا لِصَاحِبِهِ كَمَا يُرِي أَحَدُكُمْ فَلَوْهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ
الْجَبَلِ .

بخاری، ج ۲، ص ۱۲۸

۵۶۱ - بد همی گویند شه را پیش ما
معنی جفّ القلم کی این بود
که جفا ها با وفا یکسان شود
بل جفا را هم جفا جفّ القلم
و آن وفا را هم وفا جفّ القلم

(ص ۵۱۸، س ۶)

رجوع کنید بذیل شماره (۹۷)

۵۶۲ - زانچه می بافی همه روزه بپوش

زانچه می کاری همه ساله بنوش

(ص ۵۱۹، س ۲)

موافقت با مضمون این روایات :

كَمَا تَدِينُ تُدَانُ .

كَمَا لَا يُجْتَنَى مِنَ الشَّوْكِ الْعِغْبُ كَذَا لَا يَنْزِلُ الْفَجَّارُ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ
فَاسْأَلُوا أَيَّ طَرِيقٍ شِئْتُمْ فَأَيَّ طَرِيقٍ سَلَكَتُمْ وَرَدُّنْهُمْ عَلَى أَهْلِهِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۵ کنوز الحقائق، ص ۹۶

۵۶۳ - فعل تست این غصه های دم بدم این بود معنی قد جئ القلم
(ص ۵۱۹ ، س ۲)

رجوع شود بذیل شماره (۹۷)

۵۶۴ - خویش را تعلیم کن عشق و نظر
• کان بود کالنهش فی جرم الحجر
(ص ۵۱۹ ، س ۹)

اشاره است بحديث معروف :

أَلْعَلِمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ .

کنوز الحقائق ، ص ۸۵

۱۰ که مضمون آن بدینصورت هم روایت شده است :

حفظ الغلام الصغير كالنقش في الحجر و حفظ الرجل بعد ما يكبر
كالكتاب علي الماء .

مثل الذي يتعلم في صغره كالنقش على الحجر و مثل الذي يتعلم
العلم في كبره كالذي يكتب علي الماء .

۱۵ جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۱۴۷ ، ج ۲ ، ص ۱۵۳

۵۶۵ - تا که این هفتاد و دو ملت مدام

در جهان ماند الى يوم القيام

تا قیامت باشد این هفتاد و دو

که نباشد مبتدع را گفتگو

۲۰ (ص ۵۱۹ ، س ۲۸ ، ص ۵۲۰ ، س ۱)

مبتنی است بر روایت مذکور در ذیل شماره (۳۱۲)

۵۶۶ - غیر این عقل تو حق را عقلهاست

که بدان تدبیر اسباب سماست

دفتر بنجم

که بدین عقل آوری ارزاق را

زان دگر مفرش کنی اطباق را

(ص ۵۲۰، س ۷)

مناسبت دارد با مضمون این خبر :

۵. أَهْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا يُعِيدُ بِهِ الرَّحْمَنُ
وَإِذَا كُتِبَ بِهِ الْجَنَانُ قَالَ قُلْتُ فَالَّذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ فَقَالَ تِلْكَ النُّكْرَاءُ
تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَهِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِالْعَقْلِ .

اصول کافی، طبع ایران، ص ۶ سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۱۴

۱۰ ۵۶۷ - همچنانکه گفت آن یار رسول

چون نبی بر خواندی بر ما فصول

آن رسول مجتبی وقت شمار

خواستی از ما حضور و صد وقار

آنچنانکه بر سرت مرغی بود

کز فواش جان تو لرزان شود

۱۵

(ص ۵۲۰، س ۱۲)

مستفاد است از خبر ذیل :

عَنْ أَسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ أَتَيْتُ النَّبِيَّ وَ إِذَا أَصْحَابُهُ كَانُوا عَلَى
رُؤُسِهِمِ الطَّيْرِ .

مسند احمد، ج ۴، ص ۲۷۸ نهایه ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۱

۲۰

۵۶۸ - ای خنک آنرا که ذات خود شناخت

اندر امن سرمدی قصری ساخت

(ص ۵۲۲، س ۱۷)

احادیث مشنوی

اشاره بدان حدیث است که در ذیل شماره (۵۲۹) مذکور گردید.

۵۶۹ - باشد آنگه ازدواجات دیگر لا سمع اذن و لا عین بصر
(س ۵۲۵، س ۱)

مقتبس است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۲۶۴)

۵۷۰ - لیس یألف لیس یؤلف جسمه لیس الّا شحّ نفسی قسمه
(س ۵۲۵، س ۴)

مستفاد است از حدیثی که بصور ذیل روایت شده است :

الْمُؤْمِنُ يَأْلَفُ وَيُؤْلَفُ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ وَخَيْرُ النَّاسِ
أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۳، ۱۰

المؤمن يألف ولا خير فيمن لا يألف ولا يؤلف .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۳ کنوز الحقائق، ص ۱۳۶ مسند احمد، ج ۲،
ص ۴۰۰ با مختصر تفاوت .

انّ للمنافقين علامات يعرفون بها تحبّتهم لعنة وطعامهم نهبة وغنيمتهم

۱۵ غلول ولا يقربون المساجد الا هجرا ولا يأتون الصلاة الا دبرا مستكبرين

لا يألفون ولا يؤلفون خشب بالليل صُخب (سُخْب) بالنهار .

مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹۳ شرح نهج البلاغة، ج ۴، ص ۵۶۳ تفسیر ابوالفتوح،
ج ۱، ص ۵۵ .

۵۷۱ - باده یی کان بر سر شاهان جهد

۲۰ تاج زر بر تارك ساقی نهج

فتنه ها و شور ها انگیخته

بندکان و خسروان آمیخته

دفتر پنجم

استخوانها رفته جمله جان شده

تخت و تخته آنزمان یکسان شده

چون هریسه لحم و گندم غرق هم

هیچ سبقی نی در ایشان فرق هم

(ص ۵۲۵ ، س ۲۸ بیعد)

۵

مناسب است با مضمون خبری که بنقل مؤلف روضات الجنات (ج ۱ ، ص ۲۳۱ طبع ایران) در صحیفه الرضا (علیه السلام) آمده است .

إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَرَابًا لَا أُولِيَاءَ لَهُ إِذَا شَرِبُوا سَكِرُوا وَإِذَا سَكِرُوا طَرِبُوا وَإِذَا طَرِبُوا طَابُوا وَإِذَا طَابُوا ذَابُوا وَإِذَا ذَابُوا خَلَصُوا وَإِذَا خَلَصُوا صَلُّوا وَإِذَا صَلُّوا اتَّصَلُوا وَإِذَا اتَّصَلُوا لَا فَرْقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ حَمِيهِمْ . ۱۰

۵۷۲ - مصطفی را هجر چون بفراختی

خویش را از کوه می انداختی

(ص ۵۲۸ ، س ۶)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۱۵ ص ۱۸۸ .

۵۷۳ - تو ز غفات بس سبو بشکسته یی

بر امید عفو دل بر بسته یی

عفو کن تا عفو یابی در جزا

می شکافد مو قدر اندر سزا

(ص ۵۲۸ ، س ۱۴)

۲۰

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۵) ذکر شد .

۵۷۴ - پادشاهی کن ببخشش ای رحیم ای کریم ابن الکریم

(ص ۵۲۹ ، س ۶)

مقتبس است از حدیث ذیل :

الْكَرِيمُ ابْنُ الْكَرِيمِ ابْنِ الْكَرِيمِ يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ
بْنِ إِبْرَاهِيمَ .

جامع صغير، ج ٢، ص ٩٧

۵۷۵۔ جوہر است انسان و چرخ و اراض

جمله فرع و سایه اند و تو غرض

(ص ۵۲۹، س ۱۰)

مبتنی است بر این روایت :

يَا ابْنَ آدَمَ خَلَقْتُكَ لِأَجَلِي وَخَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ.

المنهج القوى، ج ۵، ص ۵۱۶ فتوحات مکیه، ج ۳، ص ۱۶۳ که فصلی مشبع ۱۰ در شرح آن دارد.

۵۷۶ - چون طمع بستی تو در انوار هو مصطفی گوید که ذلت نفسه

(ص ۵۳۱، س ۱)

مراد حدیثی است کہ در ذیل شماره (۲۷۹) آوردیم .

۵۷۷ - این جہاد اکبر است آن اصغر است

هر دو کار رسته‌ست و حیدر است

(ص ۵۳۶ ، س ۱۲)

اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۳۴)

۵۷۸ - دید صد چندان که وصف اشنیده بود

۲۰ کی بود خود دید مانند شنود

(ص ۵۳۹، س ۱۸)

مطابق است با مضمون روایتی که در ذیل شماره (۳۲۵) یاد کردیم.

۵۷۹ - کرد مردی از سیخندانی سؤال

حَقُّ و باطل چیست ای نیکو مقال

(ص ۵۳۹، س ۲۳) ۲۵

دفتر پنجم

رجوع کنید به : مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه تهران)

ص ۱۹۲ .

۵۸۰ - از خیال حرب نهرا سید کس

لا شجاعه قبل حرب این دان و بس

(ص ۵۳۹ ، س ۲۷)

اشاره است بروایت مذکور در ذیل شماره (۲۸۳)

۵۸۱ - مالکیتی کاو می نماند جاودان

ای دلت خفته تو آنرا خواب دان

(ص ۵۴۰ ، س ۴)

مبتنی است بر خبری که در ذیل شماره (۲۲۳) گذشت .

۵۸۲ - قصد جفت دیگران کردم بجاه بر من آمد آن و افتادم بجاه

من در خانه کسی دیگر زدم او در خانه مرا زد لا جرم

هر که با اهل کسان شد فسق جو اهل خود را دان که قواد است او

(ص ۵۴۲ ، س ۷)

مناسب است با مضمون این خبر :

مَنْ زَنِیْ زَنِیْ بِهِ وَلَوْ بِحِیْطَانٍ دَارِهِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۷۱ کنوز الحقائق ، ص ۱۲۸

و نظیر آن روایت ذیل است :

بِرُّوا آبَائَكُمْ تَبِرُّوا أَبْنَاءَكُمْ وَعِفُّوا نِسَاءَكُمْ .

مستدرک حاکم ، ج ۴ ، ص ۱۵۴ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۲۴ اللالی المصنوعة ،

ج ۲ ، ص ۱۸۷ - ۱۸۸ .

۵۸۳ - حقت الجنة مکاره را رسید حقت النار از هوی آمد پدید

(ص ۵۴۳ ، س ۹)

اقتباس است از حدیثی که در ذیل شماره (۱۵۲) مذکور شده است .

۵۸۴ - عفوهای جمله عالم ذره‌یی عکس عفوهای تو هر بهره‌یی
(ص ۵۴۵ ، س ۲۹)

مناسب است با خبر ذیل .

إِنَّ لِلَّهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ أُنْزِلَ مِنْهَا رَحْمَةٌ وَاحِدَةً بَيْنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ
وَالْبَهَائِمِ وَالْيَوْمِ فِيهَا يَتَعَاطَفُونَ بِهَا يَتَرَاحُونَ وَآخِرُ تَسْعَاءٍ وَتَسْعِينَ
رَحْمَةً يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

المنهج القوى ، ج ۵ ، ص ۵۸۶

۵۸۵ - هر کرا سوزید دوزخ در قود
من برویانم دگر بار از جسد
کار کوثر چیست که هر سوخته
۱۰ گردد از وی ثابت و اندوخته
(ص ۵۴۷ ، س ۱۸)

مطابق مضمون خبریست که در ذیل شماره (۱۵۳) آورده ایم .

۵۸۶ - چون خلقت الخلق کی یربح علی
۱۵ لطف تو فرمود ای قیوم حی
لا لأن اربح علیهم جود است
که شود ز او جمله ناقصها درست
(ص ۵۴۷ ، س ۲۲)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۴۹)

www.azkhan.com

دفتر ششم

۵۸۷ - هر کسی را خدمتی داده قضا در خور آن گوهرش در ابتلا
(ص ۵۵۱، س ۸)

مناسب است با مضمون حدیث : اعملوا فكل ميسر لما خلق له - که در
۵ ذیل شماره (۲۱۸) مذکور گردید .

۵۸۸ - واحد کالاف که بود آن ولی بلکه صد قرنست آن عبد العلی
(ص ۵۵۱، س ۱۲)

ناظر است بحدیث ذیل :

لَيْسَ شَيْ خَيْرًا مِنْ أَلْفٍ مِثْلِهِ إِلَّا الْإِنْسَانُ الْمُؤْمِنُ .

۱۰ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۸ و با حذف (المؤمن) جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۳۵
کنوز الحقائق ، ص ۱۱۳
و ابو عباده بختری گفته است :

و لم ار امثال الرجال تفاوتا لدي المجد حتي عد الف بواحد
و تعبیر : واحد کالاف - از مقصوده ابن درید مأخوذ است :

۱۵ والناس الف منهم کو واحد و واحد کالاف ان امر عنی
و مصراع دوم این بیت در مکتوبات مولانا و نیز در مثنوی آمده است :
خواب دیدم خواجه معطی المثنی و واحد کالاف ان امر عنی

۵۸۹ - چون ز ذره محو شد نفس و نفس

جنگش اکنون جنگ خورشید است بس

(ص ۵۵۲ ، س ۴)

مناسب است با مضمون حدیث :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۷۰

و حدیث :

مَنْ آذَانِي فِي أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ.

کنوزالحقائق، ص ۱۲۱

۵۹۰ - جنگ ما و صلح ما در نور عین

نیت از ما هست بین الاصبغین

(ص ۵۵۲، س ۶)

۱۰ اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۳) ذکر کردیم.

۵۹۱ - جنگها بین کان اصول صلحهاست

چون نبی که جنگ او بهر خداست

(ص ۵۵۲، س ۱۵)

مستفاد است از مضمون خبر ذیل :

۱۵ مَا أَنْتُمْ رَسُولُ اللَّهِ (وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ) أَنْفُسِهِ مِنْ شَيْءٍ أَنْتُهُكَ مِنْهُ إِلَّا أَنْ تُنْتَهَكَ

حُرْمَةُ هِيَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَنْتَقِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا .

مسند احمد، ج ۶، ص ۱۱۴، ۱۱۶

۵۹۲ - این جهان گوید که تو رهشان نما

آن جهان گوید که تو مهشان نما

۲۰

پیشه اش اندر ظهور و در کمون

اهد قوم می انهم لا يعلمون

(ص ۵۵۴، س ۱۸)

مصرع نخستین از بیت اول موافق مضمون خبری است که در مصرع اخیر

از بیت دوم نقل شده و متن و مأخذ آن را در ذیل شماره (۱۵۵) آورده ایم
و مصراع دوم از بیت نخستین مبتنی است بر حدیث روایت که بدینگونه آمده است:

إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرُونَ هَذَا الْقَمَرَ لَا أَضَاءُ مَوْنَ فِي رُؤْيَاهُ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۰ و با تفصیل بیشتر مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۵، ۲۹۳.

۵۹۳ - آن خلیفه زادگان مقبلش رسته اند از عنصر آب و گلش

گرز بغداد و هری یا زریند بی مزاج آب و گل نسل و یند

(ص ۵۵۴، س ۲۲).

مبتنی است بر این حدیث:

أَلْ مُحَمَّدٍ كُلُّ تَقِيٍّ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳ کنوز الحقائق، ص ۲

۹۶

و عن علي عليه السلام ان أولى الناس بالانبياء ائمتهم بما جاءوا به

ثم تلا عليه السلام ان اولي الناس بابراهيم للذين اتبعوه وهذا النبي والذين

آمنوا (الآية) ثم قال عليه السلام ان ولي محمد من اطاع الله ولان بعدت

لحمته وان عدو محمد من عصي الله وان قربت قرابته .

ربيع الابرار، باب القرابات و الانساب، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۸۳

۱۵

فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۶۸۵، ج ۲، ص ۱۶۶، ۱۶۸.

۵۹۴ - گر چه مؤمن را سقر زدهد ضرر

لیک هم بهتر بود ز اینجا گذر

گر چه دوزخ دور دارد ز او نکال

لیک جنت به ورا فی کل حال

(ص ۵۵۶، س ۱۶)

۲۰

مبتنی است بر روایاتی که در تفسیر آیه: وان منکم الا واردة -

احادیث مشهور

(سوره مريم، آیه ۷۱) نقل کرده اند مانند :

لَا يَبْقَى بُرٌّ وَلَا فَايِرٌ إِلَّا دَخَلَهَا فَتَكُونُ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ بَرْدًا وَسَلَامًا
کما كانت علی ابراهيم .

مستدرک حاکم ، ج ۴ ، ص ۵۸۷

- ۵۹۵ - گنده پیر است او واز بس چاپلوس
خویش را جلوه دهد چون نوعروس
(ص ۵۵۸ ، ص ۱۷)

مناسب مضمون این روایت است :

يُؤْتِي بِالدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى صُورَةِ عَجُوزٍ شَمَطَاءَ زُرْقَاءَ أُنْيَابُهَا بَادِيَةٌ
لَا يَرَاهَا أَحَدٌ إِلَّا كَرِهَهَا فَتَشْرِفُ عَلَى الْخَلَائِقِ فَيَقَالُ لَهُمْ أَتَعْرِفُونَ هَذِهِ
فَيَقُولُونَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ مَعْرِفَتِهَا فَيَقَالُ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفَاخَرُ بِهَا وَتَبْتَغِي
عَالِيَهَا .

المصنف القوی ، ج ۶ ، ص ۵۴

- ۵۹۶ - گفت پیغمبر که جنت از اله
گره میخواهی ز کس چیزی میخواه

چون نخواهی من کفیلم مر ترا

جنة المأوی و دیدار خدا

آن صحابی زین کفالت شد عیار

تا یکی روری که گشته بدسوار

- ۵۹۷ - تازیانه از کفش افتاد راست
خود فرو آمد ز کس آنرا خواست

(ص ۵۵۸ ، ص ۲۵ پیغمبر)

مقصود خبر ذیل است :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ يَتَكَفَّلُ لِي بِوَاحِدَةٍ وَاتَّكَفَّلَ لَهُ بِالْجَنَّةِ قَالَ ثَوْبَانُ
أَنَا قَالَ لَا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا قَالَ نَعَمْ فَكَانَ لَا يَسْأَلُ.

مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۵، ۲۷۶

فَكَانَ ثَوْبَانُ يَقَعُ سَوْطُهُ وَهُوَ رَاكِبٌ فَلَا يَقُولُ لِأَحَدٍ نَاقِلِيهِ حَتَّى يَنْزِلَ
فَيَتَنَاوَلَهُ.

همان کتاب، ص ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱

نیز رجوع کنید بصحیح مسلم، ج ۳، ص ۹۷ که این خبر را بطرز دیگر
آورده است و مسند احمد، ج ۵، ص ۱۷۲، ۱۸۱ فتوحات مکیه، ج ۲، ص ۱۸
۱۰ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۶۵.

۵۹۷ - پس پیمبر گفت استفتوا القلوب

گرچه مفتیان برون گوید خطوب

گفته است استفت قلبك آن رسول

گرچه مفتی برون گوید فضول

(ص ۵۶۰، س ۵۱)

۱۵

مقصود خبر ذیل است :

اسْتَفْتِ قَلْبَكَ وَإِنْ أَفْتَاكَ الْمُفْتُونَ.

اللمع لابی نصر السراج، طبع لیدن، ص ۱۶، ۴۵ و با تعبیر «استفت نفسك»
جامع صغیر، ج ۱، ص ۳۹ حلیه الاولیاء، ج ۹، ص ۴۴ کنوزالحقائق، ص ۱۲

۲۰ یا وایصه استفت قلبك استفت صدرك البر ما اطمان اليه القلب
واطمأنت اليه النفس والا ثم ما حاك في النفس وتردد في الصدر وان

افتاك الناس وافتوك .

حلیة الاولیا، ج ۶، ص ۲۵۵

۵۹۸ - مرغ گفتش خواجه در خلوت مایست

دین احمد را ترهب نیک نیست

از ترهب نهی فرمود آن رسول

۵

بدعتی چون بر رفتی ای فضول

(ص ۵۶۲، س ۱۸)

مستفاد است از مضمون این خبر :

لَا رَهْبَانِيَّةَ وَلَا تَبَتَّلَ فِي الْإِسْلَامِ .

۱۰ - نهایی ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۹، ج ۲، ص ۱۱۳

عن ابي قلابه ان عثمان بن مظعون اتَّخَذَ بَيْتًا فَقَعِدَ يَتَعَبَّدُ فِيهِ فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيُّ (ﷺ) فَأَتَاهُ فَاخَذَ بَعْضَادِي بَابَ الْبَيْتِ الَّذِي هُوَ فِيهِ فَقَالَ يَا عَثْمَانُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْنِي بِالرَّهْبَانِيَّةِ (مرّتين او ثلاثا) وَإِنَّ خَيْرَ الدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْخَنِيفَةُ السَّمِيعَةُ .

۱۵ - طبقات ابن سعد، جزو سوم (از قسم اول) طبع اروپا، ص ۲۸۷

۵۹۹ - جمعه شرطست و جماعت در نماز

امر معروف و ز منکر احتراز

رنج بد خویان کشیدن زیر صبر

منفعت دادن بخلقان همچو ابر

۲۰ (ص ۵۶۲، س ۱۹)

مناسب است با مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْنَا الرَّهْبَانِيَّةَ إِنَّمَا رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي

الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

سفينة البحار، ج ۱، ص ۵۴۰

عَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ فَإِنَّهُ رَهْبَانِيَّةٌ أُتِي.

نهایة ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۱۳

۶۰۰ - خیر الناس ان ینفع الناس ای بدر گزیده سنگی چه حریفی با مدر (ص ۵۶۲، س ۲۰)

اقتباس است از حدیث :

خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.

کنوز الحقائق، ص ۶۱ جامع صغیر، ج ۲، ص ۸

۶۰۱ - در میان امت مـرحوم باش سنت احمد مهمل محکوم باش (ص ۵۶۲، س ۲۰)

تعبیر :- امت مرحوم - مأخوذ است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۷۹)

۶۰۲ - هست تنهایی به از یازان بد نیک چون با بد نشیند بد شود (ص ۵۶۲، س ۲۲)

مأخوذ است از حدیث : أَلَوْحِدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ - که در ذیل شماره (۱۰۳) مذکور گردید .

۶۰۳ - حکم اوهم حکم قبله او بود مرده اش خوان چونکه مرده جو بود (ص ۵۶۲، س ۲۷)

ناظر است بمضمون خبری که در ذیل شماره (۴۸۳) ذکر شد .

۶۰۴ - چون نبی السیف بوده است آن رسول

امت او صفدرانند و فـجـول

(ص ۵۶۳، س ۱)

مبتنی است بر خبر ذیل :

لُعِثَ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ بِالسَّيْفِ حَتَّى يُعْبَدَ اللَّهُ تَعَالَى وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَجُعِلَ رِزْقِي تَحْتَ رُمْحِي وَجُعِلَ الدُّلُّ وَالصَّغَارُ عَلَى مَنْ خَالَفَ أَمْرِي .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۲۵ و با تفاوت مختصر مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۵۰

و تعبیر : نَبِيَّ السَّيْفِ _ در اکمال الندین تألیف صدوق چاپ ایران ، ص ۱۱۶
موجود است .

۶۰۵ - چون نباشد قوتی پرهیز به در فرار از لایطاق آسان بجه
(ص ۵۶۳ ، ص ۳)

اشارتست بحديث :

۱۰ الْفِرَارُ مِمَّا لَا يُطَاقُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ .

شرح بحر العلوم ، ج ۶ ، ص ۴۴

۶۰۶ - دیو گر گشت و توهم چون یوسفی دامن یعقوب بگذار ای صفی
گر گم اغلب آن گهی گیرا بود کز رمه شیشک بخود تنهارود
(ص ۵۶۳ ، ص ۶)

۱۵ مستفاد است از این حدیث :

إِنَّ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ يَأْخُذُ الْقَاصِيَةَ وَالشَّاذَّةَ .

نهاية ابن اثير ، ج ۳ ، ص ۲۶۰

ان الشيطان ذنب الانسان كذنب الغنم ياخذ الشاة القاصية والناحية
فيايكم والشعاب وعلايكم بالجماعة والعمامة والمسجد .

مسند احمد ، ج ۵ ، ص ۲۳۳ ۲۰

دفتر ششم

۶۰۷ - آنکه سنت با جماعت ترك كرد

در چنین مسبع زخون خویش خورد
(ص ۵۶۳، س ۷)

ناظر است بذیل روایت مذکور در شرح شماره (۶۰۶)

۶۰۸ - هر نبی اندر این راه درست

معجزه بنمود و یاران را بجست

گر نباشد یاری دیوارها

کی بر آید خانه ها و انبارها

هر یکی دیوار اگر باشد جدا

سقف چون باشد معلق بر هوا

(ص ۵۶۳، س ۱۹)

مستفاد است از مضمون این خبر :

الْمُؤْمِنُ الْمُؤْمِنُ كَالْبُنْيَانِ لَيْشُدَّ بَعْضُهُ بَعْضًا .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۳ کنوزالحقائق، ص ۱۳۶

۶۰۹ - عاقبت جوینده یا بنده بود که فرج از صبر زاینده بود

(ص ۵۶۵، س ۱۹)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۱۴)

۶۱۰ - گر دو عالم پر شود سرمست یار

حمله يك باشند و آن يك نیست خوار

(ص ۵۶۶، س ۱۰)

مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۱۰۹) مذکور افتاد .

۶۱۱ - اندر آمد پیش پیغمبر ضریر کای نوا بخش تنور هر خمیر

(ص ۵۶۷، س ۲۴)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۲۰۱ .

۶۱۳ - زآنکه واقف بود آن خاتون پاک

از غیسوری رسول رشکناک

(ص ۵۶۷، س ۲۵)

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۴۱)

۶۱۳ - در خموشی گفت ما اظهر شود که ز میل آن منع افزون تر شود

(ص ۵۶۸، س ۱۴)

مقتبس از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۲۶۰) آورده ایم.

۶۱۴ - چون بغرد بحر غره اش کف شود جوش احببت بان اعرف شود

(ص ۵۶۸، س ۱۴)

۱۰ اشاره بخبريست که در ذیل شماره (۷۰) توان دید.

۶۱۵ - جان بسی کندی و اندر پرده یی

زانکه مردن اصل بد ناورده یی

تا نمیری نیست جان کندن تمام

بی کمال نردبان نایی پیام

۱۵ (ص ۵۶۹، س ۱۹)

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۳۵۲) چنانکه در عنوان هم

بدان اشاره فرموده است.

۶۱۶ - مصطفی زاین گفت کای اسرار جو

مرده را خواهی که بینی زنده تو

۲۰

هر که خواهد گاو ببیند بر زمین

مرده را گاو می رود ظاهر یقین

مر ابوبکر تقی را گاو ببین

شد ز صدیقی امیر الصادقین

(ص ۵۶۹، س ۲۸ بعد)

مقصود روایت ذیل است :

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَيِّتٍ يَمْشِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى ابْنِ أَبِي قِجَافَةَ .

تمهیدات عین القضاة چاپ شیراز ، ص ۷ المنهج القوى ، ج ۶ ، ص ۱۱۴

و نظیر آن خبر ذیل است :

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى شَهِيدٍ يَمْشِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ .

سیره ابن هشام طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۲۸ اسد الغابة طبع مصر ، ج ۳ ، ص ۶۰

بالتعبیر : يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْهِ .

۶۱۷ - زانکه پیش از مرگ او کرده است نقل

این بمردن فهم آید نی بهقل

(ص ۵۷۰ ، س ۱)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۵۲)

۶۱۸ - زاده ثانیست احمد در جهان صد قیامت بود او اندر عیان

(ص ۵۷۰ ، س ۴)

تعبیر : (زاده ثانی) مستفاد است از روایت :

لَنْ يَلْبِغَ مَلَكَوتَ السَّمَوَاتِ مَنْ لَمْ يُوَلَدْ مَرَّتَيْنِ .

که در ذیل شماره (۲۷۳) آورده ایم .

۶۱۹ - زاو قیامت راهمی پرسیده اند کای قیامت تا قیامت راه چند

با زبان حال می گفتی بسی که ز محشر حشر را پرسد کسی

(ص ۵۷۰ ، س ۴)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۳۵۶) مذکور افتاد .

احادیث مشنوی

۶۲۰ - بهر این گفت آن رسول خوش پیام

رمز موتوا قبل موت یا کرام

(ص ۵۷۰ ، س ۵)

مژاد روایتی است که در ذیل شماره (۳۵۲) ذکر شده است .

۶۲۱ - می ستاند این یخ جسم فنا می دهد ملکی برون از و هم ما

(ص ۵۷۳ ، س ۱۰)

ناظر است بحديث مذکور در ذیل شماره (۲۶۴)

۶۲۲ - از سوی معراج آمد مصطفی بر بالایش حمدا آن حمدا

(ص ۵۷۴ ، س ۲۳)

ظاهراً ناظر است بخبر ذیل :

۱۰

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَيْلَةَ أُسْرَىِّ نَبِيِّ اللَّهِ (ﷺ) وَدَخَلَ الْجَنَّةَ فَسَمِعَ مِنْ جَانِبِهَا وَجَسًا قَالَ يَا جِبْرِيلُ مَا هَذَا قَالَ هَذَا بِلَالُ الْمُؤَذِّنِ فَقَالَ نَبِيُّ اللَّهِ (ﷺ) حِينَ جَاءَ إِلَى النَّاسِ قَدْ أَفْلَحَ بِلَالٌ رَأَيْتُ لَهُ كَذَا وَكَذَا .

مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۲۵۷ و با تفاوت در تعبیر نهایی ابن اثیر ، ج ۴ ، ص ۱۹۶

و نیز مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۳۳ ، ۴۳۹ .

۱۵

۶۲۳ - عاشقست او را قیامت آمده است

تا در توبه بر او بسته شده است

(ص ۵۷۵ ، س ۸)

مقتبس است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۳۹۰)

۲۰

۶۲۴ - آن ینایع الحکم همچون فرات

از دهان او روان از بی جهات

(ص ۵۷۶ ، س ۱۰)

تعبیر : ینابیع الحکم - مأخوذ است از روایت ذیل که مبنای کار صوفیانست
در چله نشینی و اربعینات .

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ .
حلیة الاولیاء، ج ۵، ص ۱۸۹ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۶۰

۵ - ۶۴۵ - نه ز پیه آن مایه دارد نه ز پوست

روی پوشی کرد در ایجاد دوست

این چه باداست اندر این خرداستخوان

که پذیرد حرف و صوت قصه خوان

(ص ۵۷۶، س ۱۲ بعد)

اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۱۶۵) ذکر شد .

۱۰

۶۴۶ - مستمع او قائل او بی احتجاب

زانکه الاذن من راس ای مثاب

(ص ۵۷۶، س ۱۴)

مستفاد است از این حدیث :

الْمُضْمَضَةُ وَالْإِسْتِشْقُ سُنَّةٌ وَالْأُذُنَانِ مِنَ الرَّأْسِ .

۱۵

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۵ و بسا حذف صدر خبر - کنوز الحقائق، ص ۴۵

مسند احمد، ج ۵، ص ۲۶۴، ۲۶۸ .

در تقاضا که ارحنا یا بلال

۶۴۷ - آفتابی رفت در کازه هلال

(ص ۵۷۸، س ۷)

اقتباسی است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۴۸)

۲

۶۴۸ - زان بلاها بر عزیزان بیش بود

کان تجمش یار با خوبان قزود

(ص ۵۷۸، س ۱۲)

احادیث مثنوی

مستفاد است از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۳۲۰) آورده‌ایم.

۶۳۹ - چون شنیدی بعض از قصه بلال بشنو اکنون قصه ضعف هلال
(ص ۵۷۸، س ۱۹)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه تهران)

ص ۲۰۳-۲۰۴

۶۳۰ - آنکه او بنظر بنور الله بود هم ز مرغ و هم زموی آفریده بود
(ص ۵۷۹، س ۶)

اشاره به حدیثی است که در ذیل شماره (۳۳) مذکور شد.

۶۳۱ - ماهمی گوید که اصحابی نجوم للبری قدوه و للطاغی رجوم
(ص ۵۷۹، س ۲۴) ۱۰

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۸۷) توان دید :

۶۳۲ - همچو عیسی بر سرش گیرد فرات
کایمنی از غرقه در آب حیات
گفت احمد گر یقین افزون بدی
خود هوایش مرکب و هامون شدی
(ص ۵۸۰، س ۱۹) ۱۵

روایت ذیل مراد است :

قِيلَ لِلَّذِي (ﷺ) إِنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يُقَالُ إِنَّهُ مَشَى عَلَى الْمَاءِ
فَقَالَ (ﷺ) لَوْ أَرَادَ يَقِينًا لَمَشَى عَلَى السَّهْوَاءِ .

احیاء العلوم، ج ۴، ص ۷۱ شرح تعرف، ج ۲، ص ۱۷۳، ج ۳، ص ۳۷ ۲۰

۶۳۳ - خلقت آدم چرا چل صبح بود اندر آن گل اندک اندک مینمود
(ص ۵۸۱، س ۴)

دفتر ششم

اشاره است بحديث

خَرَّتْ طِينَةُ آدَمَ بِيَدِهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً

عوارف المعارف، حاشیه احياء العلوم، ج ۲، ص ۱۶۸

خَرَّتْ طِينَةُ آدَمَ بِيَدَيْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً

مرصاد العباد طبع طهران، ص ۳۸

۶۳۴ - زانکه قدر مستمع آمد نبا بر قدر خواهی برد درزی قبا

(ص ۵۸۱، س ۲۹)

اشاره است بحديث :

إِنَّ اللَّهَ يُلْقِنُ الْحِكْمَةَ عَلَى لِسَانِ الْوَاعِظِينَ بِقَدْرِ هِمِّ الْمُسْتَمِعِينَ

المنهج القوى، ج ۶، ص ۱۷۹

۶۳۵ - پس جایس الله گشت آن نیکبخت

که بیهلوی سعیدی برد رخت

(ص ۵۸۳، س ۲۵)

مستفاد است از خبر :

مَنْ أَرَادَ أَنْ يُجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ

که سیوطی آنرا با مختصر تفاوت در الالائی المصنوعة ج ۲، ص ۲۶۴ نقل

کرده و از موضوعات شمرده است .

۶۳۶ - آنکه پایان دید احمد بود کاو

دید دوزخ را هم اینجا تو بتو

دید عرش و کرسی و جنات را

بر درید او پرده غفلات را

(ص ۵۸۴، س ۹)

احادیث مثنوی

مبتنی است بر خبر ذیل که بوجوه مختلف روایت شده است :

مَا رَأَيْتُ فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ أَكْثَرَ الْيَوْمِ إِنَّهُ صَوَّرَتِ الْجَنَّةُ وَالنَّارَ حَتَّى رَأَيْتُهُمَا دُونَ الْحَاظِ .

مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷۷، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۵۴، ۳۱۸، ۳۵۳، ج ۵، ص ۱۳۷، ۳۵۱.

۶۳۷ - جاهل از با تو نماید همدلی عاقبت زخمت زند از جاهلی

(ص ۵۸۶، س ۸)

مناسب است با مضمون روایت مذکور در ذیل شماره (۱۵۶)

۶۳۸ - راست فرمود آن سپهدار بشر

۱۰ که هر آنکو کرد از دنیا گذر
چون برون رفت این خیالات از میان

فشت نا معقول او بر او عیان

نیشش درد و دریغ و غبن موت

بلکه هستش صد دریغ از بهر فوت

۱۵ (ص ۵۸۶، س ۲۶)

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۴۷۵) ذکر شد.

۶۳۹ - بت ستودن بهر دام عامه را همچنان دان کالغرائیق الهی

(ص ۵۸۸، س ۲۰)

رجوع کنید به : مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه تهران)

۲۰ ص ۲۰۷

۶۴۰ - آنچه پسندی بخود ای شیخ دین

چون پسندی بر برادر ای امین

(ص ۵۸۹، س ۲۰)

ناظر است بمضمون حدیث ذیل :

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ .

بخاری، ج ۱، ص ۶ مسلم، ج ۱، ص ۴۹ جامع صغیر، ج ۲، ص ۲۰۳ مسند احمد، ج ۳، ص ۲۰۶، ۲۵۱ و بوجوه دیگر مسند احمد، ج ۱، ص ۸۹، ج ۲، ص ۱۹۲، ۳۱۰، ج ۳، ص ۱۷۶ جامع صغیر، ج ۱، ص ۸۹ .

أَحِبِّ لِأَخِيكَ الْمُسْلِمِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ .

مسند ترك حاكم، ج ۴، ص ۱۶۸

۶۴۱ - این ندانی که پی من چه کنی

هم در آن چه عاقبت خویش افکنی

من حفر بشارا نخواندی از خبر

آنچه خواندی کن عمل جان پدر

(ص ۵۸۹، س ۲۰)

مقصود خبریست که در ذیل شماره (۳۲) آورده ایم .

۶۴۲ - گفت پیغمبر که در بحر هموم در دلالت دان تو یاران را نجوم

(ص ۵۹۰، س ۷)

روایت مذکور در ذیل شماره (۸۷) مراد است .

۶۴۳ - چون ز يك بطنند آن حبر و سفیه

چون یقین شد كالولد سر آیه

(ص ۵۹۰، س ۱۹)

۲۰ رجوع کنید بذیل شماره (۴۱۳)

۶۴۴ - این ترا باور نیاید مصطفی چون ز مسکینان همی جوید دعا

(ص ۵۹۱، س ۱)

مقصود این خبر است :

كَانَ يَسْتَفْتِحُ وَيَسْتَصْرِ بَصَائِلَ الْمُسْلِمِينَ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۱۶ کنوز الحقائق، ص ۱۰۴

۲۵

احادیث مشنوی

۶۴۵ - جمله دنیا را پر پشه بها سیلیی را رشوت بی منتهی
(ص ۵۹۱، س ۶)

اشاره بحديث ذیل است :

لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا شَرْبَةَ مَاءٍ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۳۰

و حضرت صادق سلام الله عليه در صفت مؤمنین فرموده است :

ما قدر الدنيا كلها تعدل عندهم جناح بعوضة .

سفينة البحار، ج ۱، ص ۴۶۶

۶۴۶ - جذب سمعستار کسی را خوش لبیست

۱۰

گرمی و وجد معلّم از صبی است

(ص ۵۹۱، س ۲۴)

رجوع کنید بنیل شماره (۶۳۴)

۶۴۷ - آن دم لولا که این باشد که کار از برای چشم تیز است و نظار

(ص ۵۹۱، س ۲۶) ۱۵

اشاره است بدان خبر که در ذیل شماره (۵۴۶) ذکر کردیم .

۶۴۸ - چون غزا ندهد ز نافر هیچ دست

کی دهد آنکه جهاد اکبرست

(ص ۵۹۷، س ۱۷)

۲۰ - مستفاد از خبریست که در ذیل شماره (۳۴) یاد کردیم .

۶۴۹ - جز بنادر در تن زن رستمی گشته باشد خفیه همچون مریمی

(ص ۵۹۷، س ۱۸)

دفتر ششم

ظاهراً از مضمون حدیث ذیل استفاده شده است :

كُلٌّ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا آسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ
وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۹۶

۵ ۶۵۰ - ورکنی خدمت نخوانی یک کتیب علمهای نادره یابی ز جیب
(ص ۵۹۸ ، س ۲۰)

ناظر است بمضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۶۲۴)

۶۵۱ - نی که اول دست یزدان مجید از دو عالم بیشتر عقل آفرید
(ص ۵۹۸ ، س ۲۲)

۱۰ مبتنی است بر حدیث معروف :

✓ إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلُ .

که بوجه و صور مختلف روایت شده است .

رجوع کنید به : اللآلئ المصنوعة ، ج ۱ ، ص ۱۲۹ - ۱۳۰ وافی فیض ، ج ۱ ،
ص ۱۷ - ۱۹ .

۱۵ ۶۵۲ - یا ابیت عنده ربی خواندی در دل دریای آتشی راندی
(ص ۶۰۰ ، س ۱۴)

اشاره است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۸۹)

۶۵۳ - جیفه اللیل است و بطلال النهار هر که او شد غره این طبل خوار
(ص ۶۰۱ ، س ۲۲)

۲۰ مقتبس است از حدیث ذیل :

كُنِيَ بِالْمَرْءِ نَقْصًا فِي دِينِهِ أَنْ يَكْثَرَ خَطَايَاهُ وَيَنْقُصَ جِلْمُهُ وَيَقِلَّ حَقِيقَتُهُ
جَيْفَةً بِاللَّيْلِ بَطَالٌ بِالنَّهَارِ كَسُولٌ هَلُوعٌ مُنَوَّعٌ رُتُوعٌ .

حلیة الاولیاء ، ج ۱ ، ص ۳۵۸ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۹۰

احادیث مشنوی

وعن طلحة رضي الله تعالى عنه قال انطلق رجل ذات يوم فزرع ثيابه
وترغ في الرمضاء فكان يقول لنفسه ذوق نار جهنم اشد حرّاً أجيفة بالليل
بطالة بالنهار .

احياء العلوم ، ج ٤ ، ص ٢٩١ اتحاف السادة المتقين ، ج ٨ ، ص ١١٧ با نقل
اقوال محدثين در بارة اين خبر .

لا أعرفن أحدكم جيفة ليل قطرب نهار .

نهاية ابن اثير ، ج ١ ، ص ١٩٣

و نیز سراج السائرین تألیف شیخ احمد جام نسخه خطی متعلق بکتابخانه
ملی ملک که این حدیث را در ذکر علائم منافقین آورده است .

۶۵۴ - کفر ایمان گشت و دیو اسلام یافت

آن طرف کان نور بی اندازه تافت

(ص ۶۰۲ ، س ۳)

مستفاد از حدیثی است که در ذیل شماره (۴۵۹) مذکور شد.

۶۵۵ - ز آنکه لولا کست بر توقیع او جمله در انعام و در توزیع او

(ص ۶۰۲ ، س ۱۷) ۱۵

اشاره است بحديث : لولاك لما خلقت الافلاك - که در ذیل شماره (۵۴۶) ✓

مذکور است .

۶۵۶ - از ضمیر او بدانست آن خلیل هم ز نور دل بلی نعم الدلیل

(ص ۶۰۳ ، س ۱۴)

مستفاد است از مضمون خبر : اتقوا فراسة المؤمن فانه ينظر بنور الله - ۲۰

که در ذیل شماره (۳۳) نقل کردیم .

۶۵۷ - فردی ما جفتی ما نر هواست جان ما چون مهره در دست خداست

(ص ۶۰۳ ، س ۱۹)

دفتر ششم

مستفاد است از مضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۱۳)

۶۵۸ - چون مراد و حکم یزدان غفور

بود در قدمت تجلی و ظهور

(ص ۶۰۳ ، س ۲۷)

ناظر است بمضمون روایتی که در ذیل شماره (۷۰) ذکر کردیم .

۶۵۹ - تو دو قلّه نیستی یک قلّه یی غافل از قصّه عذاب ظله یی

(ص ۶۰۴ ، س ۱۰)

تعبیر : دو قلّه - مأخوذ است از خبر مذکور در ذیل شماره (۱۶۴)

۶۶۰ - هر ولی را نوح و کشتی بان شناس

صحبت این خلق را طوفان شناس

(ص ۶۰۵ ، س ۱۳)

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۳۳۴)

۶۶۱ - بهر این گفت آن خداوند فرج حدّثوا عن بحرنا اذ لا حرج

(ص ۶۰۵ ، س ۲۷)

۱۵ جمله : حَدِّثْ عَنِ الْبَحْرِ وَ لَا حَرَجَ - مثلست و نظیر آن حدیث ذیل است :

يَلْبَغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً وَ حَدِّثُوا عَنِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَا حَرَجَ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۲۵ و با حذف صدر خبر ص ۱۴۶ نهایت ابن اثیر ، ج ۱ ،

ص ۲۱۳ کنوز الحقائق ، ص ۵۶ .

۶۶۲ ۲۰ - چشمه راحت برایشان شد حرام میخورند از زهر قاتل جام جام

(ص ۶۰۶ ، س ۱۲)

ظاهراً مستفاد است از مضمون این روایت :

الدُّنْيَا حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ اللَّهِ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۶

۶۶۳ - نرد بس نادر ز رحمت باخته

عین کفران را انا بت ساخته

هم از این بد بختی خلق آن جواد

منفجر کرده دو صد چشمه و داد

(ص ۶۰۶، س ۱۶)

مناسبت دارد با مفاد حدیثی که در ذیل شماره (۹۵) یاد کردیم.

۶۶۴ - دیو حرص و آرزو مستعجل تکی

۱۰ بی تأمل جست و بی آهستگی

(ص ۶۰۶، س ۲۴)

مبتنی است بر خبر مذکور در ذیل شماره (۲۷۱)

۶۶۵ - تا سحر جمله شب آن شاه علی

خود هم میگوید الست و خود بلی

۱۵ (ص ۶۰۶، س ۲۹)

ظاهراً ناظر است بخبر ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُمَهِّلُ حَتَّى إِذَا كَانَ ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ نَزَلَ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا
فَنَادَى هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ هَلْ مِنْ تَائِبٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ هَلْ مِنْ دَاعٍ حَتَّى
يَنْفَجِرَ الْفَجْرُ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۷۷ و با اختلاف در تعبیر احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۱۵

۶۶۶ - ور نماند آب آیم ده ز عین

همچو عینین نبی هطالتین

(ص ۶۰۷، س ۲۰)

اشاره بحديث ذیل است :

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَيْنَيْنِ هَاطَتَيْنِ تَشْفِيَانِ الْكَلْبَ بِذُرُوفِ الدَّمْعِ مِنْ خَشْيَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ الدُّمُوعُ دَمًا وَالْأَضْرَاسُ جُمْرًا .

حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۱۹۶ احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۱۸ جامع صغیر، ج ۱، ص ۵۹ نهایه ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۵۰ اتحاف السادة المتقین، ج ۷، ص ۲۱۴ باتحقیق درسند و طرق روایت .

۶۶۷ - بیشتر اصحاب جنت ابله‌ند تا ز شر فیلسوفی میرهند
(ص ۶۰۸، س ۱۱)

مستفاد است از مضمون روایت مذکور در ذیل شماره (۳۰۳)

۱۰ - ۶۶۸ - الکیاسه و الادب لاهل المدر
الضیافه و القرى لاهل الوبر
الضیافه للغریب و القرى
اودع الرحمن فی اهل القرى
(ص ۶۰۹، س ۴)

۱۵ مأخوذ است از روایت :

الضیافه علی اهل الوبر و لیست علی اهل المدر .
جامع صغیر، ج ۲، ص ۵۲ کنوز الحقائق، ص ۷۸
و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۴۸) گوید : لا اصل له .

۶۶۹ - آن دو گفتندش ز قسمت در گذر
گوش کن قسام فی النار از خبر
(ص ۶۰۹، س ۱۰)

مقصود این روایت است :

القسام فی النار .
المنهج القوى، ج ۶، ص ۳۴۳ شرح بحر العلوم، ج ۶، ص ۱۵۱

احادیث مثنوی

۶۷۰ - هیچ کافر را بخواری منگريد

که مسلمان مردنش باشد امید

چه خبر داری ز ختم عمر او

تا بگردانی از او یکباره رو

(ص ۶۱۰، س ۳)

۵

مبتنی است بر حدیث ذیل :

النَّاسُ أَرْبَعَةٌ أَقْسَامٍ مِنْهُمْ مَنْ يُولَدُ كَافِرًا وَيَمُوتُ مُؤْمِنًا وَمِنْهُمْ مَنْ
يُولَدُ كَافِرًا وَيَحْيِي كَافِرًا وَيَمُوتُ كَافِرًا وَمِنْهُمْ مَنْ يُولَدُ مُؤْمِنًا وَيَحْيِي مُؤْمِنًا
وَيَمُوتُ كَافِرًا وَمِنْهُمْ مَنْ يُولَدُ مُؤْمِنًا وَيَحْيِي مُؤْمِنًا وَيَمُوتُ مُؤْمِنًا .

المنهج القوی، ج ۶، ص ۳۴۷، ۱۰

و ممکن است اشاره بدین روایت باشد :

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ عَمَلًا أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي مَا يَبْدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ
النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ عَمَلًا أَهْلَ النَّارِ فِي مَا يَبْدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ
أَهْلِ الْجَنَّةِ .

۱۵ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمَنَ الْأَوَّلَ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُخْتَمُ لَهُ عَمَلُهُ بِعَمَلِ
أَهْلِ النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمَنَ الْأَوَّلَ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ ثُمَّ يُخْتَمُ لَهُ عَمَلُهُ بِعَمَلِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۷۸

۶۷۱ - که اکابر را مقدم داشتن آمده است از مصطفی اندر سمن

(ص ۶۱۰، س ۱۱) ۲۰

مقصود خبریست که در ذیل شماره (۳۷۸) مذکور افتاد .

دفتر ششم

۶۷۲ - درگذر از فضل و از جلدی و فن

کار خدمت دارد و خلق حسن

(ص ۶۱۱ ، س ۱۷)

مناسب است با مضمون خبر ذیل :

۵. إِنَّ الرَّجُلَ لَيُدرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الْقَائِمِ بِاللَّيْلِ الظَّامِ بِأَلْهَوِ اجْرِ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۷۹

ان الرجل لیدرک بالحلم درجة الصائم القائم .

حلیة الاولیاء، ج ۸، ص ۲۸۹ کنوز الحقائق، ص ۲۹

۶۷۳ - این معاین هست ضد آن خبر که بشر برشته آمد این بشر

(ص ۶۱۳ ، س ۹)

اشاره است بحديث : لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ - که در ذیل شماره (۳۲۵)

آورده ایم.

۶۷۴ - چون طمانینه است صدق با فروغ

دل نیارآمد بگفتار دروغ

(ص ۶۱۳ ، س ۷)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۷۱)

۶۷۵ - گفت الصدقة مردّ للبلاء داو مرضاک بصدقه یافتی

(ص ۶۱۳ ، س ۱۴)

اشاره بخبر ذیل است :

۲۰. الصَّدَقَةُ تَمْنَعُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ .

و نیز بخبر :

دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ.

رجوع کنید به : جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۷ و ج ۲، ص ۱۳، ۴۸ - ۴۹

احادیث مشهوری

و کنوز الحقائق ، ص ۷۶ وافی فیض ، ج ۶ ، ص ۵۳ - ۵۵ مستدرک الوسائل ، ج ۱ ، ص ۵۲۸-۵۳۰ سفینه البحار ، ج ۲ ، ص ۲۳ که احادیث بسیار نزدیک بدین مضمون روایت کرده اند .

۶۷۶ - نفع و ضرر هر یکی از موضع است

۵ علم از این رو واجب است و نافع است
(ص ۶۱۳ ، س ۱۹)

اشاره است بحديث :

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ .
که بوجوه مختلف روایت شده است .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۵۳ ۱۰

۶۷۷ - بهر این کرده است منع آن باشکوه

از ترهب و از شدن خلوت بکوه

(ص ۶۱۴ ، س ۱)

مراد حدیثی است که در ذیل شماره (۵۹۸) ذکر شده است .

۶۷۸ - رازگویان با زبان و بی زبان الجماعه رحمه را تأویل دان ۱۵

(ص ۶۱۴ ، س ۱۴)

رجوع کنید بذیل شماره (۷۶)

۶۷۹ - هادی راهست یار اندر قدوم

مصطفی ز این گفت اصحابی نجوم

۲۰ (ص ۶۱۴ ، س ۱۷)

مقصود آن خبر است که در ذیل شماره (۸۷) توان دید .

۶۸۰ - نیست زر غبا طریق عاشقان

سخت مستقی است جان صادقان

نیست زر غبا طریق ماهیان

۲۵ ز آنکه بی دریا ندارند انس جان

(ص ۶۱۵ ، س ۹)

اشاره بدین حدیث است :

يَا أَبَا هُرَيْرَةَ زُرْ غِيًّا تَرَدَّدْ حُبًّا .

حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۳۲۲ جامع صغیر، ج ۲، ص ۲۶ کنوز الحقائق باتعبیر:
یا اباذر - ص ۱۶۷ نهایه ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۴۶ .

۶۸۱ - هر یکی اشتر بود این دو در / پس چه زر غیا بگنجد این دو را
هیچکس باخویش زر غیا نمود / هیچکس با خود بنوبت یار بود
(ص ۶۱۵ ، س ۱۴)

رجوع کنید بذیل شماره (۶۸۰)

۶۸۳ - بی نیازی از غم من ای امیر / ده زکاة جاه و بنگر در فقیر
(ص ۶۱۵ ، س ۲۴)

مبتنی است بر حدیث :

زَكَاةُ الْجَاهِ إِغَاثَةُ الْفَقِيرِ .

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۴۰) آنرا جزو موضوعات آورده است .

۶۸۴ - آن دهد حقشان که لایعین رأت / گان نگنجد در زبان و در لغت
(ص ۶۱۶ ، س ۱)

اشاره است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۲۶۴)

۶۸۴ - آن دلیل قاطعی بد بر فساد

و از قضا آن را نکرد او اعتداد

در گذشت از وی نشانی آن چنان

که قضا در فلسفه بود آن زمان

(ص ۶۱۷ ، س ۱۰)

مستفاد است از مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۹) ذکر نمودیم .

احادیث مشنوی

۶۸۵ - سعد دیدی شکر کن و ایشار کن

نحس دیدی صدقه و استغفار کن

(ص ۶۱۷، س ۲۴)

ناظر است بحديث ذیل :

۵. إِذَا أَصْبَحْتَ فَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ يَذْهَبُ عَنْكَ نَحْسُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَإِذَا
أُمْسَيْتَ فَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ يَذْهَبُ عَنْكَ نَحْسُ تِلْكَ اللَّيْلَةِ.

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۵۳۳

۶۸۶ - سر الناس معادن داد دست که نبی آن را پی چه گفته است

(ص ۶۱۸، س ۱۸)

۱۰. اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۱۵۹)

۶۸۷ - همچو احمد که برد بو از یمن زان نصیبی یافت این یمنی من

(ص ۶۱۸، س ۲۱)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۳۵)

۶۸۸ - ازالم نشرح دو چشمش سرمه یافت

۱۵. دید آنچه جبرئیلش بر نتافت

(ص ۶۱۹، س ۹)

اشاره بخبريست که در ذیل شماره (۴۴۵) نقل نمودیم.

۶۸۹ - پس نبیند جمله را باطم و رم حبك الاشياء یعمی و یضم

(ص ۶۱۹، س ۱۵)

۲۰. این حدیث را در ذیل شماره (۶۲) بجوید.

۶۹۰ - منظر حق دل بود در دو سرا که نظر بر شاهد آید شاه را

(ص ۶۱۹، س ۱۹)

مبتنی است بر حدیثی که در ذیل شماره (۱۵۰) آورده ایم.

دفتر ششم

۶۹۱ - پس از آن لولاك گفت اندر لقا در شب معراج شاهد باز ما
(ص ۶۱۹، س ۲۰)

رجوع کنید بذیل شماره (۵۴۶)

۶۹۲ - و آن گلی کز رش حق نوری نیافت

صحبت گل‌های پر در بر نداشت

(ص ۶۲۰، س ۲۴)

مقتبس است از مضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۱۴)

۶۹۳ - چشم غره شد بخضرای دمن عقل گوید بر محاک ماش زن
(ص ۶۲۱، س ۱۳)

۱۰. اشاره است بحديث: إِيَّاكُمْ وَخَضْرَاءَ الدِّمَنِ - که در ذیل شماره (۱۱۱) مذکور است.

۶۹۴ - نی نبی فرمود جود و محمده شاخ جنت دان بدنی... آمده
(ص ۶۲۱، س ۲۷)

مراد آن حدیث است که در ذیل شماره (۱۳۵) نقل شده است.

۱۵ ۶۹۵ - پس توهم الجار ثم الدار گو گری دلی داری برو دلدار جو
(ص ۶۲۲، س ۱۲)

اقتباسی از این حدیث است:

أَجَارُ قَبْلَ الدَّارِ وَ الرَّفِيقُ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ الزَّادُ قَبْلَ الرَّحِيلِ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۳ کنوز الحقائق، ص ۵۵

۲۰ که: الجار ثم الدار - هم روایت شده است.

مجمع الامثال، ص ۱۴۵

۶۹۶ - ز این حکایت کرد آن ختم رسل

از ملیک لا یزال لم یزل

احادیث مشنوی

که ننگجیدم در افلاک و خلا

در عقول و در نفوس با هدی

در دل مؤمن بنگجیدم چو ضیف

بی ز چون و بی چگونه بی ز کیف

۵ (ص ۶۲۴، س ۱۰)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۶۳) آمده است.

۶۹۷ - آدم اصطرلاب گردون علوست وصف آدم مظهر آیات اوست

(ص ۶۲۵، س ۲۹)

اشاره است بحديث : ان الله خلق آدم علي صورته - که در ذیل شماره

۱۰ (۳۴۶) نقل نمودیم.

۶۹۸ - ما رمیت اذ رمیت خواجه است دیدن او دیدن خالق شده است

(ص ۶۲۷، س ۲)

مستفاد است از مضمون حدیث مذکور در ذیل شماره (۱۶۳)

۶۹۹ - شکر او شکر خدا باشد یقین چون باحسان کرد توفیقش قرین

۱۵ (ص ۶۲۸، س ۱۹)

مبتنی است بر حدیث ذیل که بوجه مختلف روایت شده است :

أَشْكُرُ النَّاسَ لِلَّهِ أَشْكُرُهُمْ لِلنَّاسِ، أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ أَشْكُرُكُمْ لِلَّهِ، أَشْكُرُكُمْ

لِلَّهِ أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۲ کنوز الحقائق، ص ۱۳

۷۰۰ - ترک شکرش ترک شکر حق بود حق او لا شک بحق ملحق بود

(ص ۶۲۸، س ۲۰)

مستفاد است از این خبر :

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۰ و با تفاوت اندک ص ۱۸۲ کنوز الحقائق، ص ۱۳۴

دفتر ششم

۷۰۱ - در قیامت بنده را گوید خدا

هین چه کردی آنچه دادم من ترا

گوید ای رب شکر تو کردم بجان

چون ز تو بود اصل آن روزی و نان

گویدش حق نه نکردی شکر من

چون نکردی شکر آن اکرام فن

بر کریمی کرده بی حیف و ستم

نی ز دست او رسید این نعمتم

(ص ۶۲۸ ، س ۲۲ بعد)

۱۰. اشاره بخبر ذیل است :

يُؤْتِي عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَأْمُرُ بِهِ
إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ أَمَرْتُ بِإِلَى النَّارِ وَقَدْ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَيَقُولُ اللَّهُ
أَيُّ عَبْدِي إِنِّي أَنْعَمْتُ عَلَيْكَ وَلَمْ تَشْكُرْ نِعْمَتِي فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ
بِكَذَا فَشَكَرْتُكَ بِكَذَا وَأَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِكَذَا فَشَكَرْتُكَ بِكَذَا فَلَا يَزَالُ يُحْصِي
النِّعَمَ وَيُعَدُّ الشُّكْرَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى صَدَقْتَ عَبْدِي إِلَّا أَنَّكَ لَمْ تَشْكُرْ
مَنْ أَجَرَيْتُ لَكَ نِعْمَتِي عَلَى يَدَيْهِ وَإِنِّي قَدْ آتَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ لَا أَقْبَلَ
شُكْرَ عَبْدٍ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمْتُهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَشْكُرَ مَنْ سَأَقَهَا مِنْ خَلْقِي إِلَيْهِ .

سفينة البحار، ج ۱، ص ۷۱۰

شرح خواجه ایوب با تفاوتی در اسلوب .

صد چو حاتم گاه ایثار نعم

۷۰۲ - واحد کالاف در بزم کرم

(ص ۶۲۹ ، س ۱)

رجوع کنید بذیل شماره (۵۸۸)

- ۷۰۳ - مصطفی فرمود که خود هر نبی کرد چوپانیش بر نا یاصبی
بی شبانی کردن و آن امتحان حق ندادش پیشوایی جهان
تا شود پیدا وقار و صبرشان کردشان پیش از نبوت حق شبان
گفت سائل که تو هم ای پهلوان گفت من هم بوده ام دیری شبان
(ص ۶۲۹ ، س ۱۱ بعد)

مقصود خبر ذیل است :

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ﷺ) قَالَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا رَعَى الْغَنَمَ
فَقَالَ أَصْحَابُهُ وَأَنْتَ فَقَالَ نَعَمْ كُنْتُ أَرْعَاهَا عَلَى قَرَارِيطٍ لِأَهْلِ مَكَّةَ .

بخاری ، ج ۲ ، ص ۲۲ ، ۱۰

عن جابر بن عبد الله قال كنا مع النبي (ﷺ) ببر الظهران ونحن
نحني الكباش فقال النبي (ﷺ) عليكم بالأسود منه قال فقلنا يا رسول الله
كانك رعيت الغنم قال نعم وهل من نبي إلا وقد رعاها .

مسلم ، ج ۶ ، ص ۱۲۵ بخاری ، ج ۳ ص ۱۹۴ ربيع الابرار ، باب الشجر
و النبات .

۱۵

ما بعث الله نبياً الا راعي غنم .

كنوز الحقائق ، ص ۱۱۷

۷۰۴ - آنچنانکه یوسف از زندانی با نیازی خاضعی سعادانی

(ص ۶۳۲ ، س ۸)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران) .

ص ۲۱۵ .

۷۰۵ - چشم سید چون با آخر بود جفت

پس بدان دیده جهان را جیفه گشت

(ص ۶۳۳ ، س ۲۰)

مقصود این روایت است :

الدُّنْيَا جَيْفَةٌ وَطُلَّابُهَا كِلَابٌ.

شرح بحر العلوم، ج ۶، ص ۱۹۵ المنهج القوی، ج ۶، ص ۴۷۸ و با مختصر تفاوت منسوبست بعلی بن الحسین علیه السلام محاضرات راغب چاپ مصر ۱۳۲۶، ج ۱، ص ۲۱۵.

۷۰۶ - زاین سبب درخواست از حق مصطفی

زشتها را زشت و حق را حق نما

(ص ۶۳۴، س ۱۰)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۱۶) ذکر شد.

۱۰ ۷۰۷ - مکر حق سر چشمه این مکرهاست

قلب بین الاصبغین کبریاست

(ص ۶۳۴، س ۱۲)

اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۱۳)

۷۰۸ - ما چو واقف گشته ایم از چون و چند

مهر بر لبهای ما بنهاده اند

۱۵

تا نگردد رازهای غیب فاش

تا نگردد منهدم نظم معاش

(ص ۶۳۴، س ۲۱)

مناسبت دارد با مفاد این خبر :

۲۰ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَنْتُمْ لَأَقُونَ بَعْدَ الْمَوْتِ مَا أَكَلْتُمْ طَعَامًا عَلَىٰ شَهْوَةٍ أَبَدًا

وَلَا شَرِبْتُمْ شَرَابًا عَلَىٰ شَهْوَةٍ أَبَدًا وَلَا دَخَلْتُمْ بَيْتًا تَسْتَظِلُّونَ بِهِ وَلَا مَرَرْتُمْ

إِلَى الصُّمَدَاتِ تَلْدُمُونَ صُدُورَكُمْ وَتَبْكُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۲۹

۷۰۹ - در بیوع آن کن تو از خوف غرار

که نبی آموخت سه روز اختیار

(ص ۶۳۵، س ۱۱)

۲۵

احادیث مشنوی

رجوع کنید بذیل شماره (۲۷۰)

۷۱۰ - گشته باشد همچو سگ فی را اکل

مسترد نجلسه از قول رسول

(ص ۶۳۵، س ۱۴)

مقصود این خبر است که بوجوه متعدّد نقل میشود:

الْعَائِدُ فِي هَبْتِهِ كَالْكَلْبِ يَقْبِئُ ثُمَّ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ .

بخاری، ج ۲، ص ۵۹ مسلم، ج ۵، ص ۶۵

العائد في صدقته كالعائد في قيئه .

بخاری، ج ۱، ص ۱۷۱ مسلم، ج ۵، ص ۶۴ با مختصر تفاوت جامع صغیر،

ج ۲، ص ۶۶ .

أَمَّا مِثْلَ الَّذِي يَتَصَدَّقُ بِصَدَقَةٍ ثُمَّ يَعُودُ فِي صَدَقَتِهِ كَشَلِّ الْكَلْبِ يَقْبِئُ

ثُمَّ يَأْكُلُ قَيْئَهُ .

مسلم، ج ۵، ص ۶۴ جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۷ با اختلاف در تعبیر .

۷۱۱ - تابعتی شاه مصطفی شاه نجاح السّماح یا اولى النعمی رباح

(ص ۶۳۵، س ۲۶) ۱۵

مراد این خبر است :

السَّاحُ رِبَاحٌ وَالْعُسْرُ شَوْمٌ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۳۷ کنوز الحقائق، ص ۷۲ نهایه ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۸۰

عليك باول السوم فان الربح مع السّماح .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۶۱ کنوز الحقائق، ص ۸۱ ۲۰

۷۱۲ - ما نقص مال من الصدقات قط أَمَّا الْخَيْرَاتُ نَعْمُ الْمُرْتَبِطُ

(ص ۶۳۵، س ۲۷)

اشاره است بدین حدیث:

مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ.

مسند احمد، ج ۲، ص ۲۳۵؛ ۳۸۶ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۵۲ و با تفصیل
بیشتر مسند احمد، ج ۱، ص ۱۹۳ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۴، ۱۳۶ و با اندک
اختلاف مسند احمد، ج ۴، ص ۲۳۱ کنوز الحقائق، ص ۱۱۹ نیز احیاء العلوم،
ج ۲، ص ۱۳۶، ج ۳، ص ۱۲۵.

۷۱۴ - این زکات کیسه ات را پاسبان

آن صلات هم ز گرفتارانت شبان

(ص ۶۳۵، س ۲۸)

۱۰. مستفاد است از خبر ذیل:

حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ.

حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۱۰۴، ج ۴، ص ۲۳۷ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۷
کنوز الحقائق، ص ۵۷.

۷۱۴ - عاریه است این کم همی باید فشارد

کافچه بگرفتی همه باید گزارد

(ص ۶۳۶، س ۱۹)

اشاره است بدین خبر:

الْعَارِيَةُ مُوَدَّاةٌ وَالْمِنْحَةُ مَرْدُودَةٌ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۶۷ کنوز الحقائق، ص ۸۴ حلیة الاولیاء، ج ۹، ص ۱۶۳
۲۰. بحذف دیل خبر.

۷۱۵ - زان لقب شد خاك را دار الغرور

که کشد پا را سپس يوم العبور

(ص ۶۳۷، س ۲۰)

تعبیر: دار الغرور - مقتبس است از خبری که در ذیل شماره (۴۱۲) ذکر

۲۵ کردیم.

احادیث‌مثنوی

۷۱۶ - دیو اگر عاشق شود هم گوی برد

جبرئیلی گشت و آن دیوی بمرّد

اسلم الشیطان اینجا شد بدید

که یزیدی شد ز فضلش با یزید

۵ (ص ۶۳۸، س ۲۰)

اشاره بروایتی است که در ذیل شماره (۴۵۹) ذکر شد.

۷۱۷ - رغبتی زان منع در دلشان برست

که بپاید سرّ آن را باز جست

کیست کز ممنوع گردد ممتنع

۱۰ چونکه الانسان حریص ما منع

(ص ۶۳۸، س ۲۵)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۶۰)

۷۱۸ - چاهها کنده برای دیگران

خویش را دیده فتاده اندران

(ص ۶۳۹، س ۱۰)

۱۵ مقتبس است از مضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۳۲)

۷۱۹ - چون شدند از منع و نهیش گرم تر

سوی آن قلعه بر آوردند سر

(ص ۶۴۰، س ۲)

مبتنی است بر مضمون حدیث مذکور در ذیل شماره (۲۶۰)

۷۲۰ - من صمت منکم نجا بدیاسه اش

خامشان را بود کیسه و کاسه اش

(ص ۶۴۲، س ۱۸)

اشاره بحدیث ذیل است :

مَنْ صَمَتَ نَجَا.

مسند احمد، ج ۲، ص ۱۵۹، ۱۷۷ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۸۰ جامع صغیر،

دفتر ششم

ج ۲، ص ۱۷۴ کنوزالحقائق، ص ۱۳۰.

۷۲۱ - سرّ موتوا قبل موت این بود کز پی مردن غنیمتها رسد
(ص ۶۴۳، س ۳)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۵۲)

۷۲۲ - يك عنایت به ز صدگون اجتهاد
جهد را خوفست از صدگون فساد
(ص ۶۴۳، س ۴)

اشاره است بروایت مذکور در ذیل شماره (۳۶۰)

۷۲۳ - ذره یی سایه عنایت بهتر است از هزاران کوشش طاعت پرست
(ص ۶۴۳، س ۲۴)

۱۰

رجوع کنید بذیل شماره (۳۶۰)

۷۲۴ - نوم عالم از عبادت به بود آنچنان علمی که مستنبه بود
(ص ۶۴۳، س ۲۹)

مستفاد است از این خبر :

۱۰ نَوْمٌ عَلَىٰ عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ عَلَىٰ جَهْلٍ .
حلیة الاولیاء، ج ۴، ص ۳۸۵ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۷ کنوز الحقائق،
ص ۱۴۰.

۷۲۵ - کان رسول حق بگفت اندر بیان
اینکه منهومان همالا یسبعان

۲۰ طالب الدنیا و توفیراتها
طالب العلم و تدبیراتها
(ص ۶۴۴، س ۷)

روایت ذیل مراد است :

مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا .

نهایه ابن اثیر ، ج ۴ ، ص ۱۸۷ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۳ فتوحات مکیه ، ج ۲ ، ص ۲۵۹ و در نهج البلاغه منسوبست بامیر مؤمنان علی علیه السلام .
شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۰۴ .

۵

منهومان لا يشبعان منهوم العلم و منهوم المال .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۸۵ شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۰۴

۷۲۶ - شرم دارم از رسول ذوفنون

البسوهم گفت ممّا تلبسون

۱۰

مصطفی کرد این وصیت با بنون

اطعموا الاذناب ممّا تأكلون

(ص ۶۴۶ ، ص ۶)

مقصود این خبر است :

أَرْقَاءُكُمْ أَرْقَاءُكُمْ أَطْعَمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ وَ أَلْبَسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ فَإِنْ

۱۵

جَاؤُوا بِذَنْبٍ لَا تُرِيدُونَ فَيُعْوَا عِبَادَ اللَّهِ وَ لَا تُعَذِّبُوهُمْ .

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۳۶ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۳۸ و با حذف صدر و ذیل خبر مسلم ، ج ۸ ، ص ۲۳۲ .

هم اخوانكم جعلهم الله تحت ايديكم فاطعموهم ممّا تأكلون و البسوهم

مما تلبسون و لا تكلفوهم ما يغلبهم فان كلفتموهم فاعينوهم .

۲۰

مسلم ، ج ۵ ، ص ۹۳ مسند احمد ، ج ۵ ، ص ۱۶۱ با اختلاف مختصر .

نیز رجوع کنید به : احیاء العلوم ، ج ۲ ، ص ۱۴۸ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۶

۷۳۷ - تیغ هست از جان عاشق گردد روب

زانکه سیف افتاد محّاء الذنوب

(ص ۶۴۹ ، ص ۳)

دفتر ششم

مقتبس است از حدیث ذیل :

إِنَّ السَّيْفَ مَحَاءُ الْخَطَايَا .

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۱۹۵ اللؤلؤ المرصوع ، ص ۶۸

لا یر السیف بذنب الایحاء .

کنوز الحقائق ، ص ۱۶۶

۷۳۸ - نی پیمبر گفت مؤمن مزهر است در زمان خالی ناله گر است
چون شود پر مطر بش بنهد زد دست پر مشو کآ سیب دست او خوش است
(ص ۶۵۲ ، س ۲۰)

مقصود خبر ذیل است :

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْمِزْمَارِ لَا يَجْسُنُ صَوْتُهُ إِلَّا بِجَلَاءِ بَطْنِهِ .

شرح خواجه ایوب ، شرح بحر العلوم ، ج ۶ ، ص ۲۲۵ المنهج القوی ، ج ۶ ، ص ۵۷۲ .

و غزالی در احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۶۱ این جمله را بابوطالب محمد بن
علی بن عطیه مکی (متوفی ۳۸۶) نسبت میدهد بدینصورت :

وقال ابوطالب المكي مثل البطن مثل المزهر (وهو العود المجوف
ذوالاوتار) انما حسن صوته لحفته ورقته ولانه اجوف غير ممتلي وكذلك
الاجوف اذا خلا كان اعذب للتلاوة و ادوم للقيام و اقل للنعاس .

نیز رجوع کنید به : اتحاف السادة المتقين ، ج ۷ ، ص ۳۹۳

۷۳۹ - خالی آی و باش بین الاصبغین کز می لا این سر مستست این
(ص ۶۵۲ ، س ۲۱)

رجوع کنید بنیل شماره (۱۳)

احادیث مشنوی

- ۷۳۰ - ای بسا مخلص که نالد در دعا تا شود دود خلوصش بر سما
 پس ملائک با خدا نالند زار کای مجیب هر دعا و ای مستجار
 بنده مؤمن تضرع می کند او نمیداند بجز تو مستند
 حق بفرماید که از خواری اوست عین تاخیر عطا یاری اوست
 خوش همی آید مرا آواز او و آن خدایا گفتن و آن راز او
 (ص ۶۵۲ ، س ۲۶ بیعد با اختصار)

مستفاد از این حدیث که بوجه مختلف روایت شده است :

- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى
 لِلْمَلَائِكِينَ قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَلَكِنْ احْبِسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أَحِبُّ صَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ
 لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَجِّلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أَبْغُضُّ صَوْتَهُ .
 ۱۰ وافی فیض ، ج ۵ ، ص ۲۲۹ و با اختلاف در تعبیر - سفینه البحار ، ج ۱ ، ص ۴۴۸

- ۷۳۱ - دل بیارامد ز گفتار صواب آنچنانکه تشنه آرامد ز آب
 (ص ۶۵۴ ، س ۱۷)

مستفاد است از مضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۱۷۱)

- ۷۳۲ - اندر این فسخ عزایم و آن همم ۱۵
 در تماشا بوده بر ره هر قدم
 (ص ۶۵۶ ، س ۲۵)

اقتباسی است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۱۳۳)

- ۷۳۳ - کاکم راع بدانند زان رمه که علف خوار است و که در ملجمه
 ۲۰ (ص ۶۵۷ ، س ۱۱)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۲۸۷) ذکر شد .

دفتر ششم

۷۳۴ - ز این سبب که علم ضالّه مؤمنست

عارف ضالّه خود است و موقنست

(ص ۶۵۹، س ۲۵)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۴۴)

۷۳۵ - آنچه بر تو خواه آن باشد پسند

بر دگر کس آن کن از رنج و گزند

(ص ۶۶۰، س ۱۴)

مستفاد است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۶۴۰)

۷۳۶ - ز این سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود و آن علی مولی نهاد

گفت هر کس را منم مولی و دوست ابن عم من علی مولای اوست

(ص ۶۶۰، س ۲۶)

مراد حدیث معروفیست که از طرق متعدد روایت شده است :

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِ الْإِهْ وَعَادِ مَنْ
عَادَاهُ .

۱۵ مسند احمد، ج ۴، ص ۲۸۱، ۳۷۰ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۰ کنوز الحقائق،
ص ۱۳۳ .

۷۳۷ - دلوها وابسته چرخ بلند دلو او در اصبعین زورمند

(ص ۶۶۱، س ۲۰)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۳)

۲۰ ۷۳۸ - ز آتش مؤمن از این رو ای صفی

می شود دوزخ ضعیف و منطقی

گویدش بگذر سبک ای محتشم

ورنه ز آتشی تو مرد آتشم

(ص ۶۶۲، س ۱۹)

احادیث منوی

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۳۴) نقل نمودیم .

۷۳۹ - شکر که مظلومی و ظالم نیی ایمن از فرعونى و هر فتنه یی
(ص ۶۶۵ ، س ۷)

مناسب است با مضمون حدیث : و من العصمة تعذر المعاصي - که در ذیل
شماره (۲۶۱) آورده ایم .

۵

۷۴۰ - گرچه باشد ریش و موی او سپید
هم در آن طفلی خوفست و امید
(ص ۶۶۵ ، س ۱۳)

ناظر است بنخبر ذیل :

۱۰ - مَنْ جَاوَزَ الْأَرْبَعِينَ وَلَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرَّهُ فَلْيَتَّبِعْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ .
المنهج القوى ، ج ۶ ، ص ۶۳۱

۷۴۱ - مر بشر را خود میا جامه درست

چون رهید از صبر در حین صدر جست

مر بشر را پنجه و ناخن میباد

۱۵ - کاه نه دین اندیشد آنگاه نه سداد

(ص ۶۶۶ ، س ۲۵)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۶۱)

۷۴۲ - هم در اول عجز خود را او بدید

مرده شد دین عجائز بر گزید

۲۰ (ص ۶۶۷ ، س ۲۴)

اشاره بدین حدیث است :

عَلَيْكُمْ بِدِينِ اعْجَازٍ .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۵۷ و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۵۱) آنرا موضوع

شمرده است .

رجوع کنید به : اتحاف السادة المتقين، ج ۷، ص ۳۷۶ که در باره این حدیث
بحثی مفید کرده و شواهدی بر صحت آن آورده است .

۷۴۳ - اگر معلم گشت این سگ هم سگست

باش ذات نفسه گاو بد رگست

(ص ۶۶۸ ، س ۱۵)

اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۲۷۹)

۷۴۴ - بیگمان خود هر زبان پرده دلست

چون بجنبد پرده رؤیت حاصلست

(ص ۶۶۹ ، س ۱۶)

مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۱۲۹) مذکور گردید .

۷۴۵ - دست بر دیک نوی چون زدفنی وقت بخیریدن بدید اشکسته را

(ص ۶۶۹ ، س ۲۳)

مقتبس است از مفاد روایتی که در ذیل شماره (۲۰۷) نقل شده است .

بعون الله تعالی و توفیقه پایان رسید جمع و تدوین کتاب « احادیث مثنوی »

بخامه این بنده ضعیف بدیع الزمان فروزانفر ا صلح الله حاله و مآله بامداد روز شنبه

شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۴ شمسی مطابق چهاردهم رمضان ۱۳۷۴ هجری قمری در خانه

شخصی واقع در خیابان بهار از محلات شمالی طهران .



فهرست آیات

ان اولی الناس بابراهيم للدين اتبعوه وهذا النبي . ص ۱۸۶

ان منكم الا واردها . ص ۱۸۶

لا عذبه عذاباً شديداً . ص ۱۵۷

لا يحيق المكر السيئ الا بأهله . ص ۱۴

والله يدعو الى دار السلام . ص ۹۱

يوم تبدل الارض غير الارض . ص ۱۳۸

فهرست احادیث

۱۸۶	آل محمد کل تقی
۵۸	ابغض الحلال الى الله الطلاق
۸۸	ایست عند ربی
۷۳	اتق شر من احسنت اليه
۱۵۸	اتقوا الدنيا
۱۳۷	اتقوا السحارة
۱۳	اتقوا الظلم
۱۴	اتقوا ظنون المؤمنین
۱۴ - ۲۰۳	اتقوا فرائسة المؤمن
۴۸	أتى النبى بفرس معروفى
۱۱۲	اجد نفس ربكم من قبل الیمن
۲۰۰	احب لایک المسلم ما تحب لنفسك
۱۳۷	احذروا الدنيا فانها اسحر
۵۵	احذروهم فانهم جواسیس
۱۲۳	الاحمق عدوى
۶۵	اخروهن
۱۳	اذا اراد الله انفاذ قضائه
۱۱	اذا اراد الله قبض
۲۱۱	اذا اصبحت فتصدق

فهرست احاديث

١٠٤	اذا بكى اليتيم اهتز العرش
١٥٠	اذا بلغكم عن رجل حسن حال
٦٨	اذا بلغ الماء قلتين
١٦٧	اذا تاب العبد انسى الله
١٠٥	اذا تقدم اليك خصمان
٤٨	اذا حضرتم موتاكم فأغمضوا ...
١٣٥	اذا دخل النور القلب انشرح
١١٤	اذا ضرب احدكم فليجتنب الوجه
١١٤	اذا قاتل احدكم اخاه
٧٨	اذا قرأ بقرة و آل عمران جددنا
١٤٠	اذا قرأت آل حم
١١	اذا قضى الله لعبد
١٠٨	اذا كثرت ذنوب العبد
٤	اذا مدح الفاسق
٣٣	ارجع فصل
٧	ارحم من فى الارض
٧	ارحموا ترحموا
١٥٦	ارحموا ثلاثة
٢١	ارحنايا بلال
١٣٨	الارض من فضة و الجنة من ذهب
٢٢١	ارقاءكم ارقاءكم اطعموهم مما تأكلون
٥٢	الارواح جنود مجندة

فهرست احادیث

۱۸۸	استفت قلبك
۳	استعينوا على اموركم بالکتمان
۳	استعينوا على انجاح الحوائج
۱۳۹	استغفر الله في اليوم سبعين مرة
۹۷	اشتدې ازمة تنفر جي
۱۶	اشد كم املككم لنفسه
۱۰۷	اشد الناس بلاء الانبياء
۲۱۳	اشكر الناس لله اشكرهم للناس
۲۱۳	اشكر كم لله
۲۱۳	اشكر كم للناس
۱۷۸	اصحابه كانما على رؤوسهم الطير
۳۵ - ۱۹	اصحابي كالنجوم
۲۷	اضمنوا لى ستا
۱۲۴	اُطت السماء و حق لها ان تنط
۲۲۱	اطعموهم مما تأكلون
۵۴ - ۵۳	اطفأ نورك نارى
۲۰	اطلبوا الخير
۱۶۸	اطلبوا الرزق فى خبايا الارض
۶۳	اعجبوا لهذا الانسان ينظر بشحم
۹۳	اعددت لعبادى الصالحين ما لا عين رأت
۹	اعدى عدوك نفسك
۱۰۶ - ۲	اعرفوا الله بالله
۱۰	اعقلها و توكل

فهرست احاديث

١٨٤ - ٧٩	اعملوا فكل ميسر لما خلق له
١٠٥	افتقرت اليهود على احدى وسبعين فرقه
١٥	افضل الجهاد من جاهد نفسه
١٦٠	افضل الصدقه جهد المقل
١٠٣	اكثر اهل الجنة البله
٩٤	اكثروا من غراس الجنة
١٠٣	الا اخبركم باهل الجنة
١٦	الا ادلكم على اشدكم
١٠٤	الا ان اولياء الله لا يموتون
٧٣	الا ان الايمان يمان
٩٩	الا كلكم راع
١٣٠	الحقنى بالرفيق الاعلى
٤٨	الم تروا الانسان اذا مات شخص بصره
١٨	الله اغير
٩	الله الله فى الجهاد للانفس
١٣٢	اللهم اجرنى من النار
١٢٧	اللهم ارحمنى راحة الجنة
٢٠٦	اللهم ارزقنى عينين هطاليتين
١١٦	اللهم ارنا الحق
٤٥	اللهم ارنا الاشياء كما هى
٤٥	اللهم ارنى الدنيا كما تريها
١٣٠	اللهم اغفر لى وارحمنى
٣٣	اللهم انك عفوّ تحبّ العفو

فهرست احاديث

٢	اللهم انى اعوذ برضاك من سخطك
٦٠	اللهم اهد قومى
١٤٧	اللهم جنبنى الشيطان
١٧٣	اللهم ردّ علىّ على الشمس
١٥١	الهي اين اطلبك قال عند المنكسرة قلوبهم
١١٥	اما ان ربك يحب الحمد
١٦	اما النار فلا تمتلىء
١٤٩	امرت ان اتجاوز فى القول
٦٦	انا اولى بكل مؤمن من نفسه
٣٢	انا اولى الناس بعيسى
٩٥	الاناة من الله والعجلة من الشيطان
١١٠	انا سيد ولد آدم
٣٧	انا مدينة العلم
٩١	انا مع عبيد حين يذكرونى
٨٤	انزل القرآن على سبعة احرف
٦٢	الانسان سرى وانا سره
١٥	انصرفت من الجهاد الاصغر الى الجهاد الاكبر
١٢٩-٣٨	انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم
٧٠	انا معاشر الانبياء تنام اعيننا
١٠٢	ان آدم لمنجدل فى طينة
٩٢	ان ابن آدم لحريص على ما منع
٤١	ان احدكم مرآة اخيه
١٥٠	ان الاحمق ليصيب بحمقه

فهرست احاديث

١٥٨	ان الاسلام بدأ
١٣ - ٧٤	ان الله اذا اراد انفاذ امر
١٨٩	ان الله تبارك و تعالى لم يكتب علينا الرهبانية
١١٣	ان الله تعالى اصطفى من ولد ابراهيم
٤٧	ان الله انزل الداء و الدواء
٦	ان الله تعالى خلق خلقه في ظلمة
١٨	ان الله تعالى غيور
٢٦	ان الله تعالى لما خلق الخلق كتب بيده على نفسه
١٢٨	ان الله تعالى ليملى للظالم
٥٤	ان الله تعالى يجرب عبده بالبلاء
٢٠٥	ان الله تعالى يمهل حتى اذا كان ثلث الليل
١٠٨	ان الله تعالى يحمي عبده المؤمن
٤٢	ان الله جميل يحب الجمال
٧٢	ان الله حرم من المسلم
٤٧	ان الله حيث خلق الداء
١١٤ - ٢١٣	ان الله خلق آدم على صورته
١٦٨	ان الله خلق العقل فقال له اقبل
١١٤	ان الله خلق للجنة اهلا
١١٨	ان الله ركب في الملائكة عقلاً بلا شهوة
٥٩	ان الله لا ينظر الى صوركم
١٨٦	ان الله لم يعشني بالرهبانية
٤	ان الله ليغضب اذا مدح القاسق
٩١	ان الله يحب الابرار

فهرست احاديث

١٩٨	ان الله يلقن الحكمة
٢٢	ان امتي امة مرحومة
١٨٦	ان اولي الناس بالانبياء اعلمهم
٢٠٢	ان اول ما خلق الله العقل
١٢٨	ان بالمغرب باباً مفتوحاً للتوبة
٥٠	ان بين الله و بين خلقه سبعين الف حجاب
١٢١	ان الدنيا و الآخرة عدوان متفاوتان
٢٠٨	ان الرجل ليدرك بحسن خلقه درجة القائم بالليل
٣٨	ان الرجل ليندب ذنباً يدخل به الجنة
٢٠٧	ان الرجل ليعمل الزمن الطويل بعمل اهل النار
٢٠٧	ان الرجل ليعمل عمل اهل الجنة
٢٦	ان رحمتي تغلب غضبي
٤٨	ان الروح اذا عرج به يشخص البصر
٤٨	ان الروح اذا قبض تبعه البصر
٢٢٢	ان السيف مجاء الخطايا
١٩١	ان الشيطان ذئب الانسان
٢٢٣	ان العبد ليدعو و يقول الله
١٥١	ان العين لتدخل الرجل القبر
١٧	ان الغالب لهواه اشد من الذي يفتح المدينة
٨٨	ان الغضب من الشيطان
٩٤	ان في الجنة ما لا عين رأت
٨٣	ان للقرآن ظهراً و بطناً
٦	ان قلوب بني آدم كلها بين اصبعين

فهرست احاديث

٦	ان قلوب بنى آدم كلها بين اصبعين
٦٦	انكم تنهاقون على النار
١٦٤	انكم تموتون كما تنامون
١٨٦	انكم سترون ربكم
٢٠	ان لربكم فى ايام دهركم نفحات
٩٥	ان للشيطان لمة بابن آدم
١٢٩	ان لكم ان تحيوا فلا تموتوا
١٧٩	ان للمناققين علامات
١٨٠	ان لله تبارك و تعالى شراباً
٢٤	ان لله خلقاً يعرفون الناس بالتوسم
٥١	ان لله سبعاً و سبعين حجاباً
١٤٢ - ٥٠	ان لله سبعين الف حجاب
١٠٥	ان لله عبداً ليسوا بأنبياء لكن يغطهم النبيون
١٨٣	ان لله مائة رحمة
٧٧	ان لم تعلم من اين جئت
٨٤	انما انا لكم مثل الوالد
٥٨	انما خلقت الخلق ليربحوا
٨٠	انما سمى القلب من تقلبه
١٦	انما الصرعة الذى يملك نفسه
١٤٠	انما القبر روضة
٢١٧	انما مثل الذى يتصدق بصدقة ثم يعود
١٧	انما يبعث الناس على نياتهم
١٥٠	انما يداق الله العباد على قدر ما آتاهم من العقول

فهرست احاديث

٧	انما يدخل الجنة من يرجوها
٧	انما يرحم الله من عباده الرحماء
١٦٨	ان مفاتيح الرزق متوجهة نحو العرش
١٤٩	ان مع الدجال اذا خرج ماء و ناراً
٩٩	ان من البيان لسحراً
٩٩	ان من الشعر لحكمة
٥٣	ان المؤمن اذا وضع قدمه على الصراط تقول النار جزى المؤمن
٥٠	ان الناس لم يعطوا شيئاً خيراً من خلق حسن
٧٢	انه (اي عثمان بن عفان) دعا باناء فافرغ على كفيه ثلاث مرات
٨٤	ان هذا القرآن مأدبة الله
٨٠	ان هذا القلب كريشة بفلاة
١١٤	ان هذا المال خضر حلو
٣٣	ان هذه الامة مرحومة
١٣٩	انه ليغان على قلبي حتى استغفر الله
٧	انه من لا يرحم لا يرحم
٣٦	اني ايت بطعمني ربي
٧٣	اني لاجد نفس الرحمن من جانب اليمن
١٣٨	اني لاستغفرائه واتوب اليه في اليوم سبعين مرة
١٢٦	اني لم اوامر ان انقب على قلوب الناس
٨٦	اول رأى العاقل آخر رأى الجاهل
٢٠٢	اول ما خلق الله العقل
١١٣	اول ما خلق الله نوري
١٠٤	اولياء الله لا يموتون

فهرست احاديث

٨٥ - ٥٢	اوليائي تحت قبایي
٧٥	اهل الكفور هم اهل القبور
٧٣	الايمان يمان
٨	اين انت من صلاة الملائكة
٢١٢ - ٦٥ - ٤٣	اياكم وخضراء الدمن
١٦٩	اياكم و الطمع
٤٩	اياكم و اللو
١٥٦	اياكم و مجالسة الموتى
١٢٠	ايها النام للدينيا
١٥٨	بدأ الاسلام غريباً
١٨٢	برو آباءكم تبركم ابناؤكم
١١٨	بعثت انا و الساعة كهاتين
١٩١	بعثت بين يدي الساعة بالسيف
٦٤	بعثت داعياً و معلماً
١١٨	بعثت في نسم الساعة
٥٤	البلاء للولاء
٢٠٤	بلغوا عني و لو آية
٢	بهم عرفت ربك
١١٠	بينهما (اى بين السماء والارض) مسيرة خمسمائة سنة
٩٠	التاجر الجبان محروم
١٦٧	التائب من الذنب كمن لا ذنب له
١٤٥ - ٩٥	التأني من الله
٦٣	تبارك من خلقك فجعلك تنظر بشحم
١٣٥	التجا في عن دار الغرور

فهرست احاديث

٨٥	التحيات لله
٤٧	تداووا عباد الله
١٠	تذكر قبل الورد الصدير
١٢١	تحفة المؤمن الموت
١٤٢	تفكروا في خلق الله
٧٣	تفوح روائح الجنة من قبل قرن
٥٢	تقول النار للمؤمن جزيا مؤمن
٥١	تكلموا تعرفوا
١٠٢ - ٧٠	تنام عيناي و لا ينام قلبي
٩٧	التنفس في الرئة
٢١	توقوا البرد في اوله
٧٥	توكلوا على و اطلبوا الرزق مني
١٥٦	ثلاثة يرحمون
١٥٤	ثلاث مهلكات
١٣٣	ثم يقوم نبيكم رابعا فلا يشفع احد
٢١٢	الجار ثم الدار
٧٨	جد فينا
١١٩	جذبة من جذبات الحق توازي عمل الثقلين
٥٣	جز يا مؤمن
٦٩	جعلت لى الارض مسجداً و طهوراً
١١٣	جعلت معصية ابن آدم سبباً لعمارة
٤٨	جف القلم بما انت لاق (بما هو كائن)
٤١	الجلس الصالح خير من الوحدة
٣١	الجماعة رحمة

فهرست احاديث

١٥٧	الجنة تحت اقدام الامهات
١١٨	جواب الاحمق سكوت
١٤٨	الجوع طعام الحق
١١٦	حاسبوا اعمالكم قبل ان تحاسبوا
٦٨	حبب الى من دنياكم ثلاث
٦٨	حبب الى النساء والطيب
٢٥	حبك الشيء يعمى ويصم
١٢٦ - ٩٧	حب الوطن من الايمان
٥١	حقف الرجل مغبوء تحت لسانه
٢٠٤	حد ثوازن بنى اسرائيل ولا حرج
١٠	الحذر لا يغنى من القدر
٨٧	الحرب خدعة
٧٢	حرمة مال المسلم كحرمة دمه
١٠٣ - ٧٥	الحزم سوء الظن
٦٥	حسنات الابرار سيئات المقربين
٢١٨	حصنوا اموالكم بالزكاة
١٧٧	حفظ الغلام الصغير كالنقش فى الحجر
٥٩	حفت الجنة بالمكاره
٥٧	الحكمة ضالة المؤمن
٣٠	الحمية رأس الدواء
٥٤	الحياء من الايمان
٥٤	الحياء يمنع من الايمان
٤٣	خذ الحكمة انى كانت
١١٥	خلق الله آدم على صورته

فهرست احاديث

١١٣ - ١١٤	خلقت من نور الله
٧٢ - ٢٢ - ١٠	الخلق كلهم عيال الله
١٩٨	خمر طينة آدم
١	خمس بنخمس
٦٩	خير الامور اوساطها
٢٤	خير كم خير كم لاهله
٥٠	خير ما اعطى الرجل المؤمن خلق حسن
٤٩	خير ما اعطى الناس خلق حسن
٥٠	خير الناس احسنهم خلقاً
١٩٠	خير الناس انفعهم
١٤٤	دارهم ما دمت في دارهم
٢٤٨	داووا مرضاكم بالصدقة
١٥٠	دعامة المؤمن عقله
٦٥	دع ما يريبك الى ما لا يريبك
٣٥	دعوة في السر تعدل سبعين دعوة
٢١٦	الدنيا جيفة
٢٠٤	الدنيا حرام على اهل الاخره
٨١	الدنيا حلم
١٣	الدنيا ساعة
١١	الدنيا سجن المؤمن
١٤١	الدنيا كحلم النائم
١١	الدنيا لا تصفو لمؤمن
١١٢	الدنيا مزرعة الاخرة
٤٧	دواء الذنوب الاستغفار

فهرست احاديث

٩٨	الدين النصيحة
٢٠٣	ذوقى و نارجهنم اشد حرا
٥٥	ذهاب البصر مغفرة للذنوب
٦٠	رب اغفر لقومى
٣	رب ساع فى ما يضره
١٠٦ - ٩٦	رب سلم
٤٣	ربما اخرت عنك الاجابة
١١	رب مرتاح الى بلد
٩٧	الرحمة فى الكبد
٢٦	رحمتى سبقت غضبى
١٥٣	رد رسول الله على عثمان بن مظعون التبتل
١٦٩	الرزق يطلب العبد
٢١٠	زرغباً
٢١٠	زكاة الجاه اغانة اللهفان
٥٩	زملوهم بدمائهم
٧٦	سافروا تصحوا و تغنموا
١٩	سألت ربى فيما تختلف فيه اصحابى
١١٧	سألوه عن الساعة متى الساعة
٨	سبحان الله و بحمده
١٥٢ - ٢٦	سبقت رحمتى غضبى
٥٣	السخاء شجرة من اشجار الجنة
٣٥	السعيد من سعد فى بطن امه
٦٧	السعيد من وعظ بغيره
١٧	السلام قبل الكلام

فهرست احاديث

٢١٧	السماح رباح
٨٩	سوء القضا
٦٠	سيخرج ناس من النار قد احترقوا
٣٠	شاوروهن وخالفوهن
٩٨	الشجاع يعرف عند الحرب
٩٦	شعار المسلمين اللهم سلم سلم
٨٢	شفاقتي لاهل الكبائر من امتي
٣٥	الشقي من شقي في بطن امه
٥٦	الشمس و القمر ثوران
٨٢	الشيخ في بيته كالنبي في قومه
١٠	الصبر من اسباب الظفر
٢٠٨	الصدقة تمنع سبعين نوعاً من البلاء
١٢٣	صديق كل امرئ عقله
٩٤	الصوم يدق المصير
٢٠٦	الضيافة على اهل الوبر
١٦٨	طلب الحلال واجب
٢٠٩	طلب العلم فريضة
٩٧ - ١٣٢	طوبى لمن ذل نفسه
١٩ - ٢٠	طوبى لمن رآني
١٠٩	طوبى لمن شغله عيبه
١٧٠	طوبى لمن كان عقله ذكراً
٢١٨	العارية مؤداة

فهرست احاديث

٢١٧	العائد في صدقته كالعائد في قيئه
٢١٧	العائد في هبته كالكلب يقىء
١٧١	العباد ثلاثة
١٥٦	العبد مع من احب
٥١	عبر رسول الله حتى انتهى الى الحجب
٣٩	عجبا لسعد و ابن عمر يزعمان انى احارب على الدنيا
٧٧	عجبت لمن انكر النشأة الآخرة
١٠٣	عجب ربنا من قوم يقادون الى الجنة
٦٤	عجلوا الصلاة
١٤٥ - ٩٥	العجلة من الشيطان
٦١	العدو العاقل و لا الصديق الجاهل
٦١	عداوة العاقل و لا صحبة المجنون
٥٢	عرفت الله بفسخ العزائم
١٢٣	العز ازاره
٩٣	العصمة ان لا تجد
٩٧	العقل فى القلب
١٧٨	العقل ما عبد به الرحمن
١٧٧	العلم فى الصغر
٢١٧	عليك باول السوم
١٩٠	عليكم بالجهاد فانه رهبانية امتى
٢٢٥	عليكم بدين العجائز
٧٥	عليكم بالمدن و لوجارت
٤٦	على اليد ما اخذت حتى تؤديه
٢٧	غضوا ابصاركم

فهرست احاديث

١٩١	الفرار مما لا يطاق من سنن المرسلين
١٤٨	فضلت على آدم بخصلتين
٦٩	فضلت على الانبياء بست
٢٣	الفقر فخرى
٩٣	الفقر قيد المجرمين
٦٥	القاضي جاهل بين عالين
٧٩	قالت الملائكة يوماً ربنا هل خلقت خلقاً اعظم من العرش
٧٣	قتال المؤمن كفر
١٩٥	قد افلح بلال
١٧٥	القدرية مجوس هذه الامة
١٤٧	قضى بينكما ولد
١٤	قد متم من الجهاد الاصغر
٦٨	قرة عيني في الصلاه
٥٤	قرنت الهيبة بالخيبة
٢٠٦	القسام في النار
٦٢	القلب بيت الرب
١٧٤	قل كل يوم حين تصبح اللهم لييك و سعديك
٢٢	القناعة كنز لا يفنى
١٥٠	قوام المرء عقله
٤٥	كاد الحسد ان يغلب القدر
٤٥	كاد الفقر ان يكون كفراً
١٤٥	الكافر يا كل في سبعة امعاء
٧١	كان اذا تكلم بكلمه اعادها ثلاثاً

فهرست احادیث

۷۱	كان اذا دعا دعا ثلاثا
۵	كان اصحاب النبي ﷺ يسألونه
۱۵۱	كانت العين في بني اسد
۱۸۸	كان ثوبان يقع سوطه
۷۱	كان رسول الله ﷺ اذا خطب في شيء ثلاثا لم يراجع بعد ثلاث
۱۴۸	كان شيطان آدم كافرا
۱۴۸	كان شيطاني كافرا فاعانني الله عليه
۸۹	كان رسول الله ﷺ يستعين من هؤلاء الثلاث
۱۴۹	كان من خلقى الجواز
۷۱	كان النبي ﷺ يعجبه ان يدعو ثلاثا
۴۹	كان يركب الحمار عريانا
۲۰۰	كان يستفتح ويستنصر بصعاليك المسلمين
۷۱	كان يعيد الكلمة ثلاثا
۷۱	كان يوتر بثلاث
۲۱	كان يوسف حسنا ولكنني املح
۱۷۸	كانما على رؤوسهم
۱۲۵	الكبر الكبر
۱۲۵	كبروا الكبر
۱۳۳	الكبرياء ردائي
۲۶	كتب ربكم على نفسه بيده
۶۵	الكنب ريبة
۱۸۱	الكريم ابن الكريم
۸۸	كل امتي معافي الا المجاهر
۸۴	كل شيء قطع من الحي فهو ميت

فهرست احادیث

۷۹	کل عامل میسر لعمله
۱۵۳	کل عمل ابن آدم له الا الصيام
۸۷	کل الکذب یکتب علی ابن آدم الا ثلاث
۹۹	کلکم داع
۱۴۲	کل ما میز تموه باو هامکم
۷۹ - ۱۸۴	کل میسر لما خلق له
۲۰ - ۲۳	کلیمنی یا حمیرا
۷۶	کما ان الآنية تمتحن باطنانها
۱۷۶	کما تدین تدان
۷۶	کما تعرف اوانی الفخار بامتحانها باصواتها
۱۸	کما تعيشون تموتون
۱۷۶	کما لا یجتني من الشوك العنب
۱۴۹	کنت ابايع الناس
۱۱۱	کنت اول النیین فی الخلق
۲۹	کنت کنزاً محفياً
۱۰۲	کنت نبياً و آدم بین الروح و الجسد
۸۶	الکيس من دان نفسه
۱۱۵ - ۱۸	لا احد اغیر من الله
۲۰۳	لا اعرفن احد کم جيفة لیل
۱۵۶	لا تجالسوا الموتی
۱۰	لا تدع طلب الرزق من حله
۱۲۹	لا تزال التوبة مقبولة
۱۶	لا تزال جهنم تقول هل من مزيد

فهرست احاديث

٩٣	لا تسبوا الديك فانه يوقظ
١٠٨	لا تسببها (الحمى) فانه تنقى الذنوب
٧٥	لا تسكن الكفور
٩٢	لا تسمه عزيزاً
٩٨	لا تعرف ثلاثة الا عند ثلاثة
١١٥	لا تقبحوا الوجه
١٢	لا تمارضوا فتمرضوا
٧٥	لا تنزلوا الكفور فانها بمنزلة القبور
١٨٩	لا رهبانية ولا تبتل في الاسلام
٥	لا صلاة الا بحضور القلب
٩٠	لا صلاة لمن لا وضوء له
٩	لا عدو اعدى على المرء من نفسه
٩٣ - ٩٤	لا عين رات
١٥٧	لا لزمه صحبة الاضداد
١٨٧	لا يبقى بر ولا فاجر الا دخلها
٧	لا يرحم الله من لا يرحم الناس
٨٥	لا يزول قدم ابن آدم حتى يسأل عن عمره
٢٦	لا يسعني ارضي ولا سمائي
١٠	لا يغنى حذر من قدر
٩	لا يلدغ المؤمن
٢٢٢	لا يمر السيف بذنوب الامم
١٠٣	لا ينبغي لاحد ان يقول انا خير من يونس
٥	لا ينظر الله الى صلاة
٢٠٠	لا يؤمن احدكم حتى يحب لاختيه ما يحب لنفسه

فهرست احاديث

١٢٨	للتوبة باب بالمغرب
١٢٩	للجنة ثمانية ابواب
٨٠	لقلب ابن آدم اشد انقلاباً من القدر
٤٧	لكل داء دواء
١٥٠	لكل شيء دعامة
٣٢	لله تعالى كل لحظة ثلاثة عساكر
٥٠	لله دون العرش سبعون حجاباً
١٤٣	لما بلغ سدره المنتهى فاتتهى الى الحجب
٣٦	لما خلق الله الارض جعلت تميد
٢٦	لم يسعنى ارضى ولا سماءى
٤٦	لم يكن مؤمن ولا يكون الى يوم القيامة الا وله جار يؤذيه
١٩٤ - ٩٦	لن يلج ملكوت السموات من لم يولد مرتين
٩	لن ينفع حذر من قدر
١٥٣	لو اذن فيه لاختصينا
١٩٧	لو ازداد يقيناً لمشى على الهواء
١٧٠	لو ان ابن آدم هرب من رزقه
١٦٩	لو انكم توكلتم على الله حق التوكل لرزقكم
٦١	لو تعلمون ما اعلم لبكيتم
٢١٦	لو تعلمون ما انتم لاقون بعد الموت
٤٠	لو آمنوه يوم قال لهم ذلك
٢٠١	لو كانت الدنيا تعدل عند الله جناح بعوضة
٦٩	لو كانت الدنيا دماً عيطاً
٤٦	لو كان المؤمن على قصبة في البحر
٤٦	لو كان المؤمن في جحر ضب

فهرست احاديث

١١٣	لولا الحمقى لغربت الدنيا
١٧٢ - ٢٠٣	لولاك لما خلقت الافلاك
١٧٢	لولا محمد ما خلقت الدنيا
٨٣	ليدخلن الجنة بشفاعه رجل
١١٥	ليس احد احب اليه المدح من الله
١٠٩ - ٢٠٨	ليس الخبر كالمعاينة
١٦	ليس الشديد بالصرعة
١٨٤	ليس شيء خيراً من الف مثله الا الانسان المؤمن
١٠٠ - ١٣٦	ليس الغنى عن كثرة العرض
١٤٨	ليس منكم من احد الا وقد وكل به قرينه من الشيطان
٣٩	لى مع الله وقت
١٤٦	لينقلب كل رجل بضيفه
٨٤	ما ايين من الحي فهو ميت
٥٨	ما احل الله شيئاً ابغض اليه من الطلاق
٩٣	ما اخاف عليكم الفقر
١١٨	ما ارضى المؤمن ربه بمثل الحلم
٢٥	ما افقر من ادم بيت فيه خل
١٨٥	ما انتقم رسول الله لنفسه من شيء
٤٧	ما انزل الله داء الا انزل له شفاء
٢١٥	ما بعث الله نبياً الا رعى الغنم
١٤٢	ما توهتم من شيء فتوهموا الله غيره
١	ما حبس قوم الزكاة
١٠٥	ما دمت في صلاة فانت تفرع باب الملك

فهرست احاديث

١٩٩	ما رأيت فى الخير والشر كالיום
١٢٧	ما رأيت مثل النار نام هاربها
١٧٤	ما شاء الله كان
٩٦	ما شبهت خروج المؤمن من الدنيا الا مثل خروج الصبي
١٥٢	ما ضاق مجلس بمتحايين
١٧١	ما عبدتك خوفاً من نارك
١٥٤	ما على الارض نفس تموت و لها عند الله خير
٢٠١	ما قدر الدنيا كلها تعدل عندهم جناح بعوضة
٨٤	ما قطع من البهيمة و هى حية فهى ميتة
١٥٢	المال حية
١٥٤	ما من احد يموت الا ندم
٨٣	ما من اهل بيت يدخل واحد منهم الجنة الا
٤٧	ما من داء الا و له دواء
١٦٢	ما من قطرة احب الى الله من قطرة دمع
١	ما منع قوم الزكاة الا ابتلاهم بالسنين
١٠٨	ما من مصيبة تصيب المسلم الا كفر الله بها عنه
١١٠	ما من نبي من ولد آدم الى محمد الا وهم تحت لواء محمد
٢٢	ما من يوم يصبح العباد فيه الا ملكان
٢١٨	ما نقصت صدقة من مال
١٠٨	ما يصيب المسلم من نصب
١١٧	متى الساعة
٢٨	مثل الامام كمثل عين عظيمة
١١١	مثل اهل بيتي كمثل سفينة نوح

فهرست احاديث

٢٢٢	مثل البطن مثل المزهري
١٢٠	مثل الدنيا والآخرة كمثل ضربتين
٨٠	مثل القلب كمثل ريشة
٣١٧	مثل الذي يتصدق بصدقة ثم يعود
١٧٧	مثل الذي يتعلم في صغره كالنقش في الحجر
١٣٧	مثل المؤمنين في توادهم
٢٢٢	مثل المؤمن كمثل المزمارة
١٥٩	مثل المؤمن و مثل الاجل مثل رجل له ثلاثة اخلاء
٦٦	مثلي و مثلكم كمثل رجل اوقد ناراً
١٥	مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر
٥٧	مرضت فلم تعمدني
١٦	المجاهد من جاهد نفسه في الله
١٦	المجاهد من جاهد هواه
٥٣	المخلصون على خطر عظيم
١٥٥	المرء مع من احب
١٢	المستشار مؤتمن
١٩٦	المضمة والاستنشاق سنة
٢٢	ملك انزلان
٢٨	الملك كالنهر العظيم
١٨٥	من آذاني في اهل بيتي فقد آذى الله
٦٧	من اتقى الله كل لسانه
٤	من احبك لشيء ملك عند انقضائه
١٣٤	من احبني قتلته

فهرست احادیث

٦	من احيا سنة من سنتي
١٩٦	من اخلص لله اربعين يوماً ظهرت ينابيع الحكمة
١٩٨	من اراد ان يجلس مع الله
١٩٤	من اراد ان ينظر الى شهيد
١٦١	من استطاع منكم الباءة فليتزوج
٣٤	من اشد امتي حبا
٣٧	من اعطى الله و منع الله واحب لله
٥١	من ايقن بالخلف جاد بالمعطية
٩٥	من بايعت فقل لا خلافة
١٧	من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه
١٣٠ - ١٣١	من بشرني بخروج صفر
١٧٦	من تصدق بعدل تمرة
٢٢٥	من جاوز الاربعين ولم يغلب خيره شره
١٣٦	من جعل الهموم همأ واحداً كفاه الله
١٤	من حفر لاخيه حفرة
١٢٠	من ذا يذمها
٦٣	من رأى فقد رأى الحق
١٨٢	من زنى زنى به
٥	من سن في الاسلام سنة حسنة
٨	من صلى على صلاة
٢١٩	من صمت نجاً
٧٨	من طلب شيئاً وجد
١٨٥ - ١٨	من عادى ولياً فقد آذنته

فهرست احادیث

۱۷۴ - ۶۷	من عرف الله كل لسانه
۱۶۷	من عرف نفسه فقد عرف ربه
۲۲۵ - ۹۲	من العصمة تعذر المعاصي
۱۶۵	من علم أنى ذوقدرة على مغفرة الذنوب غفرت له
۱۱۷	من قاد اعمى اربعين خطوة وجبت له الجنة
۸	من قال لا اله الا الله
۱۷	من قرأ القرآن فكأنما شافهني و شافهته
۲۹	من قرع باباً و لج و لج
۱۹	من كان لله كان الله له
۳	من كتم سره حصل امره
۲۲۴	من كنت مولاه فعلى مولاه
۴۶	من لا صبر له لا ايمان له
۷۸ - ۷۷	من لم يرض بقضائي
۲۱۳	من لم يشكر الناس لم يشكر الله
۳۰	من لم يكن له شيخ فشيخه الشيطان
۱۳۶	من نكح المرأة لما لها وجمالها
۴۰	من هدم بنيان الله فهو ملعون
۱۲۵	منهم سجد لا يركعون
۲۲۱	منهم ومان لا يشبعان
۱۸۸	من يتكفل لي بواحدة و اتكفل له بالجنة
۱۰۵	من يقرع باب الملك يفتح له
۱۲۱	الموت ريحانة المؤمن
۱۱۶	موتوا قبل ان تموتوا

فهرست احاديث

٤٩	المؤمن القوى خير
٦٧	المؤمن كيس فطن حذر
١٩٢	المؤمن للمؤمن كالبنيان
٤١	المؤمن مرآة اخيه
٤١	المؤمن مرآة المؤمن
١٤	المؤمن من ينظر بنور الله
٤٣	المؤمنون كرجل واحد
٤٣	المؤمنون كنفس واحدة
١٤٥	المؤمن يأكل في معي واحد
١٧٩	المؤمن يالف ويؤلف
١٠١	المؤمن يهرب من الدالخصام
٢٠٧	الناس اربعة اقسام منهم من يولد كافراً ويموت مؤمناً
٢٨	الناس على دين ملوكهم
٦٢ - ٦١	الناس معادن
١٤١ - ٨١	الناس نيام فاذا ماتوا انتبهوا
٥٥	الناقص ملعون
٦٧	نحن الاخرون السابقون
١٢٦	نحن نحكم بالظاهر
٨٣	نزل القرآن من سبعة ابواب
١١٢	النظرة سهم مسموم
٢٥	نعم الادم الخل
٤٤	نعمة الجاهل كروضة في مزبلة
١١	نعم العون على تقوى الله الغنى
١١	نعم المال الصالح للرجل الصالح

فهرست احاديث

٥٤	نعم النساء نساء الانصار
٥	النوم اخو الموت
٤٢ - ٢٢٠	نوم على علم خير من صلاة
٤٢	نوم العالم عبادة
٨٦	نهاني عن نقرة الغراب
١٣٨	والله اني لاستغفر الله واتوب اليه في اليوم سبعين مرة
٤١	الوحدة خير من جليس السوء
٣٤	وددت انا رأينا اخواننا
١٠١	وعزتي وجلالي لا اجمع لعبدي امنين ولا خوفين
٤٦	وعليكم بالعسير
١٤٨	والقلم يؤدي الى اللوح
١١١	ولد آدم كلهم تحت لوائي
١٣٥	الولد سر ابيه
١٦ و ١٥	هل من مزيد
٢٢١	هم اخوانكم جعلهم الله تحت ايديكم
١٢١	هما (اي الدنيا والاخرة) ككفتي الميزان
٢٤	هن يغلبن الكرام ويغلبهن اللئام
١٦٤	هؤلاء في الجنة ولا أبالي
٢١٠	يا ابا هريرة زرغباً
١٨١	يا ابن آدم خلقتك لاجلي
٥٨	يا ابن آدم لم اخلقك لا ربح عليك
٥٧	يا ابن آدم مرضت فلم تعدني
١٦٤	يا ابن آدم مهما عبدتني ورجوتني
١٠٤	يا اهل الخلود ويا اهل البقاء انكم لم تخلقوا للقاء

فهرست احاديث

٢١	يا بلال ارحنا بالصلاة
٦٠	يا بنى اياك ومصادقة الاحق
٦٤	يأتى اقوام ابواب الجنة
٧٠	يا عائشة ان عيني تنامان ولا ينام قلبي
٣١	يا علي اذا تقرب الناس الى خالقهم
٥٨	يا معاذ ما خلق الله شيئاً على وجه الارض
٣٧	يبعث يزيد بن عمرو بن نفيل امةً وحده
١٧	يبعث كل عبد على مامات
١٥٩	يتبع الميت ثلاثة
١٥٠	يتفاضل الناس في الدنيا بالعقل
١٣٣	يجتمع الله الناس فيقوم المؤمنون حين تزلف الجنة
١٥٠	يحاسب الناس على قدر عقولهم
١٣٠	يدخل الجنة من امتي سبعون الفا
١٥	يقال لجهنم هل امتلات ؟
٣	يقدر المقدرون والقضاء يضحك
٥٨	يقول الله تعالى يا ابن آدم لم اخلقك لاربح
٩١	يقول الله عز و جل انا مع عبدي حين يذكرني
٥٨	يقول الله عز و جل انما خلقت الخلق ليربحوا
٢١٤	يوثى بالندى يوم القيامة فيوقف بين يدي الله
٤	يوشك ان يظهر فيكم شياطين
١٨٧	يؤتى الدنيا يوم القيامة على نور

فهرست اشعار عربی

و لم ار امثال الرجال تفاوتوا لدى المجد حتى عد الف بواحد

ص ۱۸۴

و کم من اكلة منعت اخاها بلذة ساعة اكلات دهر

ص ۳

رايت العقل عقلين فمطبوع و مسموع

و لا ينفع مسموع اذا لم يك مطبوع

كما لا ينفع الشمس وضوء العين ممنوع

ص ۱۲۴

و کم من طالب يسعى لشيء وفيه هلاكه لو كان يدري

ص ۳

والناس الف منهم كواحد و واحد كالالف ان امرعني

ص ۱۸۴

اسماء رجال ونساء

«الف»

١٦٩	آبى (ابوسعبد)
٢١٣-١٩٨-١٩٨-١٤٨-١٣٣-١٠٢-٤	آدم (ابوالبشر)
٢٠٢	آسيه
٢١٠-٤١	اباذر
٢١٩	ابايزيد
٢٠٣-١٨٧-١٨٦-١٣٨-١٣٤-١٣٣-١١٣	ابراهيم ، النبى
١٥٨-١١٢-٦٤-٤	ابليس
٩٢	ابن ابى الحديد
١٩٤	ابن ابى قتافه
١٦٧-٢٩	ابن تيميه
١١٦	ابن حجر
٣٩ ٤٨	ابن الدحداح
١٢	ابن الربيع
٦٣	ابن سمالك
١٩٥	ابن عباس
١٧٢	ابن عساكر
٩٩-٣٩-٨	ابن عمر
١٩٣-٢٧-٢٦	ابوبكر صديق
٢	ابوالحسين نورى

اسماء رجال ونساء

۱۴	ابو الدرداء
	ابو جعفر، رك امام محمد باقر (ع)
۲۷	ابو جهل
	ابو سعد آبی، رك آبی
۶۵	ابو سعید خراز
۴۸	ابو سلمه
۲۲۲	ابو طالب محمد بن علی بن عطیه مکی
۱۸۴	ابو عباده بختری
۵۵	ابو عبدالله انطاکی
	ابو (ابی) عبدالله، رك جعفر بن محمد الصادق (ع)
۱۱۹	ابو القاسم ابراهیم بن محمد نصر آبادی
	ابو القاسم جنید بغدادی، رك جنید بغدادی
۱۸۹	ابو قلابه
۲۸	ابو مسلم خولانی
۸۸-۳۵	ابو نصر سراج
۲۱۵-۲۱۰-۸۷-۶۹-۳۸-۳۳-۷	ابو هريره
۱۲۲-۱۱۹-۱۱۵-۷۸-۶۸-۲۶-۱۲	احمد (عَلَيْهِ السَّلَامُ)
۱۹۴-۱۹۰-۱۸۹-۱۷۲-۱۶۰-۱۴۳	
۲۱۱-۱۹۸-۱۹۷	
۱۷۸	احمد بن ادريس
۵-۲	احمد بن حنبل
۲۰۳	احمد جام (شيخ)
۵۱	احنف
۱۷۸	اسامة بن شريك

اسماء رجال و نساء

۱۴۸	اسرافیل
۱۱۳	اسماعیل
۱۱۵	اسود بن سریع
۷	اقرع بن حابس
۴۷	اکثم بن صیفی
۴۸	ام سلمه
۷۸-۱۶	انس
۱۱۲	اویس قرنی
	بایزید، رک ابایزید
۲۲۶	بدیع الزمان فروزانفر
۱۹۷-۱۹۶-۱۹۵-۱۴۶-۷۳-۲۸-۶	بلال
۱۱۳	بلقیس
۲۴	بهائی (شیخ)
۱۳۸	بیضاوی
۹-۱۰-۱۲-۱۷-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-	پیغمبر ﷺ (پیغمبر ﷺ)
۶۴-۴۷-۴۶-۴۴-۳۸-۳۵-۳۴-۳۳-۳۱-۲۷-۲۵	
۹۱-۸۴-۸۲-۸۱-۷۹-۷۷-۷۶-۷۵-۶۹-۶۷-۶۵	
۱۳۳-۱۲۳-۱۱۵-۱۰۵-۱۰۳-۹۹-۹۸-۹۵	
۱۳۵-۱۳۸-۱۴۵-۱۴۷-۱۶۶-۱۶۸-۱۶۹-	
۱۸۷-۱۸۸-۱۹۲-۲۰۰-۲۲۲-۲۲۴	
۳۲	ثعلبی
۴۸	جابر بن سمرة
۲۱۵-۱۴۱	جابر بن عبدالله
۱۱۹	جامی

اسماء رجال و نساء

۱۹۵-۱۴۸-۱۴۳-۱۳۴-۱۲۲-۸۱-۲۷-۱۲	جبرئیل
۲۱۹-۲۱۱	
۱۰-۱۱۰-۱۱۲-۱۱۸-۱۵۰-۱۷۱-۱۷۸-	جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام)
۲۶۳-۲۰۱	
۷۸	جنید بغدادی
۲۱۴	حاتم
۱۱۱	حافظ ابو نعیم اصفهانی
۵	حنیفه
۷۱	حسام الدین
۱۱۳	حسن بن علی بن ابیطالب (ع)
۲۳-۲۰	حمیرا
۱۰۲	حوا
۱۸۱	حیدر
	خلیل الله (ع) رك ابراهيم النبی
۱۱۹-۴۵-۴۰-۳۸-۲۴	خواجه ایوب
۹۲	خیثمۃ بن عبدالرحمن بن سبره
۲۹	داود النبی
۱۴۹	دجال
۱۳۵-۹۸-۳۰-۲۹	زرکشی
۱۷۴	زبدین ثابت
۳۴	زید (بن حارثه)
۳۷	زید بن عمرو بن نفیل
۱۷۱	رابعۃ عدویه

اسماء رجال ونساء

۲۰۱-۱۸۱	رستم
۳۹-۳۷-۳۶-۳۴-۳۳-۲۱-۱۶-۱۵-۸-۷-۴	رسول الله (ﷺ)
-۸۷-۸۱-۷۴-۷۲-۷۱-۶۹-۵۵-۵۱-۴۹-۴۸-۴۱	
۱۴۷-۱۴۳-۱۲۴-۱۱۷-۱۱۵-۱۱۳-۹۸-۹۳-۹۲	
۱۷۴-۱۷۲-۱۶۱-۱۵۷-۱۵۳-۱۵۰-۱۴۹-۱۴۸	
-۲۲۰-۲۱۷-۱۹۵-۱۹۳-۱۹۰-۱۸۸-۱۸۵-۱۷۸	
۲۲۱	
۱۴۲-۱۲۳	رضا (علی بن موسی بن جعفر ع)
۱۱۲	سبکی
۱۴۴-۱۳۵-۱۱۲-۹۸	سختاوی
۳۹	سعد (بن ابی وقاص)
۱۸	سعد (بن عباده)
۶۱	سفیان
۱۵۷-۱۲۳-۱۱۵-۱۶	سلیمان النبی
۸۱-۶۹-۵۳	سهل بن عبدالله تستری
۷۳	سیبویه
۱۹۸-۱۱۷-۸۲-۳۰-۲۳-۸-۳	سیوطی
۷۲	شبلی
۲۱۹-۱۷۰-۱۴۷-۱۴۵-۱۱۸-۹۵-۸۸	شیطان
۱۹۱	صدوق
	ضیاء الحق ، رک حسام الدین
۲۰۳-۱۹۴	طلحة بن عبیدالله
۷۲	عثمان بن عفان
۱۸۹-۱۵۳	عثمان بن مظعون

أسماء رجال ونساء

٧٨	عامر بن الظرب
٢٠-٥٤-٧٠-١١٤-١١٧-١٥٠-١٥١	عائشه
١١٠	عباس بن عبدالمطلب
١١٨	عبدالله بن سنان
٩٢	عبد الرحمن سبره
٣-٣٠-٥٣-٥٥-٧٢-١٠٤	عبد اللطيف عباسي
١٦١	عزرائيل
٢	عطار (شيخ فريد الدين محمد)
١٣٠-١٣١	عكاشة بن محصن
٢-٣-٩-١١-١٤-١٥-٢١-٢٣-٢٨-٣١-٣٢	علي بن ابيطالب (ع)
٣٧-٣٩-٤٣-٤٤-٤٦-٥١-٥٢-٥٤-٥٧-٥٨	
٦٠-٦٣-٧٣-٧٥-٧٦-٧٧-٨١-٨٥-٨٦-٨٩	
٩٢-٩٧-١٠١-١٠٥-١١٨-١٢٠-١٢١-١٢٤	
١٢٥-١٣٨-١٤٧-١٥٦-١٦٧-١٧١-١٧٢	
١٨٦-١٧٣-٢٢١-٢٢٤	
٢١٦	علي بن الحسين (ع)
١٣٣	عماد الملك
٢٠٢	عمران
١٧-١٨-٦١	عمر (بن خطاب)
٩٦-١٠٨-١٣٤-١٩٧	عيسى النبي
١٥-٣٠-٧٧-١١٢-١١٩-٢٢٢	غزالي
٢٢٥	فرعون
١٥٦	فضيل بن عياض
١٤٢-١٤٧	فيض (ملا محسن)

اسماء رجال ونساء

۹۸	لقمان
۳۷	مالك بن دينار
۱۲۴	ماوردی
۱۴۷	مجلسی
۱۳۲	مرتضی (رحمۃ اللہ علیہ)
۲۰۲-۲۰۱-۱۸۷	مریم
۱۹-۲۱-۲۷-۳۵-۱۰۲-۱۱۰-۱۱۱-۱۲۲-	محمد (حضرت رسول اکرم ﷺ)
۱۸۶-۱۷۲-۱۳۴	
۱۵۰-۱۴۲	محمد باقر (ع)
۱۷۸	محمد بن عبد الجبار
۴۴	محمد بن محمود
۳	محمد خان کرمانی (حاج)
۱۲-۱۹-۲۰-۲۱-۲۷-۵۲-۶۱-۷۳-	مصطفی (رحمۃ اللہ علیہ)
۸۶-۱۱۰-۱۲۸-۱۳۳-۱۳۵-۱۴۰-۱۴۲-	
۱۴۳-۱۷۰-۱۸۰-۱۸۱-۱۹۵-۱۹۳-۲۰۰	
۲۰۷-۲۰۹-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۲۱	
۱۰۷	مصعب بن سعد
۵۸	معاذ
۱۷۸-۲۴	معاویہ
	ملا محسن فیض ، رک فیض
۴۴-۶۲-۷۳-۹۰-۱۲۹-۱۳۳-۱۵۱	موسی النبی
۱۵۱	موسی الکاظم (ع)
۸-۲۴-۲۹-۱۴۷	مولانا (جلال الدین محمد مولوی)
۱۳۱	میرداماد

اسماء رجال ونساء

۱۴۸

۵-۹-۱۰-۲۹-۳۰-۳۳-۳۴-۳۹-۴۸-۷۱-

۸۵-۱۰۷-۱۱۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۴۶-۱۴۷

۱۵۵-۱۷۳-۱۷۸-۱۸۵-۱۹۲-۱۹۵-۱۹۷

۲۱۱-۲۱۲-۲۱۵-۲۱۶

۲۹

۸۹-۱۱۱-۱۷۱-۲۰۴

۱۸۸

۱۵۲

۶۱

۹۷

۱۳۷

۴۴

۲۱۹

۱۹۱

۵۵-۶۱-۷۲-۸۶-۸۸-۹۳-۹۴-۱۱۳-۱۱۶

۱۲۳-۱۴۱-۱۵۴-۱۶۸-۱۷۰-۱۷۱

۲۱-۱۸۱-۱۹۱-۲۱۵

۹۱-۱۰۱-۱۰۲-۱۶۲

میکائیل

نبی (صلی الله علیه و آله و سلم)

نجم الدین رازی (دایه)

نوح النبی

وابصه

واحدی

وکیع

وهب

هاروت

همای (جلال الدین)

یزید

یعقوب

یوسف بن احمد مولوی

یوسف (مصری)

یونس بن متی



فهرست اماکن

۱۷۲	حنین
۱۲۲	قرن
۶۲	کعبه
۲۱۵	مسکه
۲۱۵	مرالظهران
۱۲۲-۱۲۱-۱۱۲-۷۳	یمن

فهرست اسامی کتب

۲۰-۲۶-۳۰-۳۱-۴۱-۴۵-۵۳-۵۴-۶۵-	اتحاف السادة المتقين
۹۱-۱۱۲-۱۳۵-۱۵۳-۱۵۶-۱۶۱-۲۰۳	
۲۰۶-۲۲۲-۲۲۶	
۲۲۶	احاديث مشنوی
۲-۳-۴-۶-۸-۱۰-۱۱-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶	احياء علوم الدين
۱۸-۲۰-۲۲-۲۵-۲۶-۳۰-۳۱-۳۷-۳۸	
۴۱-۴۲-۴۵-۴۷-۵۳-۵۴-۵۹-۶۰-	
۶۶-۶۸-۶۹-۷۱-۷۲-۷۳-۸۰-۸۱-۸۸	
۹۱-۹۳-۹۵-۹۸-۱۰۳-۱۱۲-۱۱۹-۱۲۱	
۱۲۴-۱۲۷-۱۳۳-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷	
۱۴۵-۱۴۸-۱۵۳-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸	
۱۵۹-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۴-۱۶۷-۱۷۵-۱۸۴	
۱۸۸-۱۹۷-۲۰۳-۲۰۵-۲۰۶-۲۱۸-۲۱۹	
۲۲۱-۲۲۲-۲۲۵	
۱۲۴	ادب الدنيا والدين
۱۵۲	اسباب النزول
۱۳۰	الاستيعاب في معرفة الاصحاب
۱۹۴	اسد الغابة
۱۱۹	اسرار التوحيد
۵۰	اشعة اللمعات
۲-۱۲۳-۱۷۸	اصول کافی

فهرست اسامی کتب

۱۹۱	اکمال الدین
۱۱۸-۳۴	امالی مفید
۱۷۳-۱۶۲-۱۴۷-۱۴۴-۱۴۳-۱۱۴-۲۲	بحار الانوار
۳	البيان والتبيين
۲	تذكرة الاولياء
۱۷۹-۱۶۲-۱۵۷-۱۰۴-۹۶-۵۶-۳۴	تفسير ابو الفتوح رازی
۱۵۷-۱۴۸	تفسير امام فخر رازی
۱۴۸-۱۳۸	تفسير بیضاوی
۸۳	تفسير صافی
۱۳۸-۱۳۳-۸۳-۴۰	تفسير طبری
۴۰	تفسير نیشابوری
۴۲-۱۱-۱۰	تلخیص ابلیس
۱۶۴	تلخیص البیان
۱۹۴	تمهیدات عین القضاة
۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-	جامع صغیر
۱۴-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۲-۲۳-۲۴-	
۲۵-۲۶-۲۷-۳۱-۳۲-۳۳-۳۵-۳۶-۳۷-	
۳۸-۴۱-۴۲-۴۳-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-	
۵۰-۵۳-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۱-	
۶۲-۶۳-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-	
۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-	
۸۲-۸۴-۸۶-۸۸-۹۰-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-	
۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-	
۱۰۴-۱۰۵-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-	
۱۱۳-۱۱۵-۱۱۷-۱۱۸-۱۲۱-۱۲۶-۱۲۷-	

فهرست اسامی کتب

۱۳۹-۱۳۸-۱۳۷-۱۳۳-۱۳۰-۱۲۹-۱۲۸
 ۱۵۲-۱۵۱-۱۴۹-۱۴۸-۱۴۵-۱۴۲-۱۴۰
 ۱۶۰-۱۵۸-۱۵۷-۱۵۶-۱۵۵-۱۵۴-۱۵۳
 ۱۷۵-۱۷۰-۱۶۹-۱۶۸-۱۶۷-۱۶۵-۱۶۲
 ۱۸۵-۱۸۴-۱۸۲-۱۸۱-۱۷۹-۱۷۷-۱۷۶
 -۱۹۶-۱۹۲-۱۹۱-۱۹۰-۱۸۸-۱۸۶
 ۲۰۷-۲۰۶-۲۰۵-۲۰۴-۲۰۲-۲۰۱-۲۰۰
 ۲۱۷-۲۱۶-۲۱۳-۲۱۲-۲۱۰-۲۰۹-۲۰۸
 ۲۲۴-۲۲۱-۲۲۰-۲۱۹-۲۱۸
 ۱۱۱-۷۵-۶۲-۵۸-۵۴-۵۳

۶۲-۵۸-۵۴

۱۷۱-۱۷۰

۸۰-۷۲-۷۱-۶۱-۶۸-۶۲-۶۰-۱۸-۱۱

۱۲۵-۱۱۸-۱۱۷-۱۱۱-۱۰۷-۱۰۵-۱۰۲

۱۵۹-۱۵۸-۱۵۵-۱۵۴-۱۵۳-۱۴۵-۱۲۸

۰۲-۱۹۶-۱۸۹-۱۸۸-۱۷۰-۱۶۹-۱۶۷

۲۲۰-۲۱۸-۲۱۰-۲۰۸-۲۰۶

۱۵۴

۱۴۰

۱۴۶-۱۱۱

-۶۶-۶۳-۴۴-۴۳-۴۰-۲۲-۱۸-۱۷-۳-۱

۲۱۵-۱۸۶-۱۵۹-۱۱۷-۹۸-۷۷-۷۶

۱۶

۱۳۰-۹۸-۷۲-۴۶-۱۸-۱۰

۱۳۱

۱۸۰

حاشیه عبداللطیف عباسی

حاشیه مثنوی چپ علاءالدوله

حقایق فیض

حلیه الاولیاء

خصال صدوق

درة الغواص حریری

دلائل النبوة

ربیع الابرار

رد الدارمی علی بشر المزیسی

رساله قشیریہ

رواشح سماویہ

روضات الجنات

فهرست اسامی کتب

۸۱	زهر الاداب
۲۰۳	سراج السائرین
۱۱۲-۱۱۰-۹۷-۸۳-۷۵-۷۳-۳۰-۲۳	سفینه البحار
۲۰۹-۲۰۱-۱۹۰-۱۷۸-۱۵۱-۱۴۸	
۲۲۳-۲۱۴	
۱۹۴	سیره ابن هشام
۲۰۶-۱۹۱-۱۱۷-۱۱۴-۱۰۸-۱۰۵-۹۶	شرح بحر العلوم
۲۲۲-۲۱۶	
۸۰-۷۷-۶۴-۶۰-۵۵-۵۳-۳۶-۳۵-۲۷	شرح تعرف
۱۷۲-۱۵۱-۱۴۸-۱۴۳-۱۳۵-۱۲۰-۸۱	
۱۹۷-۱۷۴	
۶۷-۶۵-۵۸-۵۵-۵۳-۴۵-۴۰-۳۸-۲۴	شرح خواجه ایوب بر مثنوی
۲۲۲-۲۱۴-۱۰۱-۶۹	
۳۹-۳۸-۳۲-۳۰-۲۸-۲۳-۲۲-۱۴-۱۰	شرح نهج البلاغه
۶۰-۵۸-۵۷-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۴۷-۴۴	
۱۲۰-۹۷-۹۲-۸۶-۸۵-۸۱-۷۷-۷۶-۶۳	
۱۷۹-۱۶۷-۱۵۶-۱۵۰-۱۳۷-۱۲۵-۱۲۱	
۲۲۱-۱۸۶	
رك : المنهج القوى	شرح یوسف بن احمد مولوی بر مثنوی
۳۸-۳۶-۳۳-۳۲-۲۲-۱۸-۱۶-۱۵-۷	صحیح بخاری
۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۶-۶۳-۵۴-۵۲-۴۷	
۱۱۸-۱۱۵-۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۴-۸۵-۷۹	
۲۰۰-۱۷۶-۱۵۹-۱۴۵-۱۳۸-۱۳۷-۱۲۵	
۲۱۷-۲۱۵	
۲۵-۲۲-۱۸-۱۷-۱۶-۱۳-۹-۷-۶-۲	صحیح مسلم
۴۹-۴۸-۴۷-۴۲-۳۶-۳۴-۳۳-۳۳-۲۶	

فهرست اسامی کتب

۶۹-۶۸-۶۶-۶۳-۶۰-۵۹-۵۷-۵۴-۵۲	صحیفة الرضا
۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۵-۹۴-۸۷-۷۹-۷۱-۷۰	طبقات ابن سعد
۱۳۷-۱۳۳-۱۲۵-۱۱۸-۱۱۷-۱۱۵-۱۱۴	طبقات الشافعية
۲۰۰-۱۸۸-۱۵۹-۱۵۸-۱۴۸-۱۴۵-۱۳۹	عوارف المعارف سهروردی
۲۲۱-۲۱۷-۲۱۵	عیون الاخبار
۱۸۰	فائق زمخشری
۱۸۹	فتوحات مکیه
۱۵۶-۱۱۲-۲۱-۲۰	فصل الخطاب
۱۹۸-۲۶	فیه ما فیه
۹۷-۶۱-۵۱	قرآن
۷۵-۵۰	قصص الانبیاء تعلیمی
۱۸۶-۱۸۱-۳۶-۲۰-۱۸-۱۶-۱۱-۷-۶	کشف الاسرار
۲۲۱-۱۸۸	کشف المحجوب هجویری
۱۴۸-۱۱	کنوز الحقائق
۱۲۶-۷۸-۴۳-۳۸	
۲۱۴-۱۰۰-۸۴-۸۳-۷۸-۶۶-۱۷-۳	
۱۴۲-۳۲	
۱۹	
۷۸-۵۲	
۱۶-۱۴-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۷-۶-۵-۴-۳-۱	
-۳۳-۳۱-۲۶-۲۵-۲۴-۲۲-۲۱-۱۹-۱۷	
-۴۶-۴۵-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۸-۳۷-۳۵	
-۶۲-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۴۹-۴۸-۴۷	
-۷۵-۷۴-۷۳-۷۱-۷۰-۶۹-۶۷-۶۶-۶۳	
-۹۷-۹۵-۹۳-۹۲-۹۰-۸۴-۸۲-۷۸-۷۶	

فهرست اسامی کتب

۱۱۷-۱۱۵-۱۱۱-۱۰۹-۱۰۷-۱۰۳-۱۰۲
۱۵۲-۱۵۰-۱۴۹-۱۴۲-۱۲۸-۱۲۱-۱۱۸
۱۶۹-۱۶۸-۱۶۷-۱۶۰-۱۵۸-۱۵۷-۱۵۶
۱۸۵-۱۸۴-۱۸۲-۱۷۹-۱۷۷-۱۷۶-۱۷۵
۲۰۴-۲۰۰-۱۹۶-۱۹۲-۱۹۰-۱۸۸-۱۸۶
۲۱۵-۲۱۳-۲۱۲-۲۱۰-۲۰۹-۲۰۸-۲۰۶
۴۲۴-۲۲۲-۲۲۰-۲۱۸-۲۱۷

۷۷

کیمیای سعادت

اللالی المصنوعة

۹۷-۸۶-۸۲-۶۴-۵۶-۳۷-۲۱-۱۸-۸-۴-۳
۱۸۲-۱۵۶-۱۳۹-۱۳۱-۱۲۹-۱۱۷-۱۰۴
۲۰۲-۱۹۸

۱۱۷-۱۰۴-۹۶-۸۲-۷۵-۷۲-۴۰-۳۸-۳۰
۱۸۸-۳۵

لطائف معنوی

اللمع

اللؤلؤ والمرصوع

۳۰-۲۹-۲۸-۲۳-۲۱-۱۴-۱۳-۱۲-۹-۸-۴
۱۱۲-۹۸-۹۳-۸۲-۶۵-۶۳-۶۱-۳۹-۳۱
۲۰۶-۱۷۲-۱۶۷-۱۴۴-۱۳۵-۱۳۱-۱۱۶
۲۲۵-۲۲۲-۲۱۰

۹۱-۹۰-۸۹-۷۳-۷۰-۶۲-۵۷-۴۴-۳۸-۳۴
۱۳۲-۱۲۴-۱۲۳-۱۱۶-۱۱۵-۱۰۸-۹۵-۹۲
۱۵۸-۱۵۵-۱۴۵-۱۴۴-۱۴۳-۱۴۰-۱۳۴
۱۸۲-۱۸۰-۱۶۶-۱۶۴-۱۶۲-۱۶۱-۱۶۰
۲۱۵-۱۹۹-۱۹۷-۱۹۲

۳

المبین

مثنوی

مجمع الامثال للمیدانی

مجموعه امثال

۱۸۴-۱۷۴-۱۶۰-۱۴۷-۳-۱
۲۱۲-۱۰۹-۷۸-۷۴
۷۴-۶۷-۵۱-۴۴

فهرست اسامی کتب

۲۱۶
۲۴
۱۹۸-۵۰
-۹۱-۸۶-۸۴-۸۳-۸۲-۷۱-۵۸-۴۲-۳۷
۱۳۶-۱۳۴-۱۲۹-۱۱۱-۱۱۰-۱۰۷-۹۶
۲۰۰-۱۸۷-۱۸۲-۱۷۴-۱۶۰-۱۵۹-۱۴۹
۲۱۱-۲۰۹-۱۴۷-۱۵-۱۱-۹
-۳۲-۲۷-۲۶-۲۵-۲۲-۲۱-۱۸-۶-۵-۲
۵۷-۵۲-۴۹-۴۸-۴۷-۳۸-۳۶-۳۴-۳۳
۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۶-۶۵-۶۱-۶۰-۵۹
۹۱-۸۹-۸۶-۸۵-۸۴-۸۰-۷۹-۷۸-۷۳
-۱۰۷-۱۰۵-۱۰۳-۱۰۲-۱۰۰-۹۹-۹۲
۱۳۰-۱۲۹-۱۲۸-۱۱۸-۱۱۵-۱۱۴-۱۱۳
۱۵۵-۱۴۹-۱۴۸-۱۴۵-۱۳۸-۱۳۷-۱۳۳
۱۸۸-۱۸۶-۱۸۵-۱۷۹-۱۷۸-۱۷۴-۱۵۸
۲۱۹-۲۱۸-۲۰۰-۱۹۹-۱۹۶-۱۹۵-۱۹۱
۲۲۴-۲۲۲-۲۲۱
۱۸
۱۸۴
۱۸۴
۲۹
۱۲۴
۸۲-۷۹-۷۳-۷۲-۶۷-۶۴-۶۱-۵۵-۵۰
-۱۲۳-۱۲۱-۱۱۶-۱۱۳-۹۴-۹۳-۸۸
۱۵۴-۱۵۲-۱۵۱-۱۴۱-۱۳۴-۱۳۲-۱۲۷

محاضرات راغب

مخلاة

مرصاد العباد

مستدرک حاکم

مستدرک الوسائل

مسند احمد بن حنبل

معارف بهاء ولد

مقصورة ابن دريد

مکتوبات مولانا

منارات السائرين

منهاج اليقين في شرح ادب الدنيا
والدين

المنهج القوى

فهرست اسامی کتب

۱۶۸-۱۷۰-۱۸۱-۱۸۳-۱۸۷-۱۹۴-۱۹۸

۲۰۶-۲۰۷-۲۱۶-۲۲۲-۲۲۵

۱۶۹

۱۱۹

۵۰-۶۸-۷۵-۷۸-۹۵-۹۷-۱۰۳-۱۱۸

۱۲۵-۱۲۶-۱۳۰-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۹-۱۵۳

۱۶۰-۱۶۴-۱۷۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۵

۲۰۳-۲۰۴-۲۰۶-۲۱۰-۲۱۷-۲۲۱

۳-۵۱-۵۷-۲۲۱

۵۱-۱۲۴-۱۴۲-۱۴۷-۱۵۰-۱۵۳-۱۶۸

۱۷۱-۱۷۲-۲۰۲-۲۰۹-۲۲۳

۱۱۹

نثر الدر

نقحات الانس

نهایه ابن الاثیر

نهج البلاغه

وافی فیض

وسائل الشیعه



جدول خطا و صواب

صفحہ	سطر	خطا	صواب
۳	۸	من کتم امره	من کتم سره
۶	۱۲	إِنْ	إِنْ
۹	۱	السابقة	السابعة
۹	۲۲	۳۴	۲۴
۱۱	۱۳	بلاؤه	بلاؤه
۱۳	۲	موضوعه	موضوعه
۱۳	۷	أَمْرٍ	أَمْرٍ
۱۳	۱۰	ينفذ	ينفذ
۱۴	۱۰	فِرَاسَةً	فِرَاسَةً
۱۵	۱۷	۳۴	۳۴
۱۶	۲	تزوی	یزوی
۲۵	۱۲	۲۸	۸
۳۰	۲	وَالْمَعِدَّةُ	وَالْمَعِدَّةُ
۴۰	۲	لَا	الَّا
۶۳	۱۳	لِهَذَا	لِهَذَا -
۱۹۸ - ۱۲۳	۱۴ - ۴	کتاب قصص	کتاب ماخذ قصص
۱۱۸	۲۰	أَبْنِ	بْنِ
۱۶۲	۵	بر	پر

صواب	خطا	سطر	صفحه
۴۸۲	۴۸۶	۲	۱۶۶
۴۸۴	۴۸۲	۶	۱۶۶
۴۸۴	۴۸۲	۱۵	۱۶۶
صلی	صلی	۲۱	۱۷۲
بدزدی	بدردی	۲۳	۱۷۵
روزی	روری	۱۹	۱۸۲
مگذار	بگذار	۱۲	۱۹۱
بعضی	بعض	۲	۱۹۷
از	ار	۴	۲۱۵

انتشارات دانشگاه تهران

- ۱ - وراثت (۱) تألیف دکتر عزت‌الله خیبری
- ۲ - A Strain Theory of Matter « محمود حسابی
- ۳ - آراء فلاسفه درباره عادت ترجمه « برزو سپهری
- ۴ - کالبدشناسی هنری تألیف « نعمت‌الله کیهانی
- ۵ - تاریخ بیهوشی جلد دوم بتصحیح سعید نفیسی
- ۶ - بیماریهای دندان تألیف دکتر محمود سیاسی
- ۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها « سرهنگ شمس
- ۸ - حماسه سرائی در ایران « ذبیح‌الله صفا
- ۹ - مز دیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی « محمد معین
- ۱۰ - نقشه برداری جلد دوم « مهندس حسن شمسی
- ۱۱ - گیاه شناسی « حسین گل‌گلاب
- ۱۲ - اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی بتصحیح مدرس رضوی
- ۱۳ - تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول تألیف دکتر حسن ستوده تهرانی
- ۱۴ - روش تجزیه « علی‌اکبر پریهن
- ۱۵ - تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان فراهم آورده دکتر مهدی بیانی
- ۱۶ - حقوق اساسی تألیف دکتر قاسم زاده
- ۱۷ - فقه و تجارت « زین‌العابدین ذوالمجدین
- ۱۸ - راهنمای دانشگاه —
- ۱۹ - مقررات دانشگاه —
- ۲۰ - درختان جنگلی ایران « مهندس حمیدالله ثابتی
- ۲۱ - راهنمای دانشگاه بانگلیسی —
- ۲۲ - راهنمای دانشگاه بفرانسه —
- ۲۳ - Les Espaces Normaux تألیف دکتر هشترودی
- ۲۴ - موسیقی دوره ساسانی « مهدی برکشلی
- ۲۵ - حماسه ملی ایران ترجمه بزرگ علوی
- ۲۶ - زیست شناسی (۴) بحث در نظریه لامارک تألیف دکتر عزت‌الله خیبری
- ۲۷ - هندسه تحلیلی « علینقی وحدتی
- ۲۸ - اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول تألیف دکتر یگانه حایری
- ۲۹ - اصول گداز و استخراج فلزات « دوم « « «
- ۳۰ - اصول گداز و استخراج فلزات « سوم « « «
- ۳۱ - ریاضیات در شیمی « هورفر
- ۳۲ - جنگل شناسی جلد اول « مرحوم مهندس کریم ساعی

- ندارسد دتر محمد باقر هوسپار
- ۳۳- اصول آموزش و پرورش
- ۳۴- فیز یولژی گیاهی جداول
- ۳۵- جبر و آنالیز
- ۳۶- گزارش سفر هند
- ۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی
- ۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین
- ۳۹- واژه نامه طبری
- ۴۰- تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی
- ۴۱- تاریخ اسلام
- ۴۲- جانورشناسی عمومی
- ۴۳- Les Connexions Normales
- ۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان شناسی
- ۴۵- روان شناسی کودک
- ۴۶- اصول شیمی پزشکی
- ۴۷- ترجمه و شرح تبصرة علامه جداول
- ۴۸- اکوستیک « صوت » (۱) ارتعاشات - سرعت
- ۴۹- انگل شناسی
- ۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط
- ۵۱- هندسه تریسمی و هندسه رقومی
- ۵۲- درس اللغة والادب (۱)
- ۵۳- جانور شناسی سیستماتیک
- ۵۴- پزشکی عملی
- ۵۵- روش تهیه مواد آلی
- ۵۶- ماهمالی
- ۵۷- فیز یولژی گیاهی جلد دوم
- ۵۸- فلسفه آموزش و پرورش
- ۵۹- شیمی تجزیه
- ۶۰- شیمی عمومی
- ۶۱- امیل
- ۶۲- اصول علم اقتصاد
- ۶۳- مقاومت مصالح
- ۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر
- ۶۵- آسیب شناسی
- ۶۶- مکانیک فیزیک
- « » اسمعیل زاهدی
- « » محمد علی مجتهدی
- « » غلامحسین صدیقی
- « » پرویز ناتل خانلری
- « » مهدی بهرامی
- « » صادق کیا
- « » عیسی بهنام
- « » دکتر فیاض
- « » فاطمی
- « » هشترودی
- « » دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینی
- نگارش دکتر مهدی جلالی
- « » آ. وارتانی
- « » زین العابدین ذوالمجدین
- « » دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
- « » ناصر انصاری
- « » افضلی پور
- « » احمد بیرشک
- « » دکتر محمدی
- « » آزر
- « » نجم آبادی
- « » صفوی گلپایگانی
- « » آهی
- « » زاهدی
- « » دکتر فتح الله امیر هوشمند
- « » علی اکبر پریمن
- « » مهندس سعیدی
- ترجمه مرحوم غلامحسین زیرک زاده
- تألیف دکتر محمود کیهان
- « » مهندس گوهریان
- « » مهندس میردامادی
- « » دکتر آومین
- « » کمال جناب

۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۴) - مفصل شناسی

۶۸- درما شناسی جلد اول

۶۹- درما شناسی « دوم

۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات

۷۱- شیمی آنالیتیک

۷۲- اقتصاد جلد اول

۷۳- دیوان سید حسن غزنوی

۷۴- راهنمای دانشگاه

۷۵- اقتصاد اجتماعی

۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم

۷۷- زیبا شناسی

۷۸- تئوری سینتیک گازها

۷۹- کارآموزی داروسازی

۸۰- قوانین دامپزشکی

۸۱- جنگل شناسی جلد دوم

۸۲- استقالات آمریگا

۸۳- کنجگاو یهای علمی و ادبی

۸۴- ادوار فقه

۸۵- دینامیک گازها

۸۶- آئین دادرسی در اسلام

۸۷- ادبیات فرانسه

۸۸- از سر بن تا یونسکو - دو ماه در پاریس

۸۹- حقوق تطبیقی

۹۰- میکروب شناسی جلد اول

۹۱- میز راه جلد اول

۹۲- « « دوم

۹۳- کالبد شکافی (تشریح عملی دستوپا)

۹۴- ترجمه و شرح تبصره علامه جلد دوم

۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی

۹۶- « « (۴) - رگ شناسی

۹۷- بیماریهای گوش و حلق و بینی جلد اول

۹۸- هندسه تحلیلی

۹۹- جبر و آنالیز

۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)

۱۰۱- کالبد شناسی توصیفی - استخوان شناسی اسب

۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی

تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم -
دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس

تألیف دکتر عطائی

« « «

« مهندس حبیب الله نابتی

« دکتر گایگ

« « علی اصغر پور همایون

بتصحیح مدرس رضوی

-

تألیف دکتر شیدفر

« « حسن ستوده تهرانی

« علینقی وزیری

« دکتر روشن

« « جنیدی

« « میمنندی نژاد

« مرحوم مهندس ساعی

« دکتر مجیر شیبانی

-

« محمود شهابی

« دکتر غفاری

« محمد سنگلجی

« دکتر سپهبدی

« « علی اکبر سیاسی

« « حسن افشار

تألیف دکتر سهراب - دکتر میر دامادی

« « حسین گلژی

« « « «

« « نعمت الله کیهانی

« « زین العابدین ذوالمجدین

« دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم

دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس

« « « «

تألیف دکتر جمشید اعلم

« « کامکار پاریسی

« « « «

« « « «

« « « «

« « « «

نگارش دکتر محمد جواد جنیدی

- « نصرالله فلسفی
- « بدیع الزمان فروزانفر
- « دکتر محسن عزیزی
- « مهندس عبدالله ریاضی
- « دکتر اسمعیل زاهدی
- « سید محمد باقر سبزواری
- « محمود شهابی
- « دکتر عابدی
- « « شیخ
- « « مهدی قمشه
- « « دکتر علیم مروستی
- « « منوچهر وصال
- « « احمد عقیلی
- « « امیر کیا
- « « مهندس شیبانی
- « « مهدی آشتیانی
- « « دکتر فرهاد
- « « اسمعیل بیگی
- « « مرعشی
- « « علینقی منزوی تهرانی
- « « دکتر ضرابی
- « « بازرگان
- « « خبیری
- « « سپهری
- « « زین العابدین ذوالمجدین
- « « دکتر تقی بهرامی
- « « حکیم ودکتر گنج بخش
- « « رستگار
- « « محمدی
- « « صادق کیا
- « « عزیز رفیعی
- « « قاسم زاده
- « « کیهانی
- « « فاضل زندی
- « « مینوی ویحیی مهدوی
- « « علی اکبر سیاسی
- « « مهندس بازرگان

- آزمایش و تصفیه آبها

- هشت مقاله تاریخی و ادبی
- فیه مافیه
- ۱- جغرافیای اقتصادی جلد اول
- ۱- الکتروسیسته و موارد استعمال آن
- ۱- مبادلات انرژی در گیاه
- ۱- تلخیص الیابن عن مجازات القرآن
- ۱- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر
- ۱- شیمی آلی جلد اول تئوری و اصول کلی
- ۱- شیمی آلی «ارصانیک» جلد اول
- ۱- حکمت الهی عام و خاص
- ۱- امراض خلق و بینی و حنجره
- ۱- آنالیز ریاضی
- ۱- هندسه تحلیلی
- ۱- شکسته بندی جلد دوم
- ۱- باغبانی (۱) باغبانی عمومی
- ۱- اساس التوحید
- ۱- فیزیک پزشکی
- ۱- اکوستیک «صوت» (۲) مشخصات صوت - اوله - تار
- ۱- جراحی فوری اطفال
- ۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)
- ۱- چشم پزشکی جلد اول
- ۱- شیمی فیزیک
- ۱- بیماریهای گیاه
- ۱- بحث در مسائل پرورش اخلاقی
- ۱- اصول عقاید و کرائم اخلاق
- ۱- تاریخ کشاورزی
- ۱- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن
- ۱- امراض واگیر دام
- ۱- درس اللغة و الادب (۲)
- ۱- واژه نامه گرسگانی
- ۱- تک یاخته شناسی
- ۱- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)
- ۱- عضله و زیبایی پلاستیک
- ۱- طیف جذبی و اشعه ایکس
- ۱- مصنفات افضل الدین کاشانی
- ۱- روان شناسی (از لحاظ تربیت)
- ۱- فرمودینامیک (۱)

- ۱۴۱- بهداشت روستائی
- ۱۴۲- زمین شناسی
- ۱۴۳- مکانیک عمومی
- ۱۴۴- فیزیک و لوژی جلد اول
- ۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیک و لوژی
- ۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی جلد اول
- ۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول
سلسله اعصاب محیطی
- ۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم
اعصاب مرکزی
- ۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه
- ۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)
- ۱۵۱- اندام شناسی گیاهان
- ۱۵۲- چشم پزشکی (۴)
- ۱۵۳- بهداشت شهری
- ۱۵۴- انشاء انگلیسی
- ۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیک) (۴)
- ۱۵۶- آسیب شناسی (گانگلیوت استلر)
- ۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی
- ۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری
- ۱۵۹- حشره شناسی
- ۱۶۰- نشانه شناسی (علم العلامات) جلد اول
- ۱۶۱- نشانه شناسی بیماریهای اعصاب
- ۱۶۲- آسیب شناسی عملی
- ۱۶۳- احتمالات و آمار
- ۱۶۴- الکتریک پسته صنعتی
- ۱۶۵- آئین دادرسی کیفری
- ۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)
- ۱۶۷- فیزیک (تابش)
- ۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)
- ۱۶۹- » » » » (جلد سوم- قسمت اول) » محمد تقی دانشپژوه
- ۱۷۰- رساله بود و نمود
- ۱۷۱- زندگانی شاه عباس اول
- ۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلد سوم)
- ۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی سینا بزبان فرانسه
- ۱۷۴- تاریخ مصر (جلد اول)
- ۱۷۵- آسیب شناسی آزر دگی سیستم رتیکولو آندوتلیال
- ۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانیک
- نگارش دکتر زوین
- « « یدالله سجایی
- « « مجتبی ریاضی
- « « کاتوزیان
- « « نصرالله نیک نفس
- « سعید نفیسی
- « دکتر امیر اعلم- دکتر حکیم
- دکتر کیهانی- دکتر نجم آبادی- دکتر نیک نفس
- » » » »
- » » » »
- تألیف دکتر اسدالله آل بویه
- « پارسا
- » » ضرابی
- » » اعتمادیان
- » بازار گادی
- » دکتر شیخ
- » » آرمین
- » » ذبیح الله صفا
- بتصحیح علی اصغر حکمت
- تألیف جلال افشار
- » دکتر محمد حسین میمندی نژاد
- » » صادق صبا
- » » حسین رحمتیان
- » » مهدوی اردبیلی
- » » محمد مظفری زنگنه
- » » محمد علی هدایتی
- » » علی اصغر پورهایون
- » » روشن
- » علینقی منزوی
- » » » » محمد تقی دانشپژوه
- » محمودشهابی
- » نصرالله فلسفی
- بتصحیح سعید نفیسی
- » » »
- تألیف احمد بهمنش
- » دکتر آرمین
- » مرحوم زبرک زاده

- فیزیولوژی (طب عمومی) ۱
خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس) ۱
تاریخ مصر (جلد دوم) ۱
سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین ۱
فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم - قسمت دوم) ۱
اصول فن کتابداری ۱
رادیو الکتریسیته ۱
پیوره ۱
چهار رساله ۱
آسیب شناسی (جلد دوم) ۱
یادداشت های مرحوم قزوینی ۱
استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم) ۱
جغرافیای عمومی (جلد اول) ۱
بیماریهای واگیر (جلد اول) ۱
بطن فولادی (جلد اول) ۱
حساب جامع و فاضل ۱
ترجمه مبدء و معاد ۱
تاریخ ادبیات روسی ۱
تاریخ تمدن ایران ساسانی ۱
درمان تراخم با الکترولیز و کوآگولاسیون ۱
شیمی و فیزیک (جلد اول) ۱
فیزیولوژی عمومی ۱
دارو سازی جالینوسی ۱
علم الالامات نشانه شناسی (جلد دوم) ۱
استخوان شناسی (جلد اول) ۱
پیوره (جلد دوم) ۱
علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید ۱
قواعد فقه ۱
تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران ۱
فهرست مصنفات ابن سینا ۱
مخارج الحروف ۱
عیون الحکمه ۱
شیمی بیولوژی ۱
میکرشناسی (جلد دوم) ۱
حشرات زیان آور ایران ۱
شو اشناسی ۱
حقوق مدنی ۱
- نگارش دکتر مصباح ۱
» » زندگی ۱
» » احمد بهمنش ۱
» » دکتر صدیق اعلم ۱
» » محمد تقی دانش پژوه ۱
» » دکتر محسن صبا ۱
» » رحیمی ۱
» » محمود سیاسی ۱
» » محمد سنگلجی ۱
» » دکتر آرمین ۱
فراهم آورده آقای ایرج افشار ۱
تألیف دکتر میر بائی ۱
» » مستوفی ۱
» » غلامعلی پینشور ۱
» » مهندس خلیلی ۱
» » دکتر مجتهدی ۱
ترجمه آقای محمودشاهی ۱
تألیف » سعید نفیسی ۱
» » » ۱
» » دکتر پرفسور شمس ۱
» » توسلی ۱
» » شیانی ۱
» » مقدم ۱
» » میمنندی نژاد ۱
» » نعمت اله کیهانی ۱
» » محمود سیاسی ۱
» » علی اکبر سیاسی ۱
» » آقای محمودشاهی ۱
» » دکتر علی اکبر پینا ۱
» » مهدوی ۱
تصحیح و ترجمه دکتر پرویز نائل خانلری ۱
از ابن سینا - چاپ عکسی ۱
تألیف دکتر مافی ۱
» » آقایان دکتر سهراب ۱
دکتر میردامادی ۱
» » مهندس عباس دواجی ۱
» » دکتر محمد منجعی ۱
» » سعید حسن امامی ۱

- ۲۱۵ مکانیک استدلالی
 ۲۱۶ ترمودینامیک (جلد دوم)
 ۲۱۷ گروه بندی وانتقال خون
 ۲۱۸ فیزیک، ترمودینامیک (جلد اول)
 ۲۱۹ روان پزشکی (جلد سوم)
 ۲۲۰ بیماریهای درونی (جلد اول)
 ۲۲۱ حالات عصبانی یا نورز
 ۲۲۲ کالبدشناسی توصیفی (۷)
 (دستگاه گوارش)
 ۲۲۳ علم الاجتماع
 ۲۲۴ الهیات
 ۲۲۵ هیدرولیک عمومی
 ۲۲۶ شیمی عمومی معدنی فلزات (جلد اول)
 ۲۲۷ آسیب شناسی آزردهای سورنال « غده فوق کلیوی »
 ۲۲۸ اصول الصرف
 ۲۲۹ سازمان فرهنگی ایران
 ۲۳۰ فیزیک، ترمودینامیک (جلد دوم)
 ۲۳۱ راهنمای دانشگاه
 ۲۳۲ مجموعه اصطلاحات علمی
 ۲۳۳ بهداشت غذایی بهداشت نسل
 ۲۳۴ جغرافیای کشاورزی ایران
 ۲۳۵ ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۱)
 ۲۳۶ احتمالات و آمار ریاضی (۲)
 ۲۳۷ اصول تشریح چوب
 ۲۳۸ خون شناسی عملی (جلد اول)
 ۲۳۹ تاریخ ملل قدیم آسیای غربی
 ۲۴۰ شیمی تجزیه
 ۲۴۱ دانشگاهها و مدارس عالی آمریکا
 ۲۴۲ پانزده گفتار
 ۲۴۳ بیماریهای خون (جلد دوم)
 ۲۴۴ اقتصاد کشاورزی
 ۲۴۵ علم العلامات (جلد سوم)
 ۲۴۶ بتن آرمه (۲)
 ۲۴۷ هندسه دیفرانسیل
 ۲۴۸ فیزیولوژی گل ورده بندی تک لپه ایها
 ۲۴۹ تاریخ زندیه
 ۲۵۰ ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۲)

- » پرفسور فاطمی
 » مهندس بازرگان
 » دکتر یحیی بویا
 » » روشن
 » » میرسیاسی
 » » میمنندی نژاد
 ترجمه » چهرازی
 تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
 دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
 تألیف دکتر مهدوی
 » فاضل تونی
 » مهندس ریاضی
 تألیف دکتر فضل الله شبروانی
 » » آرمین
 » علی اکبرشهابی
 تألیف آقای دکتر علمی کنی
 » » روشن
 —
 نگارش دکتر فضل الله صدیق
 » دکتر تقی بهرامی
 » آقای سید محمد سبزواری
 » دکتر مهدوی اردبیلی
 » مهندس رضا حجازی
 » دکتر رحمتیان دکتر شمس
 » » بهمنش
 » » شبروانی
 » فضیاء الدین اسمعیل بیکی
 » آقای مجتبی مینوی
 » دکتر یحیی بویا
 » » احمد هومن
 » » میمنندی نژاد
 » آقای مهندس خلیلی
 » دکتر بهروز
 » » زاهدی
 » » هادی هدایتی
 » آقای سبزواری

۲۵۱	حقوق مدنی (۲)	نگارش دکتر امامی
۲۵۲	دفتر دانش و ادب (جزء دوم)	—
۲۵۳	یادداشت‌های قزوینی. (جلد دوم ب، ت، ث، ج)	» ایرج افشار
۲۵۴	تفوق و برتری اسپانیا	» دکتر خانبا با بیانی
۲۵۵	تیره شناسی (جلد اول)	» » احمد پارسا
۲۵۶	کالبد شناسی توصیفی (۸)	تألیف دکتر امیر اعلم — دکتر حکیم — دکتر کیهانی
	دستگاه ادرار و تناسل — برده صفاق	دکتر نجم آبادی — دکتر نیک نفس
۲۵۷	حل مسائل هندسه تحلیلی	نگارش دکتر علی تقی وحدتی
۲۵۸	کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه‌ای)	» » میر بابائی
۲۵۹	اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق	» مهندس احمد رضوی
۲۶۰	بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی)	» دکتر رحمتیان
۲۶۱	سرطان شناسی (جلد اول)	» » آرمین
۲۶۲	شکسته بندی (جلد سوم)	» » امیر کیا
۲۶۳	بیماریهای واگیر (جلد دوم)	» » پیش‌ور
۲۶۴	انگل شناسی (بندپایان)	» » عزیز رفیعی
۲۶۵	بیماریهای درونی (جلد دوم)	» » میمندی نژاد
۲۶۶	دامپروری عمومی (جلد اول)	» » بهرامی
۲۶۷	فیزیولوژی (جلد دوم)	» » علی کاتوزیان
۲۶۸	شعر فارسی (در عهد شاه رخ)	» » بارشاطر
۲۶۹	فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)	» ناصرقلی رادسر
۲۷۰	منطق التلویحات	» دکتر فیاض
۲۷۱	حقوق جنائی	» » عبدالحسین علی آبادی
۲۷۲	سمیولوژی اعصاب	» » چهارازی
۲۷۳	کالبد شناسی توصیفی (۹)	تألیف دکتر امیر اعلم — دکتر حکیم — دکتر کیهانی
	(دستگاه تولید صوت و تنفس)	دکتر نجم آبادی — دکتر نیک نفس
۲۷۴	اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی	نگارش دکتر محسن صبا
۲۷۵	تجزیه و تحلیل کنفرانس اتمی ژنو	» » جناب دکتر بازرگان
۲۷۶	امکان آلوده کردن آبهای مشروب	نگارش دکتر حسین سهراب — دکتر میمندی نژاد
۲۷۷	مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸	ویروسها	» » فرح الله شفا
۲۷۹	تأیهیت‌ها (آلکها)	» » عزت الله خبری
۲۸۰	گیاه شناسی سیستماتیک	» » محمد درویش
۲۸۱	تیره شناسی (جلد دوم)	» » پارسا
۲۸۲	احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	» » مدرس رضوی

R

CALL No. { ۲۹۷۵۱۲۴ } ACC. No. ۳۲۰۵

AUTHOR بدیع الزمان فروزانفر -

TITLE احادیث منوی

(R) Acc. No. ۳۲۰۵

Class No. ۲۹۷۵۱۲۴ Book No. ۲۱۵

Author بدیع الزمان فروزانفر

Title احادیث منوی

AT THE TIME

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-books and **10 Paise** per volume per day for general books kept over - due.

